گنج تاریخ

بسم الله الرحمن الرحیم

خالق اکبر تعالی شانه — وحده سبحانه سبحانه
صاحب لطف و کرم [illegible] علیم — مالک و رزاق و رحمان رحیم
[illegible] اندر [illegible] — [illegible] اندر زمین و آسمان
[illegible] — [illegible] کلام و سحر از نور اوست
[illegible] — مستفیض از فیض دیدارش نظر
[illegible] جهان — وقت مشکل دستگیر بندگان
واحد و یکتا و رب العالمین — غافر الذنب و غفور المذنبین
ذات او [illegible] بی حجاب کبریا — صانع لوح و قلم ارض و سما
[illegible] جن و ملک — فرش و عرش و کوه و دریا و فلک
[illegible] دام و دد و وحش و طیور — باد و خاک و آب و آتش نار و نور
[illegible] حضرت آمدند — قطره‌ای زان بحر حقیقت آمدند
[illegible] علام الخبیر — قادر مطلق بصیرست و قدیر
[illegible] — بود او شد باعث هر اصل بود
[illegible] — نقش آن نقاش پیدا جابجا
[illegible] پیدا [illegible] — اندر [illegible] دل هویدا نور او

گوش زو شنوا زبان گویا ست زو — دیدهٔ اهل نظر بیناست زو
جلوهٔ او شد عیان بر روی گل — بوی او پیداست اندر بوی گل
خوان بقرآن قل هو الله احد — بی زن و فرزند الله الصمد
کن نظر سر و زر چشم دو رمین — تا منظر آید ترا نور یقین

در نعت سرور کائنات خلاصه موجودات سید عالم صلی الله علیه وسلم

سید کونین ختم الانبیا — احمد مرسل محمد مصطفی
باج بگرفت از سلاطین تاج او — تا جداران جهان محتاج او
هادی گم گشتگان و گمرهان — خانه دار خانهٔ کون و مکان
حامی دین و شفیع المذنبین — ابر رحمت رحمة للعالمین
چتر لولاک هست زیبا بر سرش — خلعت الا رسول اندر برش
از احد گر دست این احمد ظهور — نور عین آمد عیان از عین نور
از میانش میم چون بر داشتند — ذات احمد را احد بنگاشتند
در ثنایش از زمین تا آسمان — هست بر اهل زبان رطب اللسان
نام نامیش محمد مصطفی — وه چه خوش نام خدا صل علی
صد صلوة و صد درود و صد سلام — باد بر روحش الی یوم القیام

در مدح هر چهار اصحاب کبار حضرت سید ابرار صلی الله علیه وسلم

اولا صدیق آن والا همم — کان صدق و مخزن لطف و کرم
صادق و اصدق محب کبریا — یار غار مصطفی با صد صفا
شاهد او صاف قرآنش بس است — اذ هما فی الغار در شانش سزاست
و آن عمر والا گهر غازی دین — بعد پیغمبر نبی را جانشین
بنده حق اهل حق حق التیام — از زبانش حق عیان گشتی مدام
بر کلامش ینطق الحق شد دلیل — هست این قول نبی بی قال و قیل
در جهان شد عزت اسلام زو — یافت دین حق بعالم نام زو
حضرت عثمان شه اهل صفا — جانشین ثالث خیر الوری
مخزن انوار و ذی النورین اوست — آفتاب دین شه کونین اوست

مجمع البحرین دریای سخا　　شاه والا جاه با حلم و حیا
حیدر صفدر شه کرار بود　　ابن عم احمد مختار بود
پهلوان شیر دل شیر خدا　　والی عالی علی المرتضی
عاشق الله و محبوب نبی　　پادشاه دین سخی متقی

در تشریح و تقسیم این کتاب که بهشت مخزن منقسم است

بهر ذکر خیر پیران کرام　　یافته این گنج تاریخ انتظام
نیز در ذکر شهان با وقار　　داده ام این گنج خود را افتخار
جا بجا تاریخ هر یک گفته ام　　طرفه تر در نظم گوهر سفته ام
در هزار و دو صد و هشتاد و چار　　باید این مخزن ز سر در یادگار
نام تاریخی ز بهر این کتاب　　گنج تاریخ آمده اندر حساب
کرده ام تقسیم اندر هشت گنج　　تا بیابی حصه بی دست رنج
مخزن اول رقم ای نیک نام　　گشت در ذکر شه خیر الانام
نیز سال فوت اصحاب کبار　　شد درو ترقیم ای عالی وقار
باز در ذکر امامان کرام　　ختم شد گنج نخستین والسلام
گنج ثانی شد مهیا ای اخی　　در بیان اولیای قادری
گنج ثالث آمد ای نیکو سرشت　　بهره ذکر خاندان اهل چشت
در چهارم شد بطرز دلپسند　　ذکر خیر اولیای نقشبند
کرده ام در مخزن پنجم عیان　　شرح حال سهروردیه بیان
گنج ششم هست در متفرقات　　منتهین ذکر زنان عارفات
هشتمین ذکر شهان با وقار　　یافت زایشان گنج تاریخ افتخار
گنج هشتم را من ای والاهمم　　کرده ام در یازده حصه رقم
حصه اول چو کردم ابتدا　　بخره زو دادم بنی امیه را
حصه ثانی چو شد از من عیان　　شد بنی عباس را دروی بیان
حصه ثالث ز روی آگهی　　شد درو ذکر شهان غزنوی
حصه چارم چو آمد بر قلم　　گشت در وی ذکر غوریه رقم

پنجمین خلجیه آمد در شمار | تغلقی ششم بدان ای باوقار
خضرخانی را بهفتم کن نظر | هشتمی لودیه ای والاگهر
در نهم چنگیزی است ای نیک‌خو | نیز تیموری و چغتائی بگو
شد رقم اندر دهم ای نوجوان | حالت شاهان متفرق بیان
حصه‌ها جدی عشرای جان من | گفته‌ام در ذکر امرائی زمن
نیز ذکر شاعران هوشمند | شد بیان در وی بطرز دلپسند
جامع این جمله گنج مختصر | بنده پرعیب و خالی از هنر
سرورم نی غلام سرورم | زیب در تاج غلامی بر سرم
هست پیش شاعران باهنر | دعوی شاگردی‌ام بس سربسر
ذره‌ام در پیش نور آفتاب | بلکه چون خاشاک پیش بحر آب
زین سبب دارم بصد عجز و ندا | در جناب حضرت شان التجا
پرخطاهائی که باشد در کتاب | خامه اصلاح رانند از ثواب
ورنه بنهد از سر لطف و سخا | بر خطاهای پرخطا دست عطا
هرکه بر این پرخطا احسان کند | دائما بر وی خدا احسان کند
پرده پوشی کن که ستار العیوب | بندگان را هست غفار الذنوب
یا الهی بهر آل فاطمه | وقت رحلت کن مرا ایمان خاتمه
یا الهی بهر اولاد علی | دار ما را از محبان نبی
یا الهی بهر اصحاب رسول | کن دعای سرور سیدن قبول
یا الهی بهر پیران کرام | دار ما را در دو عالم نیک‌نام

گنج اول در قطعات تواریخ وفات حضرت سرور عالم صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین و ائمه دین رضوان الله تعالی عنهم اجمعین

قطعه وفات آنحضرت علیه الصلاة والسلام که در سال یازده هجری بود

چون محمد از جهان پوشید رو | مثل خورشید جلوه گر اندر جنان
محو هو بود است ذات پاک او | گشت از هو سال ترحیلش عیان
بود ذاتش مخزن حب خدا | سال ترحیلش احب ای جوان

ولادت حضرت سرور کائنات صلی الله علیه وسلم از شرفای قریش صحیح الطرفین از جانب پدر محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف و از جانب مادر بی بی آمنه بنت وهب ... بسیار اند از آنجمله محمد و احمد و حامد و محمود و مصطفی از مشهورترین اسامی آنجناب ... ولادت با سعادت آنحضرت بروز دوشنبه وقت قبل از طلوع صبح صادق ... ماه ربیع الاول ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

شد ز وصلش حب مولی از زمین	ز انتقالش رفت مطلوب از زمان
میر از دوران سفر کرد ای دریغ	از وفات او بد و رفت از جهان
گشت پیدا سال وصل آنجناب	شد حبیب حق چو از عالم روان
کعبه لی مولی ست از وصل نبی	ماند آخر بیوفا لفظ زمان

قطعه ثانی

رسول امین سید دو جهان	جناب محمد علیه السلام
سفر کرد چون زین جهان فنا	بخلد برین یافت جای مقام
صفا رفت ز آفاق از رفتنش	دگر ماند آل نبی بی امام

قطعه تاریخ وفات یار غار پیغمبر صدیق اکبر ابی بکر رضی الله عنه که بسال سیزدهم از هجرت بوقوع آمد

حضرت صدیق اکبر یار غار	حاکم کون و والی کون و مکان
صادق و صدیق و غمخواری	در دلش عشق محمد همچو جان
یار دلدار جناب مصطفی	شد چو از دنیا بخلد جاودان
وجد کن تحریر با لفظ جهاد	یا احد یا جود وصلش کن بیان
باز چون جستم وصال پاک او	شد ندا از دل ولی رفت از جهان

قطعه ثالث

حضرت صدیق اکبر شاه دین	جانشین مصطفی با عز و شان
رفت آخر زین جهان بی ثبات	یافت در پهلوی پیغمبر مکان
گشت پیدا رحلت آن پادشاه	رفت از دوران چو سلطان زمان
کرد از دوران محقق چون سفر	میشود سال وصال او عیان
جلوه گر شد سال وصل آنجناب	ماه روی خود چو پوشید از جهان
ارتحال او کمال از عدل رفت	سرورا کن سال وصل او بیان

قطعه تاریخ وفات فاروق الاعظم عالی جناب عمر ابن الخطاب رضی الله عنه که بسال بیست و سه یا بیست و چهار از هجرت مقدس بوقوع آمده بود

چون عمر چون گنج زیر خاک رفت	روح پاکش بر سر افلاک رفت

ذکر کنیت عمر ابو حفص است و لقب
فاروق اعظم و نام پدر وی خطاب
بن نفیل بن عبد العزی بن ریاح بن
عبد الله بن قرط بن رزاح بن عدی
بن کعب و نسب وی [illegible]
پیغمبر [illegible]
[illegible]

پاک شد سال وصال او عیان	یعنی پاک آمد بدنیا پاک رفت

قطعهٔ ثانی

جانشین مصطفی حضرت عمر	بود بر فرش زمین عرش آستانی
آخرش چون زین جهان پر ملال	کرد رحلت شد باقلیم جنان
سال تاریخش وجیهه گفت ای اخی	باز فرما رفت سید از زمان
نیز سال ارتحالش طرفه تر	گو ز عالم رفت محبوب جهان
وحی دان هدیه بخوان جاوید گو	سال وصل آن شه عالی مقام

قطعهٔ ثالث

عمر آن معدن سراپاسی	کرآمد در وجود عالم ذات او طاق
ز فوتش ماند عالم خالی از حسن	دگر رفته محب حق ز آفاق

قطعهٔ تاریخ وفات حضرت عثمان ابن عفان رضی الله عنه که در سال سی و پنج یا سی و شش از هجرت شاه رسالت وفات یافت

چو زین دهر ناپایدار جهان	سفر کرد عثمان بصد عز و جاه
بگو اهل تاریخ ترحیل او	حبیب احد باز نقط آله

قطعهٔ ثانی

امیر خلق عثمان ابن عفان	که بر عشق محمد بود مشتاق
خرد از بهر سال انتقالش	بگفتا شد امام دین ز آفاق

قطعهٔ ثالث

شاه عثمان خلیفهٔ بر حق	از جهان شد بجنت اعظم
سال تاریخ آن سراپا عدل	ای بگو رفت عادل از عالم

تاریخ وفات علی المرتضی شیر خدا کرم الله وجهه که بسال چهلم هجری وفات یافت

مرتضی شاه ولی مظهر انوار جلی	خانهٔ دین نبی یافت ازو آبادی
زاهد پاک چو تاریخ وصالش جستم	از خرد باز ندا گشت که هادی هادی

قطعهٔ ثانی

مرتضی شیر خدا شاه جهان	طالب الله و مطلوب نبی

[illegible]

حامی دین و وصی مصطفی — شاه غازی پهلوان مرتضی
گشت چون از فرش بر عرش عروج — شد ندا از دل معلی شد علی
نیز گفتم رفت محبوب از زمان — تا شده تاریخ وصلش منجلی
بنده حق رفت چون بیرون ز دهر — یافت آخر صورت مولی ولی
از زمین خوبی رفت زیب اولیا — یافتم از سال فوتش آگهی
بود ذات او دل هر اهل دل — از وفاتش ماند بیدل یکدگی
از دل و جان ورد کن سرور مدام — یا علی مولی علی مولی علی

قطعه ثالث

چون شهادت یافت با صدق یقین — شیر یزدانی علی المرتضی
بهر سال انتقال آن جناب — از دل سرور چنین آمد ندا
صاحب از عالم سفر کرد ای دریغ — رفت از عالم حبیب الاولیا

تاریخ شهادت حضرت امام حسن رضی الله عنه که در سنه پنجاهم هجری بوقوع آمد

مجمع خلق حسن حضرت حسن — احسن دین محسن دوران ما ن
نور چشم حضرت خیر النسا — قرة العین نبی دو جهان
رفت چون از دار دنیا گفت دل — عندلیب جان ماند و شد واه از جهان
کامل و مالک ز عالم چون برفت — گشت تاریخ وصال او عیان
رحمت حق بر روان پاک او — باد تا باشد زمین و آسمان

قطعه ثانی

محسن دین حسن امام جهان — نور چشم علی ولی زمان
چون محب جناب نبوی بود — پس محب شاه هست سال رحلت آن
نیز گو سال رحلت آن شاه — ماند بی یار سر نشر و در آن
چون گل باغ جنت است حسن — هست گل سال رحلتش شایان

قطعه ثالث

چون ز دنیای دنی مسموم رفت — آن محب ذو المنن شاه حسن
گفت دل اسلام از آفاق رفت — ماند خالی آه از وای زمین

بن ابو سفیان تفویض نمود و از
جنگ و خون ریزی خلق دست
باز داشت و عهد نامه مشروط
بچند شرایط از معاویه تحریر کنانید
آخر بقصد زهر که جعده منکوحه
وی بود بزهر شهادت چشید و
درین باب اختلاف است بعضی
نیز با آنکه جعده بایماء معاویه
زهر بآنجناب داده بود و بعضی
با ایمای یزید پلید اما قول اول
که مولانا عبد الرحمن جامی معتقد
آن است مقرون بصدق است
چراکه بعد شهادت آنحضرت معاویه
یزید را ولی عهد خود کرده بود در
حیات آنجناب حسب شرط عهد نامه
ممکن نبود ۱۲

تاریخ شهادت امام المجتبی شهید کربلا سید الکونین امام حسین رضی الله عنه که در سال شصت یا شصت و یک سنه هجری بوقوع آمد

سید ابر حسین المجتبی — مقتدای زمرهٔ اهل الیقین
چون شهادت یافت در کرب و بلا — روح پاکش رفت بر عرش برین
جستم از دل سن و سال وصل او — گفت رضوان رفت فی اعلی از زمین
باز فرما قبله بی ما بد بماند — هم بگو ز آفاق شد محبوب دین
سید امجد بجوان ز آفاق رفت — تا کنی حاصل وصالش بالیقین
علم بی کس ماند از ترحیل او — گفت سرور سال وصل او چنین

مثنوی

شه مظلوم سید الثقلین — پادشاه زمانه شاه حسین
رفت چون از جهان حزن ملال — یافت با ذات حق کمال وصال
سال ترحیل وی نکو دانی — گر تو واصل حو و بر خوانی
دوست محبوب حق محب ازل — سال وصلش بگو حبیب ازل
سال ترحیل آن شه کونین — آمده آخرین دو حرف حسین
سال وصلش عجب شدست عیان — قبله دین برفت از دوران
بکن رقم هم با خلاف امم — زبده دین برفت از عالم
سال ترحیل آن شه اعظم — هست شد بی نیاز از عالم
گو جوان رحلتش موید خواه — نیز مودود و بنده دل آگاه

تاریخ ولادت و وفات امام المومنین علی الملقب بزین العابدین که ولادتش در سال سی و هشت و وفات در سال نود و چار یا نود و پنج بوقوع آمده بود

سید دین شاه زین العابدین — بود محبوب جناب ذو الجلال
زاهد طیب بگو تولید او — وصل بی عیب و عزیز با کمال
پهلوان و انجم و والاجناب — عابد زاهد دگر ای خوش خصال
سید هادی دآب زندگی — سید طیب دگر تاریخ سال

قطعهٔ ثانی

... سیده ... زینب ... بنت ... والده ... حسین ... فاطمه بنت ... و وفات وی ... [illegible]

آن شه عالی علی ابن الحسین	مقتدای اولیا وے متقی
سال تولیدش عیان شد از ازل	نیز والا باز آمد آل ای وصلے
بهر وصلش جان و دل آن آفاق رفت	شد ز دوران سید آل نبی
هم خرد والی والا جاه گفت	باز محبوب اله هست ای اخی

تاریخ ولادت و وفات امام محمد باقر رضی الله عنه که ولادتش در سال پنجاه و هشت یا هفت و وفات در سنه یک صد و دوازده یا یازده بوقوع آمد

نور چشم محمد است و علی	آنچه او در المحمد آمد نام
گشت سید المحمد تولیدش	هم موحد شد از خرد و الهام
ارتحالش محب دین سید هست	نیز شد سید ازل ارقام

قطعه ثانی

محمد حبیب خدا یار حق	چو شد زین جهان فنا در جنان
همایون و دمساز و زنده ولی	رقم کن تاریخ آن مهربان
بگو جامع و نیک دل سال او	حبیب محمد بخوان ای جوان

قطعه ثالث

حضرت باقر امام باصفا	قره چشم شه خیر الانام
هست والی هدا تولید او	نیز محبوب است نزد خاص و عام
سال وصل او بگو هادی حشر	هم بخوان ای یار هادی انام
نیز وصل او امام ایزدی است	پس ولی الله دان ای نیکنام
اهل دل ز آفاق چون بدرود گشت	سال ترحیلش بر آمد والسلام

تاریخ ولادت و وفات امام جعفر صادق بن محمد باقر رضی الله عنه که ولادت وی در سال هشتاد و وفات در سنه یکصد و چهل و هشت یا نه بوقوع آمد

امام باصفا صادق شه دین	گر بود آمد طلب مطلوب کامل
تولیدش عطا گو نیک برخوان	ترحیلش بدان محبوب کامل

قطعه ثانی

حضرت جعفر آن شه صادق	رهبر خلق و مرشد دوران

... و دو ... از وی ... پنجاه و ... سال ... مدفون در جنت البقیع ... کرامت و خوارق ... حضرت امام ... بیرون از شمار است آن ... تفصیل آن بتفصیل در ... کتاب خزینة الاصفیا ... است ... مادرش ... ابو عبدالله ... کنیت وی ... و لقب وی صادق ... و ابو اسمعیل ... ام فروه ... والده وی ام فروه بنت قاسم بن محمد بن ابو بکر صدیق ... ام فروه ... اسما بنت عبد الرحمن بن ابو بکر ... است ولادت ... رضی الله عنه ... در مدینه بتاریخ ... وفات ... ماه ربیع الاول ... 9 ... دوشنبه پانزدهم رجب بوقوع آمد ... امام ششم است از ائمه اثنا عشر و مقتدای اهل طریقت ... شریعت و ... طریقت و صوفیه عالیه ... و خلقی بسیار بلکه بی تعداد و بی شمار از وی ... فیض علوم ظاهری و باطنی یافتند و خوارق و کرامت بسیار از آن جناب بظهور آمدند ... مزار پر انوار وی در جنت البقیع در مقبره آبا و اجداد وی ... زیارتگاه خلق است ۱۲

صحبت کرد [illegible] باطنی حاصل [illegible] و بعض علوم ظاهری [illegible] رضی الله عنه صحبت داشت و با امام جعفر صادق [illegible] اهل بیت [illegible] از تابعین بود [illegible] امام نعمان بن ثابت [illegible] امام اعظم [illegible] کنیت وی ابو حنیفه

هست تولید او وصے اجل	آمده زبده و نبی به بیان
نیز محبوب ایزد است عجب	بهر سال ولادتش شایان
حق طلب گشت رحلتش پیدا	هم ولی زمانه هست عیان
باز با اختلاف خلق بگو	صاحب و آلی و محب زمان

قطعه ثالث

چون ز دوران صادق ذی جاه رفت	شاه رفت و شیخ حق آگاه رفت
عقل سال انتقال آنجناب	گفت از دوران ولی الله رفت

تاریخ ولادت و وفات امام اعظم بو حنیفه کوفی رضی الله عنه که ولادت وی در سال هشتاد یا هشتاد و دو و وفات در سنه یکصد و پنجاه بوقوع آمد

بو حنیفه آن امام ذو الکرام	مستفیض آمد ز فیضش خاص و عام
نیک صورت نیک سیرت نیک روز	نیک خوی و نیک خواه و نیک نام
سال تولیدش بقول اهل سیر	بی نیاز آمد یکی ثانی امام
کن رقم سلطان بسال وصل او	طالب حق گوی و محبوب انام
شد قوی دل سال ترحیلش عیان	مهدی کامل رقم کن والسلام
سیف خوان سالش دگر باره علیم	هم بجو از فوج عملش لا کلام
قطب از دوران سفر کرد ای دریغ	بهر وصل آن شد ذو الامقام

تاریخ ولادت و وفات حضرت امام مالک رضی الله عنه که ولادت وی در سال نود و پنج و وفات در یکصد و هفتاد و نه یا یکصد و هشتاد و یک هجری بوقوع آمد

آن امامیکه مالک دین است	بود مخدوم و مقتدای زمان
هست تولید او محب ازل	والی اولیا و اهل جهان
سال وصلش بخوان امام زمن	مالک ملک یا بگو سلطان
قطب محبوب است تاریخش	سالک اهل دل دگر برخوان

تاریخ ولادت و وفات امام ابو یوسف رحمة الله علیه که ولادت وی در یکصد و ده یا یازده و وفات در سنه یکصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

آن امام خلق و مقبول اله	یوسف دین زبده اهل یقین

صلی الله علیه وسلم [illegible] از اصحاب رسول
احادیث روایت کرد [illegible]
گرامی ایشان این انس بن
مالک [illegible] بن عبد الله
عبد الله بن انس عبد الله
[illegible] عبد الله بن عمر [illegible] بن
یسار و [illegible] بن [illegible] بن
[illegible] رضی الله
عنهم [illegible] آنجناب
[illegible] کنیت وی [illegible]
نام مالک است و [illegible] ابو عبد الله و
از ائمه اربع اهل سنت [illegible] و
امام شافعی رضی الله عنه [illegible] است
[illegible] بسیار داشت [illegible] فضائل
در ماه ربیع الآخر [illegible] وفات
[illegible] در مدینه منوره است
[illegible] یعقوب بن
[illegible] ابو یوسف
[illegible]
[illegible] امام اعظم [illegible]
[illegible] قاضی القضاة
[illegible]
وی [illegible] یافت
سال عمر [illegible]

ماه دین گو قطب خوان تولید او	سال ترحیلش امام اهل دین

قطعه ثانی

ابو یوسف آن یوسف دین حق	ولی جهان مقتدای زمان
بگو مه جبین باز اهل جمال	بتاریخ تولیدش ای نکته دان
خرد گفت وصلش سعید ازل	دلم گفت عابد ولی جهان

تاریخ وفات امام محمد شیبانی رضی الله عنه که در سال یکصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

چون محمد از عطای ذو الجلال	رفت از دنیای دون اندر جنان
زاهد مقبل بگو تاریخ او	هم کرم محبوب سبحانی بخوان
صوفی آمد نیز سال وصل او	شد مه عالم ز اوج دل عیان

قطعه ثانی

محمد چو از لطف و فضل اله	رسید از جهان در مقام جنان
رقم شد وصالش محمد عزیز	دگر گشت پیدا امام جنان

تاریخ ولادت و وفات امام موسی کاظم رضی الله عنه که ولادت وے در سال یکصد و بست و هشت و وفات در سنه یکصد و هشتاد و شش یا سه بوقوع آمد

شه شاهان و فخر اهل بیت مصطفی موسی	کلیم امت نبوی و محبوب خدا موسی
جلال دین بود هادی حق تاریخ تولیدش	تبرجیلش شد آمد حبیب اولیا موسی

مثنوی

موسی کاظم آن امام جهان	آن امام ذوی الکرام جهان
سرور رهبر و سید کونین	سال تولید اوست اسم حسین
سال ترحیل آن حبیب اله	کن رقم سید ولی الله
باز سال وصال آن مسعود	موسی اهل دل خرد فرمود
عقل تاریخ او چو گوهر سفت	سال وصلش امام صاحب گفت
عمده دین هست ارتحال او	خوان امام امین وصال او

تاریخ ولادت و وفات امام محمد شافعی رضی الله عنه که ولادت وی در سال یکصد و پنجاه و وفات در سن دو صد و چهار از هجرت مقدس بوقوع آمد

[illegible]

موسی است و نام مادر وے
ام ولد حمیده بربریه بود ولادت
باسعادت وے بمقام ابوا در
میان مکه و مدینه بروز یکشنبه بتاریخ
هفتم ماه صفر وقوع آمد و وفات
بتاریخ پنجم رجب روز جمعه در
بندیخانه هارون رشید بعد
زهر بطور رسید که یحیی بن خالد
امیری از امرای هارون بحکم
هارون آنجناب را در رطب
زهر داد و مقبره مقدسه وی در
بغداد زیارتگاه خلق است

[illegible] بن هاشم بن مطلب بن عبد مناف [illegible] ابن ادریس [illegible]

آنکه او شافعی محمد بود	جامع علم و قطب عهد بود
پیشوا و امام دین است او	مخزن معدن و یقین است او
هست تولید او اگر مطلوب	تو بجو از محمد محبوب
سال تولید آن امام کمال	تو بخوان از محب اهل جلال
سال تولید آن شه دارین	گشت پیدا او جود کونین
سال تولید آن ولی زمان	صالح طیب آمد است عیان
سال تولید آن امام جهان	سرور او ولی زمانه بخوان
سال ترحیل وی که تحقیق است	قطب آل نبی و صدیق است
سال وصلش اگر کنی اظهار	پس عزیز علی بخوان ای یار
سال ترحیل آن یگانه بگو	سرور اصاحب زمانه بگو
سال وصلش که از همه طاق است	ای محبان حبیب آفاق است
سال وصلش چو مثل گوهر سفت	خامه من ولی محسن گفت

قطعه ثانی

محمد شافعی کو والی ملک جهان آمد	جنابش جامع علم زمین و آسمان آمد
ولی الله والا سال تولیدش رقم کردم	ولی الله محمد سنه ترحیلش عیان آمد
حبیب اصفیا کردم رقم هم سال وصل او	که ذات او امام و مقتدای دو جهان آمد

تاریخ ولادت و وفات امام علی رضی موسی کاظم که ولادت وی سال یکصد و پنجاه و دو و یا سه و وفات وی در سنه دو صد و سه یا پنج یا شش یا هشت باقوال مختلفه

سید افضل و امام همام	عالم و فاضل و فقیه علی
سال تولید اوست محی الدین	رحلتش سید وجیه علی

قطعه ثانی

آن امام علی رضا موسی	قره دیده نبی و علی
طالب عالی است تولیدش	رحلتش گو امام دین نبی

قطعه ثالث

آن امام حق علی موسی رضا	آنکه گشت از وی عیان [illegible]

بن حسن بن علی بن ابی طالب
قره بن قاسم بن [illegible] بود و وی را از قریشی هاشمی
علوی فاطمی محسوب اند و وی
امام سوم است از امام اربعه
اهل سنت اول در مدینه منوره
کسب علوم از امام مالک نمود و چون
بعراق آمد با امام محمد شاگرد
امام اعظم صحبت داشت و استفاده
نمود و ولادت وی بمقام غزه
بقولی در عسقلان و بقولی در [illegible]
وفات بروز جمعه سلخ ماه رجب در
قرافه مصر بوقوع آمد ذات
با برکات وی دریای فیضی
بود که بر روی زمین جاری شد
خلقی بسیار و طلبا بیشمار از ذات
وی فواید علوم دینی و دنیاوی
یافته اند ۱۲ [illegible] مشتهر است
[illegible] امام [illegible] وی
[illegible] از ائمه اثنا عشر کنیت وی
ابو الحسن چون [illegible] علی و لقب
رضا است ولادت وی در مدینه
منوره بروز پنجشنبه یازدهم
ربیع الآخر [illegible] و وفات [illegible]
[illegible] بمقام طوس [illegible]
[illegible] رمضان المبارک [illegible] هارون الرشید
[illegible] خلیفه [illegible]
عباسی و لیعهد [illegible]
منصب [illegible]

[illegible]

ارتحالش طالب محبوب حق	سال مولود است اولاد علی

مثنوی

ابن موسی علی امام رضا	آنکه راضی است با رضای خدا
پیشوای طریق حق طلبی	مقتدای ره خدا جوئی
سال تولید سید ذی جاه	هست اهل جلال و والا جاه
گو محب زمانه تولیدش	خوان تو قطب زمن ترحیلش
سال ترحیل آن شهنشه دین	گفته اند اهل دین و اهل یقین
سال ترحیل آن شه مسعود	هاتفم زد ندا علی محمود
ذات او بود بدر چرخ کمال	بدر گشته عیان بسال وصال
ذات او پیر کامل دین بود	گو بوصلش که واصل دین بود
بود جان و تنش سراپا درد	سال وصلش خرد بگفت اه درد
سال ترحیل آن امام ولی	شد ندا زنده دل ولی مهدی

تاریخ ولادت و وفات امام محمد تقی رضی الله عنه که ولادت وی در سال یکصد و نود و پنج و وفات در سنه دو صد و بست یا بست و یک یا بیست و چار آمد

آن محمد تقی امام زمن	گلبن گلشن حسین و حسن
متقی و تقی است تعریفش	شاه سید ولی است توصیفش
سال تولید آن جنابا بست	گفت سرور امام اقطاب است
سال تولید اوست گر مطلوب	تو بجویش ز قبله محبوب
سال تولید آن شه نیکو	دان مه اوج علم صادق گو
سال تولید او فقیه بدان	رحلتش سید حلیم بخوان
رحلت آن شه تقی و ولی	گشت روشن ز ماه دین علی
سال وصلش اگر کنی تحقیق	گشت پیدا از آن مه صدیق
سال ترحیل آن شه اعظم	هست مهدی ها دی عالم

تاریخ ولادت و وفات امام احمد حنبل رضی الله عنه که ولادت وی در سال یکصد و شصت یا شصت و چار یا شصت و پنج و وفات در سنه دو صد و چهل و یک یا چهل و دو آمد

سکینت وی ابو جعفر ثانی و لقب وی تقی و جواد و نام مادر وی سبیکه است و نام وی خیزران یا ریحانه از قبیله ماریه قبطیه بود وی امام نهم است از ائمه اثنا عشر و مامون خلیفه بغداد بعد وصال مامون ... نام دختر خود را ... ام الفضل نامی زن امام علی بن موسی رضا نسب ... وی بخشید ... ۱۲

برای ترویج بوی ... مامون وفات یافت و معتصم بالله بن ابراهیم بن مامون بر تخت سلطنت نشست بعد انقضای عرصه سی ماه برحضرت امام بدظن شده از مدینه در بغداد طلب کرد و در زندان نموده زهر هلاهل در طعام بآنحضرت داد امام باین صدمه شربت شهادت چشید در بغداد مدفون گشت ولادت با سعادت آنحضرت در جمعه دهم ماه رجب و شهادت ششم ماه ذی الحجه و بقولی بتاریخ سلخ ذیقعده بوقوع آمد و عمر آنحضرت بیست و پنج سال است ۱۲

جناب احمد حنبل شه دین ... که بود او جامع معقول و منقول
بتولیدش رقم کن قطب احمد ... بترحیلش بخوان محبوب و مقبول

مثنوی

احمد حنبل آن امام همام ... صاحب دین و اصل اسلام
هست تولید آن عجیب دلخواه ... اقدس و احمد و ولی الله
سال تولید آن امام زمان ... عالم پاک و زیب عالم خوان
سال تولید آن شه اعظم ... ناطق است و دگر مسیحا دم
ذات او بود کان صلح و فلاح ... سال تولید اوست اهل صلاح
سال تولید آن شه والا ... قدس خوان معدن و نقی فرما
سال تولید آن عیان گفتم ... سرور اصاحب جهان گفتم
سال ترحیل آن شه اکمل ... هست محمود احمد حنبل
سال ترحیل اوست ای مشتاق ... صاحب علم و مهدی آفاق
نیز سرور بدرد و رنج و ملال ... گفت مقبول دین بسال وصال

تاریخ ولادت و وفات امام علی نقی رضی الله عنه که ولادت وی در سال دو صد و دوازده یا سیزده یا چهارده و وفات در سنه دو صد و پنجاه و دو یا سه یا چهار یا پنج بوقوع آمد

نقی روح جهان جان زمانه ... که بود او شاه شاهان زمانه
علی هادی امامش هست تولید ... وصال اوست سلطان زمانه

قطعه تالی

حضرت علی که ذات معلی‌ش سربسر ... در جسم جمله اهل جهان بود مثل جان
پیر است و روح قطب زمانه ولادتش ... هادی صدق و طاهر و اطهر شده عیان
مهدی علی جمیل بگو ارتحال او ... آل نبی نقی و محمد نقی بخوان

تاریخ ولادت و وفات امام حسن عسکری رضی الله عنه که ولادت وی در سال دو صد و سی و یک یا دو یا سه و وفات آن جامع الکمالات در سال دو صد و شصت هجری بوقوع آمد

حسن آن حسن دین مصطفوی ... پیشوائی جهان امام زمان
قطب سید ولی هست تولیدش ... نیز سید ولی عالی دان

هست قطب المحسن وصال او	باز قطب الموحدین نزخوان
بحر مواج سال ترحیلش	گشت از ابر فیض طبع روان

تاریخ ولادت و غیبت امام محمد مهدی رضی الله عنه که ولادت وی در سال دو صد و پنجاه و هشت یا پنج و غیبت یا وفات در سنه دو صد و شصت و چار یا پنج یا شش بوقوع آمد

مهدی و هادی امام اولیا	مقتدای دو جهان سید امین
هست ثابت مهدی عالم پناه	سال تولیدش بنزد اهل دین
نیز حسن علم میگردد عیان	سن تولید امام المسلمین
ارتحالش مهدی اهل صفات	بار دیگر مهدی اهل یقین

مثنوی

هادی خلق مهدی دوران	نام نامی وی محمد دان
سال مولود آن شه مسعود	طرفه سلطان حق خرد فرمود
سال مولود او چها گفته	عقل مهدی حق نما گفته
سال تولید او چو گوهر سفت	عقل سلطان ولی مهدی گفت
شد چو غایب ز چشم اهل زمن	سن و سالش سراج شد روشن
میشود سال غیبتش مفهوم	گر شماری ز هادی معصوم
باز تاریخ غیبتش بیقین	گشت پیدا ز قطب کامل دین

گنج دوم در ذکر قطعات وفات بزرگان متوسلان خاندان قادریه اعظمیه که متعلق بحضرت غوث الاعظم قطب العالم ابو محمد محی الدین عبد القادر جیلانیست از شروع سلسله تا این زمانه

تاریخ وفات حضرت معروف کرخی قدس سره که وفات وی در سال دو صد یا دو صد و دو یا دو صد و شش است

شیخ معروف پیر والی کرخ	گشت چون از جهان دنیا طاق
زبده اصفیاست تاریخش	شد عیان نیز زبده آفاق
صاحب عادل است و اهل یقین	باز تاریخ آن شه مشتاق

قطعه ثانی

شیخ والا حضرت معروف کرخی مقتدا	چون ازین دنیای فانی کرد رحلت در جهان

کنیت وی ابو القاسم و لقب منتظر و مهدی و حجة الله و قایم و خاتم الائمه است و صاحب الزمان و خاتم الائمه است او و وی امام دوازدهم است از ائمه اثنا عشر و بقول اهل سنت ولادت وی در سر من رای و ولادت وی در ماه رمضان تاریخ بیست و سیوم ماه و شش سال دو صد و پنجاه و شش و بقول اهل تشیع پانزدهم شعبان بوقت قبل از ظهور صبح سال دو صد و پنجاه و پنج بوقوع آمد و نام والده ماجده وی نرجس و بقول سوسن و بقول صیقل و مولانا عبد الرحمن جامی نسب او مسیحا بسر جرون امام نیز رسیده و هم بعقیده تشیع بوده

۱۵

آنحضرت شولاشده نافرزده بود و ختنه کرده و بربازوی راست وی جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا نوشته بود

۱۲ کنیت وی ابو محفوظ است و نام پدر وی ابو فیروز و بقول فیروزان اول پدرش در دین ترسا بود و چون معروف بخدمت حضرت علی بن موسی رضا رسید و مسلمان شد پدر و مادر شیخ متابعت پسر باسلام مشرف شدند و حضرت امام والدش را بنام خود که علی بود موسوم کرد و معروف را بخدمت خود جا داد و بتکمیل وی معروف گشت تا از کاملین وقت شد و معروف در علم ظاهری شاگرد رشید امام ابو حنیفه کوفی بود و در طریقت مرید داود طائی و در علم باطنی امام علی رضا و نعمت ارشاد یافت

۱۲ ماه محرم وفات

هرسه اقوال اند دیبال وصالش اگر تو	قطب کامل نیز قطب الدین ومصباح جهان
تاریخ وفات شیخ سری سقطی قدس سره که وفات وی در سال دو صد و پنجاه یا پنجاه و سه بوده آمد	
شیخ سری امین سر خدا	محرم راز وو اقف تقدیر
سال وصلش بجو ز قطب الحق	باز خوان سن ارتحالش پیر
مثنوے	
جناب شیخ سری شیخ آفاق	چو زین دار فنا شد ذات او بطاق
بسال رحلت آن شاه والے	ندا آمد که عبد الله عالے
بسال رحلت آن شیخ محمود	خرد سلطان اهل دین بفرمود
بسال رحلت آن پیر ذیجال	ندا آمد ز هاتف پیر ابدال
چو بود او شاه شاهان زمانه	بجو وصلش ز سلطان زمانه
چو ذاتش بود قطب ملک سرمد	عیان سالش ز قطب العالی آمد
تاریخ وفات شیخ جنید قدس سره که در سال سه صد و یا دو صد و نود و هفت یا نود و هشت یا نود و نه باختلاف روایات بوقوع آمده بود	
شیخ ابو القاسم جنید نامور	بود شاهنشاه قطب الاولیا
شد چو در جنت عیان شد سال وصل	از ولی الله قطب الاولیا
نیز کردم سال ترحیلش رقم	طالب الله قطب الاولیا
قطعه ثانے	
شد چو از دنیا ابو القاسم جنید	در جنان نور الٰہی شد عیان
کرد تاریخش مه انور ظهور	همچنان نور الٰہی شد عیان
قطعه ثالث	
سید الطائفه امام همام	آنکه او بود مرشد دوران
سال نقلش بگو تو پیر راه نما	یا بخوان اکمل زمین و زمان
باز گفتا جنید واصل حق	سرور زار سال رحلت آن
مثنوے	
سید الطائفه وسیلے زمان	یعنی حضرت جنید عالیشان

ل
اهل ولایت شیخ وقت و مقتدای زمان و امام است در علوم ظاهر و باطن بدرجه کمال رسیده و اول کسیکه در بغداد سخن توحید و اسرار حقایق باز گفت او بود و وے کار تجارت کرد و وے در بازار نشستی و دوکانے داشت پرده بردر او بخته در وے تمام روز بعبادت مشغول ماندی و هزار رکعت در شب و هزار روز ادا کردے بیشتر مشایخ عراق مرید وی بودند و خال شیخ جنید و پیر وے بود و در خرید و فروخت از ده دینار نیم دینار بیش طمع سود نداشتی

۱۶ نفحات

کنیت وے ابو القاسم است و لقب سید الطائفه و طاوس العلما و قوارسی و زجاج و قواریری [illegible] پسر او شیخ محمد بن جنید [illegible] آبگینه فروختی و وے

[illegible]

رفت چون از جهان بباغ جنان ... نامور گشت سال رحلت آن
ذات او بود بدر چرخ کمال ... بدر کامل بگو سال وصال
جلوه گر گشت چون مه زیبا ... سال وصلش نیر والا
سال ترحیل آن شه اکبر ... مهربانست و هم مه انور
رحلت آن ولی حق والی ... ظاهر آمد ز صوفی عالی
وصل آن پادشاه متقیان ... میر والی بگو صبور بخوان

تاریخ وفات شیخ ابوبکر شبلی که در سال سه صد و سی و چار و یا پنج یا چهل و دو بود

شیخ دین شبلی است پیر بی نظیر ... یافت چون از دهر در جنت مقام
سید دوران است سال وصل او ... هم محب اصفیا هادی امام
سال وصلش پیر دین محبوب گو ... هم بخوان محرم ولی ای نیکنام
هم ولی الله ابوبکر آمد است ... باز صدیق مکمل و اسلام
وان مقرب باز خوان والا قدر ... سال ترحیلش با قوال عوام

تاریخ وفات شیخ عبد الواحد تمیمی قدس سره که در سال چار صد و بست و پنج بود

جناب عبد واحد شیخ اکبر ... بر اوج شرع عز اظهر انور
بشکل ماه چون اندر جنان شد ... بوصلش نور حقانی عیان شد
چو تاریخ وصال او عیان کرد ... ز نامم سید عارف بیان کرد
بحق چون گشت از عالم وصالش ... ندا شد عارف دینی بسالش

قطعه

رفت یکتا چو از جهان فنا ... عبد واحد ولی شه ابرار
فرد عالم بگو بتر حیلش ... باز خوان مصدر کمال ای یار

ایضا

عبد واحد چو بصد عزت و شان ... جست زین دهر سوی جنت راه
سال تاریخ شه احسان گو ... هم دگر بار شه عالی جاه

تاریخ وفات شیخ ابو الفرح طرطوسی قدس سره که در سال چار صد و چهل و هفت بود

حضرت شیخ ابو الفرح طرطوسی ولی ... شیخ والا مرشد پیر و جوان

تیمی است قدوه اولیای زمان و زبده مشایخ جهان صاحب مقامات بلند و مدارج ارجمند بود اصل وی از

شد چو از دنیا بفردوس برین … بود پیری بی‌ریا سالش بدان
هم بگو بو الفرح محبوب بینی … نیز محی الدین طرطوسی بخوان
والی کشف و دگر کاشف ولی … سال وصلش آمد از سرو جهان
باز وصل آن شه عالی جناب … شاه عالم گشت از خاطر بیان

تاریخ وفات شیخ ابو الحسن قریشی هنکاری قدس سره که در سال چهارصد و هشتاد و چار یا هشتاد و پنج یا هشتاد و شش بوقوع آمد

بو الحسن آن رهبر دین رسول … چون ز دنیا گشت راهی در جنان
آفتاب آمد دگر تاج عطا … سال وصل آن شه والا مقام
سرور هادی بگو ای خوش خصال … شاه طیب بو الحسن دان ای جوان
هم شه عادل امام الاولیا … قطب ربانی ولی الله خوان
گفته ام اهل محبت ای عزیز … باز مهتاب ازل کردم بیان

تاریخ وفات شیخ ابو سعید مبارک مخزومی قدس سره که در سال پانصد و سیزده یا هشت از هجرت حضرت شاه رسالت بوقوع آمد

بو سعید آن اسعد دو رزمن … جلوه گر شد درخشان چون ماه عید
قافله سالار سالش هست نیز … عابد طیب مبارک بو سعید
شمس حق گو باز قطب عارفان … سال وصلش ظرف بی گفت و شنید

قطعه ثانی

آن مبارک شیخ پیر بو سعید … مقتدای اولیا و اتقیا
شد چو از دنیا بگو تاریخ او … هادی محبوب پیر بی ریا
هست اسرار اصفی سال او … باز دل فرمود پیر رهنما

تاریخ وفات شیخ حماد دباس بغدادی قدس سره که در سال پانصد و بست و پنج یا پانصد و سی و یک هجری بوقوع آمد

شیخ حماد پیر روشن دل … بود در ستر معرفت مستور
سال ترحیل اوست پیر طریق … هم رقم کن زهی مه پر نور
سن وصلش فقیر فانی دان … رکن دوران دگر بکن منظور

۱۸

۱۹

اول دل مجتبے است تاریخش — هم عنایت ز خامه کرد ظهور

تاریخ وفات شیخ بقا قدس سره که در سال پانصد و پنجاه و سه بوقوع آمد

چون بقا با صد هزاران خوبی — رفت از دار فنا سوی بقا
سال ترحیلش ز سرور شد رقم — زنده آفاق قطب الحق بقا
هم تاریخ وصال آنجناب — واسی ارشاد باشد مدعا
پس فی زنده ولی رهبر بگو — سال وصل آن ولی الاتقیا

تاریخ وفات شیخ علی بن هیتی که در سال پانصد و شصت و یک بوقوع آمد

سے علی رهنمای خفی و جلی — سے علی راز دار علی و بنی
بگو کامل عشق ترحیل او — دگر بود مقبول دوران علی

قطعه ثانی

طالب حق شاه سے علی ولی — رفت چون زین دهر بخلد برین
سال وصالش چو بجستم ز دل — گفت علی عالم علم یقین

قطعه ثالث

رفت بر عرش چون ز فرش بیز — شاه عرش آستان علی والی
سرور ز ارسال ترحیلش — گفت شاه زمان علی والی

قطعه رابع

بست چون رخت سفر از دار دو — شاه عالی حضرت مولی علی
گوشه گیر است و دگر دانشور است — سال وصل آن ولی متقی

تاریخ ولادت و وفات حضرت غوث الاعظم شیخ سید ابو محمد محی الدین عبد القادر گیلانی که ولادت آنجناب در سال چارصد و هفتاد یا هفتاد و یک و وفات در سنه پانصد و شصت و یک یا شصت و دو بوقوع آمد

عز آل حیدری و فخر اولاد حسن — عبد قادر شاه محی الدین ولی سرفراز
دوست فرما عشق گو عاشق بدان بلبل بجو — سال تولیدش دگر محبوب سلطان الکبیر
باز از دل گشت محی الدین نورانی رقم — نیز محی الدین بحر حق تولیدش بگیر
از سجال پاک او سلطان عبد القادر است — عاشق کامل دگر مهدی ولی الله فقیر

سرور عالم صلی الله علیه وسلم یافت و بظاهر خرقه خلافت از شیخ ابو سعید بوشید و حنبلی مذهب بود و آنجناب را

گفت مسکین محمد باقرم فقیر نکیام	خامه ام از بهر وصل آن شه روشن ضمیر
عارف محبوب محی الدین شده تاریخ او	باز محی الدین رکن الحق خبر شد از ضمیر

مثنوی

محی دین غوث معلی قطب دین	ذات او محبوب رب العالمین
پیر پیران میر میران دستگیر	شاه والا پیر هر برنا و پیر
قرة چشم جناب مصطفی	نور حق لخت دل خیر النسا
سال تولیدش بگو ای مدح خوان	پیر محی الدین ولی جهان
بالیقین تولید آن ولی حق	خوان امام المسلمین ولی حق
سال تولیدش بعبد صدق و صفا	شد رقم محبوب قطب اصفیا
سرور اولیا آن پیر نکو	بالیقین سید ولی عارف بگو
سال تولیدش چه خوشتر گفته ام	عارف احسن دگر بحر کرم
گفت دل سال وصال او چنین	اهل دل محبوب رب العالمین

تاریخ وفات شیخ قضیب البان قدس سره که در سال پانصد و هفتاد [illegible]

رهنمای جهان قضیب البان	شیخ ذیجاه رهبر معصوم
رحلتش کاشف القلوب بگو	خوان دگر بار پیر دین مرحوم
باز سال وصال او گردید	هادی متقی ز دل معلوم

تاریخ وفات شیخ احمد بن مبارک قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و دو بوده

شیخ احمد بن مبارک چون بفضل ایزدی	یافت از دنیای دون در جنت اعلی مکان
رحلتش احمد مقدس بن مبارک شد رقم	نیز احمد نور ربانی شد از سرور عیان
شهسوار است و دو باره شمس دین حق بگو	رحلت آن پیر عالمگیر شاه دو جهان

تاریخ وفات سید احمد رفاعی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و دو بوده

سید احمد رفاعی سرور دوران	شد چو از دنیای فانی راهی خلد برین
قطب کامل شاه دین شد سال رحلتش رقم	هم بگو احمد رفاعی سید هادی دین
عاشق نامی است هم سال وصال آن جناب	نیز زیبا ماه ارشاد هست ای اهل یقین
هم بخوان احمد مکرم قطب حق ای مهربان	باز احمد صاحب وحدت بخوان ای اهل دین

از خلفای حضرت غوث اعظم است و [illegible] در بغداد [illegible]

نام پدرش ابی الحسن و از سادات حسینی است نسبت آبای وی با امام علی بن موسی رضا [illegible]

۲۰

شیخ [illegible] غوث الاعظم [illegible]

۲۱

تاریخ وفات سید شرف الدین عیسی خلف الرشید غوث الاعظم که در سال پانصد و هفتاد و سه بوقوع آمد

شیخ شرف الدین چو رفت اندر جنان	سال وصل آن شه اهل کمال
کن رقم مسعود سید پیشوا	شیخ پاک هم سال وصال
ذات پاکش بود میر عاقبت	عاقبت شد عاقبت تاریخ سال

تاریخ وفات شیخ صدقه بغدادی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و سه بوقوع آمد

امام جهان صدقه پیر کبیر	فدا کرد در عشق حق جان و تن
ز سرد از حق سال وصلش بجو	دگر صدقه صادق امام زمن

تاریخ وفات بوعمر قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و پنج بوقوع آمد

بوعمر آن مخزن نور خدا	شد چو در خلد برین منزل گزین
سال وصلش بوعمر ابو ربخوان	نیز فرما مطلع نور یقین
ارتحالش آفتاب کامل است	نیز میر جنتی ای اهل دین

تاریخ وفات شیخ محمد الاوانی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و شش بوقوع آمد

چون محمد از جهان بالطف حق	گشت در فردوس دالا بهره یاب
رحلتش میر دارعاشی شد عیان	نیز شد روشن محمد آفتاب
باز سال ارتحال پاک او	اهل تسلیم آمده اند رحساب

تاریخ وفات شیخ ابومسعود بن شبلی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بوقوع آمد

شیخ ذی رتبه پیر عالمگیر	بومسعود آنکه بود زبده حق
عاشق حق بگو بر حلت او	هم شه بومسعود زبده حق

تاریخ وفات شیخ حیات حنرانی قدس سره که در سال پانصد و هشتاد و یک بوقوع آمد

چون سفر کرد از جهان فنا	در جنان مهدی زمانه حیات
رحلتش منبع حیات بگو	هم بخوان مهدی زمانه حیات

قطعه ثانی

حیات آب حیات چشمه دین	چو از دنیا به جنت گشت پیدا
ندا شد از دلم اشرف مبالش	دگر آمد عیان شمس المعلی

تاریخ وفات شیخ ابوعبد الرحمن قدس سره که در سال پانصد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

[illegible]

چو از دنیا بجنت گشت راهی ‌ ‌ ‌ شبه اهل یقین مقبول رحمان
وصالش وا ستی تسلیم بیدیت ‌ ‌ ‌ دو باره مه حسین مقبول رحمان
دگر بار ایسال رحلت اتو ‌ ‌ ‌ عیان شد ماه دین مقبول رحمان

قطعه ثانی

بجنت شد چو از دنیای فانی ‌ ‌ ‌ رحیم و ارحم محبوب رحمان
بتاریخ وصالش گفت سرور ‌ ‌ ‌ مکمل اهل دین محبوب رحمان

تاریخ وفات سید شمس الدین عبد العزیز قدس سره که در پانصد و هشتاد و نه بوقوع آمد

سید و سجاده و عالی مرتبت ‌ ‌ ‌ مرشد حق نما حق بین عزیز
رحلتش مهتاب عالم گفته ام ‌ ‌ ‌ نیز شد روشن ز شمس الدین عزیز

تاریخ وفات شیخ ابو شعیب مدین مغربی که در سال پانصد و نود هجری بوقوع آمد

شیخ بو مدین شعیب مغربی ‌ ‌ ‌ آن امام دین شبه دور زمن
هست تاریخ وصال آنجناب ‌ ‌ ‌ زاهد هادی شعیب بن حسن
سید طیب ابو مدین شعیب ‌ ‌ ‌ هست سال وصل آن فرخنده تن
هم رقم کن سعد ان نور یقین ‌ ‌ ‌ سال ترحیلش اگر خواهی ز من

قطعه ثانی

چو بو مدین شعیب آن والی دین ‌ ‌ ‌ ز دنیا رفت در خلد معلی
شده روشن ز روشن فرد وصالش ‌ ‌ ‌ شریف آمد دگر از دل هویدا

تاریخ وفات سید تاج الدین عبد الرزاق قدس سره که در سال پانصد و نود و پنج بوقوع آمد

شد ز دنیا چو در بهشت برین ‌ ‌ ‌ عارف حق نجیب تاج الدین
کاشف صدق سال وصلش گو ‌ ‌ ‌ نیز سید حبیب تاج الدین

قطعه ثانی

تاجدار اهل جنت باصفا ‌ ‌ ‌ شیخ تاج الدین امام المسلمین
ارتحالش آفتاب عالی است ‌ ‌ ‌ هم بخوان تاج کمال اهل دین
پس محب مقتدا گو وصل او ‌ ‌ ‌ باز خوان شاه جهانگیر از یقین

تاریخ وفات سید ابو الفضل محمد قدس سره که در سال ششصد بوقوع آمد

سید بو الفضل فضل اهل فضل ‌ ‌ ‌ شد چو از فضل خدا اندر جنان

[illegible]

۲۲

[illegible]

نیز فردوس است سال وصل او — هم محب متقی گردم بیان
کاشف حق کامل آمد رحلتش — زبدهٔ اشراف هم گشته عیان

تاریخ ولادت و وفات سید ابو زکریا که ولادتش در سال پانصد و پنجاه و وفات در سنه ششصد هجری بوقوع آمد

شیخ زکریا بو یحیی که بود — شاه عالی قدر چشم عالی
قبلهٔ حاجات و عارف حق نما — سال تولیدش نوشتم ای اخی
هم ولی اهل حکمت کن رقم — نیز فرما تاج اهل دین ولی
عاشق پاکیزه دل هم گفت دل — سال تولیدش دوباره متقی
عصمت آمد سن ترحیلش دگر — عارف حق سید طیب دلی

تاریخ ولادت و وفات سید سیف الدین عبد الوهاب قدس سره که ولادتش در سال پانصد و دوازده و وفات در سنه ششصد و سه بوقوع آمد

شاه سیف الدین شهنشه سروری — قاتل کفار با شمشیر دین
سال تولیدش بشیر آمد عیان — تاج حق فرما و هم مهتاب دین
قطب عرفان نیز سالک کاشف است — طالب عشق است و قطب شاه نیز
گفت سیف الدین پیر حق مزد — ارتحال آن شه روی زمین
مقتدای اولیا گو وصل او — عالم اسرار خوان با صد یقین
ارتحالش آفتاب احسن است — نیز شاه نامور ای نکته چین
سیف حق سلطان صادق گفته ام — وصل آن شیخ یقین پیر امین

تاریخ ولادت و وفات سید ابو نصر موسی قدس سره که ولادتش در سال پانصد و بیست و نه و وفات در سنه ششصد و شرده بوقوع آمد

حضرت بو نصر پیر با کمال — رهبر عالم شه روی زمین
شد ز دل مفتاح تولیدش عیان — صاحب توحید و هم سردار دین
شاه اکبر خوان و معشوق احد — سال تولیدش نکو اب مومنین
رحلتش بو نصر مقبول انام — نیز شد سید از مهتاب یقین
یار رهبر سید مرشد بگو — ارتحال پاک او فارغ نشین

تاریخ وفات شیخ موفق الدین مقدسی قدس سره که در سال ششصد و بیست بوقوع آمد

محی الدین [illegible] غوث الاعظم [illegible] قطب العالم [illegible]

۳۳

[illegible]

چو آن شیخ موفق بن محمد — ز دنیا گشت سوی خلد مأمور
رقم کن لفظ برکت یا تبرک — بتاریخش دگر نور علی نور

تاریخ ولادت و وفات سید ابو اسحاق ابراهیم قدس سره که ولادت وی در سال پانصد و بست و هفت و وفات در سال ششصد و بست و سه بوقوع آمد

سید ابراهیم پیر رهنما — حامی دین پیشوای دو جهان
کاشف دین نبی تولیدا دست — رحلتش دان کاشف عالی مکان

قطعه ثانی

شیخ بو اسحاق ابراهیم دین — پیر عالم سید اهل کمال
دال شیخ ز تولیدش بگو — باز ابراهیم نور حق وصال

تاریخ وفات شیخ صدر الدین قونوی قدس سره که در سال ششصد و سی و [illegible] بود

صدر دین صدر اولیای کرام — شد ز دنیا چو در بهشت برین
وصل او هست آفتاب علوم — نیز واصل صدق صدر الدین
متقی نیک و رهبر اکبر — هست سال وصال آن حق بین
باز فرما ولی دین وز وی نیز — سرور او وصل او بصدق یقین

تاریخ ولادت و وفات شیخ محی الدین ابن العربی که ولادت وی در سال پانصد و شصت و وفات در سنه ششصد و سی و هفت یا هشت بوقوع آمد

محی دین پیر زنده دل والا — هادی سالکان ره دین
هست سال ولادتش نعمت — صاحب کشف مهدی است ببین
نیز جو بش ز صاحب التوحید — عارف دین هم بخوان بیقین
عقل فرمود صاحب الارشاد — سال ترحیل او بکعبه تزین
کن رقم نیز هادی تحقیق — هم بخوان آفتاب محی الدین

تاریخ وفات شیخ محمد بن احمد الاجوینی که در سال ششصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

شیخ احمد چو از عنایت حق — کرد رحلت ازین جهان بوطن
رحلتش ماهتاب صاحب حق — کن رقم نیز ماه نور روشن
باز احمد بشه مکرم دان — وصل آن پادشاه دور زمن

تاریخ وفات سید امام عبد الله یافعی قدس سره که در سال هفتصد و پنجاه و پنج با شصت بوقوع آمد

آن امام یافعی نور اله	بود اندر بکه یک قطب الولی
ها تفم فرمود سال رحلتش	کاشف اسرار امام یافعی
هم رقم کن زاهد اهل بهشت	هم ولی بوسعادت یافعی
اهل دل مخدوم هم گرد عیان	هم شهنشاه عزیز است ای ولی

تاریخ وفات سید عبد الملک بهاکهری که در سال هشتصد و پنجاه و پنج بوقوع آمد

مقتدای دو جهان عبد الملک	هادی و مهدی امین سید شریف
رحلتش خوان مقتدای پیر زمان	نیز کامل اهل دین سید شریف

تاریخ وفات سید عبد الواسع بهاکهری قدس سره که در سال هشتصد و هشتاد بوقوع آمد

عبد واسع سید هر دو سرای	مقتدا و رهنما و متقی
شمع عشق آمد وصال پاک او	باز فرما سید مخلص ولی

تاریخ وفات سید عبد الخالق بهاکهری که در سال نهصد و هفت بوقوع آمد

شاه عبد الخالق آن هادی خلق	شد چو از دنیا بفردوس برین
کاشف ارشاد گو تاریخ او	نیز فرما عبد خالق اهل دین

تاریخ وفات شیخ بهاء الدین جهنیدی قدس سره که در سال نهصد و بیست و یک بوقوع آمد

شیخ روی زمین بهاء الدین	ماه فردوس و بدر چرخ کمال
رفت چون از جهان بجنت خلد	عارف شرع و ذاکر آمد سال

تاریخ وفات سید محمد غوث حلبی اچی گیلانی قدس سره که در سال نهصد و بیست و سه بوقوع آمد

بفردوس برین چون کرد رحلت	محمد غوث پیر سید دین
محمد شاه میران قطب اقطاب	بگو تاریخ او با طرز رنگین
دگر سلطان اکبر متقی گو	بسال رحلت آن شاه حق بین

قطعه ثانی

چو شد از جهان بهشت برین	جناب محمد امام زمان
شنو سال ترحیل آن شاه دین	ز مخدوم عالم محمد عیان

تاریخ وفات شیخ فیروز لاهوری که در سال نهصد و سی و سه بوقوع آمد

چو از دنیا به فردوس برین رفت
چو از دل سال ترحیلش بجستم

جناب شاه حق آگاه فیروز
عیان شد میر سید شاه فیروز ۹۳۳

قطعه ثانی

شد چو از عالم بخلد جاودان
عارف اشراف تاریخش بگو ۹۳۳

معدن نور خدا فیروز شاه
نیز قطب الاصفیا فیروز شاه ۹۳۳

تاریخ ولادت و وفات سید عبد القادر ثانی اوچی که ولادت وی در سال هشتصد و شصت و دو و وفات در سنه نهصد و چهل و دو واقع آمد

عبد قادر ولی لا ثانی
طرفه مشکل‌کشای عالم شد
میر مخدوم گو به ترحیلش
شاه خلد است و رهنمای خلد ۹۴۲

شیخ ذیجاه سید معصوم
سال تولید آن ولی مرقوم
هم بخوان ماه علم دین مخدوم ۹۴۲
گر کنی سال وصل او معلوم

قطعه ثانی

شیخ نامی پیر عبد القادر است
طرفه تاج الفقرا شد رقم ۹۴۲
سن ترحیلش با قوال صحیح

سید عالی شه روی زمین
سال تولیدش بدان اهل دین ۹۴۲
دان خدادان سید اهل یقین

تاریخ وفات سید محمود حضوری لاهوری که در سال نهصد و چهل و دو بوقوع آمد

رفت از دنیا چو بر اوج جنان
صاحب مشتاق تاریخش بگو ۹۴۲
هم بکرم مرشد محمود خوان

سید محمود پیر با کمال
نیز شمس العارفین اهل جمال ۹۴۲
باز فضل ایزدی دانش وصال

تاریخ وفات سید عبد القادر گیلانی لاهوری که در سال نهصد و چهل و دو بوقوع آمد

عبد قادر سید نورانی است
خیر اسلام آمده ترحیل او ۹۴۲

قطب دوران سالک ربانی است
بار دیگر عبد قادر ثانی است ۹۴۲

تاریخ وفات سید عبد الرزاق گیلانی اوچی که در سال نهصد و چهل و دو بوقوع آمد

عبد رزاق شاه والا جاه
میر حق آفتاب گوشت نشش ۹۴۲

رفت چون در جهان دوزمان
باز مخدوم قطب عالم خوان ۹۴۲

در لاهور آمده سکونت ورزیدند صاحبزاده بلند اقبال سید عبد القادر ثانی بن سید محمد غوث اوچی است بوقت وفات پدر

۳۶

[illegible]

تاریخ وفات سید مبارک حقانی گیلانی اچی که در سال نهصد و پنجاه و شش بوقوع آمد

مبارک شد چو فردوس معلی — بان سید مبارک پیر ملت
ز فیض الله بسر و در رحلتش یافت — دگر فضل الهی گشت گویا
بگو سید مبارک پیر رهبر — ولی دو جهان مشتاق فرما
مکرم یار حق سید مبارک — عیان شد وصل آن شاه معلی
دگر شیخ ولی و ماه فضل است — وصال آن ولی محبوب مولی

تاریخ وفات سید محمد غوث بالا پیر صاحب شکره که در سال نهصد و پنجاه و نه بوقوع آمد

شد چو در خلد برین منزل گزین — آن محمد غوث پیر دستگیر
دان وصالش میر مهدی مستقیم — نیز صادق شاه بالا پیر پیر
باز عارف با خدا شد جلوه گر — سال وصل آن شه روشن ضمیر

تاریخ وفات سید بهاول شیر گیلانی حجره واله که در سال نهصد و هفتاد و سه بوقوع آمد

چون بهاو الدین ز دنیا رخت بست — رفت در فردوس چون پیر وهی
مهدی ابرار شیر آمد عیان — سال وصلش نیز شیر جنتی
شیر عرفان نیز گو رحلتش — نیز پیر دل شیر سلطان الولی
باز گو ترحیل او سر و بهشت — نیز قطب الاکرمین شیر الهی

قطعه ثانی

رفت چون از جهان بهاو الدین — یافت مسکن بجنت الاعلی
پیر اهل صفا بهاول شیر — گشت تاریخ رحلتش پیدا
نیز شیر دلیر حق عالی — هست تاریخ آن شه والا

قطعه ثالث

شد بهاول شیر در خلد برین — زین جهان پر بلا چون گشت سیر
سال تاریخ وصال آنجناب — گفت سرور قطب حق شیر دلیر

تاریخ وفات مخدوم حیات قادری قدس سره که در سال نهصد و هفتاد و هشت

شد چو مخدوم از جهان بیوفا — گشت در فردوس والا جای گیر
رحلتش مخدوم قطب العالم است — هم بخوان هادی مخدوم الکبیر

۲۷

بهاء الدین بهاول شیر بن سید محمود بن سید علاء الدین المشهور زین العابدین بن سید شیخ الدین بن سید صدر الدین بن سید ظهیر الدین بن سید شمس الدین بن سید موسی بن سید شرف بن سید علی بن سید صالح بن سید الآفاق عبد الرزاق بن حضرت غوث الاعظم قدس سره مولد او بغداد است پدر و جد امجد از بغداد برآمده در ... آمدند و در بداون توطن گرفتند ...

[illegible]

و هشت تمام شب در نوافل گذرانیدی و در یک اجلاس ختم قران کردی ۱۲

تاریخ وفات سید عبد الله ربانی گیلانی اچی که در سال نهصد و هفتاد و هشت بوقوع آمد

ز دنیا رفت در خلد معلی	چو شیخ پاک عبد الله معصوم
وصال پاک او از دل عیان شد	امام دین عبد الله مخدوم
دو بار ایر عهدی بهشت است	دگر فیاض مطلوب است معلوم

تاریخ وفات سید حامد گیلانی اچی مطابق نهصد و هفتاد و هفت سال هجری

شیخ حامد گنج بخش دو جهان	شد بملک خلد زین فانی سرا
شیخ محبوبی است سال وصل او	نیز حامد شاه سید مقتدا
پیر حامد خواجه محبوب خوان	سال وصل آن ولی الاولیا
سید حامد محب ذو الجلال	بهر سال وصل او شد مدعا
ابر رحمت سید حامد بگو	فضل نبوی نیز سالش بهر ورا

تاریخ وفات سید اسمعیل گیلانی قدس سره که در سال نهصد و هفتاد و هشت بوقوع آمد

رفت چون زین جهان بخلد برین	پیر روشن ضمیر اسماعیل
گشت تاریخ رحلتش روشن	نیر نور منیر اسماعیل

تاریخ وفات شیخ داود کرمانی حویلی وال که در سال نهصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

حضرت داود شیخ باکمال	شد چو از دنیا بجنت یافت جا
کن رقم فیاض کامل رحلتش	باز فرما اهل عرفان مقتدا
زبده دین محترم پیر آمدست	نیز پیر حق پرست از دل ندا

قطعه ثانی

بسال انتقال شیخ داود	چو سرور ماده تاریخ خواهی
عطابخش است دیگر فضل یزدان	سه کرر خوان ولی فیض الهی

تاریخ وفات شیخ بهلول دریائی قدس سره که در سال نهصد و هشتاد و سه بوقوع آمد

رفت روحش باوج چرخ برین	کرد رحلت چو از زمین بهلول
هست شیخ جلیل تاریخش	هم بخوان خیر اهل دین بهلول

قطعه ثانی

چو شد بهلول از دنیا بجنت	دو تاریخ وصال اوست دریا

یکی شد گنج فضل از عقل پیدا ۹۸۴ — دگر بهلول مهتاب جهان تاب ۹۶۴

تاریخ وفات شیخ ابو اسحاق لاهوری که در سال نهصد و هشتاد و پنج بوقوع آمد

مرشد و دستگیر بو اسحاق — بود پیران پیر بو اسحاق

بهر و بوز ارسال وصلش گفت — شاه عالی فقیر بو اسحاق ۹۸۵

قطعه ثانی

شیخ بو اسحاق پیر رهنما — شد چو از دنیای دون اندر جنان

رحلتش گفتم فقیه معرفت ۹۸۵ — هم ابو اسحاق تاج عارفان ۹۸۵

قطعه ثالث

رفت از عالم چو در خلد برین با صد خوشی — آن شه آفاق بو اسحاق شیخ باکمال

ذاکر دین گو دگر مشتاق اهل حق بخوان ۹۸۵ — دان امام ثابت و هم تاج اشرف ارتحال ۹۸۵

تاریخ وفات سید میر میران گیلانی اچی که در سال نهصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

بجنت رفت از دنیای فانی — بخوان مقبل مبارک پیر میران

وصالش مخزن انوار فرما ۹۸۶ — بخوان مقبل مبارک میر میران ۹۸۶

تاریخ وفات شاه معروف چشتی و قادری که در سال نهصد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

ز دنیا گشت سوی خلد راهی — چو شیخ دین و الا شاه معروف

وصال او بسرور گشت پیدا — ز اقدس شاه عالی جاه معروف

دگر شد شیخ عابد سال تاریخ ۹۸۷ — بسال وصل شاهنشاه معروف

تاریخ وفات سید محمد نور حجره واله که در سال نهصد و هشتاد و هشت بوقوع آمد

گشت در جنت چو روشن مثل ماه — نور دین نور محمد شاه نور

سال وصلش شفقت حق گو نیز ۹۸۸ — سالک اکبر محمد شاه نیز

تاریخ وفات شاه فیض گیلانی رتهوری که در سال نهصد و دو بوقوع آمد

چون فیض از جهان دنیا رفت — گشت چو گنج در زمین مستور

سال وصلش امام فضل آمد ۹۰۲ — نیز شیخ امام کرد ظهور ۹۰۲

باز فرما فیض بنده خاص ۹۰۲ — هم بخوان اهل دل ستاره نور ۹۰۲

تاریخ وفات سید اسمعیل رتهوری که در سال نهصد و نود و چهار بوقوع آمد

۳۹

حضرت آبا د شمس ... سلسله آبای وی اینست که سید فیض بن ابی الحیات بن تاج الدین محمود بن بهاء الدین محمد بن جلال الدین

شد چو اسمعیل از دار البقا	مسکن خود یافت در دار السلام
رحلتش آمد عیان ممتاز وقت	نیز اسمعیل مخدوم انام

تاریخ وفات سید الله بخش گیلانی لاهوری که در سال نهصد و نود و چار بوقوع آمد

اله بخش آن ولی دین احمد	ز دنیا شد چو در خلد معلی
بجستم از خرد سال وصالش	ز فیاض زمانه گشت پیدا
اله بخش است نام آن گرامی	محمد بخش شد سالش هویدا

تاریخ وفات شیخ خضر سیوستانی که در سال نهصد و نود و چار بوقوع آمد

شیخ خضر آن رهنمای راه حق	مقتدای دین ولی متقی
هادی دین شیخ شد از دل عیان	سن وسال انتقالش ای اخی
آفتاب عارف حق بگو	نیز سالک متقی نور الولی

تاریخ وفات سید شاه نور حضوری لاهوری که در سال نهصد و نود و هفت بوقوع آمد

گشت روشن چون بخلد جاودان	سید و سردار سپهر و شاه نور
سال وصلش از خرد شد جلوه گر	هادی احسن منور شاه نور
ذو الکرم خوان نیز سال وصل او	هم بدان مقبول انور شاه نور

تاریخ وفات سید موسی پاک شهید گیلانی ملتانی که در سال یکهزار و یک بوقوع آمد

چو موسی از جهان رخت سفر بست	عیان شد رحلت آن شاه حق بین
ز قطب الاصفیا موسی ثانی	دگر موسی ثانی شیر دین

تاریخ وفات شیخ عبد الوهاب متقی شاذلی چشتی که در سال یکهزار و یک بوقوع آمد

ز دنیا شد چو در خلد معلی	جناب شیخ اکمل عبد وهاب
رضا جو شیخ کامل گو بسالش	دگر برخوان ز افضل عبد وهاب

تاریخ وفات سید صوفی گیلانی لاهوری که در سال یکهزار و دو هجری بوقوع آمد

شه خلد صوفی صافی ضمیر	شریفی ز اولاد پاک علی
شود سال ترحیل او جلوه گر	ز مخدوم صوفی سید ولی
ز فیاض سالک بجو رحلتش	دگر قطب فیاض دان ای اخی

تاریخ وفات سید کامل شاه لاهوری که در سال یکهزار و پنج هجری بوقوع آمد

جناب شیخ کامل صدر دیوان	بعلم عشق کامل قطب عالم
نداشد بهر سال انتقالش	کرشاهنشاه کامل قطب عالم

تاریخ ولادت و وفات شیخ لعل حسین لاهوری که ولادتش در سال نهصد و چهل و پنج و وفاتش در سنه یکهزار و هشت هجری مقدس بوقوع آمد

طالب عشق و عاشق جان باز	شاه عالم حسین نور العین
گشت پیدا انیس دین سرمست	سال تولید او بزینت و زین
گفت سرور محقق پیر مست	سال ترحیل آن شه کونین
شیخ محمود نیز شیخ زمان	وصل اوهست شمع عشق حسین

تاریخ وفات شاه بدر گیلانی قدس سره که در سال یکهزار و هژده بوقوع آمد

چو بدر الدین ازین دنیای فانی	سفر ورزید و شد در روشن جنت
رقم کن فضل حق یا شیخ حق ساز	دگر سید ولی بدر الکرامت

تاریخ وفات شاه شمس الدین لاهوری که در سال یکهزار و بست و یک بوقوع آمد

جلوه گر شد چون باوج هفت چرخ	روح شمس الدین ولی باصفا
سال ترحیلش عیان شد از خرد	هادی محبوب شمس الاتقیا
فخر عالم نیز شیخ بوتراب	باز مجذوب کریم آمد ندا
صاحب ذکر است و هم عارف سخی	شیخ عالی نیز هادی رضا

تاریخ وفات سید عبد القادر ثالث لاهوری که در سال یکهزار و بست و دو بوقوع آمد

عبد قادر چو شد ز دار فنا	یافت از حق مخلد و الاجا
فیض اسلام گوهر بار بخش	هم بخوان عبد قادر اهل هدا

تاریخ ولادت و وفات شیخ خیر دین ابو المعالی قادری لاهوری که ولادتش در سال نهصد و شصت و وفات در سنه یکهزار و بست و چار هجری بوقوع آمد

بو المعالی خیر دین احمدی	آنکه شد پر نور از او روی زمین
خیر دین مولی است تولیدش عیاز	رحلتش فرما معلی خیر دین

تاریخ وفات شیخ عبد الله بهشتی قدس سره در سال یکهزار و سی و هفت بوقوع آمد

شد ز دنیا چو در بهشت برین	شیخ با اختصاص عبد الله

در لاهور تشریف آورده بهدایت خلق مشغول بود روضه عالیه وی در لاهور از اشهر ترین مزارات است و کتب مصنفه وی کتاب ...
که وی مرید شاه اسکندر کیتهلی و وی مرید پدر خود شاه کمال و وی مرید شاه فضل و وی مرید شاه گدای رحمان و وی مرید ...

هست وصلش امام دین فیاض	نیز صدیق خاص عبد الله

تاریخ وفات شیخ طاهر لاهوری قادری که در سال یکهزار و چهل بوقوع آمد

شیخ پاکیزه طاهر و اطهر	رفت طاهر چو زین جهان بجنان
سال تاریخ آن شه ذیجاه	خواجه طاهر و مقدس خوان

قطعه ثانی

شیخ طاهر چون ز دنیا پاک رفت	سال وصل آن شه والا وصی
میشود روشن ز روشن آفتاب	هم ولی طاهر بزرگ متقی
باز طاهر بادشاه اتقیا	سال ترحیلش رقم کن ای اخی

تاریخ ولادت و وفات حضرت میانمیر بالا پیر لاهوری قدس سره که ولادت در سال هفصد و پنجاه و هفت و وفات در سنه یکهزار و چهل و پنج بوقوع آمد

میر دنیا و دین میانمیر است	واقف راز و محرم اسرار
هست سیر بهشت تولیدش	هم میانمیر چشمه انوار
بنده مقتدا میانمیر است	طرفه تولید آن شه ابرار
هادی صدق میر اشرف دان	واصل آن شاه زبدة الاخیار
نیز فیاض حق وصلی آمد	هم میانمیر دستگیر ای یار

تاریخ وفات شاه بلاول قادری لاهوری که در سال یکهزار و چهل و شش بوقوع آمد

ز دنیا شد چو در خلد معلی	جناب شه بلاول شاه شاهان
بگو مقبول حق سرور است تاریخ	دگر کامل مه فضلیت ای جان
بلاول قبله دین شاه عشق است	دگر مقبول عشق آمد نمایان
بلاول پیر محبوب بهشت است	وصال آن شه دین شاه عرفان

تاریخ وفات شیخ عبد الحق محدث دهلوی که در یکهزار و پنجاه و یک بوقوع آمد

ز دنیا وصل با حق یافت آخر	چو عبد الحق ولی پاک معصوم
وصالش یافتم با طرز رنگین	ز عبد الحق امام دین مخدوم

تاریخ وفات سید محمد محکم الدین حجره والا که در یکهزار و پنجاه و پنج بوقوع آمد

چون محمد مقیم محکم دین	شد ز دار الفنا مقیم بهشت

[illegible]

رحلتش دو شنبد از فقر آمد — نیز جان جان نعیم بهشت
شد عیان نیز افضل الاقطاب — سال ترحیل آن مقیم بهشت

تاریخ ولادت و وفات شیخ دهو لاهوری که ولادتش در سال نهصد و هشتاد و سه و وفات در سنه یکهزار و پنجاه و شش هجری الاقدس بوقوع آمد

عاشق الله و محبوب حسین — شیخ ما دهو دررد و عالم بادشا
مخزن علم و عمل تولید اوست — خواه گو شیخ جلیل ای نیکخواه
هست بحر معرفت ما دهو وصال — باز گوست می عشق آله

تاریخ وفات شاه سلیمان قادری قدس سره که در یکهزار و شصت و پنج بوقوع آمد

سلیمان مقتدائی هر دو عالم — شه دین پیشوای اهل دوران
سلیمان پیر شاهنشاه گفتم — زبهر وصل ثانی سلیمان

تاریخ حیات شیخ جان محمد حضوری لاهوری که در سال یکهزار و شصت و چار بوقوع آمد

کرد چون عزم سفر زین دار فانی سوی خلد — شه عالی لقا جان محمد رهبر جنت
بیان کن جان جنت عاشق مولی وصال — عیان کن سرورا جان محمد سرور جنت

قطعهٔ ثانی

جان هر دو جهان محمد جان — کرد چون از جهان بخلد ظهور
فیض دین سال ترحیلش — باز جو وصلش از محب ظهور

تاریخ وفات سید عبد الرزاق المشهور شاه چراغ لاهوری که در سال یکهزار و شصت و هشت بوقوع آمد

جلوه گر شد در جهان مثل چراغ — چون چراغ آن آفتاب عارفان
گشت روشن سال ترحیلش ز دل — سید حق آفتاب عارفان

تاریخ وفات ملا شاه قادری لاهوری که در سال یکهزار و شصت و نه بوقوع آمد

ملک جنت یافت چون از فضل حق — شیخ ملا شاه شاه با عطا
قطب شیخ الاولیا تاریخ اوست — ثانیا محبوب اعظم شد ندا
پیر محمد شاه محمود عاقبت — هست بهر رحلت او مدعا
باز گفتم سال محرم سخی — نیز ملا شاه مطلوب خدا

تاریخ وفات شاهزاده دارا شکوه قادری که در سال یکهزار و هفتاد بوقوع آمد

[illegible]

در کشمیر تشریف برده بهمانجا سکونت ورزید و شاهزاده دارا شکوه از اعاظم خلفای و مریدان وی بود مزارش در لاهور است

شد ز دنیا بحضرت دادار	شاه دارا ولی پاک سعید
گفت تاریخ قتل او سرور	شاه اسلام پادشاه شهید

قطعهٔ ثانی

یافت چون آب خوشگوار افسوس	شاه دارا ز چشمهٔ شمشیر
هست در ویش متقی سالش	خواجه مجتبی دگر برگیر
بازگو سال رحلتش سرور	شاه دینی شهید عالمگیر

تاریخ وفات سید صفی الدین المشهور به سیف الرحمن حجره واله که در سال یکهزار و هشتاد و نه بوقوع آمد

چون صفی شد از جهان با صد صفا	رحلت آن شاه مخدوم سعید
وان صفی الله ولی محتشم	هم صفی الله مخدوم سعید

تاریخ وفات سید محمد هاشم گیلانی لاهوری که در سال یکهزار و هشتاد و هفت بوقوع آمد

شد چو در خلد معلی از جهان	سید هاشم ولی مقتدا
سال ترحیلش بسی ور شد عیان	ماهتاب هاشمی قطب صفا

تاریخ وفات سید محمد امیر گیلانی حجره واله که در سال یکهزار و یکصد و دو بوقوع آمد

شد بجنت چو میر بالا پیر	طرفه سالش ز خامه تحریر است
آفتاب حقیقت است دگر	مجتبی میر حق جهانگیر است

تاریخ وفات شیخ حاجی محمد نوشاه گنج بخش قدس سره که در سال یکهزار و یکصد و سه بوقوع آمد

حضرت نوشاه شاه باکمال	زیر فرمان یافت چون ملک جنان
رحلتش گو هادی حق گنج بخش	نیز مهدی گنج بخش دو جهان
باز سال ارتحال آن جناب	قطب زاهد گنج بخش آمد عیان
پیر فیاض و محمد اعظم است	نیز سال ارتحالش بی گمان

تاریخ وفات سید فاضل گیلانی لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و دوازده هجری بوقوع آمد

چون شه فاضل ولی اهل فضل	یافت فضل وصل حق اندر جنان
قبلهٔ دین فاضل آمد رحلتش	نیز زیب اصفیا فاضل بخوان

تاریخ وفات خواجه محمد فضیل نوشاهی کابلی که در سال یکهزار و یکصد و یازده هجری بوقوع آمد

خواجه دین فضیل در اصل حق	شد ز دنیا چو در بهشت برین

رحلتش هست عارف سرمست ۱۱۱۱ — نیز فرما افضل و اصل دین ۱۱۱۱

تاریخ وفات شیخ رحیم داد نوشاهی قادری که در سال یکهزار و یکصد یازده بوقوع آمد

در جنان یافت رتبهٔ اعظم — چونکه آن اعظم و عظیم و رحیم

هست دریای فیض تاریخش ۱۱۱۵ — هم بخوان اشرف و کریم رحیم ۱۱۱۵

تاریخ وفات سید حسن پشاوری گیلانی که در سال یکهزار و یکصد پانزده بوقوع آمد

حسن احسن یافت در خلد برین — چون جناب شیخ سید والاحسن

رحلتش شیخ حسن مطلوب گو ۱۱۱۵ — نیز فرما فاضل مولاحسن ۱۱۱۵

تاریخ وفات شاه رضا قادری لاهوری که در سال یکهزار و یکصد شانزده بوقوع آمد

با نعمت خلد گشت راضی — چون شاه رضا ولی والا

دل گفت که آفتاب خلد است ۱۱۱۶ — تاریخ وصال آن معلی

تاریخ وفات شاه درگاهی لاهوری که در سال یکهزار و یکصد بیست و دو بوقوع آمد

گشت روشن چو رفت از دنیا — در جنان همچو ماه درگاهی

شیخ پیر است از سنه سالش نیز ۱۱۲۲ — قطب سردار شاه درگاهی ۱۱۲۲

تاریخ وفات شیخ تاج محمود قادری نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و بیست و سه بوقوع آمد

تاجدار خلد شد با عز و شان — حامد و محمود و پیر مقتدا

شد عیان سالش ز فیاض کبیر ۱۱۲۳ — باز شد پیدا از شیخ الاصفیا ۱۱۲۳

نیز سرور گفت سال وصل او — عاقبت محمود تاج اولیا ۱۱۲۳

تاریخ وفات سید نور محمد حجره واله که در سال یکهزار و یکصد بیست و شش بوقوع آمد

نور محمد آن مه عالم چو از جهان — بر عرش حق رسید بقرب جلیل حق

شاه کریم متقی آمد وصال او ۱۱۲۶ — دیگر بگو که نور محمد جلیل حق ۱۱۲۶

تاریخ وفات حافظ برخوردار نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و سی بوقوع آمد

شد چو برخوردار در باغ بهشت — شیخ برخوردار پیر رهنما

حافظ عالم بگو تاریخ او ۱۱۳۰ — نیز فرما دوستدار مجتبی ۱۱۳۰

باز محبوب جهان شاه بهشت ۱۱۳۰ — بهر سالش حاصل آمد مدعا

تاریخ وفات شیخ هاشم دریادل نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و سی پنج بوقوع آمد

۳۵

همچو دریا شد روان اندر بهشت — پیر هاشم شاه بحر معرفت
سال ترحیلش بگو دریای فضل ۱۱۳۵ — نیز حق آگاه بحر معرفت ۱۱۳۵

تاریخ وفات سید احمد شیخ الهند گیلانی که در سال یکهزار و یکصد و سی و شش بوقوع آمد

رفت احمد چو در بهشت برین — وصل آن شیخ دین و حق آگاه
اعظم الاولیا وے گفتم ۱۱۳۶ — هم دگر شیخ هند امین الله ۱۱۳۶

تاریخ وفات سید بدر الدین گیلانی که در سال یکهزار و یکصد و سی و شش بوقوع آمد

بدر چرخ زمانه بدر الدین — شد چو روشن با وج باغ جنان
سال تاریخ رحلتش سرور — بدر دین پیر دین شریف بخوان ۱۱۳۶

تاریخ وفات شاه شرف لاهوری که در سال یکهزار و سی و هفت بوقوع آمد

چون مشرف شد بنعمای بهشت — آن شرف شیخ یقین تاج الشرف
سال وصل اوست شیخ المومنین ۱۱۳۷ — هم بخوان محبوب دین تاج الشرف ۱۱۳۷

تاریخ وفات شیخ عصمت الله نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و سی و هفت بوقوع آمد

چو با صدق و یقین اندر جنان رفت — جناب شیخ صادق عصمت الله
غلام الله خوان سال وصالش ۱۱۳۷ — دوباره جو ز عاشق عصمت الله ۱۱۳۷

تاریخ وفات حضرت شاه عنایت قادری لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و چهل و یک بوقوع آمد

چو از فضل و عنایات الهی — عنایت رفت از دنیا بجنت
ز مشتاق مکرم جو وصالش ۱۱۴۱ — دگر تاج یقین اهل عنایت ۱۱۴۱

تاریخ وفات سید حاجی عبد الله گیلانی لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و چهل و یک بوقوع آمد

میر عالم گیر عبد الله پیر — سیر جنت شد چو با فضل و عطا
سال ترحیلش بخوان عاشق سخی ۱۱۴۱ — نیز فرما اهل نعمت مقتدا ۱۱۴۱

تاریخ وفات شیخ جمال الله نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و چهل و دو بوقوع آمد

چون بباغ جنتی شد جلوه گر — آن جمال با کمال معرفت
رحلتش شیخ کبیر است و دگر ۱۱۴۲ — قبله عالم جمال معرفت ۱۱۴۲
بار شیخ العالمین تحریر کن ۱۱۴۲ — سال وصل آن هلال معرفت

تاریخ وفات شیخ محمد معموری نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و چهل و پنج بوقوع آمد

از عمارات جهان بر داشت دل	شیخ معموری ولی دو جهان
شود ظاهر ز مظهر سال او ۱۱۴۵	مجتبی مخدوم میگردد عیان ۱۱۴۵

تاریخ وفات خواجه محمد فاضل بٹالوی قادری که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و یک بوقوع آمد

شیخ فاضل پیر فضل اهل فضل	یافت چون از فضل حق خلد برین
رحلتش مشتاق بر حق کن رقم ۱۱۵۱	بار دیگر فاضل علم اهل دین ۱۱۵۱

تاریخ وفات شه محمد غوث قادری لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و دو بوقوع آمد

غوث و قطب دین محمد غوث پیر	شد چو در جنت بصد لطف و خوشی
عارف مخدوم قطب آمد وصال ۱۱۵۲	بار دیگر راه بر سید سخی ۱۱۵۲

تاریخ وفات شیخ پیر محمد سچیار نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و دو بوقوع آمد

چون محمد پیر با حق یافت وصل	سال وصل آن شه برنا و پیر
طالب دیدار فیاض آمد است ۱۱۵۲	هم دگر معصوم پیر دستگیر ۱۱۵۲

تاریخ وفات شیخ عبدالرحمن المشهور پاک رحمن که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و سه بوقوع آمد

چون جناب عبد رحمان شیخ پاک	یافت جای پاک در خلد جلیل
هست عالی مرتبت تاریخ او ۱۱۵۳	هم بگو عاشق رحمان جمیل ۱۱۵۳

تاریخ ولادت و وفات شیخ عبدالقادر شاه گدا الگیلانی که ولادتش در سال یکهزار و شصت و سه و وفات در سنه یکهزار و یکصد و پنجاه و چار بوقوع آمد

عبد قادر میر عالم گیر پیر	شیخ اکبر پیشوای رهنما ۱۰۶۳
شد ولادت تولید صابر حق پرست ۱۰۶۳	باز فرما مرشد دین مجتبی
ارتحالش گو همایون مرتبت ۱۱۵۴	نیز مهدی متقی مقتدا ۱۱۵۴

تاریخ وفات شاه فرید نوشاهی لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

چون فرید زمانه سید دین	فرد و یکتا بباغ خلد رسید ۱۱۵۸
رحلتش والی خلافت دان ۱۱۵۸	هم بخوان آفتاب فقر فرید

تاریخ وفات سید حسین حجره واله که در سال یکهزار و یکصد و شصت و دو بوقوع آمد

بصد حسن چون از جهان رخت بست	شه محسن آن پیر کامل حسین ۱۱۶۲
بگو مجتبی شاه عرفان وصال ۱۱۶۲	دگر سید بو الفضائل حسین

٣٧

[illegible]

بن سید عمر بن حاجی محمد هاشم گیلانی لاهوری از اولیا [illegible] شیخ عبدالقادر
زمانه و علمای یگانه بود و در لاهور سکونت داشت و در عهد [illegible]
و در سالی از سید عبدالله [illegible] فیض باطن حاصل کرد
چون عبدالله [illegible] شد در ابتدای تکمیل
والد سید عبدالرحمن لاهوری بود چون عبدالرحمن را
ایام حیات [illegible] والد سید علاءالدین چشتی [illegible]
در [illegible] مجلس [illegible] ذکر [illegible] تکمیل [illegible]
[illegible] از خلفا [illegible] محمد سچیار نوشاهی است
صاحب جذب و استغراق و عشق و محبت [illegible]
ارادت [illegible] و بعد از آن [illegible]
شیخ پیر محمد رسیده تکمیل رسید

[illegible]

تاریخ وفات میر سیف الدین مجره واله که در سال یکهزار و یکصد و شصت و شش بوقوع آمد

میر سیف الدین امیر با جلال	گرد چون در خلد از دنیا ظهور
سیف دین مهر بهشت آمد وصال	بار دیگر نور فضل و شیخ نور

وفات شیخ رحمت الله نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و شصت و هفت بوقوع آمد

شد چو رحمتش برحمت حق وصل	هست تاریخ آن شه ابرار
رحمت الله ولی رهبر نیز	رحمت الله معدن الانوار
شیخ انور دگر بار بخشش	بنویس و ببین بخوان بشمار

تاریخ وفات شیخ نصرت الله نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و هفتاد و دو بوقوع آمد

رفت با نصرت چو در خلد برین	نصرت الله ناصر کون و مکان
رستم عشق است سالش کن رقم	نیز نصرت واصل کامل بخوان
شمس اهل خلد هم کرده ظهور	عاشق نور تجلی شد عیان

تاریخ وفات سید بهلی شاه قصوری که در سال یکهزار و یکصد و هفتاد و یک هجری بوقوع آمد

چو بهلی شاه شیخ هر دو عالم	مقام خویش اندر خلد ورزید
رقم کن شیخ اکرم ارتحالش	مگر هادی اکبر مست توحید
دوباره گو منور تاج عشاق	بسال رحلت آن شاه تفرید

تاریخ وفات محمد عظیم قادری لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و هشتاد و یک بوقوع آمد

چون محمد عظیم اعظم وقت	شد بصد عظمت از زمانه جدا
رحلتش فاضل کریم آمد	نیز شیخ جلال اهل صفا
زیب عالم عظیم تاریخ است	بهر ترحیل آن شه اعلی

تاریخ وفات شاه سردار قادری که در سال یکهزار و یکصد و هشتاد و چهار بوقوع آمد

شاه سردار ولی و متقی	شد شه فردوس با صدق و صفا
گشت روشن از خرد خورشید دین	سال وصل شاه همچون مهر ما
باز خورشید جلال است و دگر	سید هادی شنو اسردار شاه

تاریخ وفات سید محمد عبد الرزاق المشهور بمیر محمد که در سال یکصد و هشتاد و چهار بوقوع آمد

عبد رزاق سید عالی جاه	ذات پاکش بد و جهان طاق است

۴۳

[illegible]

هست غیب اللسان وصالش نیز　　منتفی مهر عبد رزاق است

تاریخ وفات شیخ مصاحب‌جان قادری لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و نود بوقوع آمد

چون مصاحب برحمت باری　　یافت در بارگاه جنت بار
جو وصالش ز مهر نعمت فقر　　بار دیگر ز مخزن الاسرار

تاریخ ولادت و وفات سید صدرالدین حجره واله که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و بست و هشت و وفات در سنه یکهزار و یکصد و نود بوقوع آمد

صدر عالم صدر دین صدر الفند　　مظهر دین مصدر فیض نبی
جلوه گر شد از رخ و مهتاب خلد　　سرور اولاد آن والا ولی
باز شاهنشاه سرور طرفه تر　　سال تولیدش ز دل شد منجلی
سن وصل آن شه عالی جناب　　هست صدرالدین امیر متقی

تاریخ وفات سید سعد الدین حجره واله که در سال یکهزار و یکصد و نود و پنج بوقوع آمد

با سعادت شد چو از دار فنا　　اسعد دوران شیخ ظهور
گوشه فیض هست تاریخش دگر　　سید الابرار هادی شمع نور

تاریخ وفات شیخ جان‌محمد قادری که در سال یکهزار و دو صد و شش بوقوع آمد

چو جان تازه از وصل خدا یافت　　شه عالم ولی جان محمد
وصال او ز شیخ رهنما جو　　دگر فرما غنی جان محمد

تاریخ وفات شیخ عبدالله شاه بلوچ لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و شانزده بوقوع آمد

خالد خلد شد چو از عالم　　شیخ عالم مکرم عبدالله
رحلتش صاحب ظهور بگو　　نیز مهدی اعظم عبدالله

تاریخ وفات شیخ محمود قادری لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و شانزده بوقوع آمد

حامد و محمود چون زین دهر رفت　　بر روانش باب جنت گشت باز
سال ترحیلش شد از سرور عیان　　محتشم محمود مهر بی نیاز
تاج اخیار است و هم اهل ظفر　　سال وصل آن ولی اهل راز

تاریخ ولادت و وفات سید عادل شاه گیلانی لاهوری المشهور بشوشاه که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و ده و وفات در سنه یکهزار و دو صد و بست بوقوع آمد

۳۹

[illegible]

سید والا مراتب نیک ذات — شاه عالم عادل دوران زمان
سال تولیدش با قوال صحیح — عادل و فاضل علیم آمد عیان
گشت سال انتقالش جلوه گر — محرم اسرار عشق ای مهربان

تاریخ وفات سید شادی شاه لاهوری که در سال یکهزار و دوصد و بست و یک بوقوع آمد

چو از روی زمین مانند خورشید — نهان شد میر شادی شاه فردوس
بیان شد فاضل بر حق وصالش — عیان شد میر شادی شاه فردوس

تاریخ وفات شاه سردار قادری لاهوری که در سال یکهزار و دوصد و بست و پنج بوقوع آمد

یافت سرداری چو در خلد برین — آن شه حسن و بستر سردار شاه
سال ترحیل و وصال آنجناب — دان ولی راه به سردار شاه

تاریخ وفات سید علی شاه لاهوری که در سال یکهزار و دوصد و بست و هفت بوقوع آمد

قدر اعلی یافت از دنیا چو بر اوج بهشت — حضرت سید علی شاه زمان شیخ جهان
رحلتش سید علی نور رسن مخدوم گو — فضل نورانی بدان هم شیخ نورانی جوان

تاریخ ولادت و وفات سید سردار علی شهید مجره واله که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و نود و دو و وفات وی در سال یکهزار و بست و هشت بوقوع آمد

شه و سردار محبوب الهی — شریف و سید و اشراف و دیندار
شد از دل عارف مشتاق پیدا — پی تولید آن سردار ابرار
بوصلش متقی راهبر شهنشاه — دگر برخوان مقدس پیر اخیار
مبارک سید فیاض فرما — رقم کن مرشد حق قطب سردار

تاریخ وفات شیخ محمد فیض قادری لاهوری که در سال یکهزار و دوصد و سی بوقوع آمد

فیض بخش از جهان چو کرد سفر — سال تاریخ آن شه ابرار
قمر فیض و مخلص عشق است — نیز سرمست عشق دان ای یار
باز محبوب کے نظیر آمد — رحلتش کرد چون خرد تکرار

تاریخ وفات شیخ امام بخش درویش لاهوری که در سال یکهزار و دوصد و سی بوقوع آمد

امام بخش امام جهان ولی زمان — زد هر رخت سفر بست رفت خوش بجنان
امام بخش محقق بگو بتاریخش — دگر برحلت او مظهر وفا برخوان

تاریخ وفات سید غلام نبی جبره واله که در سال یکهزار و دوصد چهل و هفت بوقوع آمد

رفت چو زین دهر بخلد برین — حاکم دین شاه غلام نبی
گفت بتاریخ وصالش خرد — طالب الله و غلام نبی

تاریخ وفات سید قطب الانام قطب الدین گیلانی مقیم شاهی که در سال یکهزار و دوصد و پنجاه بوقوع آمد و ولادت وی در سنه یکهزار یکصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

قطب اقطاب آن سه قطب الانام — میر قطب الدین ولی متقی
سال تولیدش ز چرخ چارمین — طرفه خورشید نبی شد منجلی
رحلتش مخدوم نعمت کن رقم — نیز قطب الافضلین کامل ولی

تاریخ وفات شیخ مسلم خان لاهوری که در سال یکهزار و دوصد پنجاه و چار

جناب شیخ مسلم خان والا — بجنت رفت چون زین دهر پرشور
ولی مهربان شیخ استناسش — دگر آمد عیان محبوب منظور

گنج سیوم در بیان قطعات تاریخ وفات حضرات سلسله چشت نیک سیر

تاریخ وفات خواجه حسن بصری رضی الله عنه که در سال یکصد و ده یا یازده یا

خواجه دوزمن آن محسن احسن حسن — زیب بصره زینت دین مقتدا و متقی
سال وصلش قطب گو اعلی بدان یا باک سنج — هم ولی امجد همایون هادی ملک و علی
مه جبین ماه دین و طاق و ناجی گفته — جامع و والی دین و کافی و زنده ولی
بلبل گل هست و سالار محب یکدل است — شد دگر ماه بلال از اوج خاطر منجلی
هادی کامل محب دین و عابد پاک باز — دان وسیله بازگو اهل جمال از الهی

تاریخ وفات شیخ عبد الواحد بن زید که در سال یکصد و هفتاد و هفت بوقوع آمد

عبد واحد صاحب توحید پیر — فرد و یکتا شد چو آخر از زمان
معدن جود است و عابد زنده دل — سال وصل آن شه والا مکان
زبده دین عبد واحد کن رقم — هم امام عبد واحد کن بیان
نیز تاریخش بقول اهل حق — دان یقین حق بین دگر قطب جهان

تاریخ وفات خواجه فضیل بن عیاض که در سال یکصد و هشتاد و شش یا هشتاد و هفت

چون فضیل از فضل حق شد در بهشت — سال وصل آن شه دار القرا

ماه عالم پس امام عدل گو — سید اقطاب و واقف کن شمار
بوعلی هادی امجد کن رقم — تا بماند بهر وصلش یادگار
صاحب مولی و اهل سیف نیز — باز صوفی کن بسالش اختیار

تاریخ وفات سلطان ابراهیم بن ادهم که در سال دو صد و شصت یا شصت و یک یا دو یا شصت و هفت یا هشتاد و یک بوقوع آمد

شیخ ابراهیم سلطان الولی — شد چو از دنیا بفردوس برین
دل بسال وصل آن والا همم — قطب حق بین گفت و هم قطب الیقین
شد رقم قطب معلی سال او — نیز سلطان همایون بالیقین

تاریخ وفات خواجه حذیفة المرعشی که در سال دو صد و پنجاه یا دو صد و هفتاد و شش

مرعشی پیر جهانگیر ولی — چون مخلد گشت در خلد برین
ارتحال آن شه والا جناب — قطب عالم گو دو باره پیر دین

وفات خواجه هبیرة البصری قدس سره که در سال دو صد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

باصره اهل بصیرت شیخ حق — شیخ بصری چون بجنت یافت جا
رحلتش کامل امین الدین بگو — بار دیگر خوان جمال الاصفیا
وصل او موصول شد زاهد کریم — هم فنا فی الله شد از دل ندا

تاریخ وفات خواجه علو ممشاد دینوری که در سال دو صد و نود و هشت هجری بوقوع آمد

چونکه اعلی علو دینوری — یافت عالی مقام باغ جنان
مهربان است و نیز والا — سال ترحیل آن شه ذیشان
پس صبور و عزیز صدیق است — زاهد دین علو عالی دان

تاریخ وفات خواجه ابو اسحاق شامی که در سال سه صد و بست و نه هجری بوقوع آمد

ذاکر شام و سحر شامی ولی — شد چو از دنیا بجنت شادکام
وصل پاکش هست قطب اولیا — هم ابو اسحاق محبوب انام
رحلتش سلطان ابو اسحاق گو — پس بخوان رکن جهان ای نیکنام
باز شد سید از مهدی کریم — ارتحال پاک او تم الکلام

تاریخ ولادت و وفات خواجه ابو احمد ابدال چشتی که ولادتش در سال دو صد و

وشصت و وفات در سنه سه صد و پنجاه و پنج هجری بوقوع آمد

شیخ بو احمد ولی دو جهان	نور چشم احمدی بو هدا
هادی حق سید محبوب گو	سال تولیدش بقبول اصفیا
بود ذاتش نیر اوج کمال	نیز آمد بحر تولیدش ندا
حق نما بو احمد آمد هم عیان	باز فرما احمد اصل صفا
گفت دل وصلش ولی مہر جہاز	نیز سید زنده دل صاحب عطا
رحلتش نور آسمی احمد است	باز بو احمد فرید آمد بجا

تاریخ ولادت و وفات خواجه ابو محمد چشتی که ولادتش در سال سه صد و سی و یک و وفات وی در سنه چارصد و یازده هجری بوقوع آمد

بو محمد پیر هر برنا و پیر	محرم حق واقف سر خدا
واصل صدیق تولیدش بخوان	هم بگو واصل حبیب اصفیا
باز تولیدش ز سرور شد رقم	زنده دل صاحب امام اولیا
نیز گو تولید آن والا ولی	سرور سالک ولی با صفا
وصل او آمد محمد یار حق	رحلتش فرما محمد پیشوا
هم بخوان قطب مکرم ای اخی	نیز مطلوب کمال کبریا

تاریخ ولادت و وفات خواجه ابو یوسف چشتی که ولادتش در سال سه صد و هفتاد و پنج و وفات در سنه چارصد و پنجاه و نه هجری بوقوع آمد

خواجه وقت و یوسف ثانی	مثل او نادر زمانه نزاد
صاحب حسن یوسف است بدان	سال تولید آن شه اوتاد
باز سال ولادتش سرور	قطب حق یوسف آمد اندر یاد
رحلتش شد عیان ز عارف حق	نیز یوسف ولی با در زاد

تاریخ ولادت و وفات خواجه مودود چشتی که ولادتش در سال چارصد سی و وفات در سنه پانصد و بست و هفت بوقوع آمد

خواجه مودود محبوب ودود	بود شیخ دین ولی با صفا
شاه دین مودود تولیدش بگو	یار حق سالک بفرما از عطا

که امام یازدهم از دوازده امام است بدینگونه میر سید ابو یوسف بن محمد سمعان بن سید ابراهیم بن سید محمد بن سید حسین بن سید عبد الله الملقب بعلی اکبر بن امام حسن عسکری رحمة الله علیهم اجمعین ۱۲ و هم فرزند دلبند خواجه ابو یوسف چشتی است قطب الدین قطب العابدین لقب داشت و بخطاب شمع صوفیان و چراغ چشتیان مخاطب بود و در عمر هفت سالگی قرآن حفظ کرده و در عمر یازده سالگی بکمال فضل علوم فقه ...

هم بخوان واصلی دین مهرجال — نیز کن تحریر عاملی پیشوا
کعبهٔ دین شاه مودود آمد است — رحلت آن پادشاه اتقیا
ارتحالش هم رقم شد از قلم — صاحب مودود واصلی پیشوا
هم شه محمود دین مودود خوان — انتقال او ز سرور والدعا

تاریخ وفات خواجه پیر کبار و ثوزی که در سال پانصد پنجاه هجری بوقوع آمد

از جهان چون شیخ و توشیم دین — رفت در دربار جنت یافت جا
متقی آمد وصال پاک او — هم وصلی دو جهان پیر کبار

تاریخ ولادت و وفات خواجه احمد چشتی که ولادتش ... سال پانصد و ... و وفات در پانصد ...

شیخ دین احمد که در پیران چشت — بود شیخ اهل حال و اهل قال
مهربان قطب زمان تولید او — عاشق احمد وصلی دار انتقال

تاریخ وفات شاه محمد سنجان چشتی که در سال پانصد و نود و هفت بوقوع آمد

معلی رتبه در ملک جنان یافت — چو سنجان شاه عالیجاه محمود
وصالش جوز و اصلی متقی نیز — ز عالی زبدهٔ دین شاه محمود

تاریخ وفات خواجه حاجی شریف زندنی که در سال ششصد و دوازده بوقوع آمد

چون مشرف شد باشراف بهشت — اشرف التاثیر حاجی شریف
یار عرفان پیر کشف آمد عیان — رحلت آن پیر حاجی شریف
هم بگو مهتاب دین اهل دین — نیز کن تحریر حاجی شریف

تاریخ وفات خواجه عثمان هارونی چشتی که در سال ششصد و هفده بوقوع آمد

از زمین چون شد بر اوج آسمان — شیخ عثمان مقتدا و اولیا
قطب وقت آمد وصال پاک او — جلوه گر شد نیز تاج الاصفیا

تاریخ ولادت و وفات خواجه معین الحق والدین حسن سنجری که ولادت در سال پانصد و سی و هفت و وفات در سنه ششصد و سی و سه هجری بوقوع آمد

حسن محسن معین الحق والدین — دلش روشن ز انوار تجلی
تولیدش امام سبحتی خوان — وصالش نیز اکبر معلی

قطعهٔ ثانی

[illegible]

سید عالم معین الدین ولی	مقتدای دین شه هندستان
سال تولیدش بگو بدر منیر	باز سرور عارف صوفی بخوان
عمده دین زنده دل بدر الدجی	شد عیان تولید آن شاه جهان
نیز قطب الواصلین قطب زمن	سال تولیدش بسرور شد عیان
مخبر دل سال وصل آنجناب	گفت قطب الاصفیا میر جهان
هم بدان میر مکرم زینت دین	رحلت آن میر دین جنت مکان
کرد هم دل سال وصلش طرفه تر	عارف زاهد معین الدین بیان

قطعه ثالث

معین الدین چو از فضل الهی	بوصل ایزدی گردید موصول
عجب تاریخ وصلش جلوه گر شد	امام حق معین الدین مقبول

تاریخ ولادت و وفات خواجه سید قطب الدین بختیار کاکی اوشی که ولادتش در سال پانصد و هشتاد و دو و وفات در سنه ششصد و سی و سه یا سی و چهار بوقوع آمد

جناب خواجه قطب الدین اوشی	که بود او شیخ و قطب شیخ و هم شاب
تولیدش رقم کن قطب عاشق	بخوان هم عاشق سالک درین باب
دگر تاریخ وصلش یافت سرور	ز قطب الدین مقدس قطب اقطاب
دگر ترحیل او جنت مقام است	نکر رعالم الاسرار دریاب

قطعه ثانی

کریم النفس قطب دین سبنی	که مرحوم و مقبول و منظور بود
بتاریخ ترحیل آن شاه دین	بفرما که نور زنی علی نور بود

تاریخ وفات سلطان شمس الدین التمش که در سال ششصد و سی و سه یا سی و چهار بوقوع آمد

شمس دین پر نور شاه ملک هند	شد چو از دنیا شه ملک جنان
شمس دین حق بین بخوان سال وصال	هم بفرما شمس دین قطب جهان
بنده حق شمس دین تحریر کن	نیز شمس الاصفیا هادی بخوان

تاریخ وفات شیخ جلال الدین تبریزی که در سال ششصد و چهل و دو بوقوع آمد

یافت از دنیای دون اجلال خلد	چو رفت جلال الدین بصد عز و جلال

[illegible]

زبده دین صاحب التوحید گو	نیز اکبر جلال الدین وصال

تاریخ وفات شیخ محمد ترک نارنولی که در سال ششصد و چهل و دو بوقوع آمد

چون محمد نعش کرد عروج	سال ترحیل آن شه ذی شان
کاشف البحر کن دلا تحریر	بعد ازان شیخ محمد خوان

تاریخ وفات خواجه فخر الدین حمیدی که در سال ششصد و پنجاه و سه بوقوع آمد

فخر اهل زمانه فخر الدین	یافت از حق چو عز و فخر جنان
خواجه ابدال و خواجه والا	رحلتش خوان ز مقتدای زمان

تاریخ وفات شیخ بدر الدین غزنوی که در سال ششصد و پنجاه و هفت بوقوع آمد

گشت روشن چو بدر دین در خلد	سال ترحیل آن شه حق بین
کاشف راز اولیا فرما	نیز پیر سعید بدر الدین

تاریخ وفات شیخ جمال الدین قطب هانسوی که در سال ششصد و پنجاه و نه بوقوع آمد

شد چو روشن جمال روی بهشت	از جمال کمال دین بینی
جلوه گر شد بسال رحلت او	عارف حق جمال دین بینی

قطعه ثانی

شد چو در جنت بصد حسن و جمال	شیخ حق آمین جمال اهل فقر
پرتو افگن شد عجب سال وصال	از جمال الدین جمال اهل فقر

سال ولادت و وفات شیخ فرید الحق والدین گنجشکر اجودهنی قدس سره که ولادت در سال پانصد و هشتاد و پنج و وفات در سنه ششصد و شصت و چهار یا شش یا هفتاد و اند بوقوع آمد

مقتدای دین فرید الدین ولی	فرد عالم فرد فرد دو جهان
گشت ظاهر حق طلب قطب الفقر	از خرد تولید آن قطب زمان
هم فرید الاولیا خیر آمدست	سرور ا تولید آن شاه جهان
نیز تولیدش بقول اصفیا	شد فرید الدین امین الدین عیان
زیب عالم فرد عالم طرفه تر	سال تولیدش عیان شد از نهان
شد دگر مهدی فرید العالمین	سال تولیدش ندا از آسمان
عاشق حق کامل آمد رحلتش	زاهد دین پیر عالم گیر دان

رحلتش گو نیز شاه دین فرید — شمع نور آمد دگر ایدوستان
هم حبیب حق فرید الدهر گو — صوفی کامل فرید الدین بخوان
باز عالی جاه قطب الحق فرید — بنده فرد الفرید ای مهربان
عاشق صادق دگر فرماے — سال وصل آن شه عالیمکان
بین سه کامل فرید الدهر گو — سرورا سال وصالش بی گمان

قطعه ثانی

مقتداے یقین فرید الدین — فرد اهل جهان و لے زمان
عمده دین فرید حق گفتم — سال تولید آن شه ذی شان
زبده دین فرید دهر آمد — نیز سال ولادتش بزبان
سال ترحیل او خرد فرمود — حب مولے فرید هر دو جهان
قطب دوران فرید شد پیدا — رحلت آن شهنشه دوران
بنده حق فرید قطب الهند — وصل او گفت سرور نادان

قطعه ثالث

فرید دین فرید جمله عالم — شه فرخ لقا فرخنده آمین
فرید الهند قطب پاک فرما — پی تولید پاک آن شه دین
بخوان وصلش فرید الدهر اسلام — دگر سالک فرید الدین حق بیز

قطعه رابع

پیر شکر گنج فرید زمان — حضرت مسعود و لے سعید
سالک مسعود فرید امدست — مادهٔ تولید وے از دل بدید
سال وصالش چو بجستم ز دل — گفت بگو باد شه دین فرید

قطعه خامس

فرد دنیا و دین فرید الدین — فرد و یکتا بقرب وصل رسید
رحلتش بندهٔ خدا میخوان — هم بدان فرد دین فرید وحید

تاریخ وفات شیخ نجیب الدین محمود متوکل که در سال ششصد و هفتاد و یک بود

چون نجیب الدین متوکل نجیب — از توکل یافت با حق اتصال

شیخ نجیب الدین متوکل ... برادر حقیقی شیخ فرید الدین مسعود ... است و در توکل و قناعت و رضا و تسلیم مقامات بلند و مراتب ارجمند داشت و تا مدت هفتاد سال در دهلی سکونت کرده بجانب اعلی از دنیا دار ان رفت ۱۲

راست گفتم ز اشتقی تاریخ او	باز محمود عاقبت کردم خیال
نیز بهر انتقال آنجناب	قطب دین متوکل آمد بسال

تاریخ وفات شیخ نظام الدین ابو المؤید که در سال ششصد و هفتاد و دو بوقوع

چون نظام الدین بصد نظم و نظام	ناظم جنت شد از دار فنا
کامل اشرف بگو تاریخ او	نیز مهدی ابو مؤید مقتدا

تاریخ وفات شیخ حمید الدین صوفی ناگوری که در سال ششصد و هفتاد و ...

چون حمید الدین صوفی با صفا	صاف صاف از دهر در جنت رسید
هست قطب العاشقین سالش دگر	سالک دوران حمید الدین سعید

تاریخ وفات قاضی حمید الدین ناگوری که در سال ششصد و هفتاد و هشت بوقوع

چون حمید الدین حمید العاقبت	یافت جای خویش در عرش مجید
گشت سال انتقالش جلوه گر	تاج اهل دین ولی الله حمید
هم حمید الدین ولی بدر منیر	گشت وصلش از دل سرو پدید
پس رقم کردم جمال العاقبت	ارتحال آن شه والا سعید

تاریخ وفات شیخ عبد العزیز علی ناگوری که در سال ششصد و هشتاد و یک بوقوع

شد چو با عزت ازین ذلت سرای	عزت دین متقی عبد العزیز
بحر عرفان اهل دل کو رحلتش	بادشاه دین علی عبد العزیز

تاریخ وفات امام علی لاحق سیالکوٹی که در سال ششصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

علی اعلی لقب شیخ معلی	چو شد در جنت فردوس والی
علی شاه کریم آمد وصالش	دگر فرما علی سرور عالی

تاریخ وفات شیخ محمود برهان الدین ابو الخیر اسعد بلخی که در سال ششصد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

چون بصد برهان فضائل خلد یافت	شیخ عالم مقتدا برهان دین
رحلتش سرور دین محسن بگو	هم ولی پیشوا برهان دین

تاریخ وفات خواجه علاء الدین علی احمد صابر چشتی که در سال ششصد و نود بوقوع آمد.

صابر و شاکر علاء و الدین علی احمد ولی	شد چو در جنت بسال رحلتش بی قیل و قال
گو علی احمد علاء و الدین صابر ایزدی	هم علاء و الدین صابر صادق آمد ارتحال

قطعه ثانی

با هزاران صبر چون زین دهر رفت	حضرت صابر ولی اهل جاه
سال ترحیلش ز سرو رشد عیان	هادی و محبوب صابر بادشاه
هم بخوان صابر سراج الطالبین	تا شود روشن وصالش مثل ماه

قطعه ثالث

چو صابر ولی جهان کان صبر	شده رونق افزا بخلد قدیم
ز مخدوم جو سال ترحیل او	بفرما دگر متقی مسلم

قطعه رابع

معدن صبر صابر اکبر	شد بجنت وصال آن حق بین
مرشد اهل دین ولی فرما	هم بخوان آفتاب اهل یقین

تاریخ وفات شیخ بدر الدین بن اسحاق چشتی که در سال ششصد و نود هجری بوقوع آمد

بدر دین چون گشت روشن مثل بدر	در جنان تاریخ او بی قال و قیل
بدر کامل مهدی دین بدر دین است	بار دیگر شاه بدر الدین جمیل

تاریخ وفات شیخ منتجب الدین چشتی که در سال ششصد و نود و پنج هجری بوقوع آمد

مطلع نور سحابت منتجب	شد چو روشن از فنا اندر بقا
کاشف حق صوفی آمد رحلتش	هم دگر مهدی کامل مقتدا
مقتدای علم شد از دل عیان	کاشف مرحوم گشت از جان ندا
سرور امصار منتجب کن رقم	رحلت آن شاه عالم والدعا

تاریخ وفات سید محمد بن محمود کرمانی چشتی که در سال هفتصد و یازده بوقوع آمد

محمد ابن محمود آن مه کرمان شه عالم	بشکل شمع شد روشن چو اندر باغ رضوانی
رقم شد مرشد الکونین هم مشکلکشا سالش	دگر باره محمد بود سید پیر کرمانی

تاریخ وفات شیخ شمس الدین ترک پانی پتی که در سال هفتصد و سیزده یا پانزده بوقوع آمد

مطلع حق شمس دین نور یقین	شد چو از دنیا بسال [illegible] مدعا

طالب مقبول شمس الدین بود — نیز شمس الدین ولی با صفا
شمس دین سلطان نامی شد عیان — باز شمس دین امیر آمد ندا
هم ز شمس دین اکبر جسته ام — ارتحال آن ولی مقتدا

قطعهٔ ثانی

شمس دین شد چو در جنان روشن — هست تاریخ آن شه حق بین
اهل دین شمس دین ولی حق — هم محب یقین شمس الدین

تاریخ وفات قاضی محی الدین کاشانی چشتی که در سال هفتصد و نوزده هجری بوقوع

شد بجنت چو زنده جاوید — زنده دل محی دین ولی حق بین
رحلتش هست صاحب تحقیق — نیز مهتاب حسن محی الدین

تاریخ وفات خواجه علاء الدین چشتی اجودهنی که در سال هفتصد و بست هجری بوقوع

شد چو از دهر خلد اعلی یافت — شیخ دنیا و دین علاء الدین
متقی یقین است تاریخش — نیز پیداست متقی حق بین
یار حق کاشف و ثریا جاه — هست وصلش بزینت و تزئین
باز تاریخ رحلت آن شاه — گفته ام شمع حق علاء الدین

تاریخ وفات خواجه شمس الدین دهلوی که در سال هفتصد و بست و دو بوقوع آمد

بمغرب رفت از روی زمین آه — چو شمس الدین ولی مهر منور
بگو قطب الشرف اخلاص فرما — بسال رحلت آن شاه رهبر
دگر تاریخ وصلش جلوه گر شد — ز شمس الاولیا هادی اکبر

تاریخ وفات شیخ شرف الدین بو علی قلندر پانی پتی که در سال هفتصد و بست و چار بوقوع

بو علی اشرف و شریف و نجیب — وصل شد چون بوصل رب ودود
ارتحالش شرف ولی زمان — نیز فرما شرف ولی محمود
بار دیگر شرف سعید بگو — سال ترحیل آن شه با جود
باز شد سن رحلتش پیدا — زیب عالم قلندر مسعود

تاریخ ولادت و وفات شیخ نظام الدین بدایونی دهلوی که ولادتش در سال ششصد و سی و چار و وفات در سنه هفتصد و بست و پنج هجری بوقوع آمد

۵۰

نظام الدین نظام دین احمد	ولی محبوب حق حق گو و حق بیز
تولیدش ز دل آمد هویدا	که محبوب الهی سرور دین
دگر هادی حق بدر منیرست	تولیدش بگو ای فرخ آئین
رقم شد سن و سال انتقالش	فرید ملک سلطان السلاطین
عدیم المثل دان سال وصالش	خلیفه کن بیان بانیت و تزئین

تاریخ وفات خواجه امیر خسرو دهلوی که در سال هفتصد و بست و پنج بوقوع آمد

خواجه خسرو امیر دو جهان	یافت مثل گل چو در جنت مقام
رحلت او اشرف الاقطاب گو	نیز فرما بلبل شیرین کلام

قطعهٔ ثانی

آن امیر اولیا وان خسرو ملک بقا	شد چو زین دار الحزن چون گل سوی باغ جنان
عندلیب دل ز بهر ارتحال پاک او	گفت زیبا طوطی گوینده شیرین زبان

تاریخ وفات شیخ وجیه الدین یوسف چشتی که در سال هفتصد و بست و نه بوقوع آمد

مصر دنیا گذاشت آخر کار	شیخ مسعود یوسف ثانی
یوسف عاقبت بگو سالش	هم بخوان بود یوسف ثانی

تاریخ وفات میر حسن علای سنجری دهلوی که در سال هفتصد و سی و شش بوقوع آمد

چون حسن احسن شه اهل جمال	با کمال حسن در جنت رسید
رحلتش حسن حقیقت شد عیان	سید مرشد حسن آمد پدید

تاریخ وفات مولانا ضیاء الدین برنی که در سال هفتصد و سی و هشت بوقوع آمد

جلوه گر در جنت الفردوس شد	چون ضیاء الدین لصد نور و ضیا
رحلتش مخدوم امجد کن رقم	بار دیگر پیر برنی پارسا
وصل او ابر سعادت گفته ام	والی خاص است دیگر والدعا

تاریخ وفات شیخ برهان الدین غریب که در سال هفتصد و چهل و یک بوقوع آمد

چو شد برهان دین برهان جنت	عجب سال وصال او به تشهیر
خرد فرمود عاشق شمع حق	دگر اهل صفا برهان دین پیر

وفات شیخ حسام الدین سوخته چشتی که در سال هفتصد و چهل و یک بوقوع آمد

چون حسام الدین ز دنیا رخت بست ‌‌‌‌‌ ‌ سال وصل آن ولی متقی
عاشق الله صدیق آمده است ‌ هم حسام الدین سعید جنتی

تاریخ وفات شیخ عزیز الدین صوفی که در سال هفتصد و چهل و یک بوقوع آمد

شد ز دنیا چو با هزار اعزاز ‌ عز خلد برین عزیز الدین
رحلتش آفتاب انور دان ‌ هم بخوان فتح دین عزیز الدین

تاریخ وفات شیخ شمس الدین یحیی چشتی قدس سره که در سال هفتصد و چهل و هفت بوقوع آمد

شمس دین ماه اوج برج کمال ‌ جلوه گر شد چو در بهشت برین
رحلتش عابد سخی آمد ‌ شد عیان ماه بدر شمس الدین

تاریخ وفات ملک زاده احمد چشتی قدس سره که در سال هفتصد و چهل و هفت بوقوع آمد

احمد و حامد ولی عالی وقار ‌ شد چو در خلد معلی جای او
هست مهدی محترم تاریخ او ‌ کرت ثانی است احمد دستگیر

تاریخ وفات مولانا فخر الدین زرادی چشتی که در سال هفتصد و چهل و هشت بوقوع آمد

چو شد فخر جهان با عزت و جاه ‌ دلی فخر جهان مخدوم و محبوب
مه جنت است سال انتقالش ‌ دگر باره بخوان مخدوم محبوب

تاریخ وفات شیخ ضیاء الدین نخشبی که در سال هفتصد و پنجاه و یک بوقوع آمد

چون ضیاء الدین بصد نور و ضیا ‌ رفت در جنت وصالش ای اخی
واقف اسرار اهل الله دان ‌ نیز مرشد هادی عالم ولی
باز خوان مخدوم و سال رحلتش ‌ هم ولی دین کامل متقی

تاریخ وفات شیخ فرید الدین ناگوری که در سال هفتصد و پنجاه و دو بوقوع آمد

چون فرید الدین ولی فرد الفرید ‌ فرد و یکبار رفت اندر خاک باز
بنده خاص است سال رحلتش ‌ هم فرید فرد عالم پاک باز

تاریخ وفات کمال الدین که در سال هفتصد و پنجاه و شش بوقوع آمد

شد کمال الدین چو با نور کمال ‌ چون مه کامل بفردوس برین
رحمت حق گشت روشن رحلتش ‌ بار دیگر متقی اهل دین

تاریخ وفات شیخ نصیر الدین محمود چراغ دهلوی که در سال هفتصد و پنجاه و دو

۵۳

بانجاه و هفت بوقوع آمد

گشت چون جلوه گر نصیر الدین	بجنان چون چراغ پر انوار
هست مهتاب نیر دهلی	سال ترحیل آن شه ابرار
کن رقم نیز رهبر فردوس	تا شود سال رحلتش اظهار
قبله حق نصیر دین محمود	سال وصلش بخوان تو با تکرار
باز محبوب نیر اکبر	هم بگو پیر سید و سردار
کن رقم باز رحلت آن شاه	طالب الله و واقف اسرار
باز صدیق حق نصیر الدین	گفت دل سال رحلتش ای یار
شاه نامی نصیر شد تحریر	رحلت پاک او ز سر و ز زار

تاریخ وفات شیخ اخی سراج الدین چشتی که در سال هفتصد و پنجاه و هشت

چون سراج الدین سراج اهل چشت	جلوه گر شد مثل مه اندر جنان
عارف امجد سراج الدین بگو	هم مصلی معتبر تاریخ آن
عارف شاه رهبر دو بار کن رقم	سالک محرم سراج الدین بخوان

تاریخ وفات شیخ صدر الدین حکیم چشتی در سال هفتصد و پنجاه و نه بوقوع آمد

صدر دنیا و دین ولی جهان	شد چو بر صدر خلد صدر نشین
شاه جنت بگو تاریخش	هم بخوان شاه دین صدر الدین

تاریخ وفات شیخ قطب الدین منور قدس سره که در سال هفتصد و شصت بوقوع آمد

قطب جنت شد چو با صد عز و جاه	قطب عالم قطب دین قطب یقین
سال ترحیلش ندا شد از فلک	قطب دنیا آفتاب اهل دین
هم بخوان مهر منور قطب حق	سال وصل آن شه خلوت نشین

تاریخ وفات شیخ معین الدین خورد قدس سره که در سال هفتصد و شصت و یک بوقوع آمد

چو در اقلیم جنت یافت شاهی	معین اهل امانت پیر مغفور
معین الدین متوکل رقم کرد	بتاریخش چو سر در گشت مامور
دگر تاریخ ترحیلش عیان شد	معین الدین کامل مطلع نور

تاریخ وفات شیخ علاء الدین نیلی قدس سره که در سال هفتصد و شصت و دو هجری بوقوع

ز دنیا شد مقیم جنت الخلد	علاء الدین واسے وصف حق
رقم شد بهر سال انتقالش	علاء الدین عارف صاحب حق

تاریخ وفات شیخ سراج الدین چشتی که در سال هفتصد و شصت و دو بوقوع آمد

ماهتاب جهان سراج الدین	جلوه گر گشت چون بر اوج جهان
هست اهل خلوص تاریخش	همه گر صاحب کرامت دان

تاریخ وفات شیخ جلال الدین پانی پتی که در سال هفتصد و شصت و پنج بوقوع آمد

چون جلال الدین شه اهل جلال	یافت با وصل خداوندی وصال
بحر عرفانی جلال بے نیاز	هست وصل آن شه اهل کمال
پیر کامل پیر عالیشان بگو	نیز مفتاح جلال حق جلال
پس ز اهل الله محبوب خدا	گیر بهر رحلتش تاریخ سال

تاریخ وفات شیخ حمید قلندر چشتی که در سال هفتصد و شصت و هشت بوقوع آمد

چون بالطاف جناب ذو الجلال	شد بجنت حامد رحمان حمید
شاه عالیشان بگو تاریخ او	هم بخوان سرور شه عرفان حمید

تاریخ وفات سید محمد بن مبارک کرمانی که در سال هفتصد و هفتاد بوقوع آمد

محمد شیخ دین آل محمد	چو روشن شد بجنت مثل مهتاب
عجب سال وصالش حق پرست است	فقیر فقر هم گفتم درین باب
چو شاهنشاه حق هاتف ندا کرد	وصال پاک او گفتم با حباب
محمد درد عشق است و دو بارا	محمد بن مبارک میر اقطاب

تاریخ وفات شیخ یوسف چشتی که در سال هفتصد و هفتاد و چهار بوقوع آمد

یوسف مصر دین حق یوسف	کرد چون از جهان بخلد مکان
رحلتش یوسف حقیقت گو	یوسف حسن ماه تابان خوان
بازکن شمع نور حق روشن	سال وصلش ستاره حق دان

تاریخ وفات شیخ تاج الدین سوار چشتی که در سال دو صد و هشتاد و چهار بوقوع آمد

شیخ تاج الدین شه عالم که در اوصاف	تاج دین اعزاز و پیاسخ حق [illegible]
ارتحالش مرشد مقصود و هم سلطان خلد	تاج فقر و نیز تاج شاهی دین گفته اند

تاریخ وفات شیخ عبد المقتدر چشتی که در سال هفتصد و هشتاد و نه یا نود و یک بوقوع آمد

چون باکرام خداوندی فصل لاینال — رفت از دار الفنا در خلد عالی مقتدر
صاحب مخدوم شد وصلش دگر باره خرد — گفت او ولی مقتدر فرمود و الی مقتدر

تاریخ وفات شیخ علاء الدین علاء الحق بن سعد لاهوری بنگالی که در سال هشتصد بوقوع

بفردوس معلی شد علاء الدین چو از عالم — ز رویش زینت تازه بگلزار جنان آمد
ولی رهبر علاء الحق و الدین است تاریخش — دگر والی علاء الحق و ملت عیان آمد

تاریخ وفات شیخ حسام الدین فتح پوری که در سال هشتصد هجری بوقوع آمد

شد چو واصل بوصل حقانی — شیخ دین هست حسام الدین
گفت سرور بسال رحلت او — شاه مرد ولی حسام الدین
نیز دان متقی قطب الحق — هم ولی متقی حسام الدین

تاریخ وفات میر سید اشرف جهانگیر سمنانی که در سال هشتصد و هشت بوقوع آمد

مشرف گشت با نعمای جنت — چو شیخ اشرف آن میر شرف پیر
شریف الواقف آمد ارتحالش — دو باره راه بر قطب جهانگیر
دگر کردم رقم در سال ترحیل — امام مومنان منیر جهانگیر
بخوان سال وصالش بار دیگر — بکمل عارف و الا جهانگیر
ولی هند میر جنت آمد — چو شد وصلش ز نوک خامه تحریر
وصالش و اصل کامل شریف است — اگر خواهی بکن ای یار تقریر

تاریخ وفات شیخ احمد تها منیری که در سال هشتصد و بست بوقوع آمد

شیخ دین احمدی احمد ولی — شد چو از دنیا بجنات النعیم
هست مخدوم مکمل رحلتش — هم محمد متقی عابد سلیم

تاریخ وفات شیخ فتح الله اوده که در سال هشتصد و بست بوقوع آمد

چو فتح الله از حق یافت مفتوح — بمفتاح تلطف جنتی باب
امام اولیا خاص است سالش — دو باره نور دین فتاح ابواب

تاریخ وفات شیخ عین الدین قتال که در سال هشتصد و بست و دو بوقوع آمد

چو عین الدین ولی عین الحقیقت — که ذات عین دینش عین دین بود

[illegible]

ز دنیا شد بجو سال وصالش	ز نور العین عین الدین مسعود
هم عین الدین ولی هادی قتال	ز دل سال وصالش گشت موجود

تاریخ ولادت و وفات میر سید محمد گیسو دراز که ولادتش در سال هفتصد و بست و وصال آن باکمال در سنه هشتصد و بست و پنج بوقوع آمد

اشرف اولاد آل مرتضی	شیخ دین سید محمد پیشوا
هادی محبوب آل بوتراب	کن رقم تولید آن شاهدا
نیز تاج اولیا صدیق دین	باز زیب دین محمد مقتدا
زیب تاج عارفان وصلش بخوان	هم رقم کن بادشاه الغیا
سرور مخدوم حق آگاه گو	تا بر آید بهر وصلش مدعا

تاریخ وفات شیخ احمد عبد الحق ردولوی چشتی که در سال هشتصد و سی و شش بوقوع

چون بوصل حق بحق موصول شد	عبد حق مهر حقیقت ماه حق
رحلت پاکش ز سر و رشد عیان	حق شه مسعود حق آگاه حق
مقتدای اهل حق کامل ولی	سال وصل او بگو از راه حق
باز شاهنشاه حق هادی ولی	نیز حق حق رهنمای راه حق
هم خلیل حق موحد گفته اند	پس ولی الله بر حق شاه حق

تاریخ وفات شیر خان مسعود بک چشتی که در سال هشتصد و سی و شش بوقوع آمد

شیر خان شیر بیشه توحید	یافت چون وصل ذات سبحانی
رحلتش گو امام دین مخدوم	نیز شیر دلیر یزدانی

تاریخ وفات شیخ قوام الدین چشتی و سهروردی که در سال هشتصد و چهل بوقوع

قوام الدین چو از فضل خدا رفت	قیام خویش در فردوس اعلی
وصالش گفت دل سلطان مخدوم	سخی حق بین و مخدوم معلی
دگر میر شریف و بدر خلد است	وصال آن شه محبوب مولی

تاریخ وفات شیخ سارنگ چشتی و سهروردی که در سال هشتصد و چهل بوقوع آمد

چو سارنگ از جهان رخت سفر بست	بجنت شد بفضل ذو الجلالی
وصالش عارف متوکل آمد	دگر گفتم ولی مخدوم عالی

۵۶

[illegible]

تاریخ وفات قاضی شهاب الدین دولت آبادی که درسال هشتصد و چهل و هفت بوقوع آمد

چو بر اوج جنان شد پرتو افگن — شهاب الدین ولی عالی علم

وصالش کن رقم تو قبر اسلام — دگر فرما شهاب الدین علم

تاریخ وفات میر یدالله چشتی که درسال هشتصد و چهل و نه بوقوع آمد

وست خدا امیر یدالله پیر — سرور دین راهبر راه حق

رحلت چو گو مرد خدا رحلتش — نیز یدالله شهنشاه حق

تاریخ وفات شیخ نور الدین قطب عالم بنگالی که درسال هشتصد و پنجاه و یک بوقوع آمد

چو نور الدین بصد انوار و اسرار — بنور شد بفردوس معلی

بگو تاریخ او شمس الهدایت — دگر قطب الهدی نور تجلی

ز مخدوم الملک رحلتش جو — دوبار ابر رحمت کن هویدا

محب ذو الجلال آمد وصالش — دگر سر مست کامل گشت پیدا

تاریخ وفات شیخ علاء الدین قریشی چشتی که درسال هشتصد و پنجاه و سه بوقوع آمد

جای اعلی بخلد عالی یافت — چون شه مقتدا علاء الدین

هست دیدار خلد تاریخش — هم ولی خدا علاء الدین

تاریخ وفات شیخ کبیر چشتی قدس سره که درسال هشتصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

چو بگرفت در خلد اکبر مقام — کبیر آن شه و پیر ما و پیر

وصالش شده بحر رحمت روان — دگر قبله اهل جنت کبیر

تاریخ ولادت و وفات شیخ ابو الفتح جونپوری که ولادتش درسال هفتصد و هفتاد و دو و وفات در سنه هشتصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

ولی مفتاح دین هادی ابو الفتح — که ذاتش رهبر راه صواب است

ولی حق نما بو الفتح سرور — پی تاریخ تولیدش خطاب است

ز بهر ارتحالش هاتف غیب — بگفتا نور حق فتاح باب است

تاریخ وفات شیخ عارف چشتی صابری که درسال هشتصد و پنجاه و نه بوقوع آمد

بقرب معرفت اندر جنان رفت — چو عارف شیخ عارف واقف حق

بجو مجذوب حق سالش دوبارا — ز قطب الحق معلی عارف حق

٥٧

[illegible]

تاریخ وفات شیخ ابو الفتح علای قریشی کالپوی که در سال نهصد و شصت و دو بوقوع آمد

بفتح باب جنت شد مشرف	چو آن اهل یقین هادی ابو الفتح
چو سال انتقالش جستم از دل	بگفتا پیر دین هادی ابو الفتح

تاریخ وفات شیخ پیاره چشتی که در سال نهصد و شصت و پنج بوقوع آمد

چو شد یکتای فرد وس معلی	جناب صاحب تفرید پیاره
تو از سر خدا وصلش بجو نیز	ز کامل صاحب التوحید پیاره

تاریخ وفات شیخ محمد المشهور شیخ میا چشتی و سهروردی ...

چو مسکن یافت اندر قصر محمود	محمد شاه دین مقبول احمد
وصالش کن بیان مخدوم مسعود	دگر زاهد خلیل حق محمد
ز شمس عشق باز از گلشن عشق	وصال آن شه حق بین بر آمد

تاریخ وفات شیخ شمس الدین طاهر که در سال نهصد و هشتاد و یک بوقوع آمد

چو شمس الدین بجنت شد منور	وصال پاک آن خورشید آفاق
باول گشت روشن تاج عزت	دوباره آمده گر شد شمع عشاق

تاریخ وفات شاه جلال الدین گجراتی که در سال نهصد و هشتاد و یک بوقوع آمد

شد چو با صد جلال در جنت	شیخ والا جلال ماه جاه
آخر آمد ز دل وصالش نیز	واصل حق جلال شاهنشاه

تاریخ وفات شیخ کاکو چشتی لاهوری که در سال نهصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

حکومت یافت در اقلیم فردوس	چو شاهنشاه والا جاه کاکو
رقم شد احسن الاخلاق سالش	دوباره شاه اکبر شاه کاکو

تاریخ وفات شیخ حسام الدین مانک پوری که در سال نهصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

چون حسام از دهر در جنت مقام	کرد سال وصل آن اهل یقین
صاحب مخدوم کامل گو و نیز	هادی مشکلات مطلوب دین

تاریخ وفات شیخ سعد الدین خیرآبادی که در سال نهصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

شد چو با صد سعادت از دنیا	سعد دین اسعد سعید امین
هست پیر خلیل سالش نیز	کاشف حق سعید سعد الدین

تاریخ وفات سید محمد بن جعفر مکی حسنی چشتی که در سال هشتصد و نود و یک بوقوع آمد

رفت در جنت به بزم احمدی	چون محمد شیر دین روشن ضمیر
رحلتش فیاض گو دیگر بخوان	سید آل محمد دستگیر
باز سیر متقی کامل بگو	سال وصل آن شه برنا و پیر
نیز مهتاب سخی جلوه گر 891	گشت در تاریخ آن میر و فقیر

تاریخ وفات شیخ جنید حصاری که در سال نهصد هجری الاقدس بوقوع آمد

کرد چون در جنت الاعلی مقام	شیخ عالم عالم و عامل جنید
خاص دهر آمد وصال پاک او 900	نیز کامل خواجه و اصل جنید 900

تاریخ وفات شیخ حسین ناگوری که در سال نهصد و یک بوقوع آمد

یافت چون نور حسن در جنت	مرد محسن حسین نور الیقین
یار رفته متقی است تاریخش 901	هم نفر با امام خاص حسین 901

تاریخ وفات راجی حامد شاه چشتی که در سال نهصد و یک بوقوع آمد

شد چو بر اوج قصر جنت شاد	حامد ذات احمدی و ولی
یار مخدوم گو وصالش نیز	قطب دین حامد محمد او سے 901

تاریخ وفات شیخ حسن طاهر چشتی در سال نهصد و نه بوقوع آمد

داد چون در بهشت جلوه حسن	احسن و محسن و حسن مرحوم 909
هر دو تاریخ رحلتش سرور	زیب فیض قطب حق مخدوم

تاریخ وفات شیخ بختیار چشتی که در سال نهصد و ده هجری بوقوع آمد

شاه اهل بخت شیخ بختیار	چون به بخت خوش بجنت یافت جا
هادی فیض است سال وصل او 910	نیز یار حق ولی مقتدا 910
فضل شیخ و خیر اهل دین بگو 910	باز درویش فقیر ای با صفا 910

تاریخ وفات شیخ احمد مجد شیبانی که در سال نهصد و بست و هفت بوقوع آمد

رفت چون احمد ببزم احمدی	سال وصل آن شه ردی پر هیز
هست محبوب نبی نیکو خصال 927	بار دیگر جو ز احمد شیخ دین 927

تاریخ وفات شیخ عبد القدوس گنگوهی که در سال نهصد و چهل و پنج بوقوع آمد

چو شیخ قدس اقدس عبد قدوس — بملک قدس از حق یافت شاهی
ز مشتاق جنان سالش عیان شد — دگر مشتاق محبوب آلهی
بگو قدوس شاهنشاه اقطاب — اگر تاریخ ترحیلش بجوابی

تاریخ وفات شیخ عبد الکبیر بالا پیر چشتی که در سال نهصد و چهل و هفت بوقوع آمد

درجهٔ کبری ز حق در خلد یافت — چون کبیر آن شیخ اکبر دستگیر
هست تاج الاتقیا تاریخ او — هم فرید الدهر سلطان الکبیر

تاریخ وفات شیخ خانو گوالیاری که در سال نهصد و چهل و هفت بوقوع آمد

شیخ خانو خوان نعیما ناسخا — شد چو در جنت پی تاریخ آن
گشت مخدوم معلی زنده دل — نیز خانو حق نما کامل عیان

تاریخ ولادت و وفات شیخ علاء الدین بن نور الدین اجودهنی که ولادتش در سال هشتصد و هفتاد و وفاتش در سنه نهصد و چهل و هشت بوقوع آمد

ولی و متقی و شیخ عالم — علاء الدین عالی شاه معصوم
ز هاتف ماده مخدوم آفاق — پی تولید او گر دید مفهوم
رقم کن مرشد ابرار وصلش — دو بار احق نما مهدی مخدوم
شده معراج خلد و شیخ ابدال — ز دل سال وصالش طرفه معلوم

تاریخ وفات شیخ عبد الرزاق جهجانه که در سال نهصد و پنجاه بوقوع آمد

رزق خود چون یافت شیخ عبد رزاق از خدا — سال وصل آن ولی با صفا اهل تمیز
عابد رزاق و الاشر لیت کردم رقم — بار دیگر قطب جنت عابد رزاق نیز

تاریخ وفات شیخ یوسف المشهور شاه جوسی که در سال نهصد و پنجاه بوقوع آمد

چو یوسف یوسف مصر محبت — ز دنیا رخت خود بربست به بهشت
خرد مست محبت گفت تاریخ — دگر فرمود کامل یوسف چشت

تاریخ وفات شیخ امان پانی پتی که در سال نهصد و پنجاه و هفت بوقوع آمد

در جنان با امان و ایمان رفت — شیخ حق گو امان حق آگاه
سال ترحیل اوست سیر بهشت — شیخ واصل و شیخ والا جاه
والی فضل گو دگر باره — هم بخوان خاص حق امان الله

[illegible]

[illegible]

تاریخ وفات شیخ حمزه دهرسو چشتی که درسال نهصد و پنجاه و هفت بوقوع آمد

مقیم روضهٔ خلد برین شد	چو قطب الاولیا مخدوم حمزه
بخوان افضل ولی وصالش	دگر اهل صفا مخدوم حمزه

تاریخ وفات شیخ حسام الدین متقی ملتانی که درسال نهصد و شصت بوقوع

چون حسام الدین حسام دین حق	سالک دین رهنمای متقی
رفت از عالم بتاریخش بگو	زاهد دین بشنو ای متقی
بار مخدوم کریم آمد عیان	سال وصل مقتدای متقی

تاریخ وفات سید عبدالاول حسینی چشتی که درسال نهصد و شصت و هشت بوقوع آمد

عبد اول اول از روز قیام	شد چو مثل گل بباغ جنتی
شیخ محبوب است سال رحلتش	هم هو الاول هو الآخر ولی

تاریخ وفات شیخ قاضی خان چشتی که درسال نهصد و هفتاد هجری بوقوع آمد

از قضای قاضی هر دو سرای	کرد قاضی خان چو در جنت مکان
قاضی مهدی است سال رحلتش	قاضی هند است و قاضی جهان

تاریخ ولادت و وفات عبدالعزیز بن حسن طاهر که ولادتش در هشتصد و کود و هشت و وفاتش درسال نهصد و هفتاد و پنج بوقوع آمد

شیخ دین عبدالعزیز محترم	بود دنیا پیش او ناچیز چیز
هست تولیدش بقول اهل حال	چشتی کامل عزیز ای باتمیز
گفت سرور ارتحال آنجناب	هادی مخدوم دین عبدالعزیز

تاریخ ولادت و وفات شیخ علی متقی بن حسام الدین چشتی قادری شاذلی که ولادتش درسال هشتصد و هشتاد و پنج و وفات درسنه نهصد و هفتاد و نه بوقوع آمد

حامی دین رهنمای راه حق	مرشد اعلی علی عالی ولی
سال تولیدش بقول معتبر	شد زدل مخدوم صادق منجلی
باز شد پیدا علی مصباح خلد	سرورا تولید آن نور جلی
سال وصلش گو علی سر خدا	هم بخوان مخدوم دین عالی علی

تاریخ وفات شیخ اوهن جونپوری که درسال نهصد و هفتاد و شش بوقوع آمد

پرتو افگن شد بجنت مثل ماه ... چون که او بهشت منظهر نور جمال
رحلتش شاه ولایت اکبر است ... فیض مولے نیز تاریخ وصال

تاریخ ولادت و وفات شیخ اسلیم چشتی فتح پوری که ولادتش در سال هشتصد و هفتاد و هفت یا هشتصد و هشتاد و چار و وفاتش در سنه ۹۷۹ھ بوقوع آمد

اسلم الاولیا سلامت رو ... شیخ اسلم سلیم با اسلام
گشت مخدوم صدق و رهبر عشق ... سال تولیدش از خرد ارقام
قطب و الاسلیم مخدوم است ... سن ترحیل آن ذوی الاکرام
باز سال وصال او جستم ... پیر محمود قوت الاسلام

تاریخ وفات شیخ نظام الدین انبیٹهی که در سال نهصد و هشتاد و یک ھ بوقوع آمد

ناظم عالم نظام الدین ولے ... یافت با وصل خدا و ندی جمال
سن ترحیلش صراط المستقیم ... حاصل آمد باز از فیض کمال

تاریخ وفات شیخ نظام الدین بکهاری که در سال نهصد و هشتاد و پنج بوقوع آمد

بکهاری چون ز دنیا شد بجنت ... بسال وصل آن محبوب باری
فرشته گو فقیه معرفت خوان ... دگر باره سخی عابد بکهاری

تاریخ وفات شیخ پیارا چشتی که در سال نهصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

عزیز خلد شد با عزت و جاه ... ولی مجذوب پیارا رحمت الله
عیان شد مخزن الانوار سالش ... دگر محبوب پیارا رحمت الله

تاریخ وفات شیخ جلال الدین تهانیسری که در سال نهصد و هشتاد و نه بوقوع آمد

با جلال و عزت بجنت رسید ... جلال آن ولے اصل الکمال
بگو شیخ پاکیزه دل سال او ... دگر بار مهتاب عزت جلال

تاریخ ولادت و وفات شیخ رزق الله المتخلص مشتاقی که ولادتش در سال هشتصد و نود و هفت و وفاتش وی در سنه نهصد و هشتاد و نه بوقوع آمد

شیخ عالے رتبه رزق الله شیر ... اہل دل عارف مکرم متقے
بے گمان تولید آن شیخ الهنا ... شیو و پیدا ز مشتاقی و ولے
رحلتش فرما یکے مشتاق حق ... هم حبیب دین مشتاق نبے

تاریخ وفات شیخ عثمان زنده پیر بانی‌پتی که در سال نهصد و نود و دو بوقوع آمد

شیخ عثمان پیر عالم گیر چشت — یافت چون در روضهٔ جنت مکان
رحلتش کن حصبان عثمان نام — باز قطب الواصلین عثمان بخوان

تاریخ وفات شیخ نظام نارنولی که در سال نهصد و نود و نه بوقوع آمد

نظام الدین چو از دنیای دون تافت — بلطف حق مکان در باب جنت
بیان شد شیخ بهدم رحلتش نیز — محب اولیا مهتاب جنت

تاریخ وفات شیخ مشهد کاکروی چشتی که در سال یکهزار و سه بوقوع آمد

شدت وصل خدا در خلد یافت — مشهد پیر با خبر شیرین کلام
هست فیاض همایون رحلتش — هم بخوان والا قدر شیرین کلام

تاریخ وفات شیخ عبد الله انصاری سلطان پوری که در سال یکهزار و شش بوقوع آمد

از عبادت یافت چون عبد الله خلد — رحلت آن عابد دوره زمان
آفتاب فقر عبد الله گو — بار دیگر آفتاب عاشقان

تاریخ وفات شیخ اختیار الدین مردانی که در سال یکهزار و یازده بوقوع آمد

اختیار الدین چو با صد اختیار — گشت خود مختار در خلد برین
بهر سال انتقال آن جناب — گفت سرور اعظم و شیخ امین

تاریخ وفات شیخ جلال الدین کاسی چشتی که در سال یکهزار و سیزده بوقوع آمد

چون جلال آن ولی اهل جلال — با جلال و کمال شد سبحان
هست شیخ زمانه تاریخش — باز مشتاق حق جلال بخوان

تاریخ وفات خواجه حاجی اویس و توزی قصوری که در سال یکهزار و هفده بوقوع آمد

قبلهٔ اهل جنان شد از جهان — شیخ حاجی کعبهٔ اهل یقین
شیخ نور عارف رقم کن سال او — بار دیگر شیخ حاجی پاک بین

تاریخ وفات شیخ نظام الدین بلخی الخشتی که در سال یکهزار و بست و چار بوقوع آمد

چون نظام الدین ز دار دهر رفت — باب جنت بر روانش گشت باز
وان حضوری افضل اقطاب نیز — ارتحالش هم نظام پاک باز

تاریخ وفات شیخ محمد بن فضل الله چشتی که در سال یکهزار و بست و نه بوقوع آمد

چون محمد این فضل الله اهل علم و فضل — یافت از فضل خدا در خلد قرب ابل راز
عمده فضلت شیخ احسن و شیخ فلاح — سال وصلش باز فضل الله هادی یکبار
بار دیگر گشت پیدا زیب دین فضل اله — نیز هادی زمان افضل بصد عجز و نیاز

تاریخ وفات شیخ احمد شوریانی چشتی که در سال یکهزار و سی هجری بوقوع آمد

شد چو در بزم محمد از جهان — احمد آن حامی دین احمدی
احمد واعظ بگو تاریخ او — نیز هادی احمد فاضل ولی

تاریخ وفات میر سید محمد کالپوی چشتی یکهزار و سی و یک بوقوع آمد

چو در خلد منور گشت روشن — جناب مه لقا سید محمد
ز شمس المتقین جو ارتحالش — دگر سر خدا سید محمد

تاریخ وفات شیخ صادق گنگوهی که در سال یکهزار و سی و شش بوقوع آمد

بصد صدق و صفا شد سوی جنت — چو آن صادق ولی محبوب صادق
بگو مشتاق صادق ارتحالش — دگر مخدوم دین مطلوب صادق

تاریخ وفات شیخ علی غواص ترمزی چشتی که در سال یکهزار و چهل بوقوع آمد

چو زد غوطه در بحر وصل خدا — علی شاه غواص والی ولی
سخی پیر امجد علی سال اوست — دوباره بگو شیخ هادی علی

تاریخ وفات شیخ حاجی لگن قصوری شوریانی چشتی که در سال یکهزار و چهل و سه بوقوع آمد

چو حاجی قبله اهل جنان شد — بسال رحلت آن شیخ اعظم
دلم فرمود حاجی صاحب ذکر — خرد گفتا که حاجی فخر عالم
ندا آمد ز هاتف مجمع فیض — دوبار از رحلت آن پیر اکرم

تاریخ وفات شیخ عبدالجلیل لکهنوی که در سال یکهزار و چهل و سه بوقوع آمد

چو شد با هزاران جلالت بخلد — ولی اجل شیخ عالم جلیل
ولی ذو الکرم خوان ترحیل او — بفرما خلیل کرم جلیل

تاریخ وفات شیخ عبدالکریم چشتی لاهوری که در سال یکهزار و چهل و پنج بوقوع آمد

شیخ اکرم کریم با اکرام — کرمت یافت چون بخلد برین
مقتدای شفیق دان سالش — نیز رهبر حق کریم کاشف دین

تاریخ وفات شیخ عبد الرشید جونپوری که در سال یکهزار و پنجاه و پنج بوقوع آمد

چون رشید آن مرشد ارشاد حق — باهزاران رشد و در جنت رسید
افضل الاقطاب گو تاریخ او — نیز قطب الاولیا عارف رشید

تاریخ وفات شیخ یحیی گجراتی که در سال یکهزار و هفتاد و پنج بوقوع آمد

یافت در جنت حیات دائمی — چونکه یحیی زنده دل زنده ولی
سال وصل آن ولی باخدا — یافتم عشق خدا از آگهی

تاریخ وفات شیخ پیر محمد لکهنوی که در سال یکهزار و هشتاد بوقوع آمد

محمد پیر در بزم محمد — چو شد تاریخ آن سرور ز آفاق
بگو شیخ یقین و شیخ حق بین — بفرما شاه محمد پیر عشاق

تاریخ وفات شاه دولا دریائی گجراتی که در سال یکهزار و هشتاد بوقوع آمد

بجنت یافت از حق دولت وصل — چو شاهنشاه حق آگاه دوله
عجب تاریخ وصلش جلوه گر شد — ز قطب الوقت مولی شاه دوله

تاریخ وفات شیخ داود گنگوهی چشتی که در سال یکهزار و نود و پنج بوقوع آمد

چو داود رشید از قضای اله — ازین دهر در خلد جنت نشین
بگو شیخ داود حق بین وصال — دگر بار داود شیخ یقین

تاریخ وفات شاه ابو المعالی چشتی در سال یکهزار و یکصد و شانزده بوقوع آمد

رفت از دنیا چو در خلد برین — پیر رهبر بو المعالی اهل فیض
سال وصل اوست تاج التارکین — بار دیگر بو المعالی اهل فیض

تاریخ وفات شیخ عبد الرشید جالندهری چشتی که در سال یکهزار و یکصد و بیست و یک بوقوع آمد

حضرت عبد الرشید آن میر دین — چون ز دنیا رفت و در جنت رسید
سال وصل اوست عارف حق پرست — بار دیگر سرور عالم رشید

تاریخ وفات شیخ سوندها چشتی که در سال یکهزار و یکصد و بیست و نه بوقوع آمد

شیخ سوندها چون ز دنیا رخت بست — سال وصلش سرور از روی یقین
گفت سوندها متقی رهبر ولی — محرم مشتاق و فخر المحسنین

تاریخ وفات سید محمد سعید المشهور شاه بهیکه که در سال یکهزار و یکصد و سی یک بوقوع آمد

هم بوقوع آمد

[illegible]

چو از حکم قضا گردید آخر — با اوج خلد روشن مثل مه هیکه
بگفتا دل بسال لش مفتی الشرع — خرد فرمود تاج فقر شه هیکه

تاریخ وفات سید عتیق الله چشتی جالندهری که در سال یکهزار و یکصد و یک بوقوع آمد

ز دنیای دون چون بفردوس رفت — ولی جهان پیر پیران عتیق
شهنشاه عشق است تاریخ او — دوباره بگو میر پیران عتیق

تاریخ وفات شیخ یحیی مدنی چشتی که در سال یکهزار و یکصد و چهل و یک بوقوع آمد

باز یحیی زنده دل شب زنده دار — گشت چون زینده نجات النعیم
کن رقم عاشق سخی تاریخ او — نیز یحیی چشتی مستقیم

تاریخ وفات شیخ کلیم الله جهان آبادی که در سال یکهزار و یکصد و چهل و دو بوقوع آمد

بحجت یافت از حق جلوه حق — کلیم الله همچو لن ترانی
بگو موسی ثانی کاشف حق — دگر عرفان دین موسی ثانی

تاریخ وفات نظام الدین اورنگ آبادی در سال یکهزار و یکصد و چهل و دو بوقوع آمد

بنظم خلد شد منظوم آخر — نظام دین و دنیا شیخ محبوب
وصال او ز شیخ العالمین جو — دگر فرما نظام دین مطلوب

تاریخ وفات شیخ لطف الله چشتی که در سال یکهزار و یکصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

شد چو لطف الله بالطاف اله — بعد فوت خود بقرب حق وصول
کن رقم اهل نظر تاریخ او — بار دیگر کن بیان فیض رسول

تاریخ ولادت و وفات مولانا فخر الدین فخر جهان دهلوی که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و بست و شش و وفات در سنه یکهزار و یکصد و نود و نه بوقوع آمد

فخر دین فخر جهان با افتخار — عزت اسلام و فخر المومنین
گشت فخر الدین علامه عیان — سال تولیدش بصد صدق و یقین
طرفه سال انتقال آنجناب — شد بیان محبوب فخر المسلمین

تاریخ ولادت و وفات سید علیم الله جالندهری که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و نه و وفات در سنه یکهزار و دو صد و دو هجری بوقوع آمد

حضرت سید علیم الله پیر — شیخ حق آگاه محبوب الانام

٦٦

[illegible]

[illegible]

فیض دیدار است تولیدش میاز	سال ترحیلش بگو شیخ الکرام

تاریخ وفات شیخ نور محمد سہیل کہ در سال یکہزار و دو صد و پنج بوقوع آمد

رفت چون نور محمد در جنان	باغ جنت یافت زو نور و فور
نور حق مشتاق ترحیلش بگو	ہم ولی مجتبی مہتاب نور
رحلتش نور خدا صدیق ملم	شیخ حق واقف ز دل یابد ظہور

تاریخ وفات شیخ محمد سعید شرقپوری کہ در سال یکہزار و دو صد و چاردہ بوقوع آمد

شیخ اسعد سعید پیر سعید	با سعادت چو شد بقصر جنان
گو چراغ ہدایت تاریخش	ہم محمد سعید فخر زمان

قطعہ ثانی

سعادت یافت خلد از مقدم او	سعید از دہر چون رخت سفر بست
شدہ روشن وصالش اختر جود	دگر ہادی اکبر عاشق ہست

تاریخ ولادت و وفات مولانا نیاز احمد بریلوی چشتی کہ ولادتش در سال یکہزار و یکصد و ہفتاد و سہ و وفات در سنہ یکہزار و دو صد و پنجاہ بوقوع آمد

واقف سر احدی احمد	عالم علم دین و محرم عشق
سال تولید اوست پاک نظر	رحلتش بی نیاز رستم عشق

قطعہ ثانی

سیر دین ناز و نیاز اہل چشت	شہ نیاز احمد ولی اہل ناز
فضل ربانی بگو تولید او	رحلتش دیدار شیخ با نیاز

تاریخ وفات خواجہ سلیمان چشتی کہ در سال یکہزار و دو صد و شصت و ہفت بوقوع آمد

پادشاہ خلد شد باغوشان	چون سلیمان مرشد عالم پناہ
قطب دین گو وصال او دگر	قطب حق مرشد سلیمان پادشاہ

تاریخ وفات شیخ غلام مصطفی وزیرآبادی چشتی کہ در سال یکہزار و دو صد و شصت و ہفت

بندہ مولی غلام مصطفی	شیخ عالم سرور عشاق حق
ہست واصل مظہر رحلتش	بار دیگر سحر حق مشتاق حق

تاریخ وفات شیخ غلام نصیر الدین المشہور کالے صاحب کہ در سال یکہزار و دو صد و شصت و ہشت

[illegible]

چو گلا لاهورو کاسے صاحب از دهر	سکونت کرد در قصر بهشتی
چراغ دین بسالش جلوه گر شد	دو باره عاشق صدیق چشتی

تاریخ وفات شیخ غلام محمد المشهور سکین شاه چشتی که در سال یکهزار و دوصد و هفتاد و پنج بوقوع

یافت چون سکین اهل سکونت	با هزاران رتبه اندر خلد جا
ستعد نور التجلی سال اوست	نیز مسکین شاه مرد مقتدا
باز سال انتقال آن جناب	هست درویش مکرم مجتبی

تاریخ ولادت و وفات شیخ حاجی رمضان چشتی لاهوری که ولادتش در سال یکهزار و دوصد و وفات وی در سن یکهزار و دوصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

حضرت رمضان که نام پاک او	بود متبرک چو رمضان بر زبان
آمد اندر ماه رمضان بر زمین	هم بر رمضان شد ببام آسمان
قطب رمضان هست و رمضان عالیست	سال تولیدش بقول صالحان
قطب دوران شیخ تحصیلش نکو	نیز کامل زنده ذکی رمضان بخوان
بی نیاز آمد سنین عمر او	نیک گفتم هم عطا کردم بیان

گنج چهارم در قطعات تواریخ وفات حضرات سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه [illegible] و آغاز این سلسله از یار غار پیغمبر ابوبکر صدیق اکبر رضی الله عنه است و بعد از آن حضرت سلمان فارسی رضی الله عنه است که وفات وی در سال سی و سه بوقوع آمد

حضرت سلمان که با و اتا بحشر	باب رحمت بر وی از افلاک باز
بود خاکش گوهر خاکی نژاد	رفت مثل گنج اندر خاک باز
روح پاکش پاک بود و پاک رفت	هست سال ارتحالش پاکباز

تاریخ وفات حضرت امام قاسم رضی الله عنه که در سال یکصد و هفت یا یکصد و هشت یا یکصد و یازده یا دوازده یا یکصد و دو هجری باختلاف روایت بوقوع آمد

قسمت خود یافت چون قاسم بخلد	سال وصل آن امام نیک نام
طالب الله و حق فرموده اند	زاهد کامل بقول خاص و عام
هادی مطلوب و اهل الله نیز	شد رقم ایمان دگر هادی امام
قطب دان کافی بخوان سالک نکو	هم ولی الله با صد احترام

۶۸

جان محبوب آمده زنده دلے | باز وسالار است وهادی انام

تاریخ ولادت و وفات شیخ ابا یزید بسطامی که ولادتش در سال یکصد وسی وشش و وفات در سنه دو صد وشصت ویک یا شصت ودو یا شصت ونه بوقوع آمد

شیخ کونین بایزید ولے | شاه والا ولے عالی جاه
سال تولید او اگر خواهے | کن رقم بایزید اهل الله
هست دیندار رحلتش دیگر | اهل دین بایزید حق آگاه
باز مهدی هادے آفاق | همه گر حق طلب ولے الله

تاریخ وفات شیخ ابو الحسن خرقانی که در سال چارصد سیزده یا نوزده یا بیست و پنج بوقوع آمد

ابو الحسن محسن ولی اهل حسن | المضاعف شد چو زر و حسن جهان
سال وصلش ابو الحسن صدیق دان | میشود از خامه سر و رعیان
شاه احسن گفت هاتف رحلتش | باز دل فرمود واصل مهربان
نیز تاریخش بقول مختلف | میشود قطب الحسن جان جهان
ابو الحسن قطب جهان محمود گو | همه گر قطب الحسن اقدس بخوان
پس خرد سنجید کمال حسن گفت | سال وصل آن شه جنت مکان

تاریخ وفات شیخ ابو علی فارمدی که در سال چارصد وهفتاد وهفت بوقوع آمد

بو علی چون خلد اعلی از خدا | یافت وصل آن علی متقی
شد محمد بو علی پیر محب | نیز محمدی مکرم بو علی
تاج گنج است و دگر تاج جلیل | رحلت آن شاه عالی منجلی
وصل او شیر علی عابد بگو | باز عزت هم عبادت ای اخی

تاریخ ولادت و وفات خواجه یوسف همدانی که ولادتش در سال چارصد وچهل یا چهل ویک و وفات در سنه پانصد وسی وچار یا پنج یا شش بوقوع آمد

همه دان وهمه خوان یوسف همدان آیات | بجهان صورت و معنی است مشکی یوسف ثانی
پی تولید پاکش صوفی محمود یوسف گو | دوباره سال مولودش بخوان مقبول ربانی
ز مهدی نور دین یوسف بگو تاریخ رحلتش | هم عالی قدر عالی جاه وصل اوست [illegible]
عیان گردد ز یوسف شاه دینی رحلت پاکش | دوباره یوسف عصر است می [illegible]

٦٩

اگر خواهی تو تاریخ صحیح ارتحالش را	بگو یوسف ابو یعقوب بن ایوب همدانی
تاریخ وفات شیخ حسن انداقی که در سال پانصد و پنجاه و دو بوقوع آمد	
چون حسن با حسن و انوار جمال	از جهان ورزید در جنت وطن
اهل تقوی گو شکیب کن بیان	سال وصل آن شه در زمن
ماه ارشاد است و فتح دین دگر	بار دیگر عارف و عابد حسن
تاریخ وفات خواجه احمد یسوی قدس سره که در سال پانصد و شصت و دو بوقوع آمد	
شیخ احمد حامد ذات اله	شد چو در جنت بزرم احمدی
نیز نور آسالی شد عیان	سال وصل آن ولی متقی
باز احمد کاشف حق شد رقم	همدگر احمد ولی جنتی
عاشق کامل چو من کردم بیان	یافتم از سال فوتش آگهی
تاریخ وفات خواجه عبد الخالق غجدوانی که در سال پانصد و هفتاد و پنج بوقوع آمد	
یافت از خالق چو خلد جاودان	غجد خالق صاحب خلق و امین
گو همایون شیخ جنتی تاریخ او	بار دیگر مطلع نور یقین
باز محبوب نبی مجتبی	نیز تاج اولیا مهدی دین
ارتحالش آفتاب کامل است	کن رقم بشار پس فارغ نشین
تاریخ وفات خواجه محمد صدیق که در سال ششصد و پنجاه و هفت بوقوع آمد	
شد چو در جنت بصد صدق و صفا	احمد صدیق صدیق زمان
هست وصلش قطب کامل مجتبی	سال وصل احمد عالی مکان
شاه عارف کن رقم ای نیکخو	هم فقیر احمدی صدیق دان
تاریخ وفات خواجه سلیمان کرمینی که در سال ششصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد	
چون سلیمان مهر حسن باطنی	شد بجنت پرتو افکن مثل ماه
خازن آمد ارتحال او ز دل	هم ولی حق سلیمان پادشاه
تاریخ وفات خواجه عارف ریوگری که در سال هفتصد و پانزده بوقوع آمد	
یافت با معرفت بخلد مقام	عارف حق ولی عرفانی
خواجه اهل دین بگو سالش	نیز عارف امین ربانی

باز در وصلش صادق آمد است | رحلت آن ولی عرفانی

تاریخ وفات خواجه محمود الخیر فغنوی که در سال هفتصد پانزده یا هفده بوقوع آمد

چون مکان در جنت محمود یافت | جاند محمود شیخ الاتقیا
شاه عرفانی است سال وصل او | هم بخوان محمود تاج الاصفیا

تاریخ وفات خواجه عزیزان علی رامتنی که در سال هفتصد و بست و یک بوقوع آمد

مقتدای علی و عزو عالی یافت | چون علی شد بجنت العالی
گو علی بوتراب رحلت او | نیز عاشق ولی عزیز علی
وصل او بنده خدا دان است | هم علی مجتبی عزیز نبی

قطعه ثانی

چون علی عالی همه والی عالی نزلت | شان علی یافت در فردوس او شان علی
سال ترحیلش ز رضوان شد بگوش من ندا | طالب حق رهنما و از عزیزان علی
تاج نورانی ز دل شد جلوه گر در وصل او | بار دیگر عارف اهل یقین جان علی

تاریخ وفات خواجه بابا سماسی که در سال هفتصد و پنجاه و پنج بوقوع آمد

چون محمد عابد ذات آله | محمد گویان رفت در قصر جنان
رحلتش مخدوم اجلال آمد است | هم محمد متقی جان جهان

قطعه ثانی

در جنت خلد چون ز دنیا | مطلوب خدا محمد آمد
از مخبر عقل سال وصلش | محبوب خدا محمد آمد

تاریخ وفات میر سید کلال که در سال هفتصد و هفتاد و دو بوقوع آمد

رفت چو با عز و امارت بخلد | میر جهان سید امجد کلال
گفت بتاریخ وصالش خرد | بود ثنا گوی محمد کلال

تاریخ ولادت و وفات خواجه بهاء الدین شاه نقشبند بخاری که ولادتش در سال هفتصد و بست و هشت و وفات در سنه هفتصد و نود و یک بوقوع آمد

نقش بند نقش نقاش ازل | آن بهاء الدین شه کون و مکان
زاهد مشکلکشا تولید او | قطب عالی نقش بند آمد میان

۷۱

رحلتش مخدوم صاحب کن رقم	هم بخوان مخدوم نامی ایران
قطعه ثانی	
شاه والاشان بهاء الدین امام باصفا	آنکه شد روشن بنام با کمال نقش بند
هست مخدوم ازل تولید سال رحلتش	گو بهاء الدین امام با کمال نقش بند
تاریخ وفات شیخ علاء الدین عطار بخاری که در سال هشتصد و دو بوقوع آمد	
چو از دنیا علاء الدین عالی	بجنت رفت زین صحرای پرخار
عجب تاریخ وصلش جلوه گر شد	ز نور دین علاء الدین عطار
دگر مخدوم دستار هست سالش	عیان شد پیر رهنما دل بتکرار
ز پیر عقل قطب خاص پیداست	چو خواهی رحلت آن شاه ابرار
ز هاتف کشف شد کشاف عرفان	چو جست از دل وصالش سرو رزار
دگر باره وصی الله مخدوم	رقم شد رحلت آن پیر حق یار
تاریخ وفات میر سید عمر بن میر سید کلال که در سال هشتصد و سه بوقوع آمد	
شد بجنت چون عمیر مثل عمر	روح او با وصل حق موصول شد
رحلتش مخدوم اقطاب اند است	هم امیر دین عمر مقبول شد
تاریخ وفات خواجه شاه میر بن میر کلال که در سال هشتصد و چار بوقوع	
نور جنت شد چو با عز و وقار	سرور عشاق امجد شاه میر
گفت تاریخ وصال او خرد	زبده آفاق امجد شاه میر
تاریخ وفات خواجه عارف دیک گرانی که در سال هشتصد و پانزده بوقوع آمد	
نور عرفان بخلد والا یافت	عارف متقی شه جنت
عارف جنت است تاریخش	هم بفرما وصی شه جنت
تاریخ وفات میر برهان بن میر کلال که در سال هشتصد و پنج بوقوع آمد	
میر برهان صاحب برهان ولی	شد بجنت سال وصلش ای امیر
میر برهان پیر دین طیب بگو	نیز بر خوان میر برهان نامور
تاریخ وفات خواجه میر حمزه بن میر کلال که در سال هشتصد و هشتاد بوقوع آمد	
میر حمزه سید سادات دهر	یافت عز خلد با عز و وقار

طرفه سال انتقال آنجناب — تاج ابرار است ای والاتبار
محرم اسرار محبوب است نیز — میر حمزه رهبر کامل شمار

تاریخ وفات خواجه محمد پارسا که در سال هشتصد و بیست و سه بوقوع آمد

پادشاه دین محمد پارسا — عارف حق پارسای باکمال
داشت چون رخت اقامت در جنان — هست محی الدین شیخ سال وصال
هم حبیب ذو الجلال آمد عیان — باز پیر پارسا نور کمال

تاریخ وفات سید شریف جرجانی که در سال هشتصد و بیست و پنج بوقوع آمد

چون ز دنیا یافت در جنت شرف — سید اشرف شریف دین حنیف
پادشاه اتقیا ترحیل اوست — نیز سید هادی عالم شریف

تاریخ وفات خواجه حسن عطار که در سال هشتصد و بیست و شش بوقوع آمد

چون حسن رفت از جهان بی ثبات — با جمال و حسین در خلد برین
گفت سرور سال نقل آنجناب — نیر اکبر امام المسلمین
پس ازان خواجه حسن نیک جمال — هم حسن عطار انور القین
وصلتش جستم ز اهل معرفت — باز بنوشتم سراج العاشقین
پس حسن محمود هادی شریف — نیز حق بین حق نما نور الیقین

تاریخ وفات خواجه یعقوب چرخی که در سال هشتصد و پنجاه و یک بوقوع آمد

شد بر اوج چرخ چون منزل گزین — حضرت یعقوب مجذوب خدا
رحلتش شمس الهدایت گفته‌اند — نیز حق آمود مطلوب خدا
وصل او کامل ملک سیرت بخوان — هم بعد ازان یعقوب محبوب خدا

تاریخ وفات خواجه علاء الدین عجدوانی که در سال هشتصد و پنجاه و دو بوقوع آمد

شیخ عالی مکان علاء الدین — شد چو بر اوج قصر علیین
وان محب یقین جدا آگاه — رحلت او به نیک تر آئین
بنده خاص زبده اهل فرما — هم شه دین پادشاه یقین
کشف شد کاشف الهدایت باز — سال ترحیل آن شه حق بین
آخرش هر سال وصلش گو — متقی اهل دین علاء الدین

۷۳

تاریخ وفات خواجه نظام الدین خاموش که در سال هشتصد و شصت یا شصت و یک

چون نظام الدین بجنت جست راه — رفت خاموش از جهان سوی جنان
رحمت باری بگو ر اسخ بخوان — سال ترحیلش بقول صالحان
بنده حق خاص هم تاریخ اوست — باز مخدوم یقین کردم بیان
رحلتش مشکلگشای علم گو — قطب مخدوم جهان هم ایحوان

تاریخ وفات خواجه سعد الدین کاشغری که در سال هشتصد و شصت و دو یا شصت

یافت از حق مقام سعد بخلد — سعد دین اسعد زمان و زمین
گفت تاریخ رحلتش سرور — متقی جمیل سعد الدین
باز مسعود مرشد کونین — هست سال وصال آن شه دین

تاریخ وفات خواجه شهاب الدین احمد جنیدی که در سال هشتصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

چون شهاب الدین بجنت شد براه — پرتو افکن شد پی تاریخ آن
نیر اکبر شهاب الدین بگو — کن منور آفتاب عارفان

تاریخ ولادت خواجه برهان الدین ختلانی که در سال هشتصد و نود و سه بوقوع آمد

حضرت برهان ولی برهان حق — شد چو در جنت بصد صدق و یقین
قطب کامل خاص ترحیلش بخوان — نیز عاشق زنده دل برهان دین

تاریخ ولادت و وفات خواجه عبید الله احرار نقشبند که ولادتش در سال هشتصد و شش و وفات در سنه هشتصد و نود و پنج بوقوع آمد

عبید الله ولی اهل عبادت — امام دین عالی شاه ابرار
ز تاج عارفان تولید پاکش — بجو دیگر ز لفظ ذوق بشمار
مکرم نامور قطب زمان نیز — بخوان تاریخ تولیدش دگر بار
وصالش عارف مرشد رقم کن — دگر باره شه مسعود احرار
دوباره انتقال آن شه دین — بفرما هادی سردار احرار

قطعه ثانی

خلد والا چو کرد مسکن خویش — پیر احرار شیخ عالی جاه
هست کامل وصی شه جنت — سال ترحیل آن خدا آگاه

[illegible]

خاص صدیق گو د گر باره ۸۹۵ | خواجه هادی حق عبید الله ۸۹۵

تاریخ ولادت و وفات خواجه نور الدین عبد الرحمن جامی که ولادتش در سال هشتصد و هفده و وفات در سنه هشتصد و نود و هشت بوقوع آمد

خواجه باقی ولی ساقی جام
صاحب توقیر گو تولید او ۸۱۷
رحلتش بدر الکرامت گفته ام ۸۹۸
نیز جامی ماه دین محمد دم جام ۸۹۸
وصل او دان خواجه جامی دگر ۸۹۸

جرعه نوش جام حب کبریا
نیز بو الحسن جهان مشکلکشا ۸۱۷
هم شفیق راه بر اهل صفا ۸۹۸
بهر سال رحلتش کردم ندا
زاهد دین حسن عرش سرورا ۸۹۸

تاریخ وفات سید میر عبد الاول نقشبندی که در سال نهصد هجری بوقوع آمد

یافت چون آخر مقام اندر بهشت
سید کونین محمد دم آمد است ۹۰۰
نیز زاهد عبد اول حق پرست ۹۰۰

عبد اول میر دین جنت مکان
ارتحال آن شه دوران زمان
بازشاه عالم جنت بدان ۹۰۰

تاریخ ولادت و وفات خواجه شمس الدین محمد روجی که ولادتش در سال هشتصد و بیست و وفات در سنه نهصد و چهار بوقوع آمد

گشت شمس الدین چو روشن بر جنان
مهربان محبوب شمس دین بجوان ۸۲۰
هست ترحیلش ولی پر نور شمس ۹۰۴
هادی اسلام شمس الاکرمین ۹۰۴
خاص باری خسرو ابدال نیز ۹۰۴

سال تولیدش بقول اصفیا
نیز شمس الاصفیا اهل صفا ۸۲۰
همدگر محمد سید مکرم مقتدا ۹۰۴
گشت حاصل بهر وصلش بدعا
ختم شد سال وصالش و الدعا

تاریخ شهادت خواجه محمد یحیی شهید که در سال نهصد و شش بوقوع آمد

شیخ یحیی شهید کامل عصر
یافت حق را هر آنکه او را یافت
گر دیو زین جهان بخلد عروج
صاحب جان نثار شد تاریخ ۹۰۶

اکمل و اسعد است و سعد سعید
دید حق را هر آنکه او را دید
روح پاکش بر اوج عرش رسید
نیز قطب کبیر مرد شهید ۹۰۶

تاریخ وفات خواجه محمد عابد نقشبندی که در سال نهصد و ده بوقوع آمد

[illegible]

تاشکند است رسید فوجی از سوی ایران فرستاده امرای شاه بیگ ... بجا رسید و خواجه را با محمد زکریا و عبد الباقی فرزندانش شهید کرده

بصد زهد و ریاضت یافت جنت	چو آن عابد محمد قطب مخدوم
وصال او بصد اطوار رنگین	بخوان زاهد محمد قطب مخدوم ۹۱۰

قطعه ثانی

یافت از فرط عبادت باغ خلد	عابد دین رحمة الله علیه
بهر سال وصل زاهد گفت دل	زاهد دین رحمة الله علیه ۹۱۰

تاریخ وفات خواجه خواجکا نقشبندی که در سال نهصد و یازده بوقوع آمد

چو آن خواجه خواجکا شیخ دین	بخلد برین یافت جائی قرار
بوصلش بگو خواجه رهنما ۹۱۱	بفرما حسین خواجه نامدار ۹۱۱

تاریخ وفات مولانا رضی الدین عبد الغفور لاری که در سال نهصد و دوازده بوقوع آمد

پیر اهل معرفت عبد الغفور	با رضا راضی شد و رفت از جهان
سالک مخدوم قطب است ای اخی ۹۱۲	سال وصل آن شه عالی مکان
هم جناب خواجه لاری بگو ۹۱۲	نیز عارف پیر حق لاری بخوان ۹۱۲

تاریخ وفات مولانا محمد زاهد وخشی که در سال نهصد و سی و شش بوقوع آمد

محمد زاهد آن شیخ معلی	چو با حق شد ز دنیا اتصالش
وَلِیِّ فیض هم فیض الهی ۹۳۶	عیان شد شیخ زهدی ارتحالش ۹۳۶

تاریخ وفات مولانا درویش محمد نقشبندی که در سال نهصد و هفتاد بوقوع آمد

ز دنیا شد چو در خلد معلی	جناب سرور اکبر محمد
زسرور رست عشق آمد وصالش ۹۷۰	دوباره عاشق رهبر محمد ۹۷۰

تاریخ وفات خواجه عبد الشهید که در سال نهصد و هشتاد بوقوع آمد

خواجه عبد الشهید آن شیخ دین	روح پاک او چو در جنت رسید
شد ندا مخدوم هادی کریم ۹۸۰	بحر وصلش هم ولی خواجه شهید ۹۸۰

تاریخ وفات مولانا خواجکی امکنگی که در سال یکهزار و هشت بوقوع آمد

چون شه خواجکی باوج بهشت	جلوه گر گشت چون مه انور
هست شیخ زمان وصال او ۱۰۰۸	هم بخوان خواجه یقین اکبر ۱۰۰۸

تاریخ وفات خواجه محمد باقی دهلوی که در سال یکهزار و دوازده بوقوع آمد

چو باقی راهی ملک بقا شد	با هل دهر گفت نه افراقی
ندا آمد ز هاتف سال وصلش	بجائی ملک باقی رفت باقی

قطعه ثانی

چو شد از عالم فانی مقیم جنت الاعلی	معلی خواجه عالی شده دار البقا تحقیق
بخوان قطب زمان محمود باقی سال ترحیلش	دگر قطب سن فی الله شده دار البقا باقی

تاریخ ولادت و وفات شیخ احمد مجدد الف ثانی فاروقی کابلی سرهندی که ولادتش در سال نهصد و هفتاد و یک و وفات وی در سنه یکهزار و سی چهار بوقوع آمد

شیخ احمد شیخ دین احمدی	پیر دین محبوب مقبول عظیم
شد عیان احمد رفیع المنزلت	مهر و را تولید آن شیخ کریم
نیز در تولید او اشرف فقیر	طرفه تر هید است از طبع سلیم
رحلتش فیض کمال احمد است	هم بخوان احمد صراط المستقیم
پیر سلطان الف ثانی بخوان	سال وصل آن شه جنت مقیم
شیخ امجد احمد پاک آمد ست	ارتحال آن ولی بی خوف و بیم
حب احمد گو و لی زاهد بخوان	در سنین عمر آن نور قدیم

قطعه ثانی

احمد فاروق سرهندی ولی و اهل دل	در سن تولید و ترحیلش چو جستم اتصال
در ولادت احمد زاهد شفیع امت است	بی نیاز احمد شفیع امت آمد ارتحال

تاریخ وفات خواجه بیرنگ نقشبندی که در سال یکهزار و چهل و دو بوقوع آمد

ز دنیای دون رخت هستی ببست	چو بیرنگ آن مقتدا اهل فقر
بگو شیخ اسلام تاریخ او	دگر زبدة الاصفیا اهل فقر

تاریخ وفات خواجه خاوند محمود المشهور بحضرت ایشان لاهوری که در سال یکهزار و پنجاه و دو

بحمد الله که در جنت مکان کرد	ولی بی ریا خاوند محمود
ببر و رگفت رضوان ارتحالش	که قطب الاصفیا خاوند محمود

قطعه ثانی

چو شد زیر زمین افسوس افسوس	ز دنیا آفتاب عشق محمود

وصالش منبع فیض است سرو | دو باره آفتاب عشق محمود

قطعه ثالث

شاه محمود چون زد ار فنا | رفت شد وصل با خدا محمود
هست محمود شاه رحمت سال | نیز مخدوم پارسا محمود

قطعه رابع

ز دنیا شد بجنت حمد گویان | چو حق آگاه قطب وقت محمود
ولی جامع فیض است سالش | دو باره شاه قطب الوقت محمود

تاریخ وفات شیخ آدم بنوری مجددی که در سال یکهزار و پنجاه و سه بوقوع آمد

چو کرد از عالم فانی سفر سوئی بقا آخر | مثال گنج پنهان گشت اندر زیر گل آدم
بسال رحلت او حافظ دین کن رقم سرور | دگر باره شد از عالم بجنت زنده دل آدم

قطعه ثانی

فخر آدم آدم ثانی ولی | شد چو از دنیای دون اندر جنان
رحلتش شیخ زمان آدم بگو | شاه عالم آدم ثانی بخوان
نیز آدم شیخ محمود ای عزیز | فخر آدم هادی حق کن بیان

تاریخ وفات شیخ نور محمد پشاوری که در سال یکهزار و پنجاه و نه بوقوع آمد

چو روشن شد بجنت مثل خورشید | شه اهل صفا نور محمد
رقم شد فیض حقانی وصالش | دگر مشکلکشا نور محمد

تاریخ وفات میر نعمان مجددی که در سال یکهزار و شصت بوقوع آمد

چو از نعمای جنت گشت منعم | شه ملک ولایت گشت نعمان
بسال انتقالش گفت سرور | که هادی زیب نعمت میر نعمان

تاریخ وفات شیخ ابو الفتح مجددی که در سال یکهزار و شصت و شش بوقوع آمد

چون در جنت بجود معشوق یافت | فتح دین بو الفتح مفتاح جهان
رحلتش شیخ زمان محبوب گو | هم زهی بو فتح مفتاح جهان
متقی معشوق و شاهنشاه تاج | نیز ترحیلش ز سرور رشد عیان

تاریخ وفات عبد الحی مجددی که در سال یکهزار و هفتاد و هجری بوقوع آمد

[illegible]

گشت مدفون چو آه صورت گنج — در زمین حق پرست عبد آلهی
مهدی اعظم است سالش نیز — قطب دین حق پرست عبد آلهی

تاریخ وفات شیخ احمد سعید مجددی که در سال یکهزار و هفتاد بوقوع آمد

باسعادت چون سعید از دهر رفت — نور جهان ماتم شده و در خلد عید
جلوه گر از طبع روشن وصل اوست — نیر روشن ولی دین سعید

قطعه ثانی

صورت مشعل بزم احمدی شد جلوه گر — باسعادت سعد دین احمدی احمد سعید
زینت عالم شیخ و شیخ ناطق آمد سال او — هم بخوان مهدی عارف جنتی احمد سعید

تاریخ ولادت و وفات شیخ محمد معصوم مجددی که ولادتش در سال یکهزار و نه و وفات وی در سنه یکهزار و هفتاد و نه یا هشتاد بوقوع آمد

مجدد و نقشبند نقش یزدان — ولی معصوم عالی رتبه مخدوم
پی تولید آن شاه معلی — ز دل شد یار حق مخدوم معلوم
دوباره طرفه تر در سال تولید — ذوی الاکرام شد تاریخ منظوم
ز هادی غنی حور ارتحالش — بفر با اهل حق مخدوم معصوم
دگر باره وصال پاک آن شاه — ز والا مرتبت گردید مفهوم
چه خوش بار دگر از دل ندا شد — که عارف هادی اسرار معصوم

تاریخ وفات خواجه معین الدین خاوند کشمیری که در سال یکهزار و هشتاد و پنج بوقوع آمد

داخل فردوس شد با عز و جاه — قطب بانی معین اهل دین
خواجه ملت بگو سالش دگر — تاج عمر فانی معین الدین

تاریخ وفات شیخ سیف الدین مجددی که در سال یکهزار و نود و هشت بوقوع آمد

بقتل نفس از حق یافت جنت — چو سیف الدین عالی سیف قتال
وصالش با صفا شمشیر دینی است — دوباره شاه عالی سیف قتال

تاریخ وفات شیخ سعدی بلخاری لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و ده یا یازده بوقوع آمد

باسعادت شد چو در خلد برین — شیخ سعدی پیر اسعد شیخ پیر
تاج نعمت سعدی آمد رحلتش — نیز سعدی عارف اکبر فقیر

[illegible]

۷۹

همشهنشاه ولایت شد عیان	سال وصل آن شه روشن ضمیر

تاریخ وفات شیخ محمد اسمعیل غوری مجددی که در سال یکهزار ویکصد یازده بوقوع آمد

پاک رفت از جهان بخلد برین	چونکه معصوم دهر اسماعیل
رحلتش هست عارف سرمست	نیز مخدوم دهر اسماعیل

تاریخ وفات حافظ عبد الغفور پشاوری که در سال یکهزار ویکصد وشانزده

شیخ عبد الغفور حافظ دین	چون فدا کرد جان بنام اله
حافظ واصل است تاریخش	هم بخوان حافظ کلام اله

تاریخ وفات خواجه احمد سیوے نقشبندی که در سال یکهزار ویکصد چار وشانزده بوقوع آمد

شیخ احمد چو نزد احمد رفت	بهر تاریخ آن شه اعلی
کن شهنشاه مجیبی تحریر	فاضل علم احمدی فرما

تاریخ وفات شیخ محمد مراد کشمیری که در سال یکهزار ویکصد وسی ویک بوقوع آمد

رخت سفر بست چون زین دار دون بخلد	شیخ مراد سرور عشاق بامراد
تاریخ او خرد ز شهنشاه عشق جست	گفتا دگر که طالب مشتاق بامراد

تاریخ وفات سید نور محمد بدایونی که در سال یکهزار ویکصد وسی وپنج بوقوع آمد

چو در خلد معلی جلوه گر شد	چراغ پنجتن نور محمد
عجب سال وصالش گشت روشن	ز مخدوم زمن نور محمد

قطعهٔ ثانی

چو شد خورشید دین نور محمد	بزیر ابر مشکل ماه مستور
شده تاریخ وصلش پرتو افگن	محمد نور گنج نور بر نور

تاریخ وفات خواجه محمد صدیق مجددی که در سال یکهزار ویکصد وسی وشش بوقوع آمد

چون بصدق و صدق از جهان صدیق رفت	ارتحالش طرفه با صدق وصفا
هست اهل دین کریم اهل حق	نیز اهل فضل قطب الاولیا

تاریخ وفات شیخ عبد الاحد مجددی که در سال یکهزار ویکصد وچهل ودو بوقوع آمد

با احد پیوست از دار فنا	فردوین عبد الاحد نور علی
هست شیخ العالمین تاریخ او	هم بخوان شیخ کبیر ای متقی

۸۱

باز شد پیدا ز دل سال وصال … مقتدا عبد الاحد یکتا ولی

تاریخ وفات خواجه محمد افضل مجددی که در سال یکهزار و یکصد و چهل و دو بود

فاضل و افضل ولی اهل فضل … فضل ثبت چونکه از حق یافت مفت

عقل افضل و اصل حق سال او … آفتاب حسن عالم تاب گفت

تاریخ وفات حافظ محمد محسن مجددی که در سال یکهزار و یکصد و چهل و هفت بود

محسن دین احسن الاخلاق پیر … یافت از حق چونکه حسن اتصال

وصل او حافظ محب حق بود … نیز حافظ محسن آمد ارتحال

بدر عشق عاشق بخوان سالش دگر … شاه مشتاق است تاریخ وصال

تاریخ وفات حافظ سعد الله مجددی که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و دو بود

با سعادت چونکه سعد الله رفت … در مقام اسعد خلد برین

ارتحال او بسرور شد عیان … حافظ پاکیزه دل هادی دین

سالک مشتاق سعد الله گو … سال ترحیلش بصد صدق و یقین

سرور را حافظ حبیب عالم است … باز وصل پاک آن خلوت نشین

تاریخ وفات خواجه محمد زبیر دهلوی که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و دو بود

روح پاک خواجه والا زبیر … رفت چون از فرش بر عرش برین

هست شمس الاتقیا قطب زمان … سال وصل آن امام المتقین

شد عیان از نقش دل تاریخ او … نقشبند پاک با نقش یقین

نیز شمس العارفین کامل زبیر … ظاهر آمد ارتحال آن امین

تاریخ ولادت و وفات خواجه نور الدین محمد آفتاب کشمیری که در سال یکهزار و نود و شش و وفات آن جامع الکمالات در سنه یکهزار و یکصد و پنجاه و شش بود

نور دین آفتاب نور یقین … بود مهر منیر عزت و جاه

آفتاب آفتاب حسن بگو … سال تولید آن ثریا جاه

شیخ معصوم و مهر افضل حق … سن ترحیل او بحسرت و آه

تاریخ وفات شیخ محمد عابد مجددی که در سال یکهزار و یکصد و شصت بود

عابد دین عبد حق خیر العباد … از عبادت یافت چون ملک قدم

شیخ میر است و دگر مخدوم مشتهر … رحلتش ای همدمان بی بیش و کم
باز فضل علم عابد با کبار … شیخ قطب الحق وصالش گفته‌ام

تاریخ وفات حاجی محمد سعید لاهوری قادری و نقشبندی که در سال یکهزار و یکصد …

چون سعید آن اسعد جن و بشر … از فنا در کشور بقا رسید
نور فضل و شیخ نور آمد وصال … نیز بحر معرفت حاجی سعید

تاریخ وفات خواجه کمال الدین نقشبندی که در سال یکهزار و یکصد و شصت و هشت بوقوع آمد

چو سید کمال از کمال رضا … ز دنیای دون یافت با حق وصال
بتاریخ ترحیل آن شیخ دین … بگو شیخ اقطاب سید کمال

تاریخ ولادت و وفات شاه شمس الدین حبیب الله مرزا جان جانان دهلوی که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و یازده و وفات در سنه یکهزار و یکصد و نود و پنج بوقوع آمد

جناب جان جانان شاه شمس الدین حبیب الله … که بد یکتا بمحبوبی و مطلوبی و مرغوبی
بتولیدش سخی مقبول ربانی رقم کردم … بوصل پاک او شاه شهادت قطب محبوبی

قطعهٔ ثانی

جان جانان شاه شمس الدین سخی … وصف و سیر ونست از گفت و شنید
خازن جنت رقم شد از قلم … بهر تولید سعید آن سعید
گشت روشن از خرد سال وصال … بندهٔ حق پیر شمس الدین شهید
پس بشه فیض است سال وصل او … شاه بحر الرحمت هم آمد پدید

تاریخ وفات مولوی احمد الله مجددی که در سال یکهزار و یکصد و نود و هشت بوقوع آمد

مولوی احمد آن مقبول الله و نبی … مخزن فیض هدایت مطلع نور قدم
رفت از دنیا چو در خلد برین تاریخ او … مظهر احمد بخوانش شیخ محرم کن رقم

تاریخ وفات شیخ نثار الله پانی پتی که در سال یکهزار و دو صد و شانزده بوقوع آمد

چو رفت آخر ثناء الله والی … ثنا گویان ازین دار بر او بار
بجو ان اهل ظفر تاریخ سالش … دگر برگیر وصالش تاج اخیار

تاریخ وفات شاه درگاهی مجددی که در سال یکهزار و دو صد و بست و شش هجریست و ولادت باسعادت وی در سنه یکهزار و یکصد و شصت و دو بوقوع آمد

شیخ درگاه شاه والا جاه	حاکم دین زمانه تا ماهی
نام شیخ خاص کن رقم سرور	سال تولید او اگر خواهی
هست تاریخ رحلت پاکش	زاهد هند شاه درگاهی

تاریخ وفات شیخ صفی الدین المشهور صفی القدر که در سال یکهزار و دو صد و چهل و شش بوقوع آمد

می صافی محبت کرد چون نوش	صفی با صفا محبوب مولی
مصفا تر وصالش جلوه گر شد	ز شیخ اصفیا محبوب مولی

تاریخ ولادت و وفات شاه عبدالله المشهور بسید غلام علی دهلوی مجددی که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و هشت و وفات در سنه یکهزار و دو صد و چهل بوقوع آمد

شه وحید و رهبر دو جهان	امام دو عالم علی ولی
شده روشن از خامه ام نور بخش	بتاریخ تولید آن متقی
وصالش غلام سمانی مهدی است	دگر آفتاب ثروت علی

تاریخ وفات مولانا خالد مجددی که در سال یکهزار و دو صد و چهل و دو بوقوع آمد

بلطف حق مخلد گشت در خلد	چو خالد جاذب و مجذوب مولی
ولی مبطور و منظور الهی	بخوان تاریخ آن مطلوب مولی
دوباره گیر سال ارتحالش	ز خالد جنتی محبوب مولی

تاریخ ولادت و وفات خواجه ابوسعید مجددی که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و نود و شش و وفات در سنه یکهزار و دو صد و پنجاه بوقوع آمد

بوسعید آن سعد و اسعد نیک ذات	چشم عالم آنکه مثل او ندید
شد عیان تولید پاکش شاه قیصر	نیز شد منظور ربی گفت و شنید
رحلتش محمود نعمت از خرد	هادی حق شیخ پیر آید پدید
پس رفیق فیض گفتم سال او	هم معلی شیخ والا بوسعید

تاریخ وفات شاه رؤف المتخلص برافت که در سال یکهزار و دو صد و پنجاه و سه بوقوع آمد

شاه رافت صاحب رافت رؤف	یافت در دار القرار آخر قرار
شد عیان رافت حبیب متقی	سال وصل آن شه والا تبار
نیز رافت عاشق نامی بخوان	باز جو سالش ز رافت شهسوار

تاریخ وفات مولوی کرم الله محدث که در سال یکهزار و دو صد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

بجلد برین گشت منزل گزین	جوان مولوی معظم کرم
وصلے غیب است تاریخ او	دگر قطب و اشرف مکرم کرم

تاریخ وفات ملا عبد الغفور جرجوی که در سال یکهزار و دو صد و پنجاه و نه بوقوع آمد

گشت عبد الغفور چون مغفور	دل ترحیل آن شه معصوم
گفت زاهد وصلے منظور هست	نیز ملا فقیر حق مخدوم

تاریخ وفات میرزا رحیم بیگ المشهور میرزا ولیش محمد عظیم آبادی که در سال یکهزار و دو صد و ...

رحم دل میرزا رحیم الله ولی اهل کرم	رحمت حق یافت در جنت بفضل ذو الجلال
کن رقم منظور دین سالش گر مخدوم ...	هم بخوان خورشید علم از بهر سال ارتحال

تاریخ وفات مولانا خطیب احمد مجددی که در سال یکهزار و دو صد و شصت و شش بوقوع آمد

رفت چو در بزم محمد ز دهر	احمد دین جاه و ولی متقی
گفت بتاریخ وصالش خرد	اختر اجلال و مظفر ولی

تاریخ ولادت و وفات شاه احمد سعید مجددی که ولادتش در سال یکهزار و دو صد و هفده و وفات وی در سنه یکهزار و دو صد و هفتاد و هفت بوقوع آمد

حضرت احمد سعید آن نور حق	پیر اسعد میر دین شیخ سعید
خوان نعمت گشت تولیدش عیان	مظهر امید زاهد رشید دید
مظهر اسلام دان ترحیل او	هم بخوان شیخ یقین احمد سعید

تاریخ ولادت و وفات سید امام علی شاه مجددی که ولادتش در سال یکهزار و دو صد و دوازده و وفات در سنه یکهزار و دو صد و هشتاد و دو بوقوع آمد

نقشبند دل امام اولیا	زاهد دین سید و الامقام
سال مولودش عزیت آمد عیان	جلوه گر شد باز خورشید امام
نیز شیخ السالکین اهل جلال	گشت تولیدش قمر ای نیکنام
فضل قرب و شیخ قرب آمد دگر	سال تولیدش بقول خاص و عام
کن رقم نور الهی شیخ نیز	ای اخی تولید آن ذی الاحتشام
رحلتش منظور مولے کن رقم	هم بخوان مرد خدا عارف امام

پس چه داغ حلم ترحیلش بگو ۱۲۹۲ … پس ولے منظور فرما والسلام ۱۲۹۲

گنج پنجم در قطعات تواریخ حضرات مشایخ سلسلهٔ عالیه سهروردیه قدس الله سره العزیز تاریخ وفات شیخ ممشاد دینوری که در سال دوصد نود دو شد

جان جانان چون شه ممشاد دا … روح پاک او بجنت یافت جا ۲۹۸
سال ترحیلش ندا شد از خرد … زاهد آفاق محبوب الهدا ۲۹۹
زنده دل محبوب علم آمد عیان ۲۹۹ … پیر مولے شد وصالش مدعا ۲۹۴

تاریخ وفات شیخ ابو محمد رویم که در سال سه صد و سه هجری بوقوع آمد

چون محمد رویم آن سلسبیل عشق حق … شد روان آخر بباغ جنتے
سال ترحیلش خرد فیروز گفت ۳۰۳ … پیر کامل خواند و هم انور ولی ۳۰۳ ۳۰۳
زنده دل کامل ولی الله بخوان ۳۰۳ … سال وصل آن ولے متقی

تاریخ وفات شیخ علی رودباری که در سال سه صد و بست و دو بوقوع آمد

علی چون بلطف خدا و نبی … مخلد شد آخر بخلد برین ۳۲۲
بگو محرم دل بتاریخ او ۳۲۲ … علی پیر فرما و برهان دین ۳۲۲

تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله خفیف که در سال سه صد سی یک یا سی دو بوقوع آمد

کرد عزم سفر چو از دنیا ۳۳۲ … پس بجنت رسید عبد الله ۳۳۲
هست بحر الکمال تاریخش … هم ولے سعید عبد الله

تاریخ وفات ابو علی کاتب که در سال سه صد و پنجاه و شش بوقوع آمد

علی عین الکرم سرچشمهٔ لطف … بذات عین حق گردید موصول
علی معصوم گو تاریخ سالش ۳۵۶ … دگر باره علی محبوب مقبول ۳۵۶

تاریخ وفات شیخ ابو العباس نهاوندی که در سال سه صد و هفتاد بوقوع آمد

بفردوس در بزم احمد رسید … چو احمد ولے متقی جنتے
بگو شاه دین سال ترحیل او ۳۷۰ … بفرما دگر هنر دین ولے ۳۷۰
رفردیگانه بجو رحلتش ۳۷۰ … دگر فرد مولے بگو ای اخی ۳۷۰

تاریخ وفات شیخ ابو القاسم علی گورگانی که در سال چهار صد و پنجاه بوقوع آمد

قسمت خود یافت چون آخر حق … حضرت قاسم ولے مستقیم

۸۵

[illegible]

[illegible]

از محبت جنت دل تاریخ او — هم خرد فرمود بو القاسم رحیم

تاریخ وفات شیخ اخی فرخ زنجانی که در سال چارصد و پنجاه و هفت بوقوع آمد

ماند نیکو بد بهر نیکو رفت — نیک و نیک نام زنجانی

گفت سرور بسال ترحیلش — پیر طالب امام زنجانی

نیز سالک ولی مکرم گو — رحلتش ذو الکرام زنجانی

تاریخ وفات شیخ ابو علی فارمدی که در سال چارصد و هفتاد و هفت بوقوع آمد

یافت اعلی رتبه در خلد برین — چون علی عالی مکان شیخ هدا

زنده حق عارف آمد رحلتش — هم علی عالی امام با صفا

تاریخ وفات شیخ ابو بکر نساج که در سال چارصد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

شده موصول با وصل خداوند — چو بو بکر آن ولی ذات محبوب

بگو عرفان ولی ارتحالش — اگر قطب جهان بو بکر مطلوب

تاریخ وفات شیخ احمد غزالی که در سال پانصد و هفده هجری بوقوع آمد

احمد آن محبوب دین احمدی — یافت قرب احمدی اندر جنان

بلبل جنت بگو تاریخ او — نیز شمس دین احمد کن بیان

تاریخ وفات شیخ عین القضات همدانی که در سال پانصد و سی و سه بوقوع آمد

عین قضات از جهان چون رخت بست — سال وصل او عیان شد از قلم

هادی اهل یقین عین العلوم — هم بدان زنده ولی عین الکرم

باز گو علم سبحانی عین الیقین — نیز نور العین علوی کن رقم

پس محب الله نور العین نیز — سال وصل اوست ای والا همم

گشت پیدا نور عین اهل عطا — ارتحالش از خرد ولی بیش و کم

تاریخ وفات شیخ ضیاء الدین ابو النجیب عبد القاهر سهروردی که در سال پانصد و شصت و سه بوقوع آمد

با نجابت شیخ پیر بو نجیب — شد چو از دنیا بجنت شد قریب

مختلف شد سال وصل آن جناب — هر سه تاریخ آمده اندر حساب

اولا گو معدن انوار علم — هر سال رحلت آن کان حلم

باز سال وصل آن سردار حق — گشت روشن معدن الانوار حق

[illegible]

۸۶

[illegible]

نیز سال انتقالش شد عیان — مطلع انوار محبوب زمان

تاریخ وفات شیخ وجیه الدین سهروردی که در سال پانصد و شصت و شش بوقوع آمد

جلوه گر شد بر اوج خلد برین — مظهر دین متقی وجیه الدین

هست مهتاب حسن تاریخش — نیز کاشف ولی وجیه الدین

تاریخ وفات شیخ عمار یاسر قدس سره که در سال پانصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

گشایش یافت در خلد معلی — چو آن شیخ زمان عمار یاسر

رقم شد عاشق اعلی وصالش — دگر باره بخوان عمار یاسر

تاریخ ولادت و وفات شیخ الشیوخ شهاب الدین عمر سهروردی که ولادتش در سال پانصد و چهل و دو و وفات در سال ششصد و سی و دو بوقوع آمد

قطب دنیا ماه دین شیخ شهاب الدین ولی — مقتدا اهل هدایت پیر پیر دستگیر

کاشف عالم بگو مصباح عرفان کن رقم — تا ترا حاصل شود تولید آن روشن ضمیر

بهر ترحیلش بخوان سرور شهاب الدین بگو — بار دیگر کن بیان زاهد شهاب الدین پیر

تاریخ ولادت و وفات شیخ بهاء الدین زکریا ملتانی که ولادتش در سال پانصد و هفتاد و هشت و وفات در سنه ششصد و شصت و یک یا شصت و شش بوقوع آمد

پادشاه دین بهاء الدین ولی — قطب اقطاب جهان شیخ زمان

عشق حق تولید او تحریر کن — عاشق صادق بگو ترحیل آن

شمع نور آمد دگر ترحیل او — نیز فتح دین بهاء الدین بخوان

مرشد کامل بکن کامل رقم — عصمت الله سال تاریخش بدان

هم مکرم یار حق واصل بگو — پیر زکریا ولی حق بین بخوان

رحلتش شاه رفیع است و دگر — شاه مهدی الکریم آمد بجان

قطعه ثانی

شاه روی زمین بهاء الدین — شیخ عالی امین بهاء الدین

گشت تولیدش از خرد روشن — مطلع نور دین بهاء الدین

گفت سرور بسال رحلت او — عارف اهل یقین بهاء الدین

تاریخ وفات شیخ جمال خندان رو که در سال ششصد و هفتاد و شش بوقوع آمد

۸۷

شد بحسن و جمال در جنت — شیخ احمد جمال اهل جلال
بدر عشق است رحلت با کش — هم بخوان آفتاب حسن جمال

تاریخ وفات شیخ صدر الدین عارف ملتانی که در سال ششصد و هشتاد و چهار بوقوع آمد

شیخ صدر الدین ولی صدر الصدور — شد چو بر صدر جنان بالاترین
اهل رحمت ارتحالش شد رقم — هم امین الدین ولی العارفین
بار دیگر پیر صدر الدین جمیل — هست وصل آن شه روشن مبین
عارف عالیمکان قطب آمد است — همدگر ابدال صدر الاکرمین
قطب سعد الله صدر الاولیا — شد ندا در وصالش از عرش برین
باز سال ارتحالش شد عیان — قطب زیبا دین صدر الدین امین
مهدی صدر الصدور ست ای اخی — رحلت آن شاه از روی یقین

تاریخ وفات شیخ فخر الدین عراقی که در سال ششصد و هشتاد و هشت بوقوع آمد

عراقی چون بجنت برد تشریف — باهل دهر گفت بدا افراقی
بتاریخ وصالش محترم گو — دگر سلطان ولی عالی عراقی

تاریخ وفات شیخ حسن افغان سهروردی که در سال ششصد و هشتاد و نه بوقوع آمد

چون حسن شد بجنت الاحسن — سال ترحیل این شه والا
حسن متقی طیب گو — عاشق زنده دل حسن فریاد

تاریخ ولادت و وفات سید جلال الدین شیر شاه میر سرخ بخاری اچی که ولادتش
در سال پانصد و نود و پنج و وفات در سنه ششصد و نود هجری بوقوع آمد

میر ذی رتبه پادشاه کمال — شیخ دنیا و دین جلال الدین
آفتاب جلال والا جاه — سال تولید او بخوان و ببین
نیز عاشق جلال واصل جود — هم بخوان آفتاب والی دین
باز هادی سخی مخدوم است — وصل آن میر دین شه حق بین

تاریخ ولادت و وفات شیخ شرف العالم مصلح الدین سعدی شیرازی که ولادتش
در سال پانصد و هفتاد و یک و وفات در سنه ششصد و نود و یک بوقوع آمد

ولی زمان سعدی پاک باز — شه دهر مطلوب پروردگار

۸۸

[illegible]

تاریخ وفات شیخ کبیر الدین بن خواجه عراقی که در سال هفتصد هجری بوقوع آمد

چون کبیر الدین کبیر الاولیا — رفت از دنیا بحق و رزید عشق
گشت گوشت سلطان جوان — هم بدان ترحیل او نور دمشق

تاریخ وفات خواجه کرک سهروردی که در سال هفتصد و شانزده بوقوع آمد

چو از دنیا بفردوس برین رفت — شه کونین پیر واقف کرک
رقم شد خواجه نامی وصالش — دو باره زاهد حق عارف کرک

تاریخ ولادت و وفات میر حسینی شاعر سهروردی که ولادتش در سال هفتصد و وفات وی در سنه هفتصد و هفتده یا هژده هجری بوقوع آمد

چو از دنیا شه ملک بقا شد — ولی میر جهانگیر حسینی
ندا شد بهر سال انتقالش — که قطب الواصلین میر حسینی

قطعه ثانی

پیر دین احسن حسینی اهل حسن — پیر عالم رهبر پیر و جوان
پیر فردوس است در مولود او — کاشف حق کامل از وی شد عیان

قطعه ثالث

حسین از دهر چون رخت سفر بست — بسال وصل آن پیر حسینی
بگو قطب الحسن اهل صفا پیر — دگر پیر حسن میر حسینی

تاریخ وفات شیخ احمد معشوق که در سال هفتصد و بست و سه بوقوع آمد

چو احمد پیر معشوق آنکه — مقامی یافت اندر قرب جانان
بجو وصالش ز محبوب خداوند — دگر معشوق حق احمد ولی خوان
دو باره صاحب برکت رقم شد — وصال پاک آن هادی ایمان

تاریخ وفات سید عثمان المشهور بلعل شهباز قلندر که در سال هفتصد و بست و چهار بوقوع آمد

چو رفت عثمان ولی از دار دنیا — ز حق ابواب جنت شد برو باز
ز مخدوم اجل جو ارتحالش — بفرما عارف محبوب شهباز

تاریخ وفات شیخ رکن الدین ابو الفتح ملتانی که در سال هفتصد و سی و پنج بوقوع آمد

بجنت رکن شد چون رکن دین پیر — عیان شد سال وصل آن شه دین

[illegible]

تذکره: ... در خدمت و تکمیل هم بخدمت جد امجد یافت داد پدر بزرگوار ایشم خرقه تبرک پوشید و در سلطان علم ... و قبولی

[illegible]

از رکن الحق و الدین قطب اقطاب	دگر رکن الهدی رکن الارکین
بگو کرم هم و دین از دل عیان شد	بسال رحلت آن شاه حق بین

تاریخ ولادت و وفات شیخ حمید الدین حاکم قریشی هکاری که ولادتش در سال ششصد [illegible] و وفات در سنه هفتصد و سی و هفت بوقوع آمد

حامد الدین حمید الدین ولی	حاکم دین سید المرسلین
گو حمید الاولیا حاکم رفیع	سرور اتولیدش از روی یقین
پیش حمید الدین سلطان الکبیر	کن رقم تولید آن نور المبین
چو ز دنیا رفت آن حق با عرش ار	سال تولیدش بقول متقین
هست سال ارتحال آنجناب	محسن حاکم حمید العارفین

تاریخ وفات شیخ وجیه الدین عثمان سیاح که در سال هفتصد و سی و هشت بوقوع آمد

یافت از حق چو جنت العالی	شیخ عثمان بعزت و تمکین
هست مخدوم اولیا سال شر	باز مخدوم امجد ای حق بین
کبیر عثمان عابد است ذکر	ماهتاب یقین وجیه الدین

تاریخ وفات میر محمد سهروردی که در سال هفتصد و هفتاد و دو بوقوع آمد

چو شد میر مه جلوه گر در بهشت	ز ترحیل آن شاه روشن یقین
یکی میر مهتاب سید بگو	دوباره بخوان ماه روشن یقین

تاریخ وفات شیخ حاجی چراغ هند که در سال هفتصد و هفتاد و چهار بوقوع آمد

پرتو افکن چو شد بجنت خلد	حاجی با یقین سراج الهند
جلوه گر گشت سال تاریخش	اهل دین نور دین سراج هند

تاریخ ولادت و وفات سید جلال الدین مخدوم جهانیان جهان گشت که ولادت در سال هفتصد و هفت و وفات در سنه هفتصد و هشتاد و پنج یا هشتاد و هشت بوقوع آمد

پیر کامل مسمی جلال الدین	قرة دیده علی آمد
سال تولید آن شه مخدوم	از علم خادم سخی آمد
سر [illegible] سال وصالش از سر گو	عابد و مهدی سخی آمد
با ترحیل آن سعید اجلال	زاهد و پیر متقی آمد

[illegible]

تاریخ وفات سید علم الدین بن امین که در سال ششصد و هشت واقع شده

رفت باز عالم چو با عسل و عمل
علم دین آن عالم متابل
تاریخ ابرا رسهست تاریخش دگر
عالم سه آرایه عالم ربی

تاریخ وفات شیخ کبیر الدین [illegible]

جلوه بود چو اندر خلد مست
مهر عالم باره دین کبیر
پادشاه اتقیا گو ز رحلتش
باز دیگر سال وصل کبیر

تاریخ وفات سید صدر الدین بن اجن [illegible] که در سال ششصد و ... واقع شده

چو صدر الدین ولی صدر دو عالم
بصد ز خلد شد چو سال وصال
رسید شاه صدر الدین محبوب
دو باره هادی دین بیر مقبال
دگر اسنح احد فرما خواجه
بسال رحلت آن شاه ذی جلال

تاریخ وفات سراج الدین سهروردی که در سال ششصد و سی هجری واقع شد

مثل خورشید پرتو افگن در جهان
چون سراج الدین ولی متقی
ماهی خیر است سال رحلتش
باز شد روشن سراج روشنی
جلوه گر شد باز مخدوم حلیم
از تحال آن سراج الدین

تاریخ وفات سید ناصر الدین بن مخدوم جهانیان که در سال ششصد و ... واقع شد

بصد نصرت چو شد ناصر سجنت
نجوان سال وصال آن شه دین
زعارف ناصر دین کامل اول
دگر قطب اکرم ناصر الدین
چون فتح و نصرت اندر خلد شد
ناصر الدین ناصر دین متقی
گشت تاریخ وصال او عیان
شاه سید ناصر دین سپی

تاریخ ولادت و وفات سید برهان الدین قطب العالم که ولادتش در سال
هفتصد و نود و وفات در سنه ششصد و نه ماه هجری واقع آمد

حضرت سید برهان دین برهان حق
قطب عالم شاه قطب الاکرمین
هست تولیدش سخی سید ولی
هم وصی کشاف قطب العالمین
زنده دل مخدوم مغد سید البرو
نیز تولیدش بقول مسب لحین
طرفه تر تولید او ابر معرفت
گشت بیان شمار پیش فارغ نشد

هست سال ارتحال آنجناب	کاشف دین اهل دین برهان دین
باز مهدی قطب عالم مقتدا	انتقال اوست از روی یقین
سید مهتاب برهان اولیا	نیز بناه شیخ حق برهان دین

تاریخ ولادت و وفات سید شاه عالم بخاری که ولادتش در سال هشتصد و هفتده و وفات در سنه هشتصد و هشتاد هجری بوقوع آمد

شاه عالم پادشاه اهل جاه	مقتدای دین امیر المؤمنین
صاحب توقیر خوان تولید او	بار دیگر شاه عالم شاه دین
نیز سید شاه عالم نامدار	هست تولیدش بصد صدق و یقین
گشت سال انتقالش جلوه گر	از امین الله امام المتقین
باز شد رهبر دل سال وصال	نور اهل دل امام العارفین
شاه عالی شان ولی الله نیز	هست وصل آن شه روی زمین
بی نیاز خلق اهل دل بخوان	رحلت آن شاه قطب الاکرمین
فخر گو فرخ بخوان شفقت مدان	ارتحال آن شه خلوت نشین

تاریخ وفات شیخ عبد اللطیف داور الملک شهید قریشی که بسال هشتصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

داور الملک آن شهید اهل جاه	یافت چون از خلد لطف حق مزید
سال ترحیلش عیان شد طرفه تر	از ولی میر امین داور شهید
باز شد هادی شهید متقی	سن و سال ارتحال او پدید

تاریخ وفات شیخ بهاء الدین ملوی سهروردی که در سال هفتصد و یک بوقوع آمد

بهاء الدین ولی سهروردی	که در ارض و سما حکمش روان شد
چو از حکم قضا رخت سفر بست	قضا تاریخ ترحیلش عیان شد
دگر مهتاب جنت گشت روشن	دو بار و متقی عارف بیان شد

تاریخ وفات شیخ عبد الجلیل قطب العالم المشهور بشیخ چوهر لاهوری که در سال هشتصد و ده بوقوع آمد

شه عبد الجلیل آن قطب عالم	بر وی او کشود از فضل حق باب
چو از جنت فضیلت یافت از حق	نمود سال انتقالش فضل دریاب
دگر در رحلتش از اوج افلاک	ندا آمد که مهتاب جهان تاب

۹۲

قطعه ثانی

چو عبد الجلیل از جهان رخت بست | بگو سال وصلش بطرز جمیل
یکی تاج عرفان امجد مجید | دگر مهدی حق خلیل جلیل

تاریخ وفات قاضی نجم الدین گجراتی که در سال نهصد و یازده بوقوع آمد

گشت نجم الدین چو روشن مثل ماه | در جنان از رحمت پروردگار
جلوه گر شد نجم دین مخدوم دین | رحلت آن قاضی اجمل وقار
باز سال نقل آن انجناب | صاحب خیر است و فاضل در شمار

تاریخ وفات سید عثمان بخاری لاهوری که در سال نهصد و دوازده بوقوع آمد

میر عثمان چو گشت سیر بهشت | یافت از حق باوج عدن مکان
هست وصلش امیر عثمان نیز | معدن جود سید عثمان

تاریخ وفات سید علم الدین جونی وال که در سال نهصد و شانزده بوقوع آمد

شد چو از عالم تعلم حق سجلد | عالم علم لسنی علم دین
هست تاج الفیاسالشش دگر | کاشف دین عالم علم یقین

تاریخ وفات قاضی محمود گجراتی که در سال نهصد و بست هجری بوقوع آمد

چون ولی محمود محمود ذات بست | از جهان شد حمد گویان در جنان
ارتحال او بگو شیخ هدا | سالک مسالکات محمود دان
دیگر کن از ذکر سال انجناب | بس فضیل است و شمس سیرای جوان

تاریخ وفات شیخ موسی آهنگر لاهوری که در سال نهصد و بست و پنج بوقوع آمد

چو نور طور عرفان شیخ موسی | شده در گلشن خلد جاودانی
دل سرور وصالش طرفه حب | ز سلطان زمان موسی ثانی

تاریخ وفات سید حاجی عبد الوهاب دهلوی که در سال نهصد و سی و دو بوقوع آمد

از جهان در روضه جنت رسید | حاجی حرمین و اسید هدا
سید محبوب شهید متقی | کن رقم سال وصالش سرور
باز گو تاریخ وصل انجناب | پیشوا حاجی و سید مقتدا

تاریخ وفات شیخ جمال المتخلص بجمالی سهروردی که در سال نهصد و چهل و دو بوقوع آمد

٩٢

[illegible]

حسن احمد یافت در خلد برین	چون جمال با کمال معرفت
هست افضل ... وصلش دگر	طالب اصل جمال معرفت

تاریخ وفات شیخ زین العابدین المشهور ... دهلوی که در سال نهصد ... [illegible]

چو زین العابدین عابد ولی یافت	ز معبود از جهان رفته با ...
ز شمس الاتقیا جو رحلتش نیز	ز زین العابدین ... [illegible]

تاریخ وفات سید جمال الدین سهروردی که در سال نهصد و چهل و هشت بوده

جمال ابد یافت از وصل حق	چو آن احمد دین جناب جمال
بهم رحلت او ز معراج حق شد	دگر مهر علم آفتاب جمال

تاریخ وفات مخدوم شیخ حمزه کشمیری که در سال نهصد هشتاد و چار بوقوع آمد

حضرت حمزه چون بلطف خدا	شد ز دنیا بوصل دوست قریب
شیخ سید بگو بتار بخشش	نیز مخدوم حمزه پیر حبیب

تاریخ وفات بابا داود خاکی کشمیری سهروردی که در سال نهصد و نود و چار بوقوع آمد

ز فرش خاک شد بر اوج افلاک	چو آن داود خاکی شیخ مسعود
وصالش هادی دین شیخ گفتم	دگر ختم ز حالم شیخ داود

تاریخ وفات سید جهولن شاه المشهور گهوری شاه بخاری لاهوری که در سال یکهزار ... [illegible]

شاه جهولن چونکه در جنت رسید	ارتحال آن وصلی بحر و بر
عالم اسرار جهولن شاه دان	نیز جهولن شاه شاه نامور

تاریخ وفات سید شاه محمد جهوله بخاری که در سال یکهزار و پانزده بوقوع آمد

شه محمد چون بجنت جست راه	گشت اعظم سال ترحیلش عیان
باز شد سید از دل شیخ امین	صاحب فضل است همراهی مهربان
شه محمد عارف ربانی است	ارتحال آن شده الامکان

تاریخ وفات شیخ حسن المشهور حسو گنجگر لاهوری که در سال یکهزار و دوازده بوقوع آمد

از جهان رفت حسن جنت یافت	چون حسن شیخ متقی مخدوم
رحلتش هست شیخ اهل الله	نیز محسن حسن وصلی مخدوم

تاریخ ولادت و وفات میران محمد شاه موج دریا بخاری لاهوری که ولادتش در سال ... [illegible]

[illegible]

شصت و نُه و وفات در سنه یکهزار و چهارده هجری بوقوع آمد

سید پاک بحر عرفانی — موج دنیا و سید والا جاه
سید دین پناه روشن دل — هست تولید او عیان چون ماه
طرفه تاریخ انتقال او — گفت دل خواجه محمد شاه

تاریخ وفات سلطان سید جلال الدین لاهوری که در سال یکهزار و شانزده نقل

چون جلال الدین جلال خلد یافت — وصل آن روح جهان جان بهشت
خواجه کشاف و عاشق مقتدی ست — هم جلال الدین سلطان بهشت

تاریخ وفات سید عمادی الملک لاهوری که در سنه یکهزار و سی و نه هجری بوقوع آمد

ستون روضه خلد برین شد — عمادی الملک معصوم زمانه

تاریخ وفات شاه ارزانی قادری سهروردی که در سال یکهزار و چهل بوقوع آمد

شاه ارزانی از عطای اله — یافت از زان وصال یزدانی
رحلت آن ولی دین عالی — کن رقم سرور اجو بتوانی
کاشف دین شاه ارزانی — نیز عاشق مکرم ارزانی

تاریخ وفات بابا قطب الدین کشمیری که در سال یکهزار و چهل و هفت بوقوع

رو دنیا چو سوی بقا رخت بست — جناب نصیب آن ولی متقی
ز ثابت قدم ارتحالش بجو — بفرما دگر شیخ کامل ولی

تاریخ ولادت و وفات سید شهاب الدین نهر الاهوری که ولادتش در سال نهصد و شصت و پنج و وفاتش در سنه یکهزار و چهل و یک یا چهل و هفت بوقوع آمد

شهاب الدین نهر اسید پاک — که بود از سیدان دین اعلی
اگر خواهی ز نامش سال تولید — بگو شاه شهاب الدین نهرا
شهاب الدین هادی حقیقت — رقم کن وصل آن شاه معلی
شهاب الدین ولی ثانی آمد — دگر ترحیل آن پیر مزکی

تاریخ وفات سید جمال لاهوری که در سال یکهزار و چهل و ... هجری بوقوع آمد

حق جاویدی جمال خلد یافت — چون جمال الدین کمال معرفت
رحلتش فیاض محسن گفته ام — هم ولی الحق جمال المعرفت

شهاب الدین سهروردی هست مزارش در لاهور هست ۱۲

۹۵

تاریخ وفات شیخ جان محمد سهروردی لاهوری که در سال یکهزار و هشتاد و دو بوقوع آمد

جان تازه چون ز حق در خلد یافت ‌‌ ‌ روح دین جانش محمد جان جان
شیخ دین حق بد است از فلک ‌ ‌ سال تاریخش دگر عرش آشیان
یار حق جان محمد قطب وقت ‌ ‌ ‌ هست وصل او دوباره ایجان

تاریخ ولادت و وفات شیخ محمد اسمعیل مدرس سهروردی لاهوری المشهور به
میان کلان که ولادتش در سال نود و پنج و وفات در سنه یکهزار و هشتاد و پنج بوقوع آمد

جناب شیخ اسماعیل مرحوم ‌ ‌ ولی حق قبول لایزالی
پی تاریخ تولیدش ندا شد ‌ ‌ خلیل الله اسماعیل والی
بسال ارتحال آن شه دین ‌ ‌ خرد فرمود شیخ دین عالی

تاریخ وفات شیخ حسن الله کشمیری که در سال یکهزار و نود و نه بوقوع آمد

چون ز دنیا به جنت رسید ‌ ‌ بتاریخ ترحیل آن پاکباز
یکی شیخ محبوب سبحانی است ‌ ‌ دگر بار شیخ حسن با نیاز

تاریخ وفات شیخ یعقوب کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و شش بوقوع آمد

شده جلوه گر از جهان در جنان ‌ ‌ چو یعقوب مجذوب مهتاب عشق
وصالش ولی خلد المجتبی است ‌ ‌ دگر بار یعقوب مهتاب عشق

تاریخ وفات شیخ جان محمد سهروردی لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و بیست بوقوع آمد

چو در خلد معلی گشت روشن ‌ ‌ مه روی زمین جان محمد
بگو خورشید سال ارتحالش ‌ ‌ دوباره شیخ دین جان محمد

تاریخ ولادت و وفات شیخ محمد فاضل قاری لاهوری که ولادتش در سال هزار و هفتاد و یک و وفات در یکهزار
و یکصد و شصت و شش بوقوع آمد

ماشاءالله آن قاری قرآن عظیم ‌ ‌ بود محبوب جناب ذو المنن
افضل الاقطاب والاجاه گو ‌ ‌ سال تولیدش با قوال زمن
بهر سال انتقال آن جناب ‌ ‌ گفت سرور حافظ و حامد حسن

تاریخ وفات شیخ کرم شاه قریشی که در سال یکهزار و دو صد و هشت بوقوع آمد

کریم ذو الاکرام حضرت کرم شاه ‌ ‌ شه مسعود رضی الله عنه

۹۶

زنور شید عطا و ل جست سالش	دگر فرمود رضی الله عنه

تاریخ وفات سکندر شاه قریشی که در سال یکهزار و دو صد و چار بوقوع آمد

چون سکندر پادشاه اهل جاه	یافت از حق دولت اتصال مفت
عقل سال ارتحال آن جناب	عارف اکبر سکندر شاه گفت

تاریخ وفات شیخ مراد بخش قریشی که در سال یکهزار و دو صد و پانزده بوقوع آمد

چون مراد آقا ز دنیا رخت بست	رفت در گلزار جنت با مراد
سال وصلش گو سخی مقتدا	هم بخوان شاه کرامت با مراد

تاریخ وفات مفتی رحیم الله سهروردی که در سال یکهزار و دو صد و سی پنج بوقوع آمد

رحیم الله چو شد مرحوم و مغفور	ندا از دهر سال وصل رضوان
که تاج اتقیا مهر جمال است	دگر مفتی شیخ اطهر ایمان
رحیم الله فاضل رحلتش گو	دگر قاضی رحیم الله برخوان
عیان آمد ز سر در چشمهٔ فیض	عجب تاریخ آن مفتی دوران

تاریخ ولادت و وفات شیخ قلندر شاه قریشی که ولادتش در سال یکهزار و یکصد هشتاد و وفات در سنه یکهزار و دو صد و چهل و هشت بوقوع آمد

قلندر شاه شیخ هر دو عالم	که ذاتش پیر هر برنا و پیر است
بگو تولید آن خورشید اجلال	وصالش زاهد صافی ضمیر است

گنج ششم در ذکر حضرات متفرقات دیگر خانوادهای عظام فقر قدس الله سرهم العزیز

تاریخ وفات خواجه اویس قرنی که در سال سی و دو یا سی و هفت یا سی و نه بوقوع آمد

آن اویسی نبی شیخ زمان محبوب حق	سرو بستان ولایت نوگل باغ تمیز
میشود از دل بقول مختلف سالش عیان	اهل دل رفت از زمین و رفت محبوب از تمیز

تاریخ وفات حضرت ابوهریره رضی الله عنه که در سال پنجاه و هفت یا پنجاه و نه بوقوع آمد

بوهریره ولی دین عالی	بود ز اصحاب حضرت نبوی
از جهان چونکه رحلتش فرمود	سال پنجاه و هفت هجری بود
نیز پنجاه و نه بیان کردند	آنکه ترحیل او عیان کردند
سال ترحیل وی چو در سفتم	طرفه تر جلوه احد گفتم

۹۷

سال ترحیل او عجب مجمل — زینت بدال هست و زینت ازل
سال ترحیل آن سعید بگو — پاک دل خوان و هم مجید بگو
سال ترحیل آن شه اوتاد — گفت هاتف بعقل طالب یاد
سال ترحیل آن شه اعلی — گفت سرور و سنی هو فرما
سال ترحیل او ز مهدی جو — گر بخواهی دوباره حامی گو
سال ترحیل آن شه با جود — گشت موجود از خبر موجود

تاریخ وفات حضرت عبد الله بن عباس رضی الله که در سال شصت و چهار بوقوع آمد

عابد دیجاه عبد الله ولی — از جهان چون سوی جنت کرد رو
دل بسال ارتحال آنجناب — حامد هو گفت یا مداح هو
دین بگو یکدل بدان نبیل بخوان — ارتحال پاک او بی گفتگو
زینت دم هست و پاکیزه وجود — نیز جانباز و جلال ای نیک خو
زاهد و اصلی دگر طالب حبیب — باز تاریخ گو با طوع ارنکو

تاریخ وفات حضرت عبد الله بن عمر ابن الخطاب که در سال هفتاد و سه بوقوع آمد

جناب شاه عبد الله عالی — که ذات او براه حق دلیل است
بسال رحلتش شد سوز تاریخ — محب پاک و گنج است و جلیل است

تاریخ وفات حضرت جابر بن عبد الله انصاری که در سال هفتاد و چهار بوقوع آمد

زیب انصار جابر عبد الله — شد بصد نصرت از جهان بجنان
سال تاریخ رحلتش سرور — گفت سید بگو جمال بخوان

تاریخ وفات حضرت مالک دینار رضی الله عنه که در سال یکصد و بست و یا سی و هفت

جناب مالک دینار مالک دو جهان — که میر مملکت و شاه ملک دین آمد
وصال شاه دین حق عزیز زاهد عالی — جلال دین عزیز دل و حسین آمد
ولی کامل و دیگر محب مطلوب است — باختلاف روایت چنین چنین آمد

تاریخ وفات خواجه حبیب عجمی رضی الله که در سال یکصد و بست یا چهل و یک یا یکصد و پنجاه و شش بوقوع آمد

آن حبیب حق شه عالم حبیب — یافت چون از دهر در جنت مکان
سال ترحیلش بقول اهل صدق — یوسف آمد نیز محبوب زمان

هم با قوال دگر ای اهل هوش	لفظ عالیجاه تاریخش بدان
از سال ارتحال آنجناب	شد محب کامل از سر و عیان
قطعهٔ ثانی	
آن محب خدا حبیب سنی	رفت چون از جهان بباغ جنان
گفت سرور حبیب حسن گو	سال ترحیل آن امام زمان
عابد دین فانی و مصباح	عالم و لایق و امام جهان
هست احسان کفیل تاریخش	پس ولی مه حبیب و هم میان
تاریخ وفات حضرت سفیان ثوری که در سال یکصد و شصت و یک یکصد پنجاه و پنج بوقوع آمد	
رفت مثل گل چو در باغ بهشت	حضرت ثوری ولی دو جهان
بر دو سال وصل آن عالی جناب	کعبهٔ دین هادی عالم بخوان
یار محبوب الاحد مهدی بگو	هم مگر مهدی اهل الله دان
اهل لطف و نیز گو اهل فلاح	و الی حق کن دوباره ترجمان
تاریخ وفات شیخ داود طائی که در سال یکصد و شصت و یا شصت و پنج بوقوع آمد	
چو آن شاه زمان داود مسعود	بجنت یافت از دنیا رسائی
ترحیلش بگو سلطان داود	دوباره زیب حق داود طائی
تاریخ وفات خواجه عتبه بن الغلام که در سال یکصد و شصت و هفت بوقوع آمد	
شیخ نامی عتبه ابن الغلام	آخرش در خلد والا یافت جاد
سال ترحیلش بگو عالی جناب	هم امین الله خوان با صد صفا
تاریخ وفات امام عبد الله قدس سره که در سال یکصد و هشتاد و یک بوقوع آمد	
از عبادت چو یافت خلد برین	آن امام محب عبد الله
وصل او قطب اهل دل گفتم	نیز زاهد حبیب عبد الله
تاریخ وفات شیخ محمد سماک که در سال یکصد و هشتاد و سه بوقوع آمد	
رفت چون ابن سماک از دار دو	شد چو گنج پاک جسمش زیر خاک
سال ترحیلش محمد کامل است	بار دیگر طالب هادی سماک
تاریخ شهادت خواجه شقیق بلخی که در سال یکصد و هشتاد و چهار یا نود و چهار یا نود و نهم بوقوع آمد	

۹۹

آن شفیق بلخ پیر دستگیر — شد چو از دنیا بملک جاودان
سال وصلش صدق یا صادق بگو — بار دیگر مطلب جان جهان
هادی قدس آمد و سلطان دل — هم کفیل دین دگر بار ابخوان

تاریخ وفات شیخ یوسف اسباط که در سال یکصد و نود و شش بوقوع آمد

چو یوسف بر رخ خود پرده بربست — روان شد روح پاک او بافلاک
بگو سلطان ولی تاریخ سالش — دگر برخوان ز یوسف زاهد پاک
دوباره قبله مهدی نوشتم — حبیب قدسی آمد هم با دراک

تاریخ وفات خواجه ابوسلیمان الدارانی که در سال دوصد و پانزده بوقوع آمد

پادشاه خلد شد با عز و شان — چون سلیمان شیخ دین شاه جهان
طرفه سال ارتحال آن جناب — سالک عادل است و هم قطب جنان

تاریخ وفات شیخ بشر مریسی که در سال دوصد و هژده بوقوع آمد

خواجه جن و انس شیخ بشر — رفت چون از جهان بحزن و ملال
رحلتش حسن اهل دین گفتم — و اصل کامل است دیگر سال
زاهد عاقل است تاریخش — کامل زهد سالک است وصال

تاریخ ولادت و وفات شیخ بشر حافی قدس سره که ولادتش در سال یکصد و پنجاه و وفات در سنه دوصد و بیست و پنج یا دوصد و بیست و هفت بوقوع آمد

ولی دو جهان آن مرشد جن و بشر حافی — که در زهد و ورع تقوی ندارد مثل خود ثانی
معلی گو تو یدل خوان پی تاریخ تولیدش — پی ترحیل عین الدین دگر محبوب سبحانی

تاریخ وفات شیخ حاتم اصم که در سال دوصد و سی و هفت یا هشت بوقوع آمد

حضرت حاتم اصم والا همم — گشت با همت چو از عالم روان
رحلتش محبوب مسکین گفت دل — باز شد مقبول مقبول جهان
مهدی مقبول سال وصل اوست — هم مطیع حق بخوان تاریخ آن

تاریخ وفات شیخ احمد خضرویه که در سال دوصد و چهل هجری بوقوع آمد

شیخ احمد شه خراسانی — ذات پاکش سعید و اسعد بود
سال وصلش عفیف شد سید ا — هم بگو قطب دین احمد بود

تاریخ وفات شیخ ذو النون مصری که در سال دو صد و چهل یا چهل و چار یا چهل و پنج بوقوع آمد

شیخ ذو النون ولی با توقیر	حبت چون از جهان بجنت راه
هادی حق پسند و قبله حق	گفت دل سال رحلت آن شاه
رحلتش بی بها گهر گفتم	نیز هادی حق ولی الله
قطب اقطاب هادی است دگر	قطب صالح بصورت دلخواه

تاریخ وفات شیخ ابو تراب نخشبی که در سال دو صد و چهل و پنج بوقوع آمد

بو تراب آنکه بود در عالم	شیخ یکتا ولی حق کامل
رحلتش کن رقم سعید امین	هم بفرما ولی حق کامل

تاریخ وفات شیخ عبد الله دارمی سمرقندی که در سال دو صد پنجاه و پنج بوقوع آمد

یافت جائی خود چو در باغ بهشت	دارمی آن جامع صدق و صفا
دارمی شد سال ترحیلش عیان	نیز محبوب محب اهل العطا

تاریخ ولادت و وفات شیخ محمد اسماعیل بخاری که ولادتش در سال یکصد نود و چهار و وفاتش در دو صد

آنکه او بود محمد نامش	بود با علم لدنی همراز
سال تولید محمد خواهی از من	جان علم است با وشو دمساز
رحلتش طرفه ز دل شد پیدا	عابد پاک محمد جان باز

تاریخ وفات یحیی بن معاذ رازی که در سال دو صد و پنجاه و هفت یا هشت بوقوع آمد

جناب شیخ یحیی شاه والا سیر و عالم	سفر چون کرد از دار الفنا در جنت اعلی
تبار بخش بگو سلطان حق با اهل یحیی	رقم کن بار ها دی نامور زنده ولی یحیی
رحیم اول بخوان انور بگو در سال ترحیلش	دگر مطلوب حق میگوی بر آن شیخ حق فزا
ولی پیر است و رازی زاهد پاک ارتحالش	دو باره طالب حق طالب لله گفته ام بر جا

تاریخ وفات شیخ مسلم بن حجاج نیشاپوری که در سال دو صد و شصت یک بوقوع آمد

چو مسلم زینت دین زیب اسلام	بجنت یافت از حق شان اعلی
عیان شد مسلم کامل و صالش	دگر شد جلوه گر قطب معلی

تاریخ وفات شیخ ابو حفص حداد که در سال دو صد و شصت و چار یا پنج یا شش بوقوع آمد

شه هر دو سرا ابو حفص حداد	کریم و اکرم و شیخ جهان است

۱۰۱

بجنت شد چو از دنیای فانی	امام اصفیا سالش عیان است
محب حق تما حداد گفتم	دگر حداد سلطان زمان است

تاریخ وفات شاه شجاع کرمانی که در سال دو صد و هفتاد هجری بوقوع آمد

چون شه کرمان شهنشاه جهان	از شجاعت یافت در جنت مقام
اهل دین حق بین هم از دل شد عیان	سال وصل آن شه ذی الاحترام

تاریخ وفات شیخ حمدون قصار که در سال دو صد و هفتاد و یک بوقوع آمد

حامد حق شیخ حمدون مقتدا	حمد گویان شد چو در خلد برین
شد عیان محبوب باری وصل او	هم بخوان سید ولی مولای دین
پیر مهدی دان و هم پیر جهان	هردو تاریخ وصالش بالیقین

تاریخ وفات شیخ ابو داود بن شعیب که در سال دو صد و هفتاد و پنج بوقوع آمد

چو بوداود شد موجود در خلد	بسال رحلت آن شاه ذی حال
بگو سلطان ابوداود نامی	دگر جو رحلتش از بحر اجلال

تاریخ وفات شیخ سهل بن عبد الله تستری که در سال دو صد و هشتاد و دو یا [illegible]

چو رفت از دار دنیا سهل ذیجاه	بگو تاریخ ترحیلش چو خواهی
یکی صدیق هادی جهان گو	دگر مقبول محبوب الهی

تاریخ وفات شیخ ابوبکر وراق که در سال دو صد و نود و یک بوقوع آمد

آن شیخ چون یافت در جنت مقام	حضرت بوبکر مرد مستقیم
بنده بوبکر و علامی حلم	رحلتش دل گفت سلطان سلیم

تاریخ وفات شیخ ابراهیم خواص که در سال دو صد و نود و یک بوقوع آمد

چو رحلت کرد ابراهیم ثانی	خلیل آسا بسوی خلد اعلی
بیان کن ارتحالش قطب مسعود	دوباره سالک مسکین بفرما
دگر تاریخ توصیلش عیان شد	زهادی هدا قطب معلی

تاریخ وفات شیخ ابو الحسن نوری که در سال دو صد و نود و چهار یا نود و پنج بوقوع آمد

حضرت نوری چو زانوار حق	تافت چو خور بر سر خلد برین
رحلت او سید دین بو الحسن	واقف حق است بصدق یقین

۱۰۳

صد ز عیان گشت و رقم شد فرید ۲۹۴ — نیز زہے قبلہ دنیا و دین ۲۹۴

تاریخ وفات شیخ عمر بن عثمان صوفی کہ در سال دو صد و نود و شش یافت تو ہم آمد

چو در خلد برین بعد از عمر رفت — جناب شیخ عمرو مرد یکتا
بگو سلطان امام دین وصالش ۲۹۶ — دگر فرما امام دین معلی ۲۹۶
منور گو دو بارہ نامور خوان ۲۹۶ — مکن از رہنما سالش ہویدا ۲۹۶

تاریخ وفات شیخ ابو عثمان حیری کہ در سال دو صد و نود و ہشت بو تو ہم آمد

چون ابو عثمان ولے مقتدا — از فنا اندر بقا آخر رسید
قطب و اقف سالک و اقف بخوان ۲۹۸ — رحلت او ہم ولے حق سعید ۲۹۸

تاریخ وفات شیخ ابو العباس احمد بن محمد بن مسروق کہ بسال دو صد و نود و نہ بود آمد

بملک جنان یافت ماوای خویش — چو عباس شیخ ہدا اہل دین
ز صدیق صادق بجو رحلتش ۲۹۹ — بفرما دگر حق نما اہل دین ۲۹۹

تاریخ وفات شیخ یوسف بن حسین رازی کہ در سال سہ صد و سہ یا چار بو تو ہم آمد

یوسف مصر ولایت اہل حسن — شاہ جنت گشت چون با عز و شان
سال ترحیلش بصد حسن و جمال — یوسف ہادی حسین امد عیان ۳۰۴

تاریخ وفات شیخ ابو العباس عبد اللہ بستی کہ در سال سہ صد و چار بو تو ہم آمد

چو سوی روضۂ جنت روان شد — کریم الناس عبد اللہ ہادی
بتاریخ وصال او خرد گفت — ابو عباس عبد اللہ ہادی ۳۰۴

تاریخ وفات شیخ ابو سعید عبد اللہ بن حلا کہ در سال سہ صد و شش یا ہفت بو تو ہم آمد

شیخ دین ابن حلا چون از جہان — در سرای خلد شد منزل گزین
بدر اہل دین ہست سال وصل او ۳۰۶ — بار دیگر اہل دین اہل یقین ۳۰۶

تاریخ وفات شیخ حسین بن منصور حلاج کہ در سال سہ صد و ہفت یا نہ بو تو ہم آمد

حضرت حق گو حسین با کمال — یافت از حق با جناب حق وصال
جسم او حق بود جانش نور عین — قتل شد بر نام حق ہمچون حسین
سال وصل او عجب مثل فلق — شد ز دل روشن کہ حق کامل بحق
سال وصل آن شہ ہر دو جہان — باز صدیق زمانہ شد عیان ۳۰۹

تاریخ وفات خواجه خیر نساج اسماعیل که در سال سه صد و بست یک بوقوع آمد

خیر نساج خیر دین نبی ... طرفه از دل شده است محرم دل
یافت بالخیر چون بحق توصیل ... سال ترحیل آن ولی تحصیل

بار محبوب بار رسا گفتم ... نیز زاهد محمد اسماعیل

تاریخ وفات شیخ ابراهیم بن شیبان کرمان شاهی در سال سه صد سی هشت بوقوع آمد

شیخ ابراهیم شاهی شاه دین ... زیر فرمان یافت چون ملک جنان
هست اهل قرب سال رحلتش ... نیز ابراهیم هادی جهان

تاریخ وفات شیخ ابو علی حسن بن علی مستوفی که در سال سه صد و چهل بوقوع آمد

بو علی چون برفت در دار السلام ... سال تاریخش ز نزد وی آگهی
بو علی و الی دین سالک بخوان ... هم بخوان مهدی حسن ابن علی

قطعه ثانی

چون جناب بو علی عالی وقار ... قدر اعلی یافت بر اوج جنان
هست وصلش بو علی پیر هدا ... بار دیگر بو علی عالی مکان

تاریخ وفات شیخ احمد بن محمد ابو سعید اعرابی که در سال سه صد چهل بوقوع آمد

چون سفر از دار دنیا سوی خلد ... کرد احمد رحلتش با صید صفا
سرور احمد فنا فی الله گو ... هم بخوان احمد جمال الاصفیا

تاریخ وفات شیخ جعفر خلدی که در سال سه صد و چهل و یک بوقوع آمد

چو رفت اندر بهشت از دار فانی ... جناب شیخ جعفر پیر حق بین
بخوان ناصر بگو افسر نسالش ... بگن تحریر سلطان السلاطین

تاریخ وفات شیخ ابراهیم مولی صوفی الراقی که در سال سه صد و چهل و یک بوقوع آمد

قرب خاص از خدا جنت یافت ... چون شه خاص و عام ابراهیم
پیر کامل بگو بتا بخشش ... بار دیگر امام ابراهیم

تاریخ وفات شیخ ابو القاسم حکیم سمرقندی که در سال سه صد چهل و دو بوقوع آمد

چون مکان یافت در مکان جنان ... شیخ کون و مکان آبا قاسم
قاسم عالم است ترحیلش ... هم حکیم جهان ابا قاسم

[illegible]

[illegible]

خواه و الاقدر مقرب آن … سال ترحیل آن ابا قاسم

تاریخ وفات شیخ ابو العباس سیاری که در سال سه صد و چهل و دو یا چهل و سه

چو با حق وصل شد از رحمت حق … جناب شیخ ابو العباس حق دان

مطیع باری و پیر مکمل … امام المسلمین شد رحلت آن

ابو العباس حق بین رحلتش گو … ابو العباس مهدی قطب برخوان

ز قطب العالمین جو ارتحالش … دگر قطب کبیر ای صاحب شان

تاریخ وفات شیخ ابو الخیر تیناتی که در سال سه صد و چهل و سه بوقوع آمد

حضرت ابو الخیر اهل خیر پیر … شد بخیر از دهر در خلد برین

گو زهی محبوب ربانی وصال … بار دیگر قبلهٔ اهل یقین

تاریخ وفات شیخ ابو عمرو زجاجی که در سال سه صد و چهل و هشت بوقوع آمد

چو عمر جاودانی در جنان یافت … ابو عمرو زجاجی شیخ حاجی

وصال او محب مهربان است … دگر باره ابو عمرو زجاجی

قطعهٔ ثانی

ابو عمرو زجاجی رهبر دین … ز دنیا شد چو سوی خلد راهی

وصال او مه انور دگر گو … دو باره دان ولی نور الهی

تاریخ وفات شیخ جعفر نصیر خلدی که در سال سه صد و چهل و هشت بوقوع آمد

چو جعفر شیخ خلدی مالک خلد … ز دنیا رفت در خلد معلی

بخوان میر زمان یا میر محمود … بسال رحلت آن شاه یکتا

بگو امجد معلی طالب حق … دگر باره محمد نور فرما

تاریخ وفات شیخ ابو الحسن بوشنجی که در سال سه صد و چهل و هشت بوقوع آمد

بو الحسن چون از جهان رحلت نمود … وصل آن محسن ولی حسن جهان

کن رقم محبوب دین حق حسن … واصل دین بو الحسن کن ترجمان

قطعهٔ ثانی

چون حسن زمانه بو الحسن پیر … از دیدهٔ خلق رو نهفت

دل بهر وصال آن شه دین … محبوب نبی علی حسن گفت

تاریخ وفات شیخ بندار ابن ابو الحسن صوفی که در سال سه صد و پنجاه و سه بوقوع آمد

حسن جنت یافت چون با صد جمال — محسن دین پیر صوفی بو الحسین

کن بیان سیر ره تاریخ رحلتش — بازکن تحریر صوفی بو الحسین

تاریخ وفات شیخ عبد الملک بن علی بن عبد الله گازرونی در سال سه صد و پنجاه و هشت

چو آن عبد الملک شیخ زمانه — ز دنیا رفت در فردوس اعظم

بجو از صدر دین سال وصالش — دگر باره ز محبوب مکرم

قطعه ثانی

شیخ دین عبد الملک الی ملک — شد چو در اقلیم جنت پادشا

نور ایمان گو وصال پاک او — سیر حق فرما دگر قطب الوری

تاریخ وفات شیخ علی بندار ابن حسین صوفی صیرفی که در سال سه صد و پنجاه و نه بوقوع آمد

رفت در خلد معلی باهزاران عز و شان — مقتدای اولیا زاهد علی متقی

دین ترحیلش بخوان ساجد علی ابن حسین — بار دیگر کن بیان زاهد علی صوفی و

باز سلطان معلی مهدی آمد رحلتش — نیز مهدی مکرم یافت سرور آگهی

تاریخ وفات شیخ ابابکر محمد دقی که در سال سه صد و پنجاه و نه بوقوع آمد

ابو بکر چون در جنان شد مقیم — بتاریخ آن شیخ عالی حق

بگو مهر بان دل آگاه گو — دوبار ابو بکر با دست حق

تاریخ وفات شیخ سلیمان بن احمد طبرانی که در سال سه صد و شصت بوقوع آمد

سلیمان ابن احمد عالم دین — اگر علم از ذات پاک او هویداست

وصالش طرفه مهدی الکریم است — سلیمان بنده حق نیز پیداست

تاریخ وفات شیخ ابو بکر مفید که در سال سه صد و شصت و چار یا پنج بوقوع آمد

حضرت بو بکر صدیق زمان — یافت چون از دهر با حق اتصال

طالب کامل ابو بکر است نیز — شاه محبوب است نور حق وصال

قطب اهل دین مفید گفته ام — هم امام اصفیا اهل جلال

پس کریم الدین یار حق ولی — پارسای کامل آمد ارتحال

تاریخ وفات شیخ اسماعیل نیشاپوری که در سال سه صد و شصت با چار یا پنج بوقوع آمد

چون فنج عشق اسماعیل دین	جان تازه یافت از آنجهان
وصلش اسماعیل محی الدین بگو ۳۶۶	پیر محی الدین دگر بار ه بخوان ۳۶۶
باز فرما واقف حق اهل دل ۳۶۶	سال وصل آن شه والامکان

تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله مقری که در سال سه صد و شصت و شش باشد بوقوع آمد

شیخ عبد الله چو از معبود خویش	کرد حاصل روضه خلد برین
پیر حسن آمد وصال پاک او ۳۶۶	بار دیگر واصل دین قطب دین ۳۶۶
عارف زاهد دگر برهان حق ۳۶۶	گفته ام سال وصالش اینچنین

تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله رودباری بن عطا که در سال سه صد و شصت و نه بوقوع آمد

چو زین دریای پر آفت گذر کرد	بجنت رفت پیر رودباری ۳۶۹
شه دین کن رقم سالش دگر بار ۳۶۹	محب اولیا محبوب باری

	قطعه ثانی	

چون بعمر یق رحمت حق گشت آه	رودباری شاه احمد بن عطا
هست حق بین حق نما سالش دگر ۳۶۹	طالب الله احمد بن عطا

تاریخ وفات شیخ سهل صعلوکی بن سلیمان که در سال سه صد و شصت و نه بوقوع آمد

چو سهل از دهر آخر جلوه گر شد	با وج خلد مثل ماه تابان
بگو هادی والا سهل صعلوک ۳۶۹	بسال رحلت آن شاه دوران ۳۶۹
بسال وصل او فرماد و بار	ولی الاولیا ابن سلیمان

تاریخ وفات شیخ ابراهیم ابو اسحاق بن ثابت که در سال سه صد و شصت و نه بوقوع آمد

کرد ابراهیم چون عزم سفر	روح او بر عرش شد از خاک باز ۳۶۹
خوان امیر حسن سال رحلتش ۳۶۹	باز ابراهیم عابد پاک باز

تاریخ وفات شیخ ابو بکر محمد بن احمد که در سال سه صد و هشتاد بوقوع آمد

چو صدیق زمان بو بکر مرحوم	بجنت رفت با صد زیب و تزئین
نوشتم شاه دین سال وصالش ۳۸۰	دگر بو بکر مهدی زاهد دین

	قطعه ثانی	

چون ابو بکر از عنایات اله	شد بعلیین بزم متقین

[illegible]

کن رقم فرد یگانه رحلتش — کن یقین هم بنده حق الیقین

تاریخ وفات شیخ ابو الحسین حصری که در سال سه صد و هفتاد و یک بوقوع آمد

چو حسن ابد یافت اندر بهشت — ز مولی عزیز علی بو الحسین
وصالش یکی عارف هادی است — دوباره عزیز علی بو الحسین

قطعهٔ ثانی

چون سلامت رفت ابراهیم دین — از فنا در روضهٔ دار السلام
عابد مرحوم سال وصل اوست — نیز ابراهیم هادی امام
حق تمام موصول سر در ختم کرد — سال تاریخ وصالش و السلام

تاریخ وفات شیخ محمد قاسم نصیرآبادی که در سال سه صد و شصت یا هفتاد و دو

شیخ ابو القاسم که از انوار حق — گشت روشن در جهان مانند ماه
جو وصال او ز قاسم نیکنام — سالک هادی ابو القاسم بخواه
سیر محبوب جهان هم گفته اند — قطب دوران رحلت آن پادشاه

قطعهٔ ثانی

قسمت خود چو شیخ بو القاسم — یافت اندر بهشت خاطرخواه
پس بطرز خویش و بصورت خوش — رحلت آن ولی شاهنشاه
گو وحید زمان ابو القاسم — نیز قاسم ولی عالی جاه

تاریخ وفات شیخ ابو بکر طرسوسی الحرمی که در سال سه صد و هفتاد و چهار بوقوع آمد

رحلت بو بکر شیخ نیک ذات — هست بو بکر سعید ای نوجوان
قطب ربانی و دیگر مقتدر — سیر دین و اصفی محمود آمد عیان

تاریخ وفات شیخ عبد الواحد بن علی سیاری که در سه صد و هفتاد و پنج بوقوع آمد

عبد واحد پیر یکتا شیخ دین — یافت چون در جنت عالی مقام
سید کونین اقدس سال اوست — باز شد سید امقدس نیک نام
باز سیاری عزیز است ای عزیز — نیز قطب پارسا تم الکلام

قطعهٔ ثانی

عبد واحد عابد و احد وحید دو جهان — شد جدا از دار فانی یافت با حق اتصال

مهر اصفانی بسست سال ارتحالش ای اخی	شد روان دیگر ز طبع سیمبر کمال
تاریخ وفات شیخ عبد الله برقی که در سال سه صد و هفتاد و شش بوقوع آمد	
شیخ عبد الله برقی پیر روشندل ولی	آنکه در عهدش میان فقر و دین فرق آمد
هست سال رحلتش قطب جهان اهل تقی	یکدل برقی و دیگر سید برق آمد است
تاریخ وفات شیخ نصر سراج که در سال سه صد و هفتاد و هفت یا هشت بوقوع آمد	
چون سراج زمانه روشندل	گشت روشن بخلد از دوران
سال وصلش سراج اقطاب است	بار دیگر سراج اوج جهان
بازگو هادی هدی ابو نصر	همدگر بادشاه دین برخوان
نصر ابدال شد ز دل موجود	قطب دین قطب کامل است عیان
نیز مقبول زبده آفاق	رحلتش عابد مکرم دان
تاریخ وفات شیخ ابو القاسم جعفر بن احمد که در سال سه صد و هشتاد و هشت بوقوع آمد	
رفت قاسم چو از جهان در خلد	سال تاریخ رحلت آن شاه
هست کامل ولی ابو القاسم	نیز پیر وصی تقی پیداه
تاریخ وفات شیخ ابو بکر کلاآبادی که در سال سه صد و هشتاد و نه بوقوع آمد	
چون ابو بکر آن ولی صدیق پیر	با صفا و زهد در جنت مقام
رحلتش سلطان ابو بکر آمده است	همدگر بوبکر محبوب انام
نیز بوبکر متعلی گفته ام	باز بوبکر علیم ای نیکنام
تاریخ وفات شیخ ابو بکر اقبال حبشی که در سال سه صد و هشتاد و سه یا چار بوقوع آمد	
پیر مقبل خواجه اقبال بسر	معدن حق مظهر اجلال بود
ارتحالش حبشی یکدل بگو	نیز مقبول جهان اقبال بود
قطعه ثانی	
چو با اقبال در خلد برین رفت	جناب شیخ مقبل پیر اقبال
وصال او بنجوان طاوس حریز	رقم کن بار دیگر پیر اقبال
قطعه ثالث	
شیخ بوبکر مقبل اقبال	رفت چون سوی بود از نابود

عارف آیز دی است تاریخش	خوان دگر بار اهل حق مقصود

قطعهٔ رابع

پیر مقبل خواهی مقبول پیر	یافت با اقبال در فردوس جا
رحلتش سر آلهی عابد است	شاه عابد نیز رکن الاصفیا

تاریخ وفات شیخ ابراهیم منوچی که در سال ششصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

یافت بی گفتگو ز حق جنت	صاحب حال و قال ابراهیم
رحلتش نور غنیین و منصور است	نیز اهل کمال ابراهیم

تاریخ ولادت و وفات بوالحسین سمعون که ولادتش در سال سه صد و وفات در سیصد و هشتاد و هشت

ولی حق سمعون بوالحسین است	امین و مامن و هادی مامون
منیر آمد ز دل تولید پاکش	کرم شد عیان از طبع موزون
وصالش سالک حق بوالحسین است	دگر امجد ولی الله سمعون
دگر مسکین ولی و الی جود است	ز دل شاه عطا شد طرفه برهان
وصالش کن رقم سمعون ناطق	بخوان مهدی امجد ابن سمعون

قطعهٔ ثانی

شه دین مقتدای اهل اسلام	جناب ابن سمعون شیخ والا
بتولیدش رقم کن منیر آمد	محب منیر و سلطان معلی
خوجستم سال تولیدش دوباره	ز دل شد طالب انوار پیدا
بسال انتقال آن شه دین	امام المومنین عابد بفرما

تاریخ وفات شیخ ابوطالب محمد بن علی مکی عارفی که در سال سیصد و هشتاد و شش یافت

شیخ بوطالب ولی مطلوب حق	شد چو از دنیا بسال جنتی
مرد طالب اهل دین تاریخ او	بار دیگر مصدر با ابوطالب ولی
رحلتش قطب المدار است دگر	طالب نام محمد بن علی

تاریخ وفات شیخ ابوبکر موسی که در سال سیصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

پیر موسی که بود شیخ جهان	داشت با ذکر و فکر با نوسی
منیر موسی است سال رحلت او	باز بوبکر با ولی موسی

بکنیت وی ابوعلی از اجلهٔ مشایخ متقدمین ... بغداد بوده و با سری سقطی صحبت داشت ۱۲۰

... نام نامی وی محمد بن احمد بن اسماعیل بن سمعون و ابوالحسن خطاب داشت و با بن سمعون مشهور بوده و در بغداد در توحید سخن بالا گفته ۱۲

۱۱۰

[illegible]

[illegible]

تاریخ وفات ابو القاسم عبد الصمد حافظ دینوری که در سال سیصد و نود و هفت بوقوع آمد

قسمت خود یافت چون قاسم بخلد	سال وصل آن شه کون و مکان
هست محبوب زمان عبد الصمد	نیز بو القاسم ولی عالی بدان
نور عالم بین سراج الطالبین	مهدی محبوب دینوری بخوان

تاریخ وفات خواجه یحیی بن عمار یاسر که در سال چارصد و دو بوقوع آمد

یافت چون یحیی حیات دائمی	در جنان تاریخ آن والا مکان
هست عابد نامور یحیی بگو	نیز یحیی قطب ربانی بخوان
از فرید حق بجو تاریخ او	باز بدر الدین امین کن فرحان

تاریخ وفات شیخ بو علی دقاق که در سال چارصد و پنج هجری بوقوع آمد

محو عشق خدا چو شد سبحان	شیخ دقاق عاشق مشتاق
هست تاریخ رحلت آن شاه	زاهد دین ابو علی دقاق
ناصر دین و مطلع نور است	نیز دقاق زبده آفاق

تاریخ وفات شیخ ابو عبد الرحمن سلمی که در سال چارصد و دوازده بوقوع آمد

چون سلامت رفت در خلد برین	از جهان سلمی محمد بن حسین
پیر منعم هست سال وصل او	هم بخوان سلمی محمد بن حسین

قطعه ثانی

جو در خلد برین شد عبد رحمن	ز رحمن یافت عمر جاودانی
وصالش زبده آفاق سیر است	ز طبعم شد روان بحر المعانی

تاریخ وفات شیخ ابو سعید مالینی که در سال چارصد و یازده یا دوازده بوقوع آمد

با سعادت چو شد سعید بخلد	سال تاریخ آن شه دینی
حق طلب قطب بو سعید بگو	هم چنین بو سعید مالینی

قطعه ثانی

یافت چون بو سعید اسعد سیر	با سعادت بخلد والا جا
رحلتش صاحب العروج بگو	نیز مقبول کبریا فرما

تاریخ وفات ابو الحسین عالی بن جعفر همدانی که در سال چارصد و چارده بوقوع آمد

حسن کامل یافت چون اندر بهشت | حسن دین مقبول سبحانی حسین
سال ترحیلش بگو با صد جمال | بو علی محبوب حمد الٰهی حسین

قطعه ثانی

محسن و اهل حسن شیخ حسین | شد ز دنیا چو سوی خلد روان
سال وصلش نصیر دین فرما | هم گر معدن الحقایق خوان

تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله طاقی که در سال چارصد و شانزده بوقوع آمد

چو طاق از دار دنیا رفت در خلد | جناب شاه عالیجاه طاقی
وصالش اهل دین اهل یقین طاق | هم اهل حسن عبد الله طاقی

قطعه ثانی

چو طاقی طاق از دار فنا رفت | وصال آن شه دین اهل تحقیق
مقدس پیر و اهل فقر گفتم | شه عالی دو بار راه صدیق

تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله محمد بن علی شادانی که در سال چارصد و شانزده یا هفده بوقوع آمد

شد چو از دنیا بسوی بزم احمدی | شیخ حق آگاه محمد بن علی
یار حق محمود سالش هست و نیز | هادی عبد الله محمد بن علی

قطعه ثانی

چون شه حسن و انس عبد الله | شد ز دنیا بجنت العالی
کاشف زهد گو تاریخش | شاه عالی و شاه دین والی
هم ولی شاه دین رقم فرما | رحلت آن جناب متعالی

تاریخ وفات خواجه ابو منصور اصفهانی که در سال چارصد و هژده بوقوع آمد

شد بصد نصرت چو در خلد برین | شاه بو منصور منصور جهان
جود و جدت سال آن یکتا دگر | زبده کامل امام اصفهان
گو نیز حسن هم عالی وقار | هم ابو منصور پاک ای مهربان

تاریخ ولادت و وفات سید سلطان سالار مسعود غازی که ولادتش در سال چارصد و پنج و وفات در چارصد و نوزده یا بست و چار بوقوع آمد

شاه و سالار سید مسعود — | غازی دین و احمد مختار

[illegible]

۱۱۳

[illegible]

اشرف الخلق و اکرم المخلوق
سال تولید اوست مطلع نور
ارتحالش جمال فردوس است
گفته ام باز سید فردوس
نیز اهل جلال نیر دین
وصل او سید الشهید بخوان
گفت تاریخ آن شه کونین
هست سالش شهید عابد پاک
نیز اهل صفا دگر باره
شد مرا قول او لیس تصدیق

قرة العین حیدر کرار
صاحب قدر کن دگر تکرار
نیر دین اهل دین ای یار
طرفه تاریخ آن شه ابرار
گو تو وصل آن شه دیندار
مرد مسعود هم بکن اظهار
ولی مهدی شهید سرور زار
هم با قوال بعضی از اخبار
باز دریای صدق ای حق یار
بهر تاریخ وصل آن سرور آ

قطعه ثانی

جناب سید مسعود سالار	بمیدان شهادت مرد یکتا
بتولیدش بگو سالار اقطاب	دو بار اسید السلطان معلی
شهید عادل آمد ارتحالش	حبیب عارفان کردم هویدا
دگر مسعود سلطان عزیز است	بوصل آن ولی و اصل والا

تاریخ وفات میر ساهو علی که در سال چارصد و بست و سه بوقوع آمد

میر ساهو گشت چون سوی بهشت	از عطا و فضل رب العالمین
رحلتش میر امین ساهو بگو	نیز اهل دین حمید المسلمین
هم معلی قبله گو ممن خوان	پارسای حق طلب کن دلنشین

تاریخ وفات سید بو علی شاه که در سال چارصد و بست و چار بوقوع آمد

چون بلطف و خالق ارض و سما	یافت اندر خلد شاهی بو علی
بو علی شاه است سال وصل او	هم بخوان سر الهی بو علی

تاریخ وفات شیخ ابو اسحاق بن شهریار گازرونی که در سال چارصد و بست و شش

یافت جای خویش در خلد برین	چون ابو اسحاق با صد عز و شان
گو وصل فقر سال وصل او	هادی محسن ولی عالی مکان

[illegible]

تاریخ ... سال روزه دار بانزده
... نام وی ابراهیم و اصلش از فارس
است و نسبت ارادت با ابو علی حسین بن محمد
فیروزآبادی داشت و ولی مادرزاد بود
... و الد ماجد شیخ الاسلام ابو عبدالله الخفیف
و مرید سید شریف حمزه علوی ... در علوم ظاهری و
باطنی طاق و یگانه آفاق بود

سالک عالی حبیب اصفیا	نیز بو اسحاق سلطان زمان
گازرونی زیب اقطاب ای پسر	رحلتش نور یقین فرما عیان
باز اهل الله قطب الاصفیا	بار دیگر هادی حق مهربان

قطعهٔ ثانی

شیخ دین طاق شاه بو اسحاق	یافت از دهر چون بخلد مکان
شاه احسان است سال ترحیلش	همدگر بادشاه جان جهان
سرور را بادشاه اقطاب است	رحلت آن ولی دو زبان

تاریخ وفات شیخ ابو منصور حکیم انصاری که در سال چارصد و سی بوقوع آمد

شد چو بو منصور در ملک بقا	با هزاران فتح و نصرت از عدم
پیر کامل و اکمل آمد وصل او	جلوهٔ منصور و هم منصور دم
قطب هادی حق بیان کن از زبان	مشنوا سالک رقم کن از قلم

تاریخ وفات شیخ ایاز لاهوری که در سال چارصد و سی و چار بوقوع آمد

شیخ والا ایاز مهر جهان	در صف اهل راز همراز است
گو وصالش ایاز عالی قدر	باز عارف ایاز جان باز است

قطعهٔ ثانی

سرور دین جان باز چون شیخ ایاز	باز شد در خلد از روی زمین
سالک روی زمین تاریخ اوست	نیز گو سرور امام الاکرمین

تاریخ وفات شیخ احمد قدوری که در سال چارصد و سی و هفت بوقوع آمد

شد چو در بزم محمد از جهان	شیخ دین احمدی احمد ولی
گوشهٔ اسلام سال وصل او	بار دیگر نور حسن احمدی

تاریخ ولادت و وفات شیخ ابو سعید بن ابو الخیر که ولادتش در سال سه صد و پنجاه و هفت و وفات در سال چارصد و چهل هجری بوقوع آمد

بوسعید آن شیخ دین اسعد سعید	مقتدائی اولیا و اتقیا
سالک معصوم شد تولید او	رحلتش گفتم سعید رهنما
شد ز دل ایا سعید نامدار	باز محرم بوسعید آمد ندا

ف: از بزرگان قدیمه لاهور است و در سلسله جنیدیه توسل داشت و اگرچه صاحب تحفة الواصلین تاریخ وصال وی ارقام نموده [illegible] ۱۰۱۱ از فال کاتب [illegible] مشهور است اینست که این بزرگ ایاز غلام و محبوب سلطان محمود غزنوی است

۱۱۴

ف: از عمده علما و [illegible] بود و کتاب قدوری از [illegible] وی است [illegible] فضل [illegible]

ف: نامش [illegible] از خراسان است و [illegible] ارادت [illegible] بن حسن [illegible] ارشاد [illegible]

خوان ولی اهل دین سلطان سعید	عارف المحبوب سالش سرورا
قطعهٔ ثانی	
سفر کرد چون باسعادت ز دهر بکرم سلیم است سالش بگر	سعید جهان بوسعید سعید ولی زمان بوسعید سعید
تاریخ وفات شیخ ابو عبدالله ماکو که در سال چارصد و چهل و دو بوقوع آمد	
عابد معبود عبدالله شیخ دین حق اهل شوق و طالب کشف است وصل سال او باز عبدالله مکرم گو بسال رحلتش	از عبادت یافت در خلد برین آخر مکان نیز عبدالله منیر از خاطرم شد ترجمان عارف کامل بخوان قطب المکرم کن بیان
تاریخ وفات شیخ اسمعیل محدث لاهوری که در سال چارصد و چهل و هشت بوقوع آمد	
یافت آخر مکان بخلد برین سال وصلش فقیر محبوب است	چون شه دین فقیه اسمعیل نیز پیر وجیه اسمعیل
تاریخ وفات شیخ ابو الحسن علی روزی که در سال چارصد و پنجاه و یک بوقوع آمد	
رونق خلد شد بباغ بهشت عارف زنده دل بگو سالش	همچو سرو سهی حسن روزی نیز فرما علی حسن روزی
قطعهٔ ثانی	
چون ز دنیا حسن جنت شد حسن واصلی ابرار و هم والی تاج	هست سال آن حسین المحسنین بار دیگر عالم علم یقین
تاریخ وفات شیخ ابو الفضل بن حسن ختلی که در سال چارصد و پنجاه و سه بوقوع آمد	
رونق خلد و فضل جنت شد ارتحالش واصلی رهبر خوان	چون ابو الفضل افضل الابرار کن رقم نیز معدن الانوار
تاریخ وفات حضرت شیخ مخدوم علی گنج بخش جلابی هجویری لاهوری غزنوی که در سال چارصد و شصت و چار یا شصت و پنج یا شصت و شش بوقوع آمد	
علی غزنوی آن شاه هجویر سفر ورزید چون از دار فانی منور رحلتش چون ماه گردید	سرا یا نور روشن ماه هجویر شده خالد بخلد جاه و اثنی علی هجویری عالی جاه گردید

[illegible]

۱۱۵

تحریر اوصاف و فضائل قاصر است نامش علی
بن عثمان غزنوی جلابی هجویری است که جلاب و
هجویر دو محله از محله های غزنی اند و وی
مرید شیخ ابو الفضل بن حسن ختلی در لاهور تشریف آورده
بهدایت خلق مصروف ماند و نسبت وی
به دو واسطه بشیخ شبلی منتهی میگردد و مرشد وی
ختلی مرید شیخ ابو الفضل بن حسن مرید شیخ حصری و وی مرید
شیخ ابوبکر شبلی است و در عالم بخطاب
گنج بخش مخاطب است مرقد منور
محل اجابت دعا است
در لاهور بیرون
دروازه بهاتی
واقع شده ۱۲۰

چو دل سال وصال آن ولی گفت
بسال رحلت آن عارف حق
چو آن شاه جهان اندر جنان شد
بخوان گر هست سال وصل منظور
وصال او ز دل گردید مفهوم
چو جستم از خرد تاریخ سالش
وصال آن شه مرحوم و مغفور
شود پیدا وصال آن گرامی
نوشتم شمس دین و گلشن دین
بسال رحلت آن شاه سرمد
دوباره پیر لاهوری است سالش
بسال رحلت آن شاه اکبر
خرد چون سال وصل آن ولی گفت
بخوان محبوب رهبر انتقالش
بسال رحلت آن شاه والا
بسال رحلت آن سید تفرید

بسرور پارسا کامل علی گفت
عیان گردید حق بین واقف حق
بسرور سال او سرور عیان شد
حبیب اولیا گنجینه نور
عجب تر حق نما هادی معصوم
رقم شد کاشف دین انتقالش
شده حاصل ز عالی قطب لاهور
ز هجویری علی هادی نامی
بسال رحلت آن شاه حق بین
ندائی گوهر هجویری آمد
اگر خواهی دلا سال وصالش
علی مهر علی گفت است سرور
بسرور ماه دین مظهر علی گفت
دلی میر یقین گو ارتحالش
خرد والا ولی فقر گفتا
ندا آمد ز هاتف اهل توحید

قطعه ثانی

علی غزنوی آن شاه هجویر شیخ اکبر — که بر دلها عیان گشتند زو اسرار محبوبی
سه اقوال اند از اهل خبر در ضد یکدیگر — بسال رحلت آن شاه دین سردار محبوبی
یکی سردار خوانش بار دیگر سرور [illegible] — سوم کن هم رقم گنجینه انوار محبوبی

قطعه ثالث

شیخ عالی علی هجویری — پیر اعلی محب عالیقدر
ارتحالش مه هدایت خوان — نیز فرما محب عالیقدر

قطعه رابع

حضرت مخدوم هجویری ولی — رفت چون از فرش بر عرش برین

۱۱۶

از و یافت سال ترحیلش بجو ۴۶۵	بار دیگر کن رقم عرفان دین ۴۶۵

قطعهٔ خامس

قدر لسے علی بخلد عالی یافت	چون سے علی پیر متقی محبوب
نیر الدین علی رقم کردم ۴۶۵	رحلتش نامور سے علی محبوب ۴۶۵
کشف اجلال و شمس اجلال است ۴۶۵	سال ترحیل آن ولی محبوب

قطعهٔ سادس

شد ز دنیا با وج علیین	چون علو جهان سے علی ولی
گو وصالش امیر دین سلطان ۴۶۵	نیز میر جهان سے علی ولی ۴۶۵

تاریخ وفات شیخ ابو القاسم قشیری که در سال چارصد و شصت و پنج بوقوع آمد

قسمت خویش یافت در جنت	مرشد المومنین ابو القاسم
رحلتش عارف جمیل بگو ۴۶۵	هم محب نقیین ابو القاسم ۴۶۵

قطعهٔ ثانی

شد چو اندر خلد با صد اقتدار	شیخ بو القاسم امین الاولیا
ارتحالش منعم دین قاسم است ۴۶۵	هم دگر قاسم امام اصفیا ۴۶۵
نیز بو القاسم مقدس طیب است ۴۶۵	رحلت آن هادی راه هدا

تاریخ ولادت و وفات مخدوم عبد الله انصاری که ولادتش در سه صد و نود و شش و وفات در چارصد و هشتاد و یک هجری بوقوع آمد

شاه انصار شیخ عبد الله ۳۹۶	نصرت دین حضرت باری
نور علم است نیز محرم حق ۴۸۱	سال مولود او چو شماری
رحلتش عارف مکمل دان	نیز و اصلی امام انصاری ۴۸۱

تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله حمیدی که در سال چارصد هشتاد و هشت بوقوع آمد

چو از دنیا بجنت گشت راهی	حمیدی رهنمای راه تحقیق
ولی العارفین گو ارتحالش ۴۸۸	دگر باره حمیدی مصدق ۴۸۸

تاریخ وفات شیخ ابو الحسن نجار که در سال چارصد و نود و یک هجری گذشت

عمر بجا دید یافت در جنت	بو الحسن پیر محسن الابرار

۱۱۶

رحلت او کمال کشف آمد	همه گر نیک بوالحسن نجار
تاریخ وفات شیخ ابونصر هروی خانجه آبادی که در سال پانصد هجری بوقوع آمد	
باهزاران نصرت از دنیا چو رفت	حضرت بونصر منصور هدا
رحلتش قطب الهدا بونصر خوان	نیز هروی پیر رهیب اولیا
هست گو دیگر متین خوان ایحوان	باز عارف حق طلب وان الدعا
وصل او سلطان فردوس آمدست	والی رهبر ولی شد مدعا
تاریخ ولادت و وفات حجة الاسلام امام محمد بن محمد غزالی که ولادتش در سال چارصد و چهل و نه و پانچاه و وفات در سنه پانصد و پنج پانصد هجری بوقوع آمد	
آن محمد بن محمد شیخ حق	مطلع نور یقین روشن جبین
شد عیان بحر العلوم احمدی	طرفه تر تولید آن عین الیقین
از محبت جسته ام تولید او	ماهتاب است و مکمل نور دین
گفته ام سال وصال آنجناب	عابد طوبی امام المسلمین
صاحب تاج و محب مجتبی	زینت ابدال هم شمس زمین
هم رقم کردم وصال پاک او	رهبر محمود و رهبر اهل دین
پس بخوان سرور بسال رحلتش	عابد طیب امام المسلمین
قطعهٔ ثانی	
چو رغبت کرد از دنیا بجنت	محمد راغب دین شیخ مرغوب
محمد بن محمد پیر مهدی	بخوان گر هست سال وصل مطلوب
عیان بار دگر شد انتقالش	محمد بن محمد یار محبوب
تاریخ وفات خواجه حکیم ثنائی غزنوی که در سال پانصد و بست و پنج بوقوع آمد	
چون ثنائی حکیم روشندل	گشت چون ماه از نظر مستور
شاه عالم حکیم سرمد گو	رحلتش هم زهی سه پر نور
تاریخ وفات تاج العارفین ابوالوفا بغدادی که در سال پانصد و سی بوقوع آمد	
ماجد از خلد شد باعز و جاه	بوالوفا تاج سر اهل هدا
هست کامل بوالوفا مهر جمال	سال وصل آن امام الاتقیا

اصلش از کر ... است و در خانجه آباد سکونت داشت و از اعاظم علما و کبرای مشایخ دین بود ... کنیت وی ابو العابد است و لقب زین الدین ... اصلش از طوس بود و مذهب امام شافعی رحمة الله علیه داشت و انتساب در طریقت بشیخ ابو علی فارمدی است امام شریعت و پیر طریقت است و مقتدای اهل سنت و جماعت و کتاب احیاء العلوم و کیمیای ...

١١٨

[illegible]

بازای محبوب خوان تاریخ او — هادی محبوب تاج اولیا
سرور دین گفت سر و جلیتش — عاشق مهدی است سالش بدعا

تاریخ وفات خواجه محمد ابو عبد الله جونی که درسال پانصد و سی بوقوع آمد

عابد دین شیخ عبد الله پیر — یافت با معبود در جنت قرار
ارتحال پاک او هادی تقی است — باز عبد الله محمد نامدار

تاریخ ولادت و وفات خواجه ابو نصر احمد جام زنده فیل که ولادتش در سال چارصد و چهل و یک و وفات در سنه پانصد و سی و شش بوقوع آمد

جناب شیخ احمد جامد حق — ولی اهل کرامت زیب اسلام
امام المسلمین پاکیزه احمد — شده تاریخ تولیدش سرانجام
امیر المؤمنین محبوب گفتم — وصال آن شهنشاه نکونام
زعشق الله چو سالش دگر بار — دگر بو نصر کامل احمد جام
عیان شد تاج اسلام ارتحالش — دوباره قطب و اصل احمد جام

قطعهٔ ثانی

پادشاه زمانه شیخ زمین — احمد جام پیر ذی الاکرام
سال تولید او شه گزین — طرفه تر گشت از خرد ارقام
هست دیگر مکرم عالم — سال تولید آن نکو فرجام
باز سال وصال او سرور — گفت عارف حلیم احمد جام

تاریخ ولادت و وفات شیخ عبد الاول بن شعیب سنجری که ولادتش در سال چارصد و پنجاه و هشت و وفات در سنه چارصد و پنجاه و سه بوقوع آمد

جناب عبد اول شیخ والا — که از روز ازل مقصود حق بود
بگو پیر نور اسعد سنجری خوان — پی مولود آن پیر حق آمود
دوباره بهر سال انتقالش — بدان ابن شعیب هادی محبوب

تاریخ وفات خواجه عدی بن مسافر شامی هکاری که در سال پانصد و پنجاه و هفت یا

چو آن ابن مسافر شیخ عالی — مسافر شد با وج عرش از خاک
بوصلش گو منیر انور دوباره — عدی ابن مسافر زاهد پاک

۱۱۵

قطعه ثانی

چون عدی ابن مسافر شیخ دین — شد مسافر از جهان سوی جنان
ارتحالش ماهتاب حق بگو — عاشق مولی دوباره کن عیان
باز فرما عارف اهل الیقین — هم شناور گو به پیش دوستان
عاشق مطلوب هم مطلوب عشق — خوان بسال وصل آن شیخ زمان

تاریخ وفات شیخ ماجد کردی که در سال پانصد و شصت و یک بوقوع آمد

شیخ ماجد چون ازین پرخار دهر — صورت گل رفت در باغ جنان
رحلتش سرداره ماجد امجد است — نیز ماجد هادی الا سرار دان

تاریخ وفات سید احمد المشهور بشیخ سرور سلطان که در سال پانصد و هفتاد و هفت بوقوع

سید و سرور و شیخ احمد — بود سلطان عالم و والی
هست سرور چو سال تاریخش — هاتفش گفت سرور عالی

ایضاً قطعه ثانی

سید احمد شیخ سرور ولی — شد ز دنیا سرور ملک جنان
قطب سرور سرور سالک بگو — نیز سرور واصلی دین وصل دان

تاریخ وفات شیخ شهاب الدین سهروردی مقتول که در پانصد و هشتاد و یک یا شش یا هفت یا هشت بوقوع آمد

رهبر عالم شهاب الدین شهید — شد چو در جنت پی تاریخ آن
هادی اقدس شهاب الدین بگو — عمده دنیا شهاب الدین بخوان
مقتدای ایزدی تاریخ اوست — نیز زاهد متقی هادی بدان
سالک یزدان شهاب الدین بود — هم شهاب الدین مقبول جهان
کن رقم فتاح ابواب عطا — هم گزین شمس المعلی کن بیان
نیر دین انور و اشرف دگر — تاج آفاق است هم ای مرغ خوان
وصل او محرم مکرم گفته ام — باز شد عبد بشیر از دل عیان

قطعه ثانی

چو سه پر تو افگن چو در خلد شد — شهاب ولی قطب هر دو جهان

نفی الولی گو بتاریخ او — وگر آفتاب جنان ایجوان

تاریخ وفات شیخ عبد الرحیم معزلی که در سال پانصد و نود و دو بوقوع آمد

چو شیخ عصر در مشرب مکان کرد — جناب شیخ مغربی شیخ مزکی
سی لا ثانی آمد ارتحالش — دگر عبد الرحیم عابد معلی

قطعه ثانی

چوان رحیم دل پیر عبد الرحیم — بشد از جهان در بهشت برین
بگو واصلی مقتدا رحلتش — بفرما دگر قدوة الکاملین

تاریخ وفات شیخ نظام الدین گنجوی که در سال پانصد و نود و شش بوقوع آمد

چون نظام الدین نظام دو جهان — شد ز دنیا ناظم ملک بقا
گنج عرفان گنجوی پاک باز — هست سال رحلت آن مقتدا
باز شد سال وصالش جلوه گر — از مبارک گنجوی گنج صفا
اهل نعمت هم ولی متقی — گشت بحر سال وصلش مدعا
نیز اهل دل فرید العالمین — شد بسال رحلتش از دل ندا

تاریخ وفات شیخ عبد الله قریشی هاشمی هنکاری که در سال پانصد و نود و نه بوقوع آمد

شد جمال خلد با حسن و جمال — چونکه عبد الله جمال هاشمی
هاشمی نا دمی اکبر شد عیان — رحلتش هم پیر آل هاشمی
نور چشم و پیر کامل نامدار — گو بوصل آن کمال هاشمی

تاریخ وفات سید حسین زنجانی لاهوری که در سال ششصد هجری بوقوع آمد

داخل خلد شد چو با اعزاز — پیر واقف حسین زنجانی
پیر فردوس سال وصلش گو — نیز عارف حسین زنجانی

تاریخ وفات سید احمد توختهٔ ترمذی لاهوری که در سال ششصد و دو بوقوع آمد

شد به بزم احمدی چون زین سرا — سید احمد شه برنا و پیر
پیر هادی پیر عالی جاه گو — رحلتش سید ولی پیر کبیر
ماهتاب دین احمد گن رقم — آفتاب حسن ای روشن ضمیر
ماه روشن یا وصلی روشن ا — باز شاه نامدار ای دستگیر

۱۳۱

هم زهی شیخ تقیین شد جلوه گر	از خرد تاریخ آن ماه منیر
سید احمد حبیب جنت است	هادی بی مثل سالش بی نظیر

تاریخ وفات سید یعقوب صدر دیوان رنجانی لاهوری که در سال ششصد و چار بوقوع آمد

چو یعقوب از جهان رخت سفر بست	بجذب ایزدی گردید مجذوب
شه مقبول رنجانی رقم شد	وصال آن شه دین شیخ مطلوب
بگو مسعود مهدی صدر دیوان	دگر باره مقدس پیر یعقوب

تاریخ وفات شیخ روزبهان صغیر بقلی شیرازی که در سال ششصد و شش بوقوع آمد

بفردوس برین منزل گزین شد	چو شیرازی ولی مطلوب شیراز
نوشتم پیر هادی عارف پاک	بسال وصل آن مرغوب شیراز
دگر گردد عیان سال وصالش	ز هادی هدا محبوب شیراز

قطعهٔ ثانی

چون جناب روزبهان بقلی شیرازی ولی	یافت از دار فنا در جنت الفردوس جا
نور فردوس است امین سردار عالم جلتش	باز کامل قطب ابرار است ای اهل صفا
چشمهٔ انوار هم شاه مکرم شد عیان	سال وصل آن شه والاهمم مشکل کشا

تاریخ وفات شیخ ابو اسحاق اقرب که در سال ششصد و نه بوقوع آمد

گشت اقرب چو با وصال اله	پیر روشن ضمیر بو اسحاق
مهدی متقی است وصلش نیز	صاحب حسن پیر بو اسحاق

تاریخ وفات میر سید حسین خنگ سوار اجمیری که در سال ششصد و ده بوقوع آمد

چون حسین آن محسن عالم ولی	رفت در خلد برین بازیب و زین
گفت سرور سال وصل آن جناب	میر عالی سید والی حسین
نیز قطب الاولیا ناصح شهید	هست سال رحلت آن نور عین

قطعهٔ ثانی

رفت در جنت بصد نور و جمال	چون حسین آن محسن عالم لطیف
صاحب عرفان حق تاریخ اوست	افتاب وصل و هادی شریف
باز وصلش بحر کشف آمد عیان	نیز معشوق عزیز است ای حنیف

۱۲۳

تاریخ وفات شیخ عزیز الدین مکی لاهوری که در سال ششصد و دوازده بود آمد

زدنیا چو شد در بهشت معلی	شهنشاه دوران زمین پیر مکی
بخوان آفتاب حسین ارتحالش	بخوان نیز پیر حسن پیر مکی

قطعهٔ ثانی

باعزاز چون نور جانان گردما	عزیز جهان اهل عزت عزیز
زدل کشف شد پیر کشف ارتحال	دگر بار اجلال جنت عزیز

تاریخ وفات شیخ ابو الحسن کردویه که در سال ششصد و دوازده بود آمد

چو شد بو الحسن حسن خلد برین	بتاریخ آن مرشد معتقدا
یکی بو الحسن مجتبی کن رقم	دگر بو الحسن رهبر اولیا

تاریخ وفات شیخ مجد الدین بغدادی که در سال ششصد و شانزده بود آمد

در بهشت احمد از دنیا چو رفت	شیخ مجد الدین مجید دو جهان
رحلتش زاهد محب متقی	هم مبارک پیر مجد الدین بخوان
قطب وقت و نیز تاج الاصفیا	هم جمال الاتقیا کردم بیان

تاریخ وفات شیخ نجم الدین کبری قدس سره که در سال ششصد و هژده بود آمد

یافت از حق چو جنت الاکبر	نجم دین مهتر عابد کبری
گفت سرور بسال ترحیلش	نجم دین پیر زاهد کبری

قطعهٔ ثانی

نجم دین نجم ولایت نور حق	جلوه گر گردید در خلد برین
سید مرشد بگو تاریخ او	یار رهبر نیز مهتاب یقین
هم بخوان محمود نجم الدین کبیر	بهر سال وصل آن نور مبین

قطعهٔ ثالث

مثل خورشید پرافگن در بهشت	نجم دین کبری ولی رهنما
رحلتش منصور کبری شد عیان	هم بخوان هادی والی مقتدا
هر گر کبری ولی حق کبیر	هست سال رحلت آن پیشوا
باز اسعد پیر اکبر بگو	وز حقیقت جو وصالش سرورا

تاریخ وفات شیخ یونس بن یوسف شبانی که در سال ششصد و نوزده هجری بوقوع آمد

شد چو زین دار الفنا اندر بقا با فضل حق	یونس دین محمد مقتدای دو جهان
رحلتش یونس مقدس پیر عابد کن شمار	نیز یونس بن یوسف صوفی محمود خوان
پیر عالی رهنما باشد وصال پاک او	پیر رهبر هم مکرم یار حق سالش بخوان

تاریخ وفات شیخ ادریس یعقوبی که در سال ششصد و بست و یک بوقوع آمد

چو شد با نید ادریس ز جهان در جنت اعالی	معلی شاه دین عالی علی ادریس یعقوبی
ز عاشق طالب حق سال ترحیلش بجو بشمر	دگر تحریر کن والا علی ادریس یعقوبی

قطعهٔ ثانی

چون علی شد بجنت الاعلی	گشت واصل بوصل ربانی
گفت دل سال رحلتش تارک	باز فرمود بحر عرفانی

تاریخ ولادت و وفات شیخ فرید الدین عطار که ولادتش در سال پانصد و سیزده و وفات در سنه ششصد و بست و شش یا هفت یا هشت بوقوع آمد

فرید الحق فرید الدین عطار	وحید العصر صوفی مصفا
فرید الدین ولی محبوب هادی	شده تاریخ تولیدش هویدا
دگر تاریخ قطب حق فرید است	پی تولید آن شاه معلی
دو باره پیر بدر الدین است تولید	ز قطب عارفان شد نیز پیدا
بجو وصلش ز علیی قطب ابرار	ولی اشرف بخوان ای نکته آرا
عیان کن سعد ابن اسرار سرور	بیان کن بحر وحدت طرفه مرجا
دگر مسکین فرید الدین محبوب	بخوان در وصل آن شیخ مزکی

قطعهٔ ثانی

فرید فرد جهان خواجه وحید العصر	که بود مرشد ابرار و محرم اسرار
فرید قطب زمانی بگو تتولیدش	بجو وصال جمیلش ز فرد دین عطار
بخوان حبیب خدا باز رحلتش سرور	بقول معتبر کتب و صحت اخبار

قطعهٔ ثالث

چو شد فرد از دهر فرد الفرید	پی سال ترحیل آن مقتدا

یکی قبلهٔ اهل جنت بگو — دوباره بخوان زبدة الاصفیا

تاریخ وفات شیخ بهاء الدین ولد که در سال ششصد و بست یا هفت یا هشت بود

گرد مسکن چو در مقام بهشت — شیخ رومی زمین بهاء الدین
عابد متقی است سالش نیز — حق طلب شاه دین بهاء الدین
باز محبوب شهر پیدا شد — وصل اهل یقین بهاء الدین

تاریخ وفات شیخ ابن الفارض حموی که در سال ششصد و سی و دو بود

چون بقصر بهشت کرد مقام — ابن فارض ولی عالی جاه
ارتحالش امام متقی است — باز فرمود دل خدا آگاه

تاریخ وفات شیخ اوحد الدین کرمانی که در سال ششصد و سی و چار یا پنج بود

شاه کرمان چو بست رخت سفر — یافت منزل بقرب رحمانی
متقی پاک بین بگو سالش — هم بخوان بادشاه کرمانی
باز برگیر مرشد کامل — نیز جنت مقام گردانی

تاریخ وفات شیخ صوفی بدهنی دهلوی که در سال ششصد و هشت بود

بدهنی صوفی مصفا دل — شد چو واصل بوصل یزدانی
رحلتش هادی حقیقت خوان — بار دیگر ولی ثانی
باز فرما تو صاحب الارشاد — ارتحالش اگر بدانی

تاریخ وفات شیخ رضی الدین علی لالا که در سال ششصد و چهل و دو بود

آن رضی الدین علی لالا ولی — وصف او بیرونست از گفت و شنید
شه چو از عالم بگو تاریخ او — سید اکرم علی ابن سعید
شد عیان اهل ارادت رحلتش — هادی برکت دگر آمد پدید

تاریخ وفات شیخ شمس الدین تبریزی که در سال ششصد و چهل و پنج بود

بجنت شد چو شمس الدین تبریز — بجنت شد روشن از نور تجلی
بخوان سلطان شمس الدین و صالح — رقم کن نیز شمس الدین معلی

قطعهٔ ثانی

چو شمس الملل نور دنیا و دین — شده روشن از اتصال خدا

۱۲۵

[illegible marginal notes]

۱۳۱

بگو مرد عرفان بتاریخ او	بخوان خادم و شاه دار البقا

تاریخ وفات شیخ سعد الدین محمد حموی که در سال ششصد و پنجاه بوقوع آمد

با سعادت چو شد بجنت خلد	سعد دین پیر اسعد الابرار
پیشوای انام سعد الدین	هشت سال وصال آن سردار
زنده دل شفیق رقم کن نیز	مهدی مقتدا وصلی بشمار
کشف شد کاشف الحقائق باز	دل دگر مستقیم کرد اظهار

تاریخ وفات شیخ ابو المغیث جمیل یمنی که در سال ششصد و پنجاه و یک بوقوع آمد

زدنیای دون رخت هستی ببست	ابو الغیث پیر نجیب و جمیل
وصال خدا سال وصلش بگو	دگر بار خوان بود روشن جمیل

تاریخ وفات شیخ ابو الحسن شاذلی که در سال ششصد و پنجاه و چار یا شش بوقوع آمد

رفت در جنت چو با حسن و جمال	بو الحسن ذی حسن حسن دو جهان
سال ترحیلش بقول مختلف	هادی خلد و حبیب خلد دان
بس ترحیلش بقول اهل حق	بو الحسن عارف امام دین خوان
پس فرید عصر و قطب الاتقیا	هم شه اکبر حسن آمد عیان
کن رقم واصل دین مهر منیر	پس شه عارف بخوان ای نوجوان

تاریخ وفات شیخ نجم الدین رازی که در سال ششصد و پنجاه و چار بوقوع آمد

گشت نجم الدین چو روشن در بهشت	سال وصل او بصد عقل و تمیز
طرفه نجم الدین سرور شد عیان	عارف حق نجم دین ابدال نیز

تاریخ وفات شیخ عین الزمان گیلی که در سال ششصد و پنجاه و شش بوقوع آمد

حضرت عین الزمان عین الجمال	شد چو نور عین پیر اوج جنان
منبع حق نور عین آمد وصال	هم دگر عارف ولی عین الزمان

تاریخ وفات شیخ سیف الدین باخرزی که در سال ششصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

قطع کرد از جهان بحق پیوست	قاطع النفس سیف دین حق یار
کشف انوار و شمس انوار ثبت	هر دو تاریخ او زسر و رزار
باز تاریخ رحلتش گفتم	سیف سیاف هالک کفار

[illegible]

تاریخ وفات مولانا زاهدی که در سال ششصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد	
آخرش چون کرد در جنت مقام متقی حق وصالش هست و نیز	زاهد و الا و ولی زاهدی زاهد دین متقی زاهدی
تاریخ وفات حضرت سید شهید لاهوری که در سال ششصد و شصت و یک بوقوع آمد	
سید شهید ولی با صفا هست سال ارتحال آنجناب	آنکه شیرین بود و نیز دخاص عام صاحب نعمت دگر شیرین کلام
تاریخ وفات مولانا عزیز لرکے که در سال ششصد و شصت و یک بوقوع آمد	
آن عزیز دو جهان هر دل عزیز شمع نور است و عزیز شهسوار	رفت با عزت چو در قصر جنان سال وصل آن عزیز اهل شان
تاریخ ولادت و وفات مولانا جلال الدین رومی که ولادتش در سال ششصد و چار و وفات در سنه ششصد و هفتاد و دو بوقوع آمد	
جلال الدین جمال هر دو عالم بگو قطب کمال بار فان ست دو بار امولوی مهتاب دین گو رقم کن مولوی پیر مکرم وصالش شاه دین نور الهی	کمال اهل دین نور تجلی عجب تولید آن شاه معلی که گر دو سال تولیدش هویدا بیان کن نیز و اقف شاه اعلی جلال متقی محبوب وزما
قطعه تاریخ	
شیخ رومی مولوی معنوی مقتدا مهدی شد از دل منکشف کاشف المقصود گو ترحیل او	مرشد عالم شه دوران زمان شد تولید آن بد الامکان شهاب دین جلال الدین بخوان
تاریخ وفات شیخ حسام الدین چلپی که در سال ششصد و هشتاد و سه بوقوع آمد	
چو مسکن ساخت اندر باغ فردوس ز رهبر دین چو ارتحالش رقم شد آفتاب حق نما نیز	حسام الدین شه مرحوم و مغفور بفرما نیز عین الدین پر نور حسام الدین مهدی معدن نور
تاریخ وفات حضرت قاضی بغیاوی که در سال ششصد و هشتاد و پنج بوقوع آمد	

۱۲۶

وی این بزرگ در قریه که سکونت داشت که متصل بداون واقع است و درویش صاحب ولایت و ارشاد بوده ۱۲

نامش قاضی محمد بن بهاء الدین ... [illegible]

نامش حسن بن محمد بن حسن بن اخی ترکی ... از اکمل خلفای مولانا جلال الدین رومی است و کتاب مثنوی باستحضار وی تحریر ... [illegible]

۱

نصرت حق ناصر دین سنی ‏ شد چو از دنیا بفردوس برین
گو فرید العصر تاریخش دگر ‏ ناصر دین سید اهل یقین

تاریخ وفات شیخ عبد الله ملتانی که در سال ششصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

شد ز دنیا و اصل ذات احد ‏ اوحد الدین شیخ یکتای زمان
وصلش عبد الله مرشد کن رقم ‏ نیز هادی عاشق صادق بخوان

تاریخ وفات شیخ یاسین مغربی که در سال ششصد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

شه دین محمد شیخ یاسین ‏ که آمد نام نامیش بقرآن
وصالش جلوه گر بدر تمام است ‏ دگر گردید روشن نور فرقان

تاریخ وفات شیخ عفیف الدین ملتانی که در سال ششصد و نود و یک بوقوع آمد

رفت چون با عفت و عصمت بخلد ‏ آن عفیف الدین عفیف با خدا
شد بدل خاص ارتحال پاک او ‏ هم عفیف الدین کامل رهنما

تاریخ ولادت و وفات شیخ نور الدین عبد الرحمن قسرای که ولادتش در سال ششصد و سی هفت و وفات در ششصد و نود و پنج بوقوع آمد

نور دین روشندل و اهل صفا ‏ صاحب عصمت ولی مه جبین
نور دین ربانی از دل جلوه گر ‏ شد تولیدش بصد صدق و یقین
کاشف مرحوم ترحالش بگو ‏ بار دیگر عبد رحمن نور دین
کاشف حق صوفی آمد از خرد ‏ ارتحال آن شه خلوت نشین
هم بخوان در سال وصلش آب ‏ هادی مهدی منور نور دین

تاریخ وفات شیخ ابو محمد فرجانی که در سال ششصد و نود و نه بوقوع آمد

چو شیخ بو محمد پیر احمد ‏ ز دنیا رفت در خلد معلی
وصالش متقی حق طلب گو ‏ دگر باره بخوان نور تجلی

تاریخ وفات شیخ نور الدین ملک یار پران که در سال ششصد و نود و پنج بوقوع آمد

شاه نور الدین ملک یار خدا ‏ گشت آخر مالک ملک جنان
شاه نور الدین ابدال است نیز ‏ مقتدای علم سال وصل آن

تاریخ وفات شیخ عبد الله ابن المطرف که در سال هفتصد و هفت بوقوع آمد

این مظرف شاه عبد الله پیر	پیر وشش بود پیران وجوان
گشت چون منزل گزین اندر بهشت	ارتحالش از بهشت آمد عیان
شاه کاشف کشف کن در وصل او	بازکن و از بهشت توای وارث بیان

قطعهٔ ثانی

محو شد در وصال ربانی	این مظرف ولی شه کونین
عقل تاریخ نقل او فرمود	قطب و الانجاب و رحمن

تاریخ وفات شیخ حافظ الدین نسفی که در هفتصد و ده هجری بوقوع آمد

شد ز دنیا چو در بهشت برین	حافظ دین و متقی نسفی
مخزن خو دگو تاریخش	هم بفرما دگر تقی نسفی

تاریخ وفات شیخ قطب الدین علامه که در سال هفتصد و ده بوقوع آمد

قطب عالم قطب علامه ولی	قطب جنت شد چو در خلد برین
شاه ابرار بهشت سال وصل او	نیز قطب الدین تاج اهل دین
باز تاج عالم اقدس بخوان	هادی مخدوم دوران با صد یقین
یافت چون آخر شهادت از خدا	شد شهادت وصل آن شیخ امین

تاریخ ولادت و وفات شیخ سلطان ولد رومی که ولادتش در سال ششصد و بست وسه و وفات در سنه هفتصد و دوازده بوقوع آمد

حضرت شیخ سلطان ولد مقبول حق	رهبر دین نبی شیخ عظیم
شد امام العصر سلطان آشکار	سال تولیدش بطرز مستقیم
کاشف عالی مکان فرمود دل	سرور اتولید آن شیخ کریم
هست رکن العارفین ترحیل او	هم معلی قطب سلطان الکریم

تاریخ وفات شیخ سلیمان ترکمان که درسال هفتصد و چهارده بوقوع آمد

ز دنیا پر نور افگن شد بجنت	چو انور تر مه عالم سلیمان
رقم کن ارتحالش رحمت الله	دگر عابد شه عالم سلیمان

تاریخ وفات شیخ بدر الدین اسحاق سمرقندی که در سال هفتصد و شانزده بوقوع آمد

بدر دین بدر محبت بدر حق	جلوه گر شد چونکه برا برج جنان

[illegible]

۱۲۹

[illegible]

وصلش عالیقدر بدر الدین بگو — هم ولی بدر شمر قندی بخوان

گوا نام خلد و ماه اهل خلد — رحلت آن بدر دین عالی علم

تاریخ وفات شیخ نجم الدین اصفهانی که در سال هفتصد و بست و یک بوقوع آمد

گشت چو بر اوج جنان جلوه گر — مطلع اسرار ولی نجم دین

عاشق میر است وصالش دگر — نیر انوار ولی نجم دین

قطعه ثانی

چو نجم الدین منور شد بجنت — وصالش طرفه تر شد رونق افزا

امیر عشق و مقصود المحبت — دگر ماه دی انوار التجلی

تاریخ وفات شیخ رکن الدین فردوسی که در سال هفتصد و بست و چهار بوقوع آمد

رکن دین رکن جهان رکن زمان — رکن ارکان شد چو در خلد برین

سال وصلش هست مخدوم اجل — نیز رکن الدین ولی پیر امین

تاریخ وفات شیخ بلبل شاه کشمیری که در سال هفتصد و بست و هفت بوقوع آمد

بلبل باغ خلد بلبل شاه — شیخ دین متقی کشمیری

ارتحالش چو از خرد جستم — گفت نامی ولی کشمیری

تاریخ وفات شیخ نجیب الدین فردوسی که در سال هفتصد و سی و سه بوقوع آمد

شد ز دنیا چو در بهشت مقیم — سرور اهل دین نجیب الدین

از خرد پیشوای ابرار است — وصل شیخ یقین نجیب الدین

باز سرور بسال وصلش گفت — زیب جنت امین نجیب الدین

تاریخ وفات شیخ حسن طبنی که در سال هفتصد و سی و سه بوقوع آمد

حسن آن محسن احسن ولی پیر — بجنت رفت چون زین دار ویران

بسال رحلتش خواجه حسن گو — دگر بار همین سرور ار سلطان

تاریخ وفات شیخ شمس الدین صفی الموسوی که در سال هفتصد و سی و پنج بوقوع آمد

میر شمس الدین صفی موسوی — شد چو شمس خور بجنت منجلی

رحلتش اشرف ولی حق بخوان — بار دیگر شمس دین کامل صفی

تاریخ ولادت و وفات شیخ رکن الدین علاء سمنانی که ولادتش در سنه [illegible] و وفات در سنه [illegible] بوقوع آمد

جناب شیخ ملک رکن الدین سمنانی شه کبیر — که بود اندر زمانه رهنمای راه حقانی
رکن الدین فرید آمد عیان تاریخ تولیدش — سنین عمرش ار خواهی عیان گردد آگر خوانی
امام خلد هادی سال ترحیلش نکو بشمر — دگر امجد ولی الله رکن الدین سمنانی

تاریخ وفات شیخ اوحد الدین صفهانی که در سال هفتصد و سی هفت بوقوع آمد

اوحد الدین شد چو یکتا از جهان — سال وصل آن شه پر نور ضمیر
هست عارف صفهانی حق طلب — هم حسیب کبریا میر کبیر

تاریخ وفات شیخ هیبت الله بازری که در سال هفتصد و سی و هشت بوقوع آمد

بخلد جاودان چون کرد مسکن — ولی شیخ اکابر هیبت الله
بگو ابر سعادت رحلت او — دگر باره مطهر هیبت الله

تاریخ وفات شیخ شرف الدین کبروی که در سال هفتصد و شصت و شش بوقوع آمد

چون شریف اشرف شریف دو جهان — یافت از حق نقد وصلت را بکف
ارتحالش دستگیر کامل است — بار دیگر اهل دین مولی شرف

تاریخ وفات شیخ اسحاق مغربی که در سال هفتصد و هفتاد و شش یا هفتصد بوقوع آمد

سال تاریخ وصل تو اسحاق — آنکه مشهور جمله آفاق است
مهدی متقی امین الله — نیز سرور عالم اسحاق است
هم با قوال بعضی از اخبار — گفت سرور که شاه عشاق است

تاریخ وفات شیخ نجم الدین محمد الاوکانی که در سال هفتصد و هفتاد و دو بوقوع آمد

شد مشرف چو در بهشت برین — شیخ اکبر شریف نجم الدین
وصل او پیر مجتبی عالی است — بار دیگر شریف نجم الدین

تاریخ وفات شیخ محمود زاهد مرغابی که در هفتصد و هفتاد و هشت یا نه بوقوع آمد

چونکه محمود جامد الاوصاف — یافت از وصل ایزدی بهبود
هست محمود مرشد کونین — سال ترحیل آن شه با جود
باز تاریخ وصل او گفتم — طالب الله عاقبت محمود

تاریخ وفات شیخ شرف الدین احمد بن یحیی منیری که در سال هفتصد و
هشتاد و دو هجری مقدس اقدس بوقوع آمد

۱۳۱

[illegible]

شیخ شرف الدین منیری با حق مهر منیر — نور دین احدی و عالم عامل شریف
شد چو از دنیا وصالش مولوی گفتا و دم — سالک کامل شریف با حبیب کامل شریف

تاریخ وفات شیخ سیف الدین خلوتی که در سال هفتصد و هشتاد و سه بوقوع آمد

قطب چون کرد از جهان شد در جنان — سیف دین آن سیف مسلول خدا
دوستدار حق بگو تاریخ او — باز کن مقبول مقبول خدا

تاریخ وفات شیخ ابو اسحاق گازرونی لاهوری که در سال هفتصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

سید اسحاق مرد طاق نور ذو الجلال — وصل شد با خلد و ترک از مردم آفاق گفت
اهل رفعت ها تقم زد بهر تاریخش ندا — هم دگر نور الهی شاه بو اسحاق گفت

قطعهٔ ثانی

سید اسحاق شاه باکمال — شد چو از دنیا بجنت حسب راه
سال ترحیلش ز سر و رشد عیان — سید محمود میران بادشاه

تاریخ وفات امیر کبیر سید علی همدانی که در سال هفتصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

پیر همدانی علی آن قرة العین نبی — محرم سر الهی واقف مافی الضمیر
سال ترحیلش علی نور هدایت گفته ام — نیز هادی سید همدان علی میر کبیر

قطعهٔ ثانی

شد ز دنیا با وج علیین — والی عالی و علی ولی
سال تاریخ رحلتش سرور — گشت روشن ز بدر عشق علی

قطعهٔ ثالث

بخلد معلی چو شد از جهان — علی شاه عالی و پیر کبیر
خرد بهر تاریخ ترحیل او — بگفتا جوانمرد و میر کبیر

تاریخ وفات شیخ مظفر بلخی که در سال هفتصد و هشتاد و هشت بوقوع آمد

با ظفر رفت سوی ملک بهشت — چون مظفر ولی تقی بلخی
محتشم سال رحلتش گفتم — همه گر زنده دل ولی بلخی

تاریخ وفات مولانا زاهدی مرغانی که در سال هفتصد و نود و یک بوقوع آمد

بصد زهد و ریاضت یافت جنت — چو زاهد مقتدا مخدوم نامی

۱۳۴

[illegible]

وصالش صاحب مخدوم فرما	دو بار کن ندا مخدوم نامی

تاریخ وفات خواجه شمس الدین حافظ شیرازی که در سال هفتصد و نود و دو فات بوقوع آمد

لسان الغیب حافظ پیر شیراز	ز دنیا رفت و شد پیرو ارجنت
عیان شد سرور ا تاریخ سالش	ز اولی طوطی گلزار جنت

قطعه ثانی

چو شمس الدین حافظ حافظ دین	بجنت رفت از دنیای پرخار
وصالش هست شمس الدین منور	دو باره زنده دین شاه ابرار
بگو مخدوم ایمان ارتحالش	دگر مخدوم اهل الله تکرار

تاریخ وفات مولانا ظهیر الدین خلوتی که در سال هشتصد هجری بوقوع آمد

رفت در جنت بصد تشت و پناه	چون ظهیر الدین ولی جنتی
عندلیب خلد گو سالش دگر	اهل دین مهدی کامل متقی
ماه دین مخدوم شد از دل عیان	طرفه سال انتقال آن ولی

قطعه ثانی

در بهشت آمد بصد عز و وقار	چون ظهیر الدین ظهیر المومنین
سال وصل او ست پیر متقی	هم دگر محبوب قطب المتقین

تاریخ وفات شیخ کمال خجندی که در سال هشتصد و دو یا سه بوقوع آمد

جلوه گر شد چو در بهشت برین	شیخ کامل کمال اهل جلال
گفت سرور بسال ترحیلش	گر رهی آفتاب بدر کمال
هم بقول دگر شده روشن	منبع حسن ماهتاب جمال

تاریخ وفات مولانا سعد الدین تفتازانی که در سال هشتصد و هشت بوقوع آمد

ز دنیا شد چو در خلد معلی	سعید و سعد اعلی تاج ابرار
بگو کامل بهشتی ارتحالش	دگر باره بفرما تاج ابرار

تاریخ وفات مولانا محمد شیرین که در سال هشتصد و هشت یا نه بوقوع آمد

چو شیرین زبان بست رخت سفر	ز دنیای دون شد بجنت قریب
بگو زاهد معرفت سال او	بفرما دگر اهل رفعت حبیب

ملا … مسکن و مولدش شیراز است و لسان الغیب خطاب … لقب ترجمان الاسرار است [illegible] … و در دیوان حافظ … مشهور است ۱۲

[illegible] … از تصانیف وی … ۱۲

۱۳۳

بسیار بزرگ و صاحب حال و قال بود و بشعر گوئی میلی تمام داشت ۱۲

از علمای دهر بود و در علم و فضیلت ثانی نه داشت کتاب مختصر و مطول از تصانیف وی است

مرید شیخ اسمعیل … بود و وی … در اشعار خود را شیرین تخلص کردی ۱۲

زولّذ از شیرین سجو ر حلتش … دگر خواجه صدق دان ای مجیب

تاریخ وفات میر محمد همدانی بن علی همدانی که در سال هشتصد و نه بوقوع آمد

میر جنت گشت با عز و وقار … چون محمد سید اهل یقین
شد محمد یوسف ثانی عیان … سال ترحیلش بقول مخبرین
باز سال رحلتش کردم رقم … مهربان خادل محمد میر دین

تاریخ وفات میر سید شریف علامه که در سال هشتصد و هژده بوقوع آمد

شد چو آخر اشرف اهل بهشت … میر سید متقی میر شریف
چشمهٔ عشق است سال وصل او … هم دگر سید ولی میر شریف

تاریخ وفات شیخ عبد الله شطاری که در سال هشتصد و سی و دو بوقوع آمد

جناب شیخ عبد الله شطاری شه که … چو پیوست از جهان در قرب وصل حضرت باری
نوشتم هادی اخیار سن و سال ترحیلش … بیان کردم ز قطب هند عبد الله شطاری

قطعهٔ ثانی

چو شطاری ولی محبوب باری … ز دنیا رفت در فردوس اعلی
شده مخدوم عبد الله سالش … دوباره سالک المخدوم پیدا

تاریخ وفات شیخ علی پیر و گجراتی که در سال هشتصد و سی و پنج بوقوع آمد

شیخ دین پیر و علی و نبی … شیخ عالی ولی گجراتی
قاسم خلد گو بتر حیلش … نیز کامل علی گجراتی

قطعهٔ ثانی

قدر والا الخلد اعلی یافت … و اعلی ملک دین علی و ولی
گو وصالش علی عدیم المثل … هم بخوان زبدهٔ بهشت علی

تاریخ وفات خواجه شاه قاسم انوار که در سال هشتصد و سی و هفت بوقوع آمد

چو قاسم نور الهی … ز دنیا رفت و شد مرحوم و مغفور
وصالش هست شمس اهل عرفان … دوباره شاه سید قاسم نور

تاریخ وفات شیخ زین الدین خوافی که در سال هشتصد و سی و هشت بوقوع آمد

جناب پیر زین الدین شه دین … چو رفت از دار فانی در جنان

۱۳۴

رقم شد خواجه اکبر وصالش — دوبار ازین دین هادی خوش

تاریخ ولادت و وفات شیخ بدیع الدین مذار که ولادتش در سال هفتصد و شانزده و وفات در سنه هشتصد و چهل هجری بوقوع آمد

شیخ ماه سالی رهنمائی دو جهان — آن بدیع الدین ولی کامگار

هست تولیدش مفاتیح العلوم — هم امام خلد با عز و وقار

رحلتش سلطان مخدوم است هم — مهربان والی حق قطب مدار

نیز سال رحلت او گفته ام — پارسا سلطان بدیع الدین مدار

تاریخ وفات شیخ نور الدین ولی کشمیری که ولادت وی در سال هفتصد و پنجاه و هفت و وفات در سنه هشتصد و چهل و دو هجری بوقوع آمد

جناب نور دین مهتاب عالم — که در چشم دو عالم بود منظور

ز سرور اهل عرفان نور دین گشت — پی تولید پاکش طرفه مسطور

رشمس العارفین جو ارتحالش — دوباره هادی حق نور پر نور

تاریخ وفات شیخ بهاء الدین گنج بخش کشمیری که در سال هشتصد و چهل و ... بوقوع آمد

بهاء الدین چو شد زین دار فانی — بسال رحلت آن باب عرفان

بهاء الدین سخی اهل دل گو — دگر باره بخوان مهتاب عرفان

تاریخ ولادت و وفات شیخ احمد کهتو که ولادتش در سال هفتصد و سی و هشت و وفات در سنه هشتصد و چهل و نه هجری بوقوع آمد

شیخ احمد بود مقبول خدا — رهنمای حق فقیر بی نظیر

امجد آفاق احمد مجتبی — سرور از این مصرعه تولیدش بگیر

وصل پاکش شد بیان مرد خدا — شد عیان مهتاب عرفان از ضمیر

سال عمرش سالک عالی بخوان — ارتحالش مقتدا احمد امیر

تاریخ وفات شیخ جمال گوجر که در سال هشتصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

جمال جهان شیخ اجل جمال — مکرم شه با کمال بهشت

چو شد در جنان سال ترحیل او — ندا شد که عابد جمال بهشت

دوباره تاریخ ترحیل او — بگو طیب دین ملال بهشت

۱۲۵

۱۳۶

تاریخ وفات مولانا جلال الدین پورانی که در سال هشتصد و شصت و دو بوقوع آمد

چون جلال الدین جلیل القدر پیر ... یافت با اجلال در جنت مکان

سال تاریخ وصال آن جناب ... کرد با سر و رجنین هاتف بیان

میر جنت زبده عالم بگو ... قطب لا ثانی جلال الدین بخوان

تاریخ وفات شیخ هلال کشمیری که در سال هشتصد و شصت و دو بوقوع آمد

ز روی جهان چون بحکم خدا ... نهان شد مه دین و دنیا هلال

ز دل گشت در سال تاریخ او ... عیان شمس اقبال بدر الکمال

تاریخ وفات خواجه شمس الدین محمد کوسوی که در سنه هشتصد و شصت و سه بوقوع آمد

میر شمس الدین هادی زمان ... گشت چون روشن بفردوس برین

ارتحالش جو ز گنج معرفت ... بار دیگر کن بیان جنت نشین

تاریخ وفات شیخ جلال الدین محلی که در سال هشتصد و شصت و چهار بوقوع آمد

چون جلال الدین شه اهل جلال ... یافت با اجلال اندر خلد جا

آفتاب فقر تاریخش بگو ... هم جلال الدین میر مجتبی

تاریخ وفات مولانا علی قوشنجی که در سال هشتصد و هفتاد و هشت بوقوع آمد

پرتو افگن شد بخلد جاودان ... چون علی اعلی ولی مهتاب حسن

جنتی عالی قدر تاریخ اوست ... هم علاء الدین علی مهتاب حسن

تاریخ وفات سید محمد امین المشهور به بابا امیر ریشی کشمیری شهید که در سال هشتصد و هشتاد و نه هجری بوقوع آمد

بفضل خداوند مولی تعالی ... چو شد وصل با وصل جانان امین

امین محتشم هست تاریخ او ... دگر عارف اهل عرفان امین

تاریخ وفات شیخ محمد میرک مرحوم که در سال هشتصد و هشتاد و سه بوقوع آمد

زنده دل پیر شیخ عبد الحی ... رفت در جنت از جهان شد طاق

رحلت او خلیل بار دیگر گو ... خوان دگر بار طالب مشتاق

باز نور آلوسی متقی هست ... وصل آن میر دین شه آفاق

تاریخ وفات شیخ علی صوفی قدس سره که در سال نهصد و هشت بوقوع آمد	
شیخ اعلی قدر علی صوفی	یافت در خانهٔ رتبت عالی
خواجه صابر است ترحلش	هم بخوان ای که هشت عالی
تاریخ وفات مولانا حسین واعظ کاشفی که در سال نهصد و ده بوقوع آمد	
رهبر دین صاحب علم الیقین	عالم معصوم محمد حسین
تاریخ بگو فضل بخوان رحلتش	باز تو مخدوم محمد حسین
تاریخ وفات شیخ جلال الدین بن عبد الرحمن سیوطی که در سال نهصد یازده بوقوع آمد	
چون جلال الدین نصد عز و جلال	گشت از دنیا سوی جنت روان
سال تاریخ وصال آنجناب	فاضل و افضل شد از سرو عیان
پس جلال دین مقبول خدا	دوستدار حق جلال دین بخوان
تاریخ وفات شیخ احمد شرعی که در سال نهصد و بست و هشت بوقوع آمد	
شه احمد آن شاه شرع رسول	چو کرد از جهان سوی خلد ارتحال
یکی حسن خیر است تاریخ او	شه شرع احمد دگر هست سال
تاریخ وفات ملک زین الدین شهید که در سال نهصد و بست و هفت بوقوع آمد	
شیخ زین الدین شهید با صفا	چون نصد تزئین در جنت رسید
شیخ زاهد هست سال وصل او	نیز زین الدین شه عالم شهید
تاریخ وفات شیخ زیر الدین شهید دهلوی که در سال نهصد و سی سه بوقوع آمد	
شیخ زیر الدین قتیل راه حق	شد چو در فردوس هاتف گفت و شنید
ارتحالش متقی العارف است	نیز طالب زنده دل عاشق شهید
تاریخ وفات شیخ یوسف قتال دهلوی که در سال نهصد و سی سه بوقوع آمد	
یوسف مصر ولایت بادشاه	رفت از دنیا چو در ملک جنان
طالب فیاض سالش کن رقم	یوسف ثانی ولی حق بین بخوان
تاریخ وفات مولانا شعیب قدس سره که در سال نهصد و سی و شش بوقوع آمد	
شد چو از دار فنا اندر بقا	پیر واقف صاحب جنت شعیب
سال تاریخ وصال آنجناب	گفت هاتف صاحب جنت شعیب

تاریخ وفات مخدوم محمد حاجی که در سال نهصد و سی و هفت بوقوع آمد		
پیر اعظم حاجی بیت الحرام		شد چو از دنیا بپایش پای عمر
آفتاب جنت آمد باز هم		های مخدوم سلطان بود
تاریخ وفات شیخ جلال الدین شیرازی که در سال نهصد و چهل و چهار بوقوع آمد		
پرتو افگن شد چو در خلد برین		آفتاب دین حق ماه جلال
سال ترحیلش جلال فرخ است		نیر شیرازی وسط شاه جلال
تاریخ وفات شیخ سلیمان ابن عفان المندوی الدهلوی که در سال نهصد و چهل و چهار بوقوع آمد		
سلیمان ولی هادی متقی		سفر کرد چون از جهان و جنان
بجو سال ترحیل آن پادشاه		ز شاه ولایت سلیمان عیان
دوباره سلیمان سخی جمیل		بخوان وصل آن شیخ عالیمکان
قطعه ثانی		
چون سلیمان ولی حق تعالی		یافت از حق مدار رحمت یار
سال وصلش بجو ز شیخ اجل		[illegible]
تاریخ وفات شیخ حسین خوارزمی که در سال نهصد و پنجاه و شش بوقوع آمد		
حسین والی خوارزم رهنمای جهان		مرید حضرت مخدوم بود اهل کمال
بسال رحلت او دان عزیز خوارزم		حسین قطب بهشتی است [illegible] سال
تاریخ وفات سید رفیع الدین صفوی که در سال نهصد و پنجاه و چهار یا هشت بوقوع آمد		
اهل رفعت رفیع عالی جاه		صورت گل چو شد بباغ جنان
وصل آن شاه صادق الاحوال		صاحب رفعت زمانه بخوان
هم عزیز خدا رفیع الدین		باز میر بهشت ای جانان
تاریخ وفات سید محمد غوث گوالیاری که در سال نهصد و هفتاد بوقوع آمد		
محمد غوث قطب هر دو عالم		چو در وصل خدا گردید موصول
بتاریخ وصالش گفت سرور		محمد متقی سلطان مقبول
قطعه ثانی		
محمد شد چو در بزم محمد		بسال رحلت آن شاه ذیشان

[illegible]

رقم کن عاشق رهبر محمد	محمد حقی تمام قدر خوان
دوباره فاضل نهدست سالش	دگر شد فاضل مهدی نمایان
زسرو رمست عشق آمد وصالش	عیان شد شمع نغمت رحلت آن

تاریخ وفات بابا قدس کشمیری که در سال نهصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

شیخ اندیش مقدس عالم	آنکه فیضش بود و جهان عام است
رحلتش هست مخزن الانوار	باز تاریخ دم قدس اسلام است

تاریخ وفات سید سلطان اکبر گیلانی لاهوری که در سال نهصد و هشتاد و نه بوقوع آمد

شد چو از حکم خدا سلطان اکبر از جهان	دل بسال رحلت آن شاه دین اولیا
گفت سلطان معلی سرور اکبر بخوان	باز فیاض زمان گو نیز شیخ الاولیا

تاریخ وفات سید غیاث الدین گیلانی لاهوری که در سال نهصد و نود و دو بوقوع آمد

شاه دولت ولی اهل کمال	رفت چون از جهان بعزت و جاه
افضل الاولیاست تاریخش	هم خرد گفت مرد دولت شاه

تاریخ وفات سید کرام الدین المشهور شاه بهاگ لاهوری که در سال نهصد و نود و سه

در جهان چونکه باکرامت رفت	سیر اکرم کرام رویی زمین
هست شیخ جمیل تاریخش	نیز مفتاح حق کرام الدین

تاریخ وفات مولانا درویش واعظ که در سال نهصد و نود و هفت بوقوع آمد

در بهشت خلد چون رفت از جهان	حضرت درویش اهل حال و قال
فاضل مولی بگو تاریخ او	واعظ هادی بجو انش عن سال

تاریخ وفات شیخ وجیه الدین گجراتی که در سال نهصد و نود و هشت بوقوع آمد

شیخ احسن وجیه دین بی	گشت خالد چو در بهشت برین
فیض حق کن رقم حفیظ بخوان	از کمالش بزینت و تزیین
باز سال وصال او فرما	صاحب حق سخی وجیه الدین

تاریخ وفات بابا والی کشمیری که در سال یکهزار و یک بوقوع آمد

چو شد والی خلد با عز و شان	ولی جهان شیخ و والی تقی
رضا جو پی سال تاریخ او	دگر زبده فیض والی ولی

[illegible]

تاریخ وفات شیخ بهاء الدین خوارزمی کشمیری که در سال یکهزار و دو بوقوع آمد

چون بهاء الدین خوارزمی ولی ‌‌‌ در زمین شد مثل گنجینه نهان
سالک فیاض تاریخش بگو ‌‌‌ نیز خوارزمی جمال دین بخوان

تاریخ وفات شیخ یعقوب صوفی کشمیری که در سال یکهزار و سه بوقوع آمد

چو شد یعقوب زین دهر آفات ‌‌‌ بسال وصل آن شیخ زمانی
عیان شد از دل من شیخ اقطاب ‌‌‌ دگر بدر الدجی یعقوب ثانی

تاریخ وفات سید محمد غوث گیلانی لاهوری که در سال یکهزار و چهار بوقوع آمد

چون محمد غوث از دار دنیا ‌‌‌ کرد رحلت رفت در دار جنان
جامع فیض است تاریخش بگو ‌‌‌ تاج کامل سید الابرار خوان

تاریخ وفات سید شیخ عبد الحق نامی که در سال یکهزار و پنج بوقوع آمد

گشت چون واصل بحکم ذو الجلال ‌‌‌ شیخ بر حق عبد حق موصول حق
از خرد شد سال تاریخش عیان ‌‌‌ ماه تابان قطب حق مقبول حق

قطعه ثانی

عبد حق چون گشت با حق متصل ‌‌‌ سال وصل این ولی الاولیا
جلوه گر گردید روشن آفتاب ‌‌‌ باز شد پیدا شفیع مقتدا

تاریخ وفات شیخ میر محمد بن احمد کشمیری که در سال یکهزار و یازده یا پانزده بوقوع آمد

چون محمد میر سیر دو جهان ‌‌‌ گشت آخر میر فردوس برین
صاحب فضل است تاریخش دگر ‌‌‌ متقی مهدی محمد میر دین

تاریخ وفات شیخ یوسف محمد یا تنجی کشمیری که در سال یکهزار و یازده بوقوع آمد

یوسف دین بنی معشوق حق ‌‌‌ رفت در جنت چو با ناز و نیاز
سال وصل او بگو شیخ امین ‌‌‌ هم بخوان مخدوم محرم پاکباز

تاریخ وفات شیخ محمد کمال کشمیری که در سال یکهزار و هفده بوقوع آمد

گشت چون بدرود با حکم خدا ‌‌‌ از جهان کامل کامل اهل حال
شمع نور عارف بگو تاریخ او ‌‌‌ نیز سالک تاج عرفانی کمال

تاریخ وفات شیخ فصیح الدین عبدی که در سال یکهزار و نوزده بوقوع آمد

[illegible]

چون فصیح الدین فصیح با صفا		با فصاحت یافت در جنت مکان	
سال وصلش فاضل حق شد رقم	۱۰۱۹	هم فصیح الدین ولی محمد وم دان	۱۰۱۹

تاریخ وفات مولانا شاه گدا کشمیری که درسال یکهزار و بست و چهار بوقوع آمد

جناب شه گدا یشاه چو انمرد		ز دنیا یافت در دربار حق بار	
بفوتش جامع فضلست تاریخ		دگر باره بخوان مشکوة انوار	

تاریخ وفات شیخ حبیب الله نوشهری کشمیری که درسال یکهزار و بست و شش بوقوع آمد

چون حبیب خدا حبیب الله		شد بفردوس زین سرای خراب	
رحلتش گو حبیب جامع فیض	۱۰۲۶	هم بخوان آفتاب عالمتاب	۱۰۲۶

تاریخ وفات شیخ موسی بلدسری کشمیری که درسال یکهزار و بست و شش بوقوع آمد

شیخ موسی موسی ثانی ولی		شد چو از دنیا بفردوس برین	۱۰۲۶
سال ترحیلش بسرور شد عیان		متقی رهنما موسی دین	

تاریخ وفات شیخ محمد شریف کشمیری که درسال یکهزار و بست و شش بوقوع آمد

شریف از جهان چون بجنت شتافت		خرد سال آن شیخ عالم حنیف	۱۰۲۶
بگفتا که شیخ زمن هادی است		دوباره بخوان اهل عرفان شریف	

تاریخ وفات شاه نعمت الله حصاری کشمیری که درسال یکهزار و بست و هشت بوقوع آمد

شیخ نعمت چو یافت در جنت		از خدا احسن نعمت فردوس	۱۰۲۸
سال تاریخ رحلتش سرور		شد ندا احسن نعمت فردوس	

تاریخ وفات شاه قاسم حقانی کشمیری که درسال یکهزار و سی و سه بود بوقوع آمد

قسمت خویش یافت چون در خلد		شاه قاسم ولی خوش قسمت	۱۰۳۳
گفت تاریخ رحلتش سرور		صاحب علم قاسم النعمت	

تاریخ وفات خواجه زین الدین دار کشمیری که درسال یکهزار و چهل و دو بوقوع آمد

جناب زین دین شیخ معلی		که مثل او نه بر پیر دهر زینت است	
چو تاریخ وصال او بجستم		خرد گفتا که فاضل زین دین است	

تاریخ وفات شیخ پیر میر مهی شطاری که درسال یکهزار و چهل و دو بوقوع آمد

بخدمت شیخ مسعود کشمیری حاضر شده بکمالات ... [illegible]

شه و مقتدای جهان شیخ پیر … که تم شد بر و کار علم و عمل	
بتاریخ وصلش ندا شد ز دل … که پیر زمان دستگیر ازل	

قطعهٔ ثانی

چو شد سید خلد با عز و شان … ولی جهان پیر دین دستگیر	
بخوان شیخ اسلام تاریخ او … دگر بار دان پیر تحقیق پیر	

تاریخ وفات شیخ ناظر اکبرآبادی که در سال یکهزار و پنجاه و هفت بوقوع آمد

جناب ناظر آن منظور یزدان … رسید از دهر فانی چون بجنات	
ولی اعظم آمد ارتحالش … دگر باره شه ملک کرامات	

تاریخ وفات شیخ محب الله اکبرآبادی که در سال یکهزار و پنجاه و هشت بوقوع آمد

کان محبت چو محب اله … یافت بصد عشق و محبت جنان	
واصل اعظم تو بگو وصل او … نیز بخوان شیخ محب زمان	

تاریخ وفات شیخ بابا علی کشمیری که در سال یکهزار و پنجاه و سه بوقوع آمد

قدر اعلی یافت در خلد برین … چون علی والا ولی مشتاق حق	
فیض حقانی بگو تاریخ او … بار دیگر خوان علی مشتاق حق	

تاریخ وفات میر صالح کشفی اکبرآبادی که در سال یکهزار و شصت بوقوع آمد

رفت در جنت بصد صلح و صلاح … چون جناب میر صالح متقی	
شیخ طیب صالح گو سالش دگر … قطب هادی میر صالح متقی	

تاریخ وفات مولانا محمد بن محمد فاروقی جونپوری که در سال یکهزار و شصت و دو

شد بحق موصول از لطف خدا … عاشق موصل محمد مست عشق	
ارتحال او جو ان بحث امدت … هم دگر فرما محمد مست عشق	

تاریخ وفات شیخ مجتبی شطاری اکبرآبادی که در سال یکهزار و شصت و سه بوقوع آمد

مجتبی چون رفت در خلد برین … دل بسال وصل آن مرد خدا	
متقی مجتبی محبوب گفت … نیز معشوق محمد مجتبی	

تاریخ وفات شیخ باقی اکبرآبادی که در سال یکهزار و شصت و پنج بوقوع آمد

چو از دار فنا اندر بقا رفت … ولی و مرشد آفاق باقی	

وصالش شیخ باقی طالب آمد	دو بار اسالک مشتاق باقی
تاریخ وفات مولانا عبد الحکیم سیالکوتی که در سال یکهزار و شصت و هشت بوقوع آمد	
بحکم ازل چون بجنت رسید	بشد معدن علم عبد الحکیم
نداشد ز دل سال ترحیل ا	ولی مخزن علم عبد الحکیم
قطعه ثانی	
چو با حکم خدا حکیم جنان یافت	حکیم آن عالم و دین با مروت
بخوان عارف بهشتی ارتحالش	دو بارا متقی اجلال جنت
تاریخ وفات بابا جامه کشمیری که در سال یکهزار و شصت و هشت بوقوع آمد	
مثل خورشید جلوه گر اندر جهان	شیخ ما به مطلع نور یقین
بهر سال انتقالش از خرد	شد عیان محبوب شیخ اهل یز
تاریخ وفات خواجه محمد نیازی کشمیری که در سال یکهزار و شصت و هشت بوقوع آمد	
چون بصد عجز و نیاز اندر بهشت	یافت جا شیخ نیازی بی نیاز
بهر تاریخش ز سر و ر طرفه تر	شد ندا شیخ نیازی بی نیاز
تاریخ وفات حکیم سرمد دهلوی که در سال یکهزار و هفتاد هجری بوقوع آمد	
چونکه در دیده وصال خدا	روی بنهفت سرمد و سرمست
خواجه متقی است تاریخش	هم خرد گفت سرمد و سرمست
تاریخ وفات شیخ داود کشمیری که در سال یکهزار و هفتاد هجری بوقوع آمد	
چو رحمت استقامت در جهان برد	شه داود و شیخ پاک مسعود
وصالش متقی درویش گفتم	دو بار او شد از فقر داود
تاریخ وفات سید ابو تراب شاه گدای لاهوری که در سال یکهزار و هفتاد و یک بوقوع آمد	
شه گدا سید و یی متقی	بنده حق خاک پای بو تراب
سوخته گو سال ترحیلش دگر	شه ولی سید گدای بو تراب
تاریخ وفات شیخ نجم الدین المشهور بابا نصیب ریشی کشمیری که در سال یکهزار و هفتاد و دو	
منور گشت مثل خور بفردوس	چو آن شمس الهدی نجم الکرامت
ز سر و ر ارتحالش جلوه گر شد	جمال الاصفیا نجم الکرامت
تاریخ وفات میر محمد علی کشمیری که در سال یکهزار و هفتاد و دو بوقوع آمد	

چو شد سیر جنت بصد عز و جاه	محمد علی میر روشن ضمیر
بگو هم شیخ فضل تاریخ او	دگر بار مجد دوم اسلام میر ۱۱۶۲

تاریخ وفات شاه نور الحق دهلوی که در سال یکهزار و هفتاد و سه بوقوع آمد

نور حق چون از عطائی ذو الجلال	گشت پر روشن مثل خور اندر جهان
رحلتش فیاض آفاق است و نیز ۱۰۷۳	نور حق پر نور قطب عالم خوان

تاریخ وفات بابا زاهد کامو کشمیری که در سال یکهزار و هشتاد و دو بوقوع آمد

کرد رحلت چو از جهان فنا	در جنان شیخ زاهد اهل فلاح
رحلتش نیک صحبت کن تحریر ۱۰۸۲	هم بخوان شیخ زاهد اهل فلاح

تاریخ وفات سید حمید گیلانی لاهوری که در سال یکهزار و نود بوقوع آمد

چون جناب حمید قدسی حامد حق	از جهان فنا بخلد رسید
اعظم الاولیا است تاریخش ۱۰۹۰	هم بخوان صدر دین سخی حمید ۱۰۹۰

تاریخ وفات قاضی فضل گدا لاهوری که در سال یکهزار و نود و دو بوقوع آمد

فضیل و فاضل و فضل زمانه	شه اهل کرم افضل محمد
وصالش قطب فضل اهل دل گو ۱۰۹۲	دگر پاکیزه دم افضل محمد

تاریخ وفات میر هاشم منور آبادی کشمیری که در سال یکهزار و نود و هفت بوقوع آمد

بست چون رخت اقامت از جهان	میر هاشم دستگیر هاشمی
میر هاشم صاحب کشف آمده است ۱۰۹۷	سال وصل آن فقیر هاشمی ۱۰۹۷
باز خوان سال وصال آنجناب	شاه سید قطب میر هاشمی

تاریخ وفات خواجه ابو الفتح کشمیری که در سال یکهزار و یکصد هجری بوقوع آمد

چو بر خود یافت باب خلد مفتوح	ولی فتح زمان مفتاح عرفان
وصالش شیخ قطب الاولیا گو	دگر قطب جهان مفتاح عرفان ۱۱۰۰

تاریخ وفات شیخ لاله ریشی کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و پنج بوقوع آمد

شیخ لاله چو شد بصورت گل	در گلستان جنتی جاگیر
جلوه گر گشت سال رحلت او	تاج اجلال لاله کشمیر ۱۱۰۵

تاریخ وفات بابا حبیب الله کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و نهم بوقوع آمد

[illegible]

[illegible]

چون حبیب از دار دنیا رخت بست	سال وصل آن ولی بی قال و قیل
پارسا مشتاق و شیخ صادق است	هم حبیب شیخ دین شیخ جلیل

تاریخ وفات مولانا محمد امین کانی بلا میری کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و نه بوقوع آمد

در بهشت دائمی چون کرد جا	آن امین اهل یقین شیخ زمان
قطب جنت مقتدا گو رحلتش	هم دگر باره امین شیخ زمان

تاریخ وفات میر تاجو کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و یازده بوقوع آمد

چو تاج خلد شد با عزت و شان	جناب شیخ تاجو میر حق یار
شهنشاه محبت گو وصالش	دوباره پیر کامل تاج ابرار

تاریخ وفات شیخ شاه محمد کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و هفده بوقوع آمد

محمد چون ز دنیا رخت بر بست	ز مهر سن و سال انتقالش
محمد مقتدای ملت آمد	جمال الغیب هم سال وصالش

تاریخ وفات بابا عثمان کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و هژده بوقوع آمد

چون بتقدیر خدا ای متعال	رفت از دهر بجنت عثمان
سال تاریخ وصالش سرور	شد عیان اهل هدایت عثمان

تاریخ وفات شیخ محمد هاشم کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و هژده بوقوع آمد

چون بحکم خالق هر دو جهان	شد ز دنیا هاشم اجلال بهشت
آفتاب خلد گو تاریخ او	هم بفرما هاشم اجلال بهشت

تاریخ وفات شیخ عبد الرحیم کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بیست بوقوع آمد

چو شد وصل با رحمت حق بخلد	ولی صاحب حال عبد الرحیم
بتاریخ ترحیل او گفت دل	که مخدوم اجلال عبد الرحیم

تاریخ وفات میرزا حیات بیگ کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بیست بوقوع آمد

ز دنیای دون شد بجنت روان	چو آن زنده دل شیخ عالم حیات
ز خورشید سال وصالش بجو	دگر بار کاشف مکرم حیات

تاریخ وفات شیخ لاله بابو کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بیست بوقوع آمد

شد چو از دنیا بفردوس برین	حضرت بابو ولی دستگیر

خلافت داشت و از محمد فاضل شطاری لاهوری هم [illegible]

[illegible]

هست سلطان المشایخ رحلتش ۱۱۲۲		بازگو سال وصالش شیخ پیر ۱۱۲۲

تاریخ وفات سید حسین بیهقی کشمیری که در سال یکهزار و یکصد بست و دو بوقوع آمد

سید والا حسین اهل دل		بود در چشم دو عالم نور عین
سال ترحیلش چو جستم از خرد		شد عیان هادی دین فضل حسین ۱۱۲۲

تاریخ وفات قاضی حیدر کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بست و دو بوقوع آمد

یافت مسکن بقصر خلد برین		کرد حیدر چو از زمانه سفر
رحلتش خاص دهر حیدر بگو ۱۱۲۲		هم بخوان نیر محمد حیدر ۱۱۲۲

تاریخ وفات خواجه محمد افضل کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بست و چار بوقوع آمد

ز دنیای فنا عزم سفر کرد		چو میر افضل آن شیخ گرامی
بتاریخ وصال آن شه دین		بگو افضل ولی الله نامی ۱۱۲۴

تاریخ وفات مولانا عنایت الله شال کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بیست و پنج بوقوع آمد

عنایت شیخ عالی واصل دین		چو رحلت از جهان دهر فرمود
بتاریخ وصالش گفت سرور		عنایت با عنایت والی جود ۱۱۲۵

تاریخ وفات شیخ عنایت الله کامی کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بست و پنج بوقوع آمد

چو شیخ عنایت سخن کم اگه		ز دنیای دون یافت در خلد جا
بتاریخ ترحیل آن شاه دین		بگو با عنایت ولی مقتدا ۱۱۲۵

تاریخ وفات سلطان میر کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بست و پنج بوقوع آمد

چو سلطان میر از جهان رخت بست		بجنت شد آن جلوه گر ماه دین
ز دل شد بتاریخ ترحیل او		عیان میر سلطان شهنشاه دین ۱۱۲۵

تاریخ وفات میر ابو الفتح کشمیری که در سال یکهزار و بست و پنج بوقوع آمد

باب جنت چون بجود مفتوح یافت		فتح عالم فاتح الابواب میر
سال تاریخش بقول اهل قال		دان معلی اشرف الاقطاب میر ۱۱۲۵

تاریخ وفات شیخ محمد کشمیری که در سال یکصد و بست و شش بوقوع آمد

بقعر زمین چونکه مانند گنج		نهان گشت مرشد محمد شفیق
بتاریخ ترحیل او از فلک		عیان گشت مرشد محمد شفیق ۱۱۲۶

[illegible]

تاریخ وفات قاضی دولت حینی بسوی بخارئی که در سال یکهزار و یکصد و بیست و شش

رفت چون از جهان بدولت و جاه — شاه دولت ولی حق آگاه
گفت تاریخ رحلتش سرور — شاه ابدال اهل و دولت شاه

تاریخ وفات شیخ احمد المشهور مولانا جیون که در سال یکهزار و سی بوقوع آمد

شیخ احمد چون بفضل ایزدی — گشت در بزم محمد بار یاب
مهدی حق شیخ احمد وصل اوست — نیز شیخ احمد عالی جناب

تاریخ وفات میرزا کامل بدخشی کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و سی و یک بوقوع آمد

بجنت بست چون رخت اقامت — ازین دنیا مکمل شیخ کامل
رقم شد نظم عالم ارتحالش — دگر فرما مکمل شیخ کامل

تاریخ وفات عبد اللطیف کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و سی و یک بوقوع آمد

شیخ عبد اللطیف صاحب لطف — یافت از لطف حق بجنت بار
فاضل اکبر است تاریخش — بار دیگر خزینهٔ اسرار

تاریخ وفات میر شرف الدین کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و سی و پنج بوقوع آمد

بجنت روان گشت میر شرف — چو زیر زمین روی خود را نهفت
پی سال آن اشرف دو جهان — خرد میر اشرف جوان مرد گفت

تاریخ وفات میر محمد هاشم گیلانی کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و سی و پنج بوقوع آمد

هاشمی چون در جنان شد جانشین — وصل شد با اتصال کبریا
گفت تاریخ وصال او خرد — میر سید هاشمی و مجتبی

تاریخ وفات مولانا علی اصغر قنوجی که در سال یکهزار و یکصد و چهل بوقوع آمد

چون علی اصغر سوی جنت شتافت — طرفه دل تاریخ وصلش کرد یاد
جامع فیض کمال آدم است — بار دیگر مجمع فضل عباد

تاریخ وفات بابا محمد مهدی کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه بوقوع آمد

شیخ مهدی ولی با ارشاد — رفت چون از جهان بجنت صاف
سال تاریخ رحلتش سرور — گفت مخدوم مهدی کشاف

تاریخ وفات شیخ فتح شاه لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه بوقوع آمد

۱۳۴۷

اخوند اسماعیل پانپوری کشمیری یافت
و در تمام عمر چهل بار اربعین نشست ۱۲
ت ۵ فرزند دلبند میر ابو القسم کشمیری است
و ارادت بخدمت پدر خود داشت و از دیگر
مشایخ نیز بهره کامل حاصل کرده ۱۲ ت ۶
از سادات عظام حسینی گیلانی است و در سلسله
قادریه و دیگر سلاسل علم بیعت در کشمیر او نشست
و مدت العمر در رشد و ارشاد مشغول ماند ۱۲
ت ۸ از عظمای علما و اعاظم فضلای هندوستان است
تفسیر ثوابت التنزیل از جمله تصانیف اوست
مزارش در قنوج است ۱۲ ت ۹ از خلفای بابا
عبد الله کشمیری است و مقام
باره مولد و سکونت و نشست
مزارش بمقام
باره مولد است ۱۲

فتح شاه سنگلشاهی و جهان	رفت چون در خلد زین دار المحن
طرفه سال انتقالش گفت دل	فتح دین فتاح ابواب زمن
آفتاب هفت اقلیم آمده است	سال ترحیلش اگر خواهی زمن

تاریخ وفات میر محمد اسماعیل کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و سه بوقوع آمد

گشت چون منزل گزین اندر بهشت	شیخ اسماعیل میر دو جهان
سال وصل اوست عالی تربت	نیز فضل آل اسماعیل دان

تاریخ وفات خواجه ایوب قریشی لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و نهم بوقوع آمد

جناب خواجه ایوب مسعود	چو از دنیا بجنت گشت موصول
ز شمس العارفین ایوب مرحوم	عیان سال وصالش است معقول
دگر دل گفت سال انتقالش	که شیخ اولیا ایوب مقبول

قطعه ثانی

خواجه ایوب مرد اهل دل	بود یکتا شیخ حق کامل ولی
سال وصلش هست مهتاب بهشت	نیز فرما شیخ حق کامل ولی

قطعه ثالث از تصنیف میر محمد علی مرحوم

ز روز ارتحال شیخ ایوب	که گشت روح او از وصل حق شاد
نه تنها اهل عالم را جگر سوخت	فلک هم آه و زاری کرد بنیاد
چو رفت آن شارح لفظ همه اوست	چو رفت آن نکته فهم و معنی ایجاد
بجستم سال وصلش از خرد گفت	موحد جان بتوحید خدا داد

تاریخ وفات بابا عبد الباقی کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و هفت بوقوع آمد

رفت باقی چون باقلیم بقا	دل بسال وصل آن شیخ زمانا
گفت تاج عارفان عارف بکا	هم دگر شیخ البقا باقی بخوان

تاریخ وفات میر فضل علی لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و شصت بوقوع آمد

کرد چون از جهان بخلد مقام	جامع فضل و علم و حلم علی
میر فضل هست سال تاریخش	خوان دگر بار فضل علم علی

تاریخ وفات مولانا رستم علی بن علی اصغر قنوجی که در سال یکهزار و یکصد و هشتاد و هشت بوقوع آمد

[illegible]

۱۴۹

از جهان رفت چون بخلد برین
گفت سرور بسال رحلت او
بازکن عاشق بهشت رقم

میر رستم علی ولی واصلی
میر گل رستم علی وصی
سال ترحیل آن تقی و نقی

تاریخ وفات شاه ولی الله محدث دهلوی که درسال یکهزار و یکصد و هفتاد و نه یا دو بود

ز دنیا چو رخت اقامت ببست
وفاتش بجستم ز شیخ کریم

ولی الله واصلی ولی متقی
رقم شد دگر شیخ اکبر ولی

قطعه ثانی

چو از دنیا بجنت گشت راهی
وفات او یکی خورشید هند است

ولی الله حق آگه بهشتی
دگر عارف ولی الله بهشتی

تاریخ وفات میر یعقوب لاهوری که درسال یکهزار و یکصد و هفتاد و نه بوقوع آمد

شد چو از دنیا بفضل ایزدی
ارتحالش هست خورشید جهان

در جنان یعقوب مخدوم الکریم
هم بخوان یعقوب مخدوم الکرم

تاریخ وفات خواجه حافظ عبدالخالق اویسی که درسال یکهزار و یکصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

وصل شد با ذات حق چون عبد خالق نامدار
رحلتش خورشید اجلال از خرد شد جلوه گر

رفت روح پاک او بر عرش از فرش زمین
هم دگر محبوب خالق هادی اهل یقین

تاریخ وفات شیخ محکم الدین صاحب سیر اویسی که درسال یکهزار و یکصد و نود و هفت بوقوع آمد

جناب محکم الدین صاحب سیر
بوصلش شاه فیاض است تاریخ

که ذات پاک او منظور عشق است
دگر فرما که عاشق نور عشق است

قطعه ثانی

حضرت محکم شه دین اهل سیر
گشت تاریخ وصالش عیان
بازپی رحلت آن پادشاه

گشت چو از دهر بجنت مقیم
هادی خلق حاکم محکم کریم
گفت خرد حاکم محکم عظیم

قطعه ثالث

محکم الدین چون ز دنیا سیر کرد
گفت ثابت محکم الدین کامل است

عقل بهر سال نقل آن جوان
سفته ای عشق محکم دین بخوان

قطعه رابع

زدنیای دون بست رخت سفر — چو آن صاحب معرفت اهل سیر
بتاریخ ترحیل آن شاه دین — بخوان صاحب معرفت اهل سیر

تاریخ وفات سید شاه حسین گیلانی لاهوری که در سال یکهزار و دوصد نهم بوقوع آمد

چو شد پرتو افکن بخلد برین — حسین آن بچشم جهان نور عین
پی رحلت پاک آن پادشاه — بگو شاه عاشق مکرم حسین

تاریخ وفات سید عبد الکریم المشهور پیر بها و شاه که در سال یکهزار و دوصد و سیزده

چون شه عبد الکریم آن شیخ حق — رفت از دنیا بجنات النعیم
گشت تاریخ وصال او عیان — متقی مشتو اسید کریم
شیخ فیروز است و دیگر بختیار — ارتحال آن شه جنت مقیم

تاریخ وفات مولوی غلام فرید لاهوری که در سال یکهزار و دوصد شانزده بوقوع آمد

چون فرید آن فرد عالم اهل فضل — از جهان در جنت والا رسید
تاج احیار است سال وصل او — نیز مهدی متقی فرد الفرید

تاریخ وفات شیخ عبد الباسط بن رستم علی که در سال یکهزار و دوصد و بست و سه بوقوع آمد

عبد باسط چون بجنت نقل کرد — سال وصل آن شه برنا و پیر
عارف دین رستم حق کن رقم — نیز نور صاحب فیض کبیر

تاریخ وفات نور احمد المشهور نور حسین که در سال یکهزار و دوصد و سی و شش بوقوع آمد

شیخ نور حسین روشن دل — یافت چون از جهان بجنت بار
رحلتش مظهر کمال بگو — نیز ماه منیر فیض اسے یار

تاریخ وفات مولانا شاه عبد العزیز دهلوی که در سال یکهزار و دوصد و سی و نه بوقوع آمد

چو عبد العزیز آن ولی خدا — که دنیا بچشمش نبود هیچ چیز
برفت از جهان سال وصلش بجو — ز قطب الشرف شاه عبد العزیز
دگر فاضل علم مقبول گشت — عیان از خرد سالش ای با تمیز

تاریخ وفات سلطان بالا دین اویسی که در سال یکهزار و دوصد و چهل و یک بوقوع آمد

چو سلطان باقلیم جنت شتافت — تو تاریخ ترحیل و توصیل آن

زمخدوم سلطان عرفان بجو ۱۲۴۱ — شهنشاه سلطان دولت بخوان ۱۲۴۱

تاریخ وفات مولانا عبد القادر بن ولی الله محدث دهلوی که در سال یکهزار و دو صد و چهل و دو

جناب عبد قادر آنکه علمش — چو مه روشن شد از مه تا بماهی

ولی منظور گو سال وصالش ۱۲۴۲ — دوباره جو ز منظور الهی ۱۲۴۲

تاریخ وفات مولانا محمد ولی الله بن سید احمد علی که بسال یکهزار و دو صد و چهل و نه بود آمد

چون ولی الله ولی اهل دل — از فنا سوی بقا بربست رخت

ارتحال او بگو شمس تقی ۱۲۴۹ — هم بخوان راغب ولی ای نیکبخت ۱۲۴۹

تاریخ وفات مولانا غلام رسول لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و پنجاه بود

چون غلام رسول طالب حق — از جهان شد بجنت والا

ارتحالش بگو چراغ ولی ۱۲۵۰ — هم دگر کاشف تقی فرما ۱۲۵۰

تاریخ وفات قاضی عبد السلام بن عطاء الحق بدوانی که در سال یکهزار و دو صد و پنجاه و هفت

رفت چون عبد السلام از دار دهر — ارتحال او بقول خاص و عام

ماهتاب حسن مخدوم است ۱۲۵۷ — هم بخوان قاضی حق عبد السلام ۱۲۵۷

تاریخ وفات شیخ لدهی شاه سوهنه دوره که در سال یکهزار و دو صد و پنجاه و سه بود آمد

مرد مقبول شیخ لدهی شاه — شد چو روشن بخلد شمع فلق

رحلتش رحمت خدا فرما ۱۲۵۳ — باز جو وصل او ز مظهر حق ۱۲۵۳

تاریخ وفات مولانا محمد اسحاق دهلوی که در سال یکهزار و دو صد و شصت و دو

شیخ اسحاق رهبر آفاق — آنکه ذاتش بد و جهان طاق است

دل بسال وصال او سرور — گفت اسحاق شیخ آفاق است ۱۲۶۲

تاریخ وفات سید منور علی لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و شصت و چهار

گشت چون روشن بخلد جاودان — نور دین هادی منور آفتاب

جلوه گر شد سال ترحیلش ز دل — شمس دین هادی منور آفتاب ۱۲۶۴

قطعه ثانی

پرتو افگن چو شد منور شاه — در جنان همچو ماه پارهٔ نور

سال تاریخ او شده روشن — از منور ولی ستارهٔ نور ۱۲۶۴

۱۵۱

تاریخ وفات شیخ کریم بخش لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و شصت و پنج بوقوع آمد

اکرم العالم کریم ابن پیر	شد چو از دنیا بجنات النعیم
اجر دین هست سال وصل او	بار دیگر پاک بن شیخ کریم

تاریخ وفات سید زند علی گیلانی لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و شصت و هفت بوقوع آمد

یافت چون در خلد عمر جاودان	سید زنده شاه علی نیکو صفات
راغب دین هست تاریخش عیان	بار دیگر بود سید نیک ذات

تاریخ وفات مولانا جان محمد لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و شصت [illegible] بوقوع آمد

جان تازه چو یافت اندر خلد	جان جان محمد آخر حال
گفت سرور چراغ دین تاریخ	کرد روشن دگر چراغ جلال

تاریخ وفات مولانا غلام الله لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و هفتاد [illegible] بوقوع آمد

غلام الله چو از عالم سفر کرد	بسال رحلت آن شاه والا
نگین اسعد غلام الله تحریر	غلام الله حق آگاه فرما

قطعه ثانی

اوستاد جهان غلام الله	جامع طالبی و مطلوبی
ارتحالش ز طبع روشن من	گشت روشن چراغ محبوبی

تاریخ وفات مفتی غلام محمد قریشی لاهوری والد ماجد مولف کتاب که در سال یکهزار و دو صد و هفتاد و شش بوقوع آمد

مفتی دین غلام محمد چو از جهان	بدرود گشت و یافت بملک جنان قرار
گو مظهر سلام تاریخ رحلتش	جان جهان غلام محمد بخوان ابرار

قطعه ثانی

چو شد از جهان در بهشت معلی	غلام محمد امین محمد
ز سرور بتاریخ سال وصالش	ندا شد که خورشید دین محمد

قطعه ثالث

چون محمد شده مقبول حق	شد بجنت از جهان پر بلا
منظر موسی هست سال وصل او	شد دگر منظور منظور خدا

۱۵۳

تاریخ وفات مفتی سید محمد لاهوری که در سال یکهزار و دوصد و هشتاد بوقوع آمد

سفر ورزید چون سید محمد بصد افسوس تاریخش خرد گفت	سوی دار البقا خوشحال و خوشتر بگو روح منا فرستد مسافر

گنج هشتم مشتمل بر چهار حصه حصه اول در قطعات تاریخ از واج مطهرات
و حصه دوم در قطعات تاریخ وفات بنات والا درجات سرور کاینات
علیه السلام و الصلوات حصه سوم در ذکر نساء عارفات و قانتات
که از اهل ولایت و کرامت بودند حصه چهارم در ذکر مجانین و مجاذیب

حصه اول تاریخ وفات بی بی خدیجة الکبری زوجه سرور عالم صلی الله علیه وسلم
که در سال دهم از بعثت نبوت بوقوع آمد

آن خدیجه طیبه اهلیه حضرت رسول بود ذاتش معدن حب نبی اندر جهان	هست ام المومنین آن مطلع نور کمال شد ورا در سال خمس از بعثت نبوی وصال

تاریخ وفات بی بی زینب که در سال چهارم از هجرت نبوی بوقوع آمد

زینب آن زوج نبی محترم چون محبه از جهان بیرون شد	رفت از دنیا بجنت شادکام سال ترحیلش برآمد والسلام

تاریخ وفات بی بی زینب بنت جحش که در سال بستم از هجرت بوقوع آمد

زینب آن معصومه دوران ما هست زینبا سال وصلش نیز بر	از جهان در جنت الاعلی برفت هم بخوان پاکیزه از دنیا رفت

تاریخ وفات بی بی سوده رضی الله عنها که در سال بست و دو بوقوع آمد

ام اسود زوجه حضرت رسول بهر تاریخش ز طبعم طرفه تر	یافت با وصل خدا آخر وصال برآمده آمد عیان تاریخ سال

تاریخ وفات بی بی صفیه بنت حی بن اخطب که در سال سی و شش بوقوع آمد

چو محبوبه شاه ارض و سما بگو اهل تاریخ ترحیل او	صفیه ز دنیا شد اندر جنان بفرما دگر پاک رفت از جهان

وفات بی بی ام حبیبه رضی الله عنها که در سال چهل و دو یا چهل و یک بوقوع آمد

چونکه ام حبیب زوج رسول	چهره در پرده جنان به نهفت

[illegible]

رحلت او ز گیتی ذو الم است	نیز سرو رحیب زیبا گفت
تاریخ وفات بی بی حفصه رضی الله عنها که در سال چهل و پنج یا چهل و هفت بوقوع آمد	
چون جناب حفصه زوج مصطفی	از جهان رفت و بجنت یافت جا
سال وصل او بقول اهل دین	طالبه گو نیز پاکیزه شمار
وفات بی بی جویریه رضی الله عنها که در سال پنجاه و شش بوقوع آمد	
جویریه محبوبه حضرت رسول	رفت از دنیا چو در خلد برین
از خرد سالش جناب آمد عیان	بار دیگر شد ز عالم پاک بین
تاریخ وفات بی بی عائشه صدیقه رضی الله عنها که در سال پنجاه و هشت بوقوع آمد	
عائشه محبوبه ذات نبی	یافت از دنیا بذات حق وصال
عابده گو سال وصل آنجناب	نیز محبوبه است سال ارتحال
تاریخ وفات بی بی میمونه رض که در سال شصت یا شصت و یک بوقوع آمد	
چونکه میمونه صاحب عظمت	در جهان گشت با نبی همدم
سال وصلش محجبه شد پیدا	نیز شد بی نیاز از عالم
تاریخ وفات بی بی ام سلمه رض که در سال شصت و سه یا شصت و چار بوقوع آمد	
ام سلمه ولیه مقبول	زوجه حضرت نبی جهان
ارتحالش ز مهدیه جستم	نیز محبوبه آمد است عیان
حصه دوم مشتمل بر قطعات تاریخ وفات بنات والا درجات سرور کائنات صلی الله	
تاریخ وفات بی بی رقیه که در سال دوم از هجرت بوقوع آمد	
بنت احمد رقیه صاحب جاه	رفت زین دهر با دل پر غم
سال تاریخ اوست قلب نبی	هم بگو رفت سعده از عالم
تاریخ وفات بی بی زینب رضی الله عنها که در سال هشتم از هجرت بوقوع آمد	
جناب زینب والا عفیفه معصوم	که بود زینت فردوس و رب نام جناب
چو شد ز دهر بتاریخ رحلت پاکش	ز دل رسید ندا شد ولیه از جهان
وفات حضرت ام کلثوم رضی الله عنها که در سال نهم از هجرت بوقوع آمد	
ام کلثوم بنت پاک نبی	شد ز دنیا بجنت الاعلی

۱۵

واصله چون سفر ز عالم کرد — گشت تاریخ رحلتش پیدا

وفات بی بی فاطمه خاتون جنت رضی الله عنها که در سال یازده از هجرت بوقوع آمد

فاطمه خاتون دین بنت اسبی — نیک صورت نیک سیرت نیک خو

قرة چشم جناب مصطفی — زوجه عالی ستی نیک رو

بعد شش ماه از وصال احمدی — کرد رحلت از جهان چار سو

شافعه روز جزا هست آنجناب — خوان خیر الامه تاریخ او بالفظ هو

آه شد چون حب مولا از زمین — حاصل آمد سال او ای نیک خو

نیک نام از عرصه آفاق رفت — کن بیان سال وصالش مو بمو

رفت از عالم ولیه سیده — رحلتش گفتم با طور نکو

گشت مهجور از علی زوج جمیل — طرفه تر تاریخ وصل او بگو

شد چو از دوران علیه فاطمه — ارتحالش شد عیان بی گفتگو

چون عزیزه از علی گردد جدا — بشنو دید او وصالش هو بهو

حصه سیوم

در قطعات تاریخ وفات نساء عارفات که از اهل کرامت بودند

تاریخ وفات بی بی زاهده رضی الله عنها که در سال بست و پنج هجری بوقوع آمد

زاهده مریم صفت عفت مآب — والیه معصومه دور زمان

رفت از دنیا چو در خلد برین — هادیه سال وصال او بخوان

تاریخ وفات بی بی شعوانه عجمی که در سال یکصد و هفتاد و پنج بوقوع آمد

چو شعوانه نیکو صفت نیک ذات — ز دنیای دون شد بقصر جنان

نعیمه بگو رحلت پاک او — سعیده بدان هم یقینه بخوان

تاریخ وفات بی بی غفیره عابده که در سال یکصد و هشتاد بوقوع آمد

چون غفیره عابده نیکو خصال — شد با وج خلد چون بدر کمال

زنده دل نیک است سال وصال او — عابده محمود هم تاریخ سال

تاریخ وفات بی بی رابعه بصری که در سال یکصد و هشتاد و پنج بوقوع آمد

رابعه چون از جهان چار سو — با صفا در هشت جنت یافت بار

۱۵۵

ابن الخطاب است و در باعفت و عبادت [illegible]
از زبان مبارک آنحضرت صلی الله علیه وسلم [illegible]
[illegible] از کاملات عارفات بوده [illegible]
[illegible] صاحب کرامت [illegible]

سال تاریخش ز سکینه بجو / باز مسعوده بخوان ای با وقار

تاریخ وفات بی بی نغبه رحمة الله عنها که در سال دوصد و نه بوقوع آمد

چونکه معصومه زمان نغبه / شد ز عالم بجنت الاعلی
رحلتش جو ز لفظ صدیقه / بار دیگر معقد سه فرما

وفات بی بی فاطمه نیشاپوریه که در سال دوصد و بیست و سه بوقوع آمد

رفت چون از دهر در بزم قبول / صوفیه والا ولیه فاطمه
بهر سال ارتحال آنجناب / شد ندا از دل جمیله فاطمه
گشت از اکبر وصالش جلوه گر / باز دل اکه جبیبه فاطمه

تاریخ وفات بی بی تحفه که در سال دوصد و سی و پنج بوقوع آمد

تحفه آن تحفه ولایت دل / بود اسطی محب مسعوده
رحلتش زنده دل تکمله خوان / باز فرما محب مسعوده

وفات بی بی ام محمد رحمة الله علیها که در سال سه صد و دوازده بوقوع

حضرت ام محمد عالیه / شد چو از دنیای دون اندر جنان
ارتحال او چو جستم از خرد / گفت دل معصومه دل آگاه خوان

تاریخ وفات بی بی امته الواحد که در سال سه صد و هفتاد و هفت بوقوع آمد

رفت یکتا زین جهان چون در جنان / امته الواحد وحید باکمال
بادشاه دین بگو تاریخ او / قطبه دوران بخوان تاریخ سال

تاریخ ولادت و وفات بی بی امته الاسلام که ولادتش در سال سه صد
و هژده و وفات در سال سه صد و نود و پنج هجری المقدس بوقوع آمد

شه عفت ولیه ام اسلام / که آمد ختم بر وی نام تفضیل
تتولیدش سلیمه ام اسلام / بگو سرور نصیره سال ترحیل

تاریخ وفات بی بی میمونه و اعظا که در سال سه صد و نود یا و دوش بوقوع آمد

حضرت میمونه آن سید از هنر / رفت از دنیا چو در خلد برین
گو مکرم کامله تاریخ او / بار دیگر معدن نور یقین

تاریخ ولادت و وفات بی بی ام محمد که ولادتش در سال سه صد و هفتاد و چار

حضرت ام محمد ام دین — سالکه بود است در راه خدا
طاهره محبوبهٔ کامل بگو — سال تولیدش بقبول اصفیا
رحلتش صدیقهٔ معصومه است — شد بدل از هاتف غیبی ندا

تاریخ وفات بی بی خدیجه واعظه که در سال چارصد و هفتاد و پنج یا شش بوقوع آمد

چون خدیجه سیده با عز و جاه — یافت از دنیا بقرب حق وصال
عاشقه تحریر کن ترحیل او — محرم حق سیده دان انتقال

تاریخ وفات بی بی کریمه مروزیه که در سال چارصد و شصت و چار یا هفتاد و ...

چون کریمه مکرمه اهل کرم — با کرامت شد بخلد جاودان
سال ترحیلش حبیب جنت است — هم کریمه صادقه کردم بیان
شد ز دل زاهد بدیعه عارفه — بار دیگر ارتحال او عیان

تاریخ وفات بی بی فاطمه حافظه که در سال پانصد و بست و یک بوقوع آمد

فاطمه چون از جهان بی ثبات — رفت با حق یافت قرب اتصال
ارتحالش فاطمه منصوره خوان — بار دیگر جو ز معشوقه وصال

تاریخ وفات بی بی فاطمه بنت نصر بنت عطاره که در سال پانصد و هفتاد...

فاطمه چون کرد ز دنیا سفر — یافت عجب وصل بوصل خدا
سال وصالش چو بجستم ز دل — گفت بگو مشفقه اولیا

تاریخ وفات بی بی ساره عابده که در سال ششصد و سی و هشت بوقوع آ[مد]

رفت چون ساره از جهان فنا — گشت در جنت ابد والی
گفت تاریخ رحلتش سرور — قدس الله سرها العالی

تاریخ وفات بی بی فاطمه سام که در سال ششصد و چهل و سه بوقوع آ[مد]

جناب فاطمه خاتون جنت — چو از دنیا بجنت یافت آرام
چو جستم از خرد سال وصالش — خرد فرمود رهبر فاطمه سام

تاریخ وفات بی بی قرسم خاتون که در سال ششصد و چهل و سه بوقوع آمد

ز دنیا رفت در فردوس اعلی — چو آن ام الفقرا عالی علیه
بی سال وصال آن صفاکیش — ندا گر دید لا ثانی ولیه

۱۵۷

	قطعه ثانی	
چونکه ام الفرید معصومه بهر تاریخ آن ولیه دهر		رفت در بریده بهشت باید گفت دل عارفه فناسے آمده

تاریخ وفات بی بی زلیخا که در سال ششصد و چهل و هشت بوقوع آمد

چون زلیخا ام دین خیر النسا شد زلیخا سال وصل آنجناب		رفت از دنیای دون اندر جنان هست رحمت نیز تاریخش عیان

تاریخ وفات بی بی اولیا که در سال ششصد و پنجاه و پنج بوقوع آمد

رفت از دنیا چو در خلد برین بهر سال ارتحال آنجناب		جابره الاولیه اولیا متقیه گشت از رضوان ندا

تاریخ وفات بی بی لل ددی کشمیری که در سال هفتصد و پنجاه و شش بوقوع

چون بجانان داد جان شد در بهشت سرور اسال وصالش طرفه تر		لل ددی مجذوبه عالی مکان رحمت حق باز مجذوبه بخوان

تاریخ وفات بی بی راستی قدس سرها که در سال ششصد و نود و پنج بوقوع آمد

راستی مجذوبه عالم که بود هست مجذوبه وصال پاک او		راست رو چون تیر اندر راستی سال ترحیلش چو از من خواستی

تاریخ وفات بی بی فاطمه سیده گیلانی که در سال یکهزار و شانزده بوقوع آمد

شد ز دنیا چون جناب فاطمه غوث اعظم بود جد آنجناب		سرمه چشم جهان شد خاک او اعظمه آمد وصال پاک او

تاریخ وفات بی بی جمال خاتون که در سال یکهزار و چهل و نه بوقوع آمد

عارفه خاتون دین بی بی جمال ارتحال او چو جستم از خرد		ذات او اندر سعیده اعظمه شد ندا از دل وحیده اعظمه

حصه چهارم

در ذکر مجانین و مجاذیب که از اهل باطن بوده اند

تاریخ وفات سرنگا مجذوب هانسوی که در سال ششصد و چهل و شش بوقوع آمد

سرنگا جاذب جذب الهی		که در وحش طایر خلد برین است

[illegible]

۱۵۸

[illegible]

[illegible]

۱۵۹

چو جستم از خرد تاریخ سالش		ندا آمد که عاشق قطب دین است
تاریخ وفات سوهن مجذوب اجودهنی که در سال هفتصد و بست و هشت بوقوع آمد		
شیخ سوهن جاذب جذب اله		بود بر چرخ یقین بدر الکمال
زاهد مشکلکشا تاریخ اوست		هم حبیب جاذب آمد ارتحال
تاریخ وفات شیخ حسن مجذوب که در سال هشتصد و هفتده بوقوع آمد		
چون حسن مجذوب حسن الاولیا		گشت در خلد معلی جای گیر
بهر سال ارتحال آن ولی		گفت سرور عاشق صادق امیر
تاریخ وفات اله دین مجذوب که در سال نهصد و چهل و شش بوقوع آمد		
اله دین از جهان چون رخت بربست		قدم اندر جنان بنهاد یکدست
چو سال انتقال او بجستم		ز هاتف شد ندا صوفی سرست
تاریخ وفات میان معروف مجذوب که در سال نهصد و چهل و هفت بوقوع آمد		
شد بجنت چو از جهان اخضر		میان معروف با خدا مجذوب
گشت مجذوب نامدار وصال		باز دل گفت رهنما مجذوب
تاریخ وفات شاه منصور مجذوب که در سال نهصد و چهل و هفت بوقوع آمد		
شاه منصور چون بصد نصرت		گشت با وصل ایزدی موصول
گفت تاریخ رحلتش سرور		شاه منصور عابد مقبول
تاریخ وفات علاء الدین مجذوب که در سال نهصد و چهل و هفت بوقوع آمد		
جاذب جذب حق علاء الدین		گشت روشن بخلد چون مهتاب
رحلتش هست واقف سرمست		از سر مست سید اقطاب
تاریخ وفات شیخ حسن بود که مجذوب که در سال نهصد و شصت و چار بوقوع آمد		
چو رفت از دار دنیا متصل شد		بوصل حق حسن محبوب احسن
عجب سال وصالش جلوه گر شد		ز محبوب اله مجذوب احسن
تاریخ وفات شاه ابو الغیب مجذوب که در سال نهصد و شصت و هفت بوقوع آمد		
سید غیب از جهان چون رخت بست		باب جنت بر روانش گشت باز
بهر سال انتقال آن جناب		شد عیان سید بخاری بی نیاز

[illegible]

تاریخ وفات شیخ بابن مجذوب اجمیری که در سال نهصد و شصت و هفت بوقوع آمد

چو رحلت زندگی زین دهر ربّت — بجنت یافت جا سرمست بابن
بسال ارتحال آن شه دین — بگو قطب الهدا سرمست بابن

تاریخ وفات بابا کیور مجذوب که در سال نهصد و هفتاد و نه بوقوع آمد

رفت از دنیا چو در خلد برین — هست لفت عاشق صادق کپور
سال تاریخ وصال آن جناب — هست صادق پاک بین عاشق کپور

تاریخ وفات میان مونگر مجذوب که در سال نهصد و هشتاد بوقوع آمد

جناب شیخ مونگر عاشق مست — چو در خلد معلی یافت توفیق
چو سال ارتحالش جست سرور — خرد گفتا معلی پیر تحقیق

تاریخ وفات شیخ چینی شاه مجذوب کشمیری که در سال نهصد و هشتاد و یک بوقوع آمد

شیخ چینی شاه مجذوب خدا — یافت چون با وصل ربانی وصال
وصل یارش هست عشق هو بخوان — بار دیگر کن بیان فیض کمال

تاریخ وفات شاه بدیع الدین مجذوب که در سال نهصد و نود و دو بوقوع آمد

سرور عشاق مجذوبان حق — شد بدیع الدین ولی رفیع ضمیر
رفت از دنیا چو در خلد برین — شد عیان سالش ز سرمست کبیر

تاریخ وفات خواجه کشمیری که در سال یکهزار و بست و شش بوقوع آمد

ز دنیای دنی رخت سفر بست — چو آن شیخ زمین داود مجذوب
بتاریخش بگو داود اعظم — دگر قطب الحسن داود مجذوب

تاریخ وفات محمد یوسف گلی مجذوب کشمیری که در سال یکهزار و بست و هفت بوقوع آمد

چون محمد علی ولی ثانی — شد بجنت بفضل ربانی
سال تاریخ رحلتش سرور — گشت روشن نسیم نورانی

تاریخ وفات شیخ یوسف مجذوب که در سال یکهزار و بست و هشت بوقوع آمد

چو رحلت کرد سوی دار جنت — ز دنیا یوسف با حسن مجذوب
دلم در سال تاریخ وصالش — بگفتا یوسف با حسن مجذوب

تاریخ وفات سید شهه مجذوب که در سال یکهزار و یکصد و پانزده بوقوع آمد

شیخ مظهر پیر دین مجذوب حق — شد چو از دنیا بجنت یافت جا
سال ترحیلش چو جستم از خرد — گشت از هاتف ندا اشیر خدا ۱۱۱۶

تاریخ وفات سید عبد الله مجذوب که در سال یکهزار و یکصد و سی و یک بوقوع آمد

چو از دنیا بجنت گشت راهی — جناب شیخ عبد الله مجذوب
بسال ارتحال آن شه دین — خرد فرمود سید شاه مجذوب ۱۱۳۱

وفات نانو مجذوب نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و سی و دو بوقوع آمد

ز دنیا رفت در خلد معلی — چو نانو شاه حق بین عاشق ست
ز رضوان سال ترحیلش بجستم — بگفتا کعبه دین عاشق ست ۱۱۳۲

تاریخ وفات حافظ طاهر کشمیری نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و سی و شش بوقوع آمد

زین جهان فنا بخلد برین — رفت افسوس طاهر مجذوب
سال تاریخ رحلتش سرور — گفت افسوس طاهر مجذوب ۱۱۳۶

تاریخ وفات معصوم شاه لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و بیست و یک بوقوع آمد

رفت با عصمت چو در خلد برین — شیخ معصوم جهان مجذوب عشق
سال ترحیلش چو جستم از خرد — گفت ای سرور بخوان مجذوب عشق ۱۲۲۱

تاریخ وفات مستقیم شاه مجذوب لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و چهل بوقوع آمد

از جهان چون بجنت الاعلی — یافت جا مستقیم روشن دل
بهر تاریخ رحلت پاکش — شد ندا مستقیم روشندل ۱۲۴۰

تاریخ وفات تاجی شاه مجذوب لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و شصت و یک بوقوع آمد

تاج جنت شد چو با عز و وقار — شیخ تاجی شاه تاج اولیا
ست مجذوبی بگو تاریخ او ۱۲۶۱ — نیز عاشق مست کامل حق نما ۱۲۶۱
سیر اعظم شیخ عارف گفته ام ۱۲۶۱ — رحلت آن پادشاه اتقیا
هم دگر خورشید عالم کن بیان ۱۲۶۱ — طرفه تر تاریخ سالش سرورا

تاریخ وفات نظام شاه مجذوب لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و شصت و نه

عاشق حق نظام شاه جهان — چون برفت از جهان بحق پیوست
شاه مجذوب پیر خوان سالش ۱۲۶۹ — هم بدان عاشق ازل سرمست ۱۲۶۹

۱۶۱

صاحب کرامات بلند بود مزارش بیرون دروازهٔ لاهوری است ۱۲

ف فقیر روشن ضمیر و مجذوب صاحب سلوک بود و در موضع فیض پور که از مضافات لاهور است میماند ۱۲

ف از مجذوبان لاهور است مزارش بیرون دروازهٔ موچی است ۱۲

ف از اجل مجذوبین متاخرین و شاه میر جهانیان لاهور است و همه اهل شهر به بزرگی وی معترف‌اند مزارش در گورستان میانی است ۱۲

تاریخ وفات مستان شاه مجذوب لاهوری که در سال یکهزار و دویست و هفتاد و سه بوقوع آمد

چو از دنیا بفردوس برین رفت — شه مستان شه دیوانهٔ عشق
بسال ارتحال آن شه دهر — بگو عاشق و ســالک مستانهٔ عشق

قطعه ثانی

سفر کرد در جنت داسئے — چو رفت از جهان آه مستان شاه
بتاریخ ترحیل آن مست عشق — بخوان ماه دین شاه مستان شاه

گنج هشتم مشتمل بر دوازده حصه حصه اول در قطعات تاریخ وفات خلفای بنی امیه حصه دوم در بیان وفات خلفای بنی عباس حصه سوم در ذکر شاهان غزنوی حصه چهارم در ذکر شاهان غوریه حصه پنجم در ذکر شاهان خلجیه حصه ششم در ذکر شاهان تغلقیه حصه هفتم در ذکر شاهان خضرخانیه حصه هشتم در ذکر شاهان لودیه حصه نهم در ذکر شاهان چنگیزیه و تیموریه چغتائیه حصه دهم در ذکر شاهان و حکام متفرقات حصه یازدهم در ذکر امرای بلند اقتدار حصه دوازدهم در ذکر شعرای روزگار

حصه اول در ذکر خلفای بنی امیه

تاریخ وفات امیر معاویه بن ابی سفیان که در سال پنجاه و نه بوقوع آمد

ابن سفیان بحکم ایزد پاک — چون بعهد جاه رفت از دنیا
سرورا سال ارتحال او — کن رقم آه رفت از دنیا

تاریخ وفات یزید بن معاویه که در سال شصت و چار هجری بوقوع آمد

چون یزید لعین عدو اله — دشمن دین و ظالم اظلم
بد سیر بدنام بدکردار — قاتل آل سید اکرم
خصم آل نبی و محسن کش — بانی جور و موذی اعظم
گشت مردار و در جهنم رفت — روح او جسم بازمین شد ضم
از جفایش بماند تا دم حشر — نام بدنام در بنی آدم
سال تاریخ مردنش پیداست — شد یزید پلید از عالم

قطعه ثانی

چون یزید پلید رفت آخر — با هزار انفعال از عالم
طرفه تاریخ مردنش سرور — گفت شد بد مآل از عالم

تاریخ وفات مروان بن حکم که در سال شصت و پنج هجری بوقوع آمد

رفت مروان از جهان بی بلا — رخت جود در عالم عقبی نهاد
سال فوتش چون بجستم از خرد — دل بتاریخش بگفتا جان بداد

تاریخ وفات معاویه بن یزید که در سال شصت و شش بوقوع آمد

تارک سلطنت چو ابن یزید — رفت از عالم فنا بجنان
سال ترحیل او بصد افسوس — شد عیان رفت صادق از دوران

تاریخ وفات عبد الملک بن مروان که در سال هشتاد و پنج یا شش بوقوع آمد

کرد رحلت آخرش عبد الملک — سوی عقبی از جهان بی ملال
چونکه بی دینی بذاتش ختم بود — شد ز بیدینی عیان سال وصال
باز سال ارتحالش طرفه تر — دیو دنیا شد عیان یا بی جمال

تاریخ وفات ولید بن عبد الملک که در سال نود و پنج بوقوع آمد

چو ز زید با حکم ایزد ولید — از دنیای فانی بعقبی مکان
بگو رحلتش وای اهل جود — بفرما دگر بار اهل جهان

تاریخ وفات سلیمان بن عبد الملک که در سال نود و نه بوقوع آمد

چون سلیمان رتبه شاه اهل جاه — از جهان با خاطر پر غم رفت
سال تاریخ وصالش طرفه تر — گفت سرور طالب از عالم رفت

تاریخ عمر بن عبد العزیز که در سال یکصد و یک بوقوع آمد

چون عمر ثانی الاکمل عبد العزیز — یافت از دنیا بوصل حق وصال
رحلتش صاحب بگو نامی بخوان — هم به نو کن رقم ای باکمال

تاریخ وفات حجاج بن یوسف که در سال یکصد و سه بوقوع آمد

بصد افسوس حجاج از جهان رفت — چو بعد از ظلم و جور و قتل و تاراج
بگو ابلیس تاریخ وفاتش — دگر فرما که بی دین بود حجاج

تاریخ وفات یزید بن عبد الملک که در سال یکصد و پنج هجری بوقوع آمد

یزید ابن عبد الملک چون ز دهر | سفر کرد و شد سوی عقبی روان
سهیل است روشن ز تاریخ او | دگر جلوه گر گشت ماه جهان ۱۰۱

تاریخ وفات هشام بن عبد الملک که در سال یکصد و بست و سه بوقوع آمد

چو هشام از جهان رخت سفر بست | بعقبی رفت آن محبوب دنیا
ز دل تاریخ ترحیلش بجستم | خرد گفتا بخوان محبوب دنیا ۱۲۳

تاریخ وفات ولید بن یزید که در سال یکصد و بست و شش بوقوع آمد

چون ولید پلید زندیقی | روی خود در نقاب قبر نهفت
جستم از دل چو سال تاریخش | عقل نقاش ولید بید بگفت ۱۲۶

تاریخ وفات یزید ناقص بن ولید که در سال یکصد و بست و شش بوقوع آمد

شد بصد حسرت و غم و آلام | سوی عقبی یزید عالیشان
چونکه ملک جهان بحکمش بود | گو وفاتش یزید اهل جهان ۱۲۶

تاریخ وفات مروان بن محمد که در سال یکصد و سی و چار بوقوع آمد

گر چه چون نام بنی امیه ختم | بعد قتل چو گشت مروان از جهان
سال قتل او بطرز خوبتر | لا بقا تحریر کن امثال خوان ۱۳۴

حصه دوم در قطعات تاریخ خلفای بنی عباس که بعد بنی امیه پادشاه شدند

تاریخ وفات ابو العباس سفاح بن محمد عباسی که در سال یکصد و سی و هفت بوقوع آمد

چون بصد درد و حزن و حسرت و آه | شد ز ملک جهان ابا عباس
ارتحالش ز نام نامی او | گفت سرور بخوان ابا عباس ۱۳۷

تاریخ وفات ابو جعفر منصور بن محمد عباسی که در سال یکصد و چهل و نه بوقوع آمد

چون ابو جعفر شه با کر و فر | آخر از اقلیم فانی شد روان
سال تاریخش رقم شد از خرد | اهل دل حاکم دگر والا مکان ۱۴۹

تاریخ وفات محمد مهدی بن ابو جعفر که در سال یکصد و شصت و نه بوقوع آمد

چونکه مهدی بحکم ربانی | از فنا در بقا شده جاگیر
ارتحالش وحید قائم گو ۱۶۹ | بنده حق دو باره کن تقریر ۱۶۹
بار دیگر بخوان جمال الدین ۱۶۹ | مه جبین مهدی اش بکن تحریر ۱۶۹

۱۶۴

۱۶۵

[illegible]

تاریخ وفات هارون رشید بن جعفر بن محمد مهدی که در یکصد و نود و سه بوقوع آمد

گر در رحلت چو از جهان فنا	شاه هارون رشید با اقبال
سال تاریخ رحلتش سرور	جلوه گر شد جمیل اهل جمال

تاریخ وفات مامون رشید بن هارون رشید که در سال دو صد و پانزده بوقوع آمد

چونکه مامون بیافت جای امان	رخت خود برد از جهان برون
سال تاریخ رحلتش آخر	جست سرور ز عالم میمون

تاریخ وفات معتصم بالله المشهور ابراهیم ثمن بن مامون که در سال دو صد و بیست و [illegible]

معتصم چون با غم و حزن و ملال	شد ازین دار فنا آخر روان
سال تاریخش چو جستم از خرد	گفت عالیجاه والی جهان

تاریخ وفات واثق بالله بن معتصم بالله که در سال دو صد و سی و سه بوقوع آمد

چونکه واثق آخر از حکم قضا	رفت از ملک جهان بی قال و قیل
سال تاریخش با طوار نکو	شد ندا از دل که سلطان جمیل

تاریخ وفات جعفر متوکل علی الله که در سال دو صد و چهل و هشت بوقوع آمد

شاه متوکل که بر نامش زدند	سکه احکام فرمان جهان
رفت چون از عالم ناپایدار	ارتحالش هست سلطان زمان

تاریخ وفات محمد منتصر بالله که در سال دو صد و پنجاه و پنج بوقوع آمد

چون محمد بلطف و رحمت حق	شد ز دنیا بعزت و توقیر
کن تو تاریخ رحلتش سرور	آب سیف مهدی تحریر

تاریخ وفات معتمد علی الله بن متوکل که در سال دو صد و شصت و نه بوقوع آمد

معتمد را چو اجل شتا و نماند	بر زمانه برفت آخر کار
دل سرور بصد غم و افسوس	گفت سال وفات او دیندار

تاریخ وفات معتضد علی الله بن موفق که در سال دو صد و هشتاد و نه بوقوع آمد

متاع چو بشنید از دار الفناست	چو شاه معتضد ذی شان صالح
بگو ابن موفق سال ترحیل	دگر باره بخوان سلطان صالح

تاریخ وفات مکتفی بالله بن معتضد بالله که در سال دو صد و نود و پنج بوقوع آمد

[illegible]

مکتفی چون عمر کافی از خدا — یافت رخت خویش بربست از جهان
دل بسال ارتحالش طرفه تر — گفت والی زمان سلطان بخوان

تاریخ وفات مقتدر بالله بن معتضد بالله که در سال سیصد و بیست و چار بوقوع آمد

مقتدر چون شد به تقدیر اله — در بلای موت آخر مبتلا
میر دین خوانش بسال انتقال — بار دیگر دان جوان پاک رسا

تاریخ وفات قاهر بالله بن معتضد بالله که در سال سیصد و بیست و چار بوقوع آمد

شاه قاهر قاهر اعدای دین — شد بمهر حق چو در جنت دوان
بهر سال ارتحالش طرفه تر — بحر حسن از خامه مشکین روان

تاریخ وفات راضی بالله بن مقتدر بالله که در سال سیصد و چهل و نه بوقوع آمد

چونکه راضی از رضای ایزدی — یافت از دنیا بعقبی اتصال
سن ترحیلش چو جستم از خرد — مرد عادل شد عیان تاریخ سال

تاریخ وفات مستکفی بالله بن مقتدر بالله که در سال سیصد و پنجاه و شش بوقوع آمد

رخت هستی چونکه از عالم ببست — مستکفی با حکم قاضی قضا
سال ترحیلش امیر عادل است — بار دیگر حق طلب اصل صفا

تاریخ وفات مطیع بالله بن مقتدر بالله که در سال سیصد و هشتاد و هشت بوقوع آمد

چون مطیع دین شه اصل کرم — بر درخت خویشتن فانی بجو
طرفه سال رحلت آن بادشاه — هست زیب دین مطیع حکم حق

تاریخ وفات قادر بالله بن اسحاق که در سال چارصد و بیست و یک یا بیست و دو

کرد رحلت از جهان بی ثبات — شاه دین قادر به تقدیر خدا
هست محبوب جهان قادر وصال — بار دیگر قادر اصل عطا

تاریخ وفات قائم بامر الله بن قادر بالله که در سال چارصد و شصت و چار بوقوع آمد

روح قائم شد چو بر چرخ برین — جسم قائم گشت قائم در زمین
رحلتش گو اصل دل قائم بامر — باز کن روشن بوصلش شمس دین

تاریخ وفات مقتدی بالله بن قائم بامر الله که در سال چارصد و هشتاد و ... بوقوع آمد

آخرش از دار فانی رخت بست — مقتدی بالله شاه مه کاب

١٦٦

شاه مقبول است سال وصل او … تیر اکبر بگو با آفتاب

تاریخ وفات مستظهر بالله بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بوقوع آمد

گشت بر اوج فلک منزل گزین … رفت مستظهر چو زین دار ملال
دولت حکم است تاریخش دگر … بادشاه صادق آمد ارتحال

تاریخ وفات مسترشد بالله بن مستظهر بالله که در سال پانصد و بست و پنج بوقوع آمد

زین دار الفنا رخت تقالست … چو مسترشد شه دنیا و عالی
بتاریخ وصال آن شه دین … رقم شد طالب الله شاه عالی

تاریخ وفات مقتفی لامر الله بن مستظهر بالله که در سال پانصد و پنجاه بوقوع آمد

چون شه مقتفی لامر الله … دست بردار شد ز ملک حیات
مقتفی سال رحلتش گفتم … بار جستم ز قبله حاجات

تاریخ وفات مستنجد بالله بن مقتفی لامر الله که در سال پانصد و شصت بوقوع آمد

جناب شاه مستنجد شه دین … چو در اقلیم باقی یافت تحصیل
بسرور شد ندا از هاتف غیب … بگو سرور از خادل سال ترحیل

تاریخ وفات ناصر لدین الله نبیره مستنجد بالله که در سال ششصد و شانزده بوقوع آمد

شد به نصرت چو ناصر از عالم … دل شنا تاریخ آن شه اقبال
گفت سلطان سرور است بگو … باز سرور محب اهل جلال

تاریخ وفات طاهر بالله بن ناصر لدین الله که در سال ششصد و هفتده بوقوع آمد

رفت طاهر چو طاهر از دنیا … دل پی سن سال رحلت آن
گفت طاهر شه زمن فرما … هم چو امجد بادشاه بخوان

تاریخ وفات مستنصر بالله بن طاهر بالله که در سال ششصد و سی هفت بوقوع آمد

رفت با صد نصرت از عالم بخلد … چونکه مستنصر شه عالم پناه
شد عیان مفتاح حق تاریخ او … باز دیگر نیر دین بادشاه

تاریخ وفات مستعصم بالله بن مستنصر بالله که در سال ششصد و پنجاه و دو بوقوع آمد

چونکه از دست هلاکو شد شهید … شاه مستعصم شه عالی مقام
سال تاریخ وصالش طرفه تر … هست سلطان المکرم نیک نام

۱۶۷

قطعه ثانی

از شهادت چو یافت قدر بلند	شاه مستعصم آن شه مقبول
عبد مقتول گو بتاریخش	هم بخوان حاکم ابد مقتول

حصه سوم در قطعات تاریخ وفات پادشاهان غزنی

تاریخ وفات سلطان الپتگین پادشاه که در سال سه صد و شصت و هشت بوقوع آمد

چونکه الپتگین بفضل کردگار	رفت از دنیای دون اندر جنان
بهر تاریخ وصالش طرفه‌تر	شد ندا از هاتفم شاه جهان

تاریخ وفات شاه اسحاق پادشاه بن الپتگین در سال سه صد و شصت و هفت بوقوع آمد

کرد رحلت چو از جهان اسحاق	رحلتش با هزار حسرت و آه
گفت سرور امیر اهل عطا	هم دگر پادشاه دل آگاه

تاریخ وفات سلطان ناصر الدین سبکتگین که در سال سه صد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

رفت چون با نصرت و فتح و ظفر	ناصر الدین پادشاه اهل جاه
شد عیان فرد زمانه رحلتش	گشت پیدا نیز دینی پادشاه
والی نصر است تاریخ وصال	بهر سال آن شه عالم پناه

تاریخ وفات سلطان محمود غزنوی که در سال چار صد و بست یا بست و یک بوقوع آمد

چو محمود از جهان شد حمد گویان	بجنت یافت وصل ذات معبود
ز عبد الله محمود اسم علی	عیان شد سال وصل آن شه جود
دگر باره بتاریخش ندا شد	زهی مطلوب دین سلطان محمود
عیان شد پادشاه حق وصالش	دگر عین الکرم گردید موجود
وفاتش نیز میر نیک نام است	شه اهل عطا هم عقل فرمود
ولی دین سلطان السلاطین	رقم شد رحلت آن شاه مسعود

قطعه ثانی

زین دهر چو رفت خوش بجنت	محمود شه مبارک آمین
تاریخ وصال او بسرور	فرمود خرد امیر حق بین

قطعه ثالث

رفت چون از جهان بجنت خلد	شاه ذی جاه نامور مسعود
سال تاریخ رحلتش سرور	گفت سلطان دین حق محمود

تاریخ وفات سلطان مسعود غزنوی که در سال چارصد و سی و سه بوقوع آمد

خوش شد با صد سعادت سوی جنت	شه مسعود دین شاه زمانه
شه دین یکدل آمد ارتحالش	دگر مسعود سلطان زمانه

تاریخ وفات سلطان محمد غزنوی که در سال چهارصد و سی چار بوقوع آمد

چون محمد بلطف و فضل آله	شد ز دنیای دون بخلد برین
شه جمال گو بگو تاریخش	نیز سلطان دین محب یقین

تاریخ وفات سلطان مودود شاه غزنوی که در سال چارصد و چهل و یک بوقوع آمد

چون شه مودود سلطان عظیم	رفت از دنیا بقصر لایزال
دان شه کونین سال وصل او	هم بدان مودود شاه اهل حال

تاریخ وفات سلطان ابراهیم غزنوی که در سال چارصد و هشتاد و یک بوقوع آمد

ز دنیا سوی جنت چون سفر کرد	جناب شاه ابراهیم حق بین
شود حاصل وصال آن شه دهر	ز ابراهیم عاصی والی دین
رقم شد شاه دین عاصی زماح	وصال پاک او بازینت تزئین
دگر سلطان امیر نیک فرما	سنین رحلتش ای فسح آمین

تاریخ وفات سلطان مسعود ثانی غزنوی که در سال چارصد و نود و شش بوقوع آمد

چو مسعود از جهان رخت سفر بست	ز جنت وصل شد با ذات معبود
بگو تاریخ آن شاه جوان مرد	ولی دین حق مسعود محمود
سراج العالمین دل گفت سالش	دگر شاه هدا مسعود فرمود

تاریخ وفات سلطان ارسلان غزنوی که در سال پانصد هجری بوقوع آمد

ارسلان چون از جهان شد بر بهشت	رفت در جنت بتقدیر قدیر
رحلتش سلطان فردوس آمده	بازشاه دین مکمل از ضمیر
پادشاه واقف آمد وصل او	شاه صدق است و دگر سلطان نصیر

تاریخ وفات سلطان بهرام شاه غزنوی که در سال پانصد و چهل و هفت بوقوع آمد

۱۶۹

چو بهرام از جهان رخت سفر بست	بجنت یافت جائی امن و آرام
وصالش شاه عالم اهل دین است	و و باراخ طلب سلطان بهرام

تاریخ وفات ظهیر الدوله خسرو شاه که در سال پانصد و پنجاه و پنج بوقوع آمد

بجنت یافت جای عیش عشرت	چو خسرو بادشاه اهل دنیا
عیان شد رحلت آن شاه عالی	ز محبوب الصمد اشاه معلی

قطعه تاریخ

چو خسرو شه اهل جاه و تمیز	شد از دهر در ملک خلد برین
ز سرور عجب رحلت پاک او	عیان گشت سلطان شه اهل دین
و و باراتئی سال ترحیل شاه	شده جاوه گر مهر علم یقین

تاریخ وفات خسرو ملک بن خسرو شاه که در سال پانصد و هشتاد و سه بوقوع آمد

ز دنیای دون خسرو خلد شد	چو خسرو ملک شاه اهل یقین
پی سال ترحیل آن بادشاه	بگو نیز اکبر اهل دین

قطعه تاریخ

بملک خلد آخر یافت شاهی	چو خسرو یافت نفاذ رکن الارکین
عجب تر بهر تاریخ وصالش	ز دل آمد ندا رکن الارکین

حصه چهارم در ذکر بادشاهان خاندان غوریه انار الله برهانهم

تاریخ وفات سلطان علاء الدین حسین جهان سوز که در سال پانصد و پنجاه و یک بوقوع آمد

رفت از دنیا بصد حسن و جمال	چونکه آن شاه دل آگاه حسین
سال تاریخ وصالش طرفه تر	هست محبوب جهان شاه حسین

تاریخ وفات سلطان غیاث الدین محمد غوری که در سال پانصد و نود و نه بوقوع

چون غیاث الدین محمد شاه غور	از جهان در خلد شد بی گفتگو
شاه صابر گو بسال رحلتش	نیز فرما بادشاه نیک رو

تاریخ وفات سلطان شهاب الدین المخاطب بعلاء الدین که در سال ششصد و دو بوقوع

علاء الدین چو از دنیا سفر کرد	بسال رحلت آن شاه والا
یکی سلطان علاء الدین سیرت	دگر میر علاء الدین معلی

بوصلش باد بر وی شد بهشت روشن	دو بار آفتاب حسن فزا
علاء الدین امیر حق طلب خوان	که گردد سال تاریخش هویدا

قطعه تاسع

شد ز دنیا چو در بهشت برین	شاه اهل هدی شهاب الدین
گوشه نامور بتاریخش	هم بخوان حق نما شهاب الدین

تاریخ وفات سلطان قطب الدین ایبک که در سال ششصد و هفت بوقوع آمد

کرد رحلت چو از جهان فنا	شد بجنت مقیم قطب الدین
سرور عالم است سالش نیز	بادشاه حلیم قطب الدین

تاریخ وفات سلطان شمس الدین التمش که در سال ششصد و سی و سه چار بوقوع آمد

شاه شمس الدین شه شمس اللقا	پرتو افگن شد چو در خلد برین
رحلتش هادی حق شمس الجمال	هم بخوان شمس العطا حامی دین

تاریخ وفات رکن الدین فیروز شاه غوری که در سال ششصد و سی و پنج بوقوع آمد

چو فیروز شاه جهان اهل جاه	ز دنیای دون یافت با حق وصال
بگو شاه رکن جهان رحلتش	دو بار از فیروز بحر الکمال

تاریخ وفات رضیه بیگم ملکه هند که در سال ششصد و سی و هشت بوقوع آمد

چون رضیه مهر حسن علاق	کرد رحلت ز دار حزن و ملال
ماه لا ثانی است ترحیلش	ملکه ملک جنت آمد سال

تاریخ وفات معز الدین بهرام شاه بن التمش که در سال ششصد و سی و نه بوقوع آمد

رفت در جنت ز دار بی ثبات	چون شه اهل زمین بهرام شاه
سال ترحیلش بگو اهل برات	بار دیگر پاک بین بهرام شاه

قطعه تاسع

شاه بهرام چون بفضل اله	شد ز دنیای دون بباغ جنان
شاه نور الوری بگو سالش	نیز بهرام میر عالم خوان

تاریخ وفات مسعود علاء الدین غوری که در سال ششصد و چهل و چار بوقوع آمد

چو مسعود شد با سعادت ز دهر	بتاریخ ترحیل آن نوجوان

یکی شاه مسعود محسن بگو ... دگر شاه مسعود جان جهان

تاریخ وفات سلطان ناصر الدین محمود شاه که در سال ششصد و شصت و چار بوقوع آمد

زد از الفناچو آنکه محمود رفت ... شه محمود جلوه گر زعلتش شد باه

ز عالی نسب ناصر اهل دین ... دگر بحر مواج محمود شاه

قطعهٔ ثانی

زد از دهر چون رخت سفر بست ... شه محمود حق آگاه عادل

عیان شد سن و سال ارتحالش ... ز سلطان زمانه شاه عادل

تاریخ وفات سلطان غیاث الدین بلبن که در سال ششصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

شه والا غیاث الدین بلبن ... بجنت یافت چون از دار دنیا

بسالش نیک خو از دل عیان شد ... دگر فرمود عاصی شاه دین دار

تاریخ وفات معز الدین کیقباد که در سال ششصد و هشتاد و نه بوقوع آمد

چون معز الدین شاه کیقباد ... رفت از دنیا بجنت شاد کام

داد گستر خوان بسال رحلتش ... هم معز الدین شاه نیکنام

حصهٔ پنجم در ذکر شاهان خلجیه انار الله برهانهم

تاریخ وفات جلال الدین فیروز شاه خلجی که در سال ششصد و نود و پنج بوقوع آمد

چو از دنیا بفردوس برین رفت ... جلال الدین حق آگاه فیروز

وصالش اصل دین شاه جهانگیر ... رقم کن نیز مولی شاه فیروز

تاریخ وفات سلطان علاء الدین خلجی که در سال هفتصد و پانزده بوقوع آمد

قدر اعلی یافت در خلد برین ... چون علاء الدین شه روشن ضمیر

مشفق صادق بگو تاریخ او ... نیز عابد زنده دل شاه کبیر

تاریخ وفات قطب الدین مبارک خلجی که در سال هفتصد و بیست و یک بوقوع آمد

چو قطب الدین مبارک شاه مقتول ... بجنت رفت از دنیای پر سم

عجب سال وصالش جست سرو ... ز قطب الدین مبارک قطب عالم

حصهٔ ششم در ذکر شاهان تغلقیه انار الله برهانهم

تاریخ وفات سلطان غیاث الدین محمد تغلق که در سال هفتصد و بیست و پنج بوقوع آمد

۱۷۲

چون غیاث الدین محمد شاه هند … شد ازین دنیای دون با درد و آه

از دل سرور بسال رحلتش … شد میان بحر المعانی بادشاه

تاریخ وفات سلطان محمد تغلق عادل شاه که در سال هفتصد و پنجاه و دو …

چون بصد درد و غم سفر ورزید … از جهان در جنان محمد شاه

سال وصالش شه ولایت خوان … نیز نور زمان محمد شاه

تاریخ وفات سلطان فیروزشاه بن سالار رجب تغلق که در سال هفتصد و نود …

چو فیروز شاه از جهان رخت بست … بجنت شده از جهان مثل ماه

شهنشاه صالح بگو رحلتش … دگر مالک ملک فیروز شاه

تاریخ وفات سلطان غیاث الدین تغلق که در سال هفتصد و نود و یک …

غیاث الدین تغلق شاه نامی … چو رفت از دهر سال رحلت آن

بخوان سرور رضیب حق شهنشاه … امیر المومنین شاه ابد دان

تاریخ وفات سلطان ابوبکر بن ظفرخان بن فیروز شاه که در سال هفتصد و نود …

جلوه گر شد چو در بهشت برین … شاه بوبکر ماه اهل فلاح

سال تاریخ رحلتش سرور … دان ابوبکر شاه اهل فلاح

تاریخ وفات ناصر الدین محمد شاه بن فیروز شاه تغلق که در سال هفتصد و نود …

ناصر دین محمد پادشاه … شد چو از دنیا سوی عقبی جایگیر

سال تاریخ وصالش طرفه تر … شد عیان منصور دین ماه منیر

حاکم منصور ناصر کن رقم … بار دیگر وصل آن روشن ضمیر

تاریخ وفات علاء الدین سکندر شاه تغلق که در سال هفتصد و نود و شش …

چون سکندر بادشاه اهل هند … رفت از دنیا باقلیم جنان

سرور امجد فخر باجاه گو … سال ترحیلش با قوال جهان

گو سکندر بادشاه حق طلب … هم سکندر شاه محبوب جهان

تاریخ وفات ناصر الدین محمود شاه بن محمد شاه تغلق ثانی که در سال هشتصد و پانزده …

ناصر دین چو شاه دین محمود … شد ز دار فنا بقصر سلام

شمع دین ناصر است تاریخش … جلوه گر گشت باز خلد مقام

حصه هفتم در ذکر پادشاهان خاندان سادات خضر خانیه

تاریخ وفات سید خضر خان بن سلیمان که در هشتصد و بست و چار بوقوع آمد

چو شد سید خضر خان بادشاه	ز دنیای فانی بجنت قریب
بگو خواجه دهر تاریخ او	دو بار اشهنشاه عالم حبیب

تاریخ وفات سید معز الدین ابو الفتح مبارک شاه که در سال هشتصد و سی و هفت بوقوع آمد

چو شد مظلوم زین دیر پر آفت	مبارکشاه و الا جاه مقبول
بسالش گو امین دهر بو الفتح	دگر والی دین سلطان مقتول

تاریخ وفات سلطان محمد شاه خضر خانیه که در سال هشتصد و چهل و نه بوقوع آمد

شد ز دنیا چو در بهشت برین	شاه روی زمین محمد شاه
گفت تاریخ رحلتش سرور	عارف اهل دین محمد شاه

تاریخ وفات سلطان علاو الدین عالم شاه که در سال هشتصد و هشتاد و سه بوقوع آمد

چو از دنیا بملک جاودانی رفت	علاو الدین حق بین شاه عالم
وصال با کمال آن شه دین	رقم شد ناصر الدین شاه عالم

حصه هشتم در ذکر پادشاهان خاندان سلطنت لودیه انار الله براهینهم

تاریخ وفات سلطان بهلول لودی که در سال هشتصد و نود و چار بوقوع آمد

چو اندر ملک جنت یافت شاهی	شه دین شاه حق آگاه بهلول
عیان شد حسن وصال انتقالش	ز حق آمد شاهنشاه بهلول

تاریخ وفات سلطان سکندر لودی که در سال نهصد و بست و سه بوقوع آمد

چون ز دار فنا سفر ورزید	یافت در خلد جا سکندر شاه
سال تاریخ رحلتش سرور	گفت ابر عطا سکندر شاه

تاریخ وفات سلطان ابراهیم شاه لودی که در سال نهصد و سی هجری بوقوع آمد

چونکه ابراهیم شاه اهل جاه	سوی جنت از زمانه جست راه
سال ترحیلش چو جستم از خرد	گفت شاه هند ابراهیم شاه

حصه نهم در ذکر شاهان چنگیزیه و تیموریه و چغتایان هند که شاهان مغلیه مشهور اند

آخرش چنگیز خان چون رخت بست	بعد قتل عام تاراج جهان

۱۷۴

گو وصالش قائل آل سبه | بازسیف قهر جغانی بخوان

تاریخ وفات هلاکو خان بن تولیخان بن چنگیز خان که در سال ششصد و شصت و سه بوقوع آمد

چون هلاکو شد هلاک از دست مرگ | زحلت آن پادشاه جان ستان
پادشاه ملک تبریز حرم آمده است | بازقتال کبیر است ای جوان

تاریخ وفات امیر تیمور گورگان که در سال هشتصد و هفت بوقوع آمد

چو تیمور از جهان رخت سفر بست | لبال رحلت آن شاه مسعود
خرد گفتا بگو تیمور سیاف | دگر مطلوب دین تیمور فرمود
بگو نیکو خصال و بازبرخوان | ز والا جاه شاهنشاه محمود

تاریخ وفات میران شاه بن تیمور که در سال هشتصد و بیست و پنج بوقوع آمد

از جهان فنا چو کرد سفر | شد بدار السلام میران شاه
عقل تاریخ انتقالش گفت | والی نیک نام میران شاه

تاریخ وفات سلطان محمد میرزا که در سال هشتصد و پنجاه و پنج بوقوع آمد

چو سلطان محمد امیر کبیر | بسوی جنان شد ز دار محن
بتاریخ ترحیل آن شاه دین | بگو حق طلب تا جدا از زمن

تاریخ وفات سلطان ابوسعید میرزا که در سال هشتصد و هفتاد و دو بوقوع آمد

چون شهید بر خدای عز و جل | رفت از دنیا بجنت بوسعید
بهر سال ارتحالش طرفه تر | گفت سرور میر ملت بوسعید

تاریخ وفات عمر شیخ میرزا که در سال هشتصد و نود و نه بوقوع آمد

پرتو افگن گشت بر اوج بهشت | چون عمر آن نور باده معدلت
جلوه گر شد سال وصل آن جناب | طرفه اهل جود شاه معدلت

تاریخ ولادت و وفات بابر بادشاه که ولادتش در سال هشتصد و هشتاد و هشت و وفات وی در سنه نهصد و سی و هفت بوقوع آمد

بادشاه دین امیر سلطنت | بابر آن عالی مکان عالی جناب
شمس ممتاز است تولیدش عیان | ظاهر آمد نیز تاج آفتاب
ارتحالش آفتاب جنت است | والی فیض است هم اندر جناب

۱۷۵

قطعهٔ ثانی	
چو بابر از جهان رخت سفر بست	تو سال رحلت آن اهل توقیر
ز شاهنشاه بابر اهل دل جو	دگر و الا قدر شاه جهانگیر
قطعهٔ ثالث	
شد چو از دنیا سجلد جاودان	شاه بابر بادشاه اهل جاه
گشت تاریخ وصال او عیان	بنده حق منیر بابر بادشاه

تاریخ ولادت و وفات نصیر الدین محمد همایون بادشاه که ولادتش در سال نهصد و سیزده و وفات در سنه نهصد و شصت و سه بوقوع آمد

کریم الخلق سلطان السلاطین	همایون شاه والا جاه اعظم
همایون صاحب تاج منور	بگو تولید آن شاه معظم
همایون ابر رحمت رحلتش دان	دگر شاه همایون تاج عالم
همایون رتبه مرد آمد وصالش	دگر نور بهشت هست ای مکرم

تاریخ ولادت و وفات جلال الدین محمد اکبر بادشاه غازی که ولادتش در سال نهصد و چهل و نه و وفات وی در سنه یکهزار و چهارده بوقوع آمد

آن جلال الدین اکبر بادشاه	سرور عالم شه برنا و پیر
سال تولیدش چو جستم از خرد	شد عیان منصور حق اکبر کبیر
حامی شفیق آمده تولید او	باز شاهنشاه دین اکبر کبیر
سیر دین رستم بخوان ترحیل آن	تفضل عدل آمد عیان باز از ضمیر
قطعهٔ ثانی	
چو اکبر شه اعظم ملک هند	ز دنیا العقبی شده جا گیر
بتاریخ ترحیل آن شاه دهر	بخوان تاج اجلال مهر منیر
قطعهٔ ثالث	
چون جلال الدین اکبر شاه هند	رفت از دنیا العقبی جست راه
زینت تاج و لوا اهل جلال	گو وصال آن شه عالم پناه
مبین شهنشاه ملک اکبر است	هم جلال تاج اکبر بادشاه

۱۷۶

قطعه رابع	
اکبر آن اهل دولت اکبر	شد ز دار الفنا بحسرت و آه
سال تاریخ رحلتش سرور	گو شهنشاه و شاه والا جاه

تاریخ ولادت و وفات نور الدین محمد جهانگیر بادشاه که ولادتش در سال نهصد و هفتاد و هفت و وفات در سنه یکهزار و سی و شش بوقوع آمد

جهانگیر جهان فضل الهی	جهانگیر آن شه با عز و توقیر
جهانگیر آفتاب حسن مولی است	کنی در باب تولیدش چو تقریر
وصال آن شه ذی رتبت خواه	ز نور علم نور الدین جهانگیر
بگفتن ظل الهی و الهی جود	بسال رحلت آن شاه تحریر
سخی ماند جهان گیر است وصلش	دگر نیکو شهنشاه جهانگیر
قطعه ثانی	
آن جهانگیر پادشاه جهان	آنکه وصفش برون ز تقریر است
سال تولید او اگر خواهی	سرور محترم جهانگیر است
سن وصلش اگر کنی تحریر	و الی پاک میر توقیر است
قطعه ثالث	
شاه نور الدین و شد دل سوی	عادل دین ثانی نوشیروان
شمس نور نور دین تولید او	باز فیاض یگانه شد عیان
بشنو دید اکرم اهل خلق	بهر سال ارتحال آن جوان

تاریخ ولادت و وفات شهاب الدین محمد شاه جهان پادشاه که ولادت در سال یکهزار و وفات وی در سنه یکهزار و هفتاد و شش بوقوع آمد

شاه والا مالک اقلیم هند	آن شهاب الدین شه دور زمان
اهل دل رستم قوی دل گفته ام	سال تولیدش بقول صالحان
رحلت آن بادشاه اهل جاه	شد عیان مشکلکشا شاه جهان
باز گو سال وصال آن جناب	نور اهل دین شهنشاه جهان
قطعه ثانی	

بعد وفات اکبر پادشاه ... [illegible] ... نور جهان بیگم ... [illegible]

بتخت هندوستان اجلاس کرد و تا سی و دو سال سلطنت کرده ... [illegible] اورنگ زیب پسر خود ... گشت و در حالت نظربندی وفات یافت و مزارش در آگره زیارتگاه خلق است ۱۲

به تقدیر آن قادر ذو الجلال	چو رفت از جهان آه شاه جهان
رقم کرد سرور بتاریخ او	شه اهل دین شاه شاه جهان
تاریخ ولادت و وفات ابو المظفر محی الدین اورنگ زیب عالمگیر بادشاه که ولادتش در سال یکهزار و بیست و هشت و وفات در سنه یکهزار و یکصد و هژده بوقوع آمد	
عاقل و عادل خبر گیر ای خلق	شاه عالمگیر اهل عز و جاه
فضل حسن و نیر مهتاب شرف	سال تولیدش عیان شد مشعل ماه
رحلت او هست غازی اهل دین	هم امیر تاج سلطان بادشاه
بازخوان سال وصال آن جناب	شاه با اسلام عالمگیر شاه
ذوالفقار آمد دگر وصلش عیان	از دل سرور رسید افسوس و آه
تاریخ ولادت و وفات محمد معظم شاه عالم بهادر شاه که ولادتش در سال یکهزار و پنجاه و سه و وفات در سنه یکهزار و یکصد و بیست و چار بوقوع آمد	
مهربان و بنده پرور اهل جاه	شاه عالم بادشاه مه لقا
حافظ دین گشت از سرور رقم	سال تولیدش بصد صدق و صفا
بار دیگر چو وصال پاک او	از شه دین شاه عالم بادشاه
تاریخ ولادت و وفات محمد معز الدین جهاندار شاه که ولادتش در سال یکهزار و هفتاد و دو و وفات در سنه یکهزار و یکصد و بیست و پنج بوقوع آمد	
معز الدین سلطان السلاطین	ولی هند و آلی شاه سرور
عیان گشت از دل من فیض آفاق	پی تولید او کردم چو تکرار
ز خوش دیدار ترحیلش عیان است	دگر منعم شهنشاه جهاندار
تاریخ ولادت و وفات جلال الدین محمد فرخ سیر بادشاه که ولادتش در سال یکهزار و نود و پنج و وفات در سنه یکهزار و یکصد و سی و یک بوقوع آمد	
نیک سیرت شاه دین فرخ سیر	حق نمای معدلت حق امتزاج
بادشاه حسن رستم شد رقم	سال تولیدش بلوح ابتهاج
سن ترحیلش باقوال صحیح	هست مصباح جهان فرخ مزاج
تاریخ ولادت و وفات ابو الفتح روشن اختر محمد شاه بادشاه که ولادتش در	

سال

سلطنت اجلاس کرده با مدد ذوالفقار [illegible] برادران خود فتحیاب گردید
امیر الامرای برادران [illegible] فرخ سیر گرفتار آمده مقتول
آخر الامر در دست [illegible] شاهزاده عظیم الشان
گشت [illegible] فرزند [illegible] عالمگیر است و بعد قتل
بن بهادر شاه بن عالمگیر بر تخت اجلاس کرده بحمایت
جهاندار شاه [illegible] سید عبدالله خان و سید حسین علی خان امیر الامرا
بادشاه گردید و شش سال بادشاهی کرده بعد
بگفته بعضی عاقبت اندیشان [illegible] قتل سادات
شد و بقتل رسید ۱۱۳۱

[illegible]

[illegible]

سال یکهزار و یکصد و چهار ده و وفات در سنه یکهزار و شصت و یک بوقوع آمد

حامی دین روشن اختر بادشاه
موج دریای سخا عین الیقین

سال تولیدش با وج عز و جاه
شد عیان مهتاب روشن جبین

شد عیان سلطان اعظم رحلتش
هم مه روشن محمد تاج دین

تاریخ ولادت و وفات مجاهد الدین ابونصر احمد شاه که ولادتش در سال یکهزار یکصد و چهل و وفات در سنه یکهزار و یکصد و هشتاد و چار یا هشت بوقوع آمد

مالک ملک هند و والی دهر
شاه ابونصر احمد عالی جاه

سال تولید آن شه عالی
گو جمال بهشت احمد شاه

سن ترحیل گر کنی ترقیم
از شهنشاه ملت احمد خواه

قطعه ثانی

چون بحکم ایزد قیوم و علام الخبیر
رفت نابینا ز عالم آه احمد بادشاه

رحلتش موصول مظلوم است ای فرزانگان
نیز عالم زیب شاهنشاه احمد بادشاه

تاریخ ولادت و وفات اعز الدین محمد عالمگیر ثانی که ولادتش در سال یکهزار و نود و نه و وفات در سنه یکهزار و یکصد و هفتاد و سه بوقوع آمد

بادشاه جهان اعز الدین
اهل تحریر و صاحب تقریر

صاحب فیض حق شود پیدا
سال تولید گر کنی تحریر

رفت چون از جهان بخلد برین
وصل آن بادشاه با توقیر

فضل ربانی است و پاک نظر
هم شهنشاه عالم عالمگیر

تاریخ ولادت و وفات سلطان جلال الدین عالی گوهر شاه عالم ثانی که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و چهل و وفات در سنه یکهزار و دو صد و بست و یک بوقوع آمد

مالک اقلیم دین فرمان روا
شاه عالم آن شهنشاه زمان

سال تولیدش خلیل ملت است
سیر فیض آمد دگر از دل عیان

شد چو از دنیا بفردوس برین
گفت هاتف از پی تاریخ آن

شاه عالم شمع نور حق بگو
شاه عالم رستم دینی بخوان

تاریخ ولادت و وفات ابوالنصر معین الدین اکبر شاه که ولادتش در سال

۱۷۹

[illegible]

یکهزار و یکصد و هشتاد و سه و وفات در سنه یکهزار و دو صد و پنجاه و سه بوقوع آمد

شاه اکبر معین دین بی — پادشاه جهان بفر و وقار
والی رتبه شاه دین ناصح — سال مولود او بخوان ای یار
کن رقم سن و سال رحلت او — شاه اکبر سراج پر انوار ۱۱۵۳
از خرد رحمت خدا اگر دید ۱۲۵۳ — سال تاریخ رحلتش اظهار

تاریخ ولادت و وفات محمد سراج الدین ابو ظفر بهادر شاه المتخلص بظفر که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و هشتاد و نه و وفاتش در سنه یکهزار و دو صد و هشتاد و ...

سرور اهل هند و عالی شان — بادشه بو ظفر مظفر هند
عقل فیاض مهربان فرمود ۱۱۸۹ — طرفه تولید آن مبشر هند
گفته اند هم ابو ظفر تاریخ ۱۲۷۹ — بهر تولید پاک سرور هند
بو ظفر کامل است ترحیلش ۱۲۷۹ — هم بفرما دگر مظفر هند

حصه دوم مشتمل بر قطعات تواریخ وفات شاهان متفرقات اهل هند وغیره تاریخ وفات سلطان علاء الدین حسن بهمنی پادشاه ملک دکهن در سال هفتصد و پنجاه و نه بوقوع آمد

چون حسن رحلت ازین عالم نمود — وصل شد با حق بفضل و ...
شاه جنت سال ترحیلش بگو ۷۵۹ — هم مقرب بحسن عالم حسن

تاریخ وفات سلطان محمد شاه بن حسن بهمنی که در سال هفتصد و هفتاد و شش بوقوع آمد

چون محمد شه زمین و زمان — رخت ازین دار دون بجنت داد
شاه ملت بگو بسالش نیز — اهل دل مرد دین محمد شاه

تاریخ وفات سلطان مجاهد شاه بن محمد شاه بهمنی که در سال هفتصد و هفتاد و ... بوقوع آمد

مجاهد شه آن والی تخت و تاج — چو از دار دنیا بجنت رسید
ز سرور بتاریخ او شد ندا — که اهل العطا بادشا شهید

قطعه ثانی

چو از دنیا شه ملک بقا شد — مجاهد شاه دین فرخنده آئین
ملک فطرت بگو تاریخ سالش — دگر شاه مجاهد میر حق بین

تاریخ وفات سلطان داود بن حسن بهمنی که در سال هفتصد و نود و ... بوقوع آمد

۱۸۰

چو داود آن شه ملک ولایت … ز دنیای دنی ترحیل فرمود
بتاریخ وصال آن شه دهر … رقم شد زیب دولت شاه داود

تاریخ وفات سلطان محمود بن حسن بهمنی که در سال هشتصد نود و نه بوقوع آمد

چو در اقلیم جنت یافت شاهی … جناب شاه حق آگاه محمود
رقم شد خاص حق تاریخ سالش … دگر مصرع معلی شاه محمود

تاریخ سلطان شمس الدین بن محمود بهمنی که در سال هشتصد و شانزده بوقوع آمد

رفت شمس الدین چو با عز و وقار … مثل چو بر اوج چرخ چارمین
سال وصلش نیر روشن بخوان … نیز شمس الدین امین اهل دین

تاریخ وفات فیروزشاه بن داود شاه بهمنی که در سال هشتصد و بیست و پنج بوقوع آمد

رفت چون فیروزشاه اندر بهشت … دل بسال وصل آن عالی لقا
گفت جنت آشیانی کن رقم … بار دیگر بادشاه اتقیا

قطعه ثانی

چو در زد بر عرش والا مقام … ز روی زمین شاه فیروزمند
ندا شد ز دل سال تاریخ او … که محبوب دین شاه فیروزمند

تاریخ وفات احمدشاه بن داودشاه بهمنی که در سال هشتصد و سی و هشت بوقوع آمد

چو در بزم احمد شد از دار دون … شه احمد آن بادشاه زمن
وصالش یکی خواجه اکبر بست … دو بار اشه ملت احمدی

تاریخ وفات سلطان علاء الدین بهمنی که در سال هشتصد و شصت و دو بوقوع آمد

چون علاء الدین شه والاهمم عالی مکان … قدر اعلی یافت از دنیا بملک جاودان
سال تاریخش علاء الدین چنین او گفته ام … هم علاء الدین الا شرف است اهل جهان

تاریخ وفات سلطان همایون ظالم بهمنی که در سال هشتصد و شصت و پنج بوقوع آمد

همایون ستمگار و اهل ستم … چو ناگه جوان مرگ رفت از جهان
وفاتش همایون بد مذهب است … دو بار اهمایون رنج خلق دان

قطعه ثانی

چونکه همایون شه اهل ستم … آنکه بکس داد ستم داد

گشت جوان مرگ دلم سال او	گفت بلا اهل ستم نامراد
تاریخ وفات سلطان نظام شاه بهمنی که در سال هشتصد و شصت و هفت بوقوع آمد	
رفت چو سلطان نظام از زمین	سال وصالش بصد آه و فغان
گلشن زینت ز دلم شد رقم	نیز جوان رفت جوان از جهان
تاریخ وفات سلطان شمس الدین محمد بن همایون بهمنی که در سال هشتصد و هشتاد و ...	
چو توانگر گشت و بخلد برین	چون محمد شاه شاه اهل جاه
گشت روشن سال تاریخش زوال	شمس یزدانی محمد پادشاه
تاریخ وفات محمود شاه بن محمد شاه بهمنی که در سال نهصد و بیست و چهار بوقوع آمد	
چون شه محمود سلطان جهان	از جهان بی بقا رحلت نمود
سال تاریخش دلم با حال او	گفت کج تا عاقبت اندیش بود
تاریخ وفات احمد شاه بن سلطان محمود که در سال نهصد و بیست و هفت بوقوع آمد	
چون شه تخت و تاج احمد شاه	در عدم گشت ناگهان معدوم
هست برگشته سال تاریخش	هم گرفت نبده مسموم
تاریخ وفات علاء الدین بن احمد شاه بهمنی که در سال نهصد و بیست و نه بوقوع آمد	
بشمشیر قضا و تیغ تقدیر	چو شد نسل علاء الدین مقتول
ندا شد بهر سال قتل آن شاه	زبهر ورشاه والا جاه مقتول
قطعه تاسف	
شاه دکن چو رفت ز دنیا بیاد خوش	با حال زار و صورت حیران ستم رسیده
یعنی که گشت قتل ز دست ستمگرانی	گفتم بسال قتلش سلطان ستم رسیده
تاریخ وفات شاه ولی الله بن محمود شاه بهمنی که در سال نهصد و سی بوقوع آمد	
گشت چون مقتول سلطان ولی الله آه	بی گنه بجرم و بی تقصیر بی رزوی
سال تاریخش بصد افسوس و حسرت گرد	گرو ولی الله مقتول وزیر بی ادب
تاریخ وفات شاه کلیم الله بن محمود شاه بهمنی که در سال نهصد و سی و شش بوقوع آمد	
چو از دنیا بجنت رفت مسموم	کلیم آن شاه شاه والا جاه معزول
رقم شد سن و سال انتقالش	که عالی جاه شاهنشاه معزول

۱۸۳

۱۸۳

ذکر خاندان سلاطین عادل شاهے

تاریخ وفات یوسف عادل شاه بیجاپوری که در سال نهصد و شانزده بوقوع آمد

یوسف مصر شهنشاهی چو او | از فنا بنهاد در جنت قدم
دل بسال ارتحالش طرفه تر | گفت حق بین یوسف مصر کرم

تاریخ وفات سلطان اسمعیل عادلشاه که در سال نهصد و چهل و یک بوقوع آمد

چون بصد اعزاز و اکرام از جهان | رفت اسماعیل اهل گذشت
سال تاریخش ز طبع روشنم | شد عیان مصباح نور معدلت

تاریخ وفات ابراهیم شاه بن اسماعیل عادلشاه که بسال نهصد و شصت و پنجم بوقوع آمد

شه چو ابراهیم از دار فنا | دل بسال رحلت آن اهل جاه
ماهتاب انور ابراهیم گفت | نیز سلطان میر ابراهیم شاه

تاریخ وفات سلطان علی بن ابراهیم شاه عادل که در سال نهصد و هشتاد و هشت بوقوع آمد

رفت از دار فنا سوی بهشت | چونکه آن اعلی علی عالی قدر
سال وصل اوست فیاض زمن | هم علی جنتی عالی قدر

قطعه ثانی

چونکه بشمشیر قضای اله | شاه علی میرزایان شد شهید
سال وصالش چو بجستم ز دل | گفت بگو شاه جهان شد شهید

تاریخ وفات ابراهیم عادلشاه ثانی بن طهماسب بن ابراهیم عادلشاه اول [illegible] بوقوع آمد

چو ابراهیم ثانی شاه ذی جاه | ز دنیا شد بخلد جاودانی
ندا آمد بسال انتقالش | که قطب الهند ابراهیم ثانی

ذکر سلطنت نظام شاهی بحری

تاریخ وفات نظام الملک احمد شاه بحری که در سال نهصد و چهارده بوقوع آمد

شاه احمد حامد ذات اله | شد چو از دنیا بفردوس برین
ذوق حق شد سال تاریخش عیان | هم گدای احمدی خاقان دین

تاریخ وفات برهان نظام الملک بن احمد شاه که در سال نهصد و شصت و یک

چون شه برهان شهنشاه جهان برهان دین | زین جهان پر بلا گردید در جنت مقیم

گر شهنشاه مکرم بو الفضایل کن رقم	رحلتش هم حب مولی شاه برهان الکرم

تاریخ وفات حسین نظام شاه بحری که در سال نهصد و هفتاد و دو بوقوع آمد

چون حسین از عالم دنیا برفت	هست تاریخش بقول اهل راز
اهل دین مرد چو آن دولت حسین	باز گو میر امارت بی نیاز

تاریخ وفات مرتضی نظام شاه بن حسین شاه که در سال نهصد و نود و شش بوقوع آمد

بلطف کردگار چون مرتضی شاه	بجنت شد روان با فضل مولی
بگو تاریخ او فیاض عادل	بخوان سرور دوباره فضل مولی

تاریخ وفات میران حسین بن مرتضی شاه که در سال نهصد و نود و شش بوقوع آمد

چون پدرکش آن شه میران بمرد	داد یکسر دین و دنیا را بباد
سال قتل او عیان شد از خرد	حیف بدبین پدرکش نامراد
بار دیگر نوجوان مقتول شد	هر سال رحلتش آمد بیاد

تاریخ وفات برهان نظام شاه بن حسین نظام شاه که در سال یکهزار و سه بوقوع آمد

نظام دین و دنیا شاه برهان	ز دنیا شد چو با صد عز و اقبال
بتاریخ وصال آن شه دهر	بگو برهان ملت بحر اجلال

تاریخ وفات ابراهیم نظام شاه بن برهان شاه که در سال یکهزار و سه بوقوع آمد

چو ابراهیم شد در جنگ مقتول	بجنت رفت ازین دهر دغا باز
بتاریخ وصال آن شه دهر	رقم شد رفت ابراهیم جا باز

ذکر خاندان سلطنت قطب شاهی

تاریخ وفات سلطان قلی قطب شاه که در سال نهصد و پنجاه بوقوع آمد

قطب شاه جهان چو از تقدیر	از جهان جست سوی جنت راه
گو ابو الفضل سال وصلش نیز	معدن جود قطب شاهنشاه

تاریخ وفات جمشید قطب شاه که در سال نهصد و پنجاه و هفت بوقوع آمد

شه جمشید حشم دولت پشه دهر	ز دنیا بر در جنت خود بجنت
وصال پاک او میر بهشت است	دگر قطب محسن میر ولایت

تاریخ وفات سلطان ابراهیم قطب شاه که در سال نهصد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

۱۸۵

چون ز دنیا سوی عقبی رخت بست — شاه ابراهیم شاه اصل جاه
سال وصل او ست فیاض جهان — نیز زیبا تاج ابراهیم شاه

تاریخ وفات محمد علی شاه بن ابراهیم شاه که در سال یکهزار و بیست و یک بوقوع آمد

محمد شاه رفت چون از دار فانی — وصال آن شه دین شاه فیاض
ز قطب فضل و فضل عام جستم — دگر باره ز ما سے جاه فیاض

تذکره شاهان گجراتی

تاریخ وفات مظفر شاه گجراتی که در سال هشتصد و چارده بوقوع آمد

چون مظفر ولی به فتح و ظفر — از جهان گشت و اصل جنات
تاج بهجت بخوان بتاریخش — هم بخوان اصل حاکم گجرات

تاریخ وفات سلطان احمد شاه گجراتی که در سال هشتصد و چهل و شش بوقوع آمد

شد چو احمد شه ولایت خلد — رحلت آن شه معلی جاه
اهل دل آل نصرت ست بخوان — نیز دولی دولت احمد شاه

قطعه ملسی

شد چو از دنیا بخلد جاودان — شاه دین احمد ولی اهل عروج
سال ترحیلش بسر ورشد عیان — تاج دین احمدی اهل عروج

تاریخ وفات محمد شاه بن احمد شاه گجراتی که در سال هشتصد و پنجاه و پنج بوقوع آمد

راهی جنت چو شد با عز و شان — آن محمد پادشاه والی تاج
سال تاریخ وصالش طرفه تر — دان محمد پادشاه والی تاج

تاریخ وفات قطب الدین بن احمد شاه که در سال هشتصد و شصت و سه بوقوع آمد

بجنت رفت از دنیای فانی — چو قطب الدین شه فرخنده آئین
بخوان دریای رحمت حلت او — دگر حبل المتین قطب السلاطین

تاریخ وفات محمود شاه بهنگره گجراتی که در سال نهصد و هفتده بوقوع آمد

چو شد محمود یان از دار دنیا — شه دهر محمود اندر جنان
وصالش بگو عزت و دولت است — شهنشاه محمود محسن بخوان

تاریخ وفات مظفر شاه گجراتی که در سال نهصد و سی و دو بوقوع آمد

مظفر چون ز دنیا رخت بربست — همه بگذاشت این سامان دولت

بسال ارتحال آن شه دین — بگو والا قدر سلطان دولت ۹۳۲

قطعهٔ ثانی

چون مظفر رفت بر اوج بهشت — گشت روشن در جهان مانند ماه

فضل ایزد گو وصال پاک او ۹۳۲ — بار دیگر خوان ابالیت دستگاه ۹۳۲

تاریخ وفات شاه اسکندر بن مظفر گجراتی که در سال نهصد و سی و دو بوقوع آمد

یافت اسکندر بجلد آب حیات — چونکه از دنیای دون آمد ستوه

رحلتش کردم بیان فضل حبیب ۹۳۲ — نیز اسکندر جوان دارا شکوه ۹۳۲

تاریخ وفات بهادرخان بن مظفرخان بادشاه که در سال نهصد و چهل و سه بوده

چون بهادر شاه زین دار فنا — رحلت آن پادشاه نامور

گو شهنشاه بهادر اهل دین ۹۴۳ — هم بهادر پادشاه بحر و بر ۹۴۳

تاریخ وفات محمود شاه بن شهزاده لطیف بن مظفر که در سال نهصد و شصت و یک بوقوع آمد

چون شهادت یافت محمود از قضا — سرخرو در جنت والا رسید

بو الفضائل گو بسال وصل او ۹۶۱ — هم بخوان عالی گهر شاه شهید ۹۶۱

قطعهٔ ثالث

چون شهادت رحمت نکو یافت — شاه محمود عاقبت مسعود

کاظم آمد عیان بتاریخش ۹۶۱ — هم دگر گنج معرفت محمود ۹۶۱

تاریخ وفات احمد شاه بادشاه گجراتی که در سال نهصد و شصت و نه بوقوع آمد

قتل گردید چو بی جرم شه احمد زمن — حق در خلد برین نام محمد بخشید

سال تاریخ وصالش دل غمدیده — واه واه طرفه بیان کرد که احمد بخشید

ذکر سلاطین مالوه مندو

تاریخ وفات دلاورخان حسین مالوی که در سال هشتصد و هشت بوقوع آمد

دلاور ز دنیا چو مسموم رفت — بفردوس شد همچو غرنده شیر

ز کامل بهشتی بجو رحلتش ۸۰۸ — دگر پادشاه دلاور دلیر ۸۰۸

تاریخ وفات هوشنگ بن دلاورخان که در سال هشتصد و سی و هشت بوقوع آمد

۱۸۷

شد چو بد بود و از جهان برملا	رفت در فردوس حق صاف شنگ
خواجه اکبر بگو تاریخ او	باز فرما شاه سیاف هوشنگ

تاریخ وفات محمد شاه غزنین مالوی که در سال هشتصد و سی و نه بوقوع آمد

چون بشمشیر جور اهل ستم	آن محمد جوان بقتل رسید
طرفه سال شهادتش سرور	گفت افسوس بادشاه شهید

تاریخ وفات سلطان محمود خلجی مالوی که در سال هشتصد و هفتاد و سه بوقوع آمد

چون ز دنیای دون بخلد برین	شد بناز و نعیم شه محمود
بانی خیر گو تا بار بخشش	نیز بحر کرم شه محمود

تاریخ وفات غیاث الدین خلجی مالوی که در سال نهصد و پنج بوقوع آمد

غیاث الدین چو شد مسموم و هلاک	بجنت رفت از دنیای پر شور
ز تاریخ دم بجو سال وصالش	دو بارا ماه تابان مطلع نور

تاریخ وفات ناصر الدین خلجی مالوی که در سال نهصد و شانزده بوقوع آمد

ناصر الدین چون بقتل کردگار	رومی خود در پرده عقبی بهشت
عقل سال ارتحالش طرفه تر	عمده دین ناصر و منصور گفت

تاریخ وفات سلطان محمود بن ناصر الدین که در سال نهصد چهل و یک بوقوع آمد

چون به تیغ جفا شهادت یافت	شاه محمود سرور مسعود
گفت تاریخ رحلتش سرور	شاه جا بناز عاقبت محمود

ذکر سلاطین فاروقی برهانپوری خاندیسی

تاریخ وفات ملک راجه برهانپوری که در سال هشتصد و یک بوقوع آمد

چون ملک سیرت آن ملک راجه	شد به ارجنان زینت ملال
رحلتش هست میر میران میر	کرت ثانی است نیک خصال

تاریخ وفات سلطان نصیر بن ملک راجه که در سال هشتصد و چهل و یک بوقوع آمد

اهل نصرت نصیر والاجاه	شاه دین با تمیز فاروقی
رفت چون رحلتش بگو مشتاق	هم نصیر عزیز فاروقی

تاریخ وفات میران عادل شاه فاروقی که در سال هشتصد و چهل و چهار بوقوع آمد

چون شهادت یافت میران بادشاه	سال وصل آن شه والاسعید
هست میران شاه مقبول جهان	بار دیگر قطب حق شاه شهید

تاریخ وفات مبارک شاه فاروقی که در سال هشتصد و شصت و یک بوقوع آمد

چون مبارک پادشاه دین پناه	رفت در جنت با علی مرتبت
رحمت باری رقم کن سال او	بار دیگر خوان سکندر منزلت

قطعه ثانی

چو سلطان المبارک شاه دیجا	بملک خلد اعلی گشت والی
عیان شد سن و سال انتقالش	ز سلطان المبارک شاه عالی

تاریخ وفات میران عینا عادل شاه فاروقی که در سال هشتصد و نود و هفت بوقوع آمد

ز دنیا رفت در خلد معلی	چو عادل شاه شاهان میر میران
رقم شد سال وصل آن شه دین	امین الدین سلطان میر میران

تاریخ وفات سلطان داود فاروقی که در سال نهصد و چارده بوقوع آمد

چون سفر ورزید با صد ...	از جهان شاه جهان داود خان
سال وصل آن شه والاهمم	هست سلطان زمان داود خان

تاریخ وفات عادل شاه اعظم همایون فاروقی که در سال نهصد و [illegible] بوقوع آمد

چو رفت از جهان میر عادل امیر	بخلد برین یافت جای امان
عیان شد ز دل سال ترحیل او	شهنشاه عادل امین جهان

تاریخ وفات میران محمد شاه فاروقی که در سال نهصد و چهل و دو بوقوع آمد

زین جهان سیر بالا برده شد	چون محمد شاه مقبول خدا
رحلتش عرش آشیانی گفته ام	هم محمد شاه دین شمس عطا

تاریخ وفات میران مبارک شاه فاروقی که در سال نهصد و [illegible] بوقوع آمد

چون مبارک رفت در دار البقا	رحلت آن شاه والامرتبت
گو مبارک سر در اقلیم دین	هم بخوان مسعود میر معدلت

تاریخ وفات میران محمد شاه بن مبارک شاه فاروقی که در سال نهصد و [illegible] بوقوع آمد

محمد چو بدرود شد از جهان	ز حق یافت مسکن بخلد برین

۱۸۸

[illegible]

۱۸۹

وضالش عیان شد ز دل فیض مند ۹۹۴ — د و بار ه شهنشاه ر و ی زمین ۹۹۴

تاریخ وفات راجه علی خان فاروقی که در سال یکهزار و پنج بوقوع آمد

راجه میران علی آن شاه دین — چون سلامت رفت در دار السلام
سال وصلش جو ز روشن ماهتاب — هم بخوان میران علی جنت مقام

تاریخ معزولی میران بهادر خان فاروقی که در سال یکهزار و هشت بوقوع آمد

چو آن نز دل بهادر شاه نامرد — بقید شاه اکبر دست خود بست
بمعزولی آن سلطان معقل — بگو تا اهل دولت داد از دست

تذکره شاهان پوربی شرقی

تاریخ وفات محمد بختیار اولین بادشاه و حاکم پورب که در سال ششصد و دو بوقوع آمد

چونکه آن بختیار صاحب بخت — از جهان جست سوی جنت راه
ماه روشن بگو تاریخش — باز سیر گنبد عالی جاه

تاریخ وفات فخر الدین المخاطب علاء الدین شرقی که در سال هفتصد و چهل و یک بوقوع آمد

چون بعبد عز و جاه فخر الدین — یافت در خلد رتبه عالی
هست مصباح مشرق تاریخش — باز بید است اسلم شرقی

تاریخ وفات علی علاء الدین مبارک شاه که در سال هفتصد و چهل و سه بوقوع آمد

چون با فضال خالق دو جهان — یافت در خلد جا علاء الدین
هست اهل بهشت تاریخش — نیز شمس العلی علاء الدین

تاریخ وفات حاجی الیاس المخاطب شمس الدین بنگاله که در سال ۷۵۹ بوقوع آمد

شمس دین چون بصورت خورشید — شد ز دنیا بر اوج خلد برین
شاه جنت بگو تاریخش — بار دیگر سراج شمس الدین

تاریخ وفات شاه اسکندر بن شمس الدین که در سال هفتصد و شصت و دو بوقوع آمد

چون سکندر گشت بر فوق سریر — روح پاکش شد بر اوج آسمان
شاه عالیشان بگو تاریخ او — هم جلال دین سکندر شاه خوان

تاریخ وفات غیاث الدین بن سکندر شاه شرقی که در سال هفتصد و هشتاد و پنج

سفر کرد چون شاه والا غیاث — بجنت ازین دار ناپایدار

رقم کن تباریخ مصباح خلد — دو بار انجوان صاحب اعتبار

تاریخ وفات سلطان السلاطین بن غیاث الدین که در سال هفتصد و هشتاد بوقوع آمد

بملک خلد آخر یافت شاهی — چو سلطان السلاطین فرخ آئین
عیان شد سن و سال انتقالش — ز سلطان السلاطین صحبت دین

تاریخ وفات سلطان شمس الدین ثانی که در سال هفتصد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

جلوه گر شد در بهشت داسئی — چونکه شمس الدین منور اهل دین
ارتحالش گشت روشن از خرد — طرفه شمس دین اکبر اهل دین

تاریخ وفات اجمل المحاطب سلطان جلال الدین که در سال هشتصد و دوازده بوقوع آمد

چون جلال الدین بفضل ایزدی — یافت با وصل خدا آخر وصال
هست بی تقصیر سال وصل او — نیز اهل تاج مرد دین جلال

تاریخ وفات سلطان احمد بن جلال الدین که در سال هشتصد و سی و هفت بوقوع آمد

رحلت بر بست چون بحکم قضا — از جهان شاه عاشق احمد شاه
ارتحالش بجو ز خاص الحق — هم بخوان شاه عاشق احمد

تاریخ وفات ناصر الدین شاه بهنگره که در سال هشتصد و شصت بوقوع آمد

چون بصد نصرت فود دنیای دنی — رفت ناصر شاه دین اندر جنان
سال وصل او بصد عز و قیاز — ناصر منصور حق آگاه خوان

تاریخ وفات سلطان باربک بن ناصر شاه که در سال هشتصد و هفتاد بوقوع آمد

چو شاه باربک با عز و اقبال — بجنت گشت روشن صورت ما
خرد بو نصر شاه باربک گفت — وصالش شاه طالب باربک شاه

تاریخ وفات یوسف شاه بن باربک شاه که در سال هشتصد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

یوسف دین بنی شاه جهان — زیب جنت شد چو با حسن و جمال
تعزیت دان سال وصلش طرفه تر — نیز بر حق یوسف مصر کمال

تاریخ وفات فتح شاه باربک که در سال هشتصد و نود و شش بوقوع آمد

یافت چون مفتاح جنت از خدا — فتح شد با فتح و نصرت در جنان
رحلت آن شاه کشمیر و بگو — همدگر ثانی اسکندر بخوان

190

باز دل سال وصالش طرفه‌تر — گفت مرد دین مفتاح جهان

تاریخ وفات اندیل حبشی المخاطب به فیروزشاه که در سال هشتصد و نود و نه بود

شد چو با فیروزی و لطف و خوشی — از جهان اهل عطا فیروزمند
سال تاریخ وصالش طرفه‌تر — هست فیروز حق‌نما فیروزمند

قطعهٔ ثانی

شاه فیروز آن شه اهل ظفر — شد چو در عرش برین فیروزمند
دل بسال وصل آن والامکان — گفت شاه مومنین فیروزمند

تاریخ قتل محمودشاه بن فیروزشاه که در سال نهصد و پنج بوقوع آمد

شاه محمود چون به تیغ جفا — گشت با وصل ایزدی موصول
سال تاریخ قتل آن مظلوم — هست محمود مسلمین مقتول

تاریخ وفات بدر حبشی مظفرشاه که در سال نهصد و نه بوقوع آمد

چو مقتول شد بدر اهل جفا — ز دنیای دون شد بصد حیف و غم
بتاریخ آن ظالم پرجفا — نداشد ز دل بدر ابر ستم

تاریخ وفات سلطان علاءالدین شریف مکی که در سال نهصد و بیست و هفت بوقوع آمد

چون سفر ورزید در دار البقا — از جهان اسعد علاءالدین شریف
سال تاریخ وصالش طرفه‌تر — شد بیان اسعد علاءالدین شریف

تاریخ وفات شاه نصیب بن علاءالدین که در سال نهصد و چهل بوقوع آمد

نصیب خود چو از خلد برین یافت — نصیب آن شاه دین فرخنده اعمال
بگو خوشحال سال رحلت او — دو بار افخر دنیا فخر اجلال

تاریخ وفات سلیمان خان افغان که در سال نهصد و هشتاد و یک بوقوع آمد

چون سلیمان ز دهر کرد سفر — با صد افسوس و حیف و حسرت و آه
فیض کامل بگو تاریخش — هم سلیمان سخی عالی‌جاه

تاریخ وفات داود خان بن سلیمان خان که در سال نهصد و هشتاد و نه بوقوع آمد

ز دست فوج اکبرشاه دهلی — چو شد بی حال آخر حال داود
بسال قتل او با حسرت و آه — رقم شد قتل شد اقبال داود

191

197

تذکره شاهان شرقی یعنی جونپور و بهار وغیره

تاریخ وفات ملک سرور خواجه جهان حاکم اول ولایت شرقی که در سال هشتصد و دو بوقوع آمد

گشت چون سرور ز بعد عز و وقار	سرور اقلیم فردوس برین
هست مجد و م همایون رحلتش	نیز سرور مالک اقلیم و دین

تاریخ وفات سلطان مبارک بن ملک سرور که در سال هشتصد و چار بوقوع آمد

مبارک یافت چون جای مبارک	ز دنیای دنی در خلد اعظم
وفاتش نصرت دین بار دیگر	ز سلطان مبارک میر عالم

تاریخ وفات سلطان ابراهیم شرقی بن ملک سرور که در سال هشتصد و چهل بوقوع آمد

شد ابراهیم ابراهیم رفت	چون ازین دنیا بگلزار جنان
وصالش ابراهیم اشرف کن رقم	شمس دولت یا نحی حق بین بخوان

تاریخ وفات سلطان محمود شرقی که در سال هشتصد و شصت و دو بوقوع آمد

یافت چون محمود محمود الخصال	از جهان بی بقا خلد برین
سال تاریخ وصالش طرفه تر	گفت سرور رستم محمود دین

تاریخ وفات سلطان محمد شاه شرقی که در سال هشتصد و شصت و سه بوقوع آمد

چون محمد شاه والا مرتبت	گشت آخر از عدم جنت نشین
شد رقم خان بهادر سال او	بار دیگر شد رقم جنت نشین

تاریخ وفات سلطان حسین بن محمود شرقی که در سال هشتصد هشتاد و سه بوقوع آمد

چون بحکم خالق هر دو جهان	خوش مسافر گشت زین عالم حسین
دل بسال رحلت آن بادشاه	گفت سرور محسن اسلم حسین

ذکر سلاطین سنده و ٹهٹه

تاریخ وفات عماد الدین محمد قاسم که در سال نود و شش بوقوع آمد

خواند بر کار و دین جان داد آخر	عماد الدین سرا یا حب مولی
عیب دنیی آمد ارتحالش	دلم گفتا دو بار احب مولی

تاریخ وفات سلطان ناصر الدین قباچه بیگ که در سال هشتصد و بست و شش بوقوع آمد

چون بصد نصرت بملک خلد رفت	ناصر الدین شاه ملت با صلاح

رحلتش نور علی نور است و نیز	ناصر دین نبی اهل فلاح

تاریخ وفات شجاع بیگ المشهور شاه بیگ ارغون که در سال نهصد و ... بوقوع آمد

چون بتقدیر خدای ذوالجلال	گشت راهی سوی جنت شاه بیگ
سال تاریخ وصالش از خرد	شد عیان سلطان دولت شاه بیگ

تاریخ وفات شاه حسین بن شاه بیگ که در سال نهصد و شصت و دو بوقوع آمد

چو منزل گزین شد بخلد برین	ازین دهر برچید دامان حسین
بعد حزن تاریخ وصلش بگو	امیر جهان تاج احسان حسین

تاریخ وفات میرزا عیسی خان ترکانی که در سال نهصد و هفتاد و پنج بوقوع آمد

همچو عیسی شد بچرخ چارمین	چون نکو آیین بسی عیسی ترکان
گفتم بحثش آمد وصال او ز دل	هم محب دین عیسی ترکان

تاریخ وفات سلطان محمود بهکری که در سال نهصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

چون برو گشتند از حد حملهای اکبر	سلطنت داد او خود اندر جهان محمود رفت
سال تاریخش بسر دوراز دل پر درد و غم	شد عیان محمود والی جهان محمود رفت

تاریخ وفات میرزا باقی ترخانی ترکانی بن شاه حسین که در سال نهصد و نود و سه

چو باقی بدار البقا رخت بست	بجز نام باقی نماند نشان
بتاریخ آن پهلوان شیرگیر	بیان شد ز سرور تهمتن زمان

تاریخ وفات میرزا جانی ترخانی برادر میرزا باقی که در سال یکهزار و نه بوقوع آمد

چو جانی داد جان خود بجان بخش	بجنت رفت با نیکوترین احوال
ز جانی فخر دنیا جو وصالش	دگر برگیر جانی فخر اجلال

ذکر سلاطین ملتان

تاریخ وفات سلطان قطب الدین لنگاهی ملتانی که در سال هشتصد و هفتاد و ...

قطب دین شاه زمان قطب جهان	قطب جنت شد چو با صد افتخار
خیر دین گو رحلت آن پادشاه	هم بخوان قطب السلاطین شهسوار

تاریخ وفات شاه حسین لنگاهی ملتانی که در سال نهصد و چار بوقوع آمد

چون ز دنیا یافت حسن عاقبت	شاه محسن صاحب حشمت حسین

۱۹۳

رحلتش فرما امین نیکو خصال ‏ هم حسن محسن جواند ولت حسین

قطعهٔ ثانی

بحکم خداوند ملک و ملک ‏ ز دنیای دون شد بجنت حسین
ز دل شد پی سال وصلش ندا ‏ که عالی مکان حسن دولت حسین

تاریخ وفات محمود بن فیروز بن حسین لنگاهی که در سال نهصد و سی و یک

ز دنیا رفت در خلد معلی ‏ چو آن محمود شاهنشاه معصوم
بتاریخش خرد فرمود سرور ‏ بگو شد شاه حق آگاه معصوم

ذکر شاهان کشمیر جنت نظیر

تاریخ وفات راجه رنجن دیو المخاطب سلطان صدر الدین که در سال هفتصد و بیست و هفت

ز دنیا چو بر صدر جنت نشست ‏ شه دین ولی صدر دنیا و دین
وصالش ز منصور ناصر بجو ‏ دگر مهربان صدر دنیا و دین

تاریخ وفات شاه میر شاه پادشاه کشمیری که در سال هفتصد و چهل و هفت بوقوع

سفر کرد چون شاه میر از جهان ‏ ز حق یافت در قصر فردوس جای
شود سال ترحیل او جلوه گر ‏ امیر جهانگیر اجل صفا

تاریخ وفات سلطان جمشید بن شاه میر که در سال هفتصد و چهل و هشت بوقوع آمد

چو آن جمشید دنیا شاه جمجاه ‏ شد از دست علی مجروح و مقتول
ز جنت سال ترحیلش بجستم ‏ دگر آمد بدو انقتول موصول

تاریخ وفات سلطان علی کشمیری که در سال هفتصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

علی اعلی لقب سلطان عالی ‏ چو با قدر معلی در جنان شد
ز عالی مرتبه جستم وصالش ‏ دگر باره شه جنت مکان شد

تاریخ وفات سلطان شهاب الدین کشمیری که در سال هفتصد و شصت و دو بوقوع آمد

ز دنیای دون یافت در خلد جا ‏ چو آن شاه دین اجل دولت شهاب
بتاریخ ترحیل او هاتفم ‏ بگفتا بخوان زیب جنت شهاب

قطعهٔ ثالثی

گشت چون سلطان شهاب الدین ‏ از جهان بر اوج جنت بهره یاب

سال تاریخش چو جستم از سروش	شد ندا از معقل دین پرور شهاب

تاریخ وفات سلطان قطب الدین کشمیری که در سال هشتصد و نوزده بوقوع آمد

چو قطب السلاطین ولی قطب دین	ز دنیای دون گشت قطب جنان
بتاریخ ترحیل آن اهل جاه	بگو قطب ملت بدیع الزمان

تاریخ وفات سلطان سکندر بت شکن کشمیری که در سال هشتصد و نوزده بوقوع

چو بگرفت با ذات خالق دو جهان	گشت موصول شاه اسکندر
والی بت شکن بگو تاریخ	نیز مقبول شاه اسکندر

تاریخ وفات سلطان علی بن سکندر بت شکن که در سال هشتصد و بست و شش بوقوع

علی شاه عاصی نسیب مهر دین	بخلد برین یافت جای قرار
بگو سال وصلش تو خاقان دین	دگر بار فرما علی شهسوار

تاریخ وفات شاهی خان مخاطب بزین العابدین که در سال هشتصد و هفتاد و هفت

چو آن ذو الکرم شاه زین العباد	سفر کرد بر آسمان از زمین
بوصلش بگو شمع زینت دگر	سعید زمان زینت العابدین

تاریخ وفات شاه حیدر کشمیری که در سال هشتصد و هفتاد و نه بوقوع آمد

چو با صد حسرت و افسوس آخر	ز دنیا شد جوان حیدر شهنشاه
بسال رحلت آن شاه عالی	ز دل آمد عیان حیدر شهنشاه

تاریخ وفات شاه حسن ولد حیدر شاه که در سال هشتصد و نود و سه بوقوع آمد

ز دنیا شد چو حسن بن وی فرد و کر	حسن آن شاه مرد با مروت
بگو با تسیفق سال رحلت او	دوباره خواه مرد با مروت

تاریخ وفات فتح شاه بن ادهم خان بن زین العابدین که در سال هشتصد و بست و

جوان مفتاح دین فتاح عالم	ز دنیا رفت در جنت خرامان
بسال ارتحال آن شه دین	دلم فرمود شاهنشاه دوران

تاریخ وفات محمد شاه بن شاه حسن در سال نهصد و چهل و چار بوقوع آمد

چون محمد ازین سرای عدم	رفت خندان سوی گلزار
فخر دین گو بسال ترحیلش	هم بنجوان آفتاب پر انوار

۹۵

قطعهٔ ثانی

جای خود ورزید در خلد برین	چون محمد آن شه روشن ضمیر
سال تاریخ وصالش سرورا	گو محمد شاه دین میر کبیر

تاریخ وفات سلطان شمس الدین بن محمد شاه که در سال نهصد و چهل و پنج بوقوع آمد

شد چو از عالم بصد عز و وقار	میر اکبر شاه شمس الدین سعید
محو دنیا گو وصال پاک او	بار دیگر شاه شمس الدین سعید

تاریخ وفات اسماعیل شاه بن محمد شاه که در سال نهصد و چهل و هفت بوقوع آمد

شاه والا جاه اسماعیل شاه	چون درین دنیای دون موهوم
رحلتش فیاض دانا شد رقم	بار دیگر از جهان معدوم گشت

تاریخ وفات نازک شاه بن محمد شاه که در سال نهصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

رستانه بملک جنت رفت	چون بگی بادشاه نازک تن
دانی فضل گو تاریخش	هم قوی بادشاه نازک تن

تاریخ وفات شاه چک غازی کشمیری که در سال نهصد و هفتاد و یک بوقوع آمد

چونکه غازی چک ازین فانی مقام	رفت با اعمال بد در دار الجزا
سال مرگ آن شه اهل ستم	ظالم بهت امیر باد یا کلک قضا

تاریخ وفات حسین شاه چک که در سال نهصد و هفتاد و هفت بوقوع آمد

زد دنیا چو شد با هزاران الم	حسین آن شه خوشناک اهل تشیع
تاریخ آن اهل جو به جنان	خرد گفت سفاک اهل تشیع

تاریخ وفات علی شاه برادر حسین شاه که در سال نهصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

چون علی اعلی مراتب بادشاه	از جهان با حسرت و غم آه رفت
سال تاریخش بطرز طرفه تر	٩٨٦ با تعم فرمود سیر و شاه رفت

تاریخ وفات یوسف شاه بن علی شاه که در سال نهصد و نود و ... بوقوع آمد

شد چو یوسف ازین سرای سپنج	در بقا زد قدم بپای ثبات
چشم زخم است رحلت آن شاه	هم دیگر بار رام الله رجات

١٩٦

۱۹۶

ذکر شاهان عثمانی سلاطین روم

تاریخ وفات امیر سلیمان ابو الآبای شاهان عثمانی که در سال ششصد و بیست و شش بوده

سلیمان چو بر تخت جنت نشست — بتاریخ او شد ندا از ضمیر
یکی قبلهٔ اهل جنت بگو — دگر سایهٔ حق سلیمان امیر

تاریخ ولادت و وفات سلطان عثمان بن طغرل بن سلیمان بادشاه اول از سلاطین عثمانی که ولادتش در ششصد و پنجاه و هفت و وفات در سنه هفتصد و بیست و شش بوده

امیر جهان بانی خاندان — شه دهر عثمان اهل کمال
بتولید آن شاه دولت پناه — زبیدار دولت بجو سن و سال
بتاریخ ترحیل او دین پرست — بخوان بار دیگر عدیم المثال

قطعهٔ ثانی

رفت چون عثمان چو عثمان در بهشت — سال وصل آن شه روی زمین
از دلم آمد عیان عثمان نجیب — گشت پیدا از شاهنشاه دین

تاریخ ولادت و وفات سلطان ارخان بن عثمان که ولادتش در سال ششصد و هشتاد و یک و وفات در سنه هفتصد و شصت و یک بوقوع آمده

شاه ارخان که ذات اقدس او — حامی دین مصطفی آمد
گشت رافت عیان بتولیدش — همدگر سایهٔ خدا آمد
مخزن دین بهست رحلتش دیگر — از خرد شاه مجتبی آمد

تاریخ ولادت و وفات سلطان مراد خان بن ارخان عثمانی که ولادتش در سال هفتصد و بیست و هشت و وفات در سنه هفتصد و نود و یک بوقوع آمده

شاه عالی شان مراد اهل دین — آنکه با ورشل او دیگر نزاد
گشت پیدا عارف دین بادشاه — طرفه تر تولید این نیکو نهاد
رحلت پاکش خرد با صد الم — گفت جان اهل جنت با مراد

تاریخ وفات سلطان بایزید یلدرم بن مراد خان که در سال ششصد و نود و پنج بوقوع آمد

بایزید آن شاه اهل عدل و داد — چون به تخت خلد اعلی رفت جا
رحلتش از دل عیان شد جان نثار — همدگر اهل صد امت با صفا

تاریخ وفات سلطان محمد خان عثمانی که در سال هشتصد و بیست و چهار بوقوع آمد	
چون محمد شاه والا جاه نیکو ذات	ازین زمانه روی بخود و در بر جنت بخفت
گفت دل تاریخ رحلتش که هر یک	همه گر شاه محمد شاه عالی جاه گفت
تاریخ ولادت و وفات سلطان مراد خان ثانی عثمانی که ولادتش در سال هشتصد و شش و وفات در سال هشتصد و هشتاد و شش بوقوع آمد	
مراد آن شه رستم دین حق	امیر زمین صاحب عقل و داد
خداوند عالم عجب طرفه تر	تولید آن شاه آمد بیاد
شد از دل بتاریخ ترحیل او	ندا شیر دل پهلوان با مراد
تاریخ وفات سلطان بایزید ثانی عثمانی که در سال نهصد و هژده بوقوع آمد	
چو سلطان بایزید آن شاه ذیجاه	شد از اهل جهان سرو ارجنت
رفیع المنزلت گو ارتحالش	دگرباره بخوان سرو ارجنت
قطعه ثانی	
چون بایزید صاحب اکرام تخت و تاج	زین دهر رخت بست و بملک جنان رسید
جستم چو سال رحلت او از سپهر غیب	گفتا بگو که منبع اخلاص بایزید
تاریخ وفات سلطان سلیم عثمانی که در سال نهصد و بیست و شش بوقوع آمد	
سلیم از جهان چونکه بدرود شد	سلامت روان شد بخلد عظیم
رقم کن ترحیل او اهل فیض	دگر تاج اسلام میر سلیم
تاریخ وفات سلطان سلیمان خان عثمانی که در سال نهصد و هفتاد و چهار بوقوع آمد	
سلیمان چون بملک جاودان رفت	بسال وصل یار حق سلیمان
ولایت منزلت با فضل و دین گر	دوباره دوستدار حق سلیمان
تاریخ ولادت و وفات سلطان سلیمان خان ثانی عثمانی که ولادتش در سال نهصد و بیست و نه و وفات در سنه نهصد و هشتاد و دو بوقوع آمد	
سلیمان جاه سلطان شاه عالی	که بود از غیر حق مامون و مصئون
بلند اقبال و الا شان تولید	که آمد راست در تاریخ مضمون
ز هر سال ترحیلش رقم کن	ثریا جاه سلطان همایون

تاریخ وفات مراد خان ثالث که در سال یکهزار و چار هجری بوقوع آمد

چون مراد از حق مراد خویش یافت … رخت خود در جنت و الا نهاد
جامع فیض است سال وصل او … بار دیگر خان عادل با مراد

تاریخ وفات محمد خان ثالث عثمانی که در سال یکهزار و سیزده بوقوع آمد

چو در بزم محمد رفت خرسند … محمد با وقار صاحب عدل
محمد ز اکرام وصل او نیز … محمد شهریار صاحب عدل

تاریخ وفات سلطان احمد اول که در سال یکهزار و بست و نیم یا بست و شش بوقوع آمد

رفت چون احمد به بزم احمدی … از جهان پر بلا بربست بار
تاج برکت گو وصال پاک او … بار دیگر نور احمد شهریار

تاریخ قتل سلطان عثمان ثانی که در سال یکهزار و سی و دو بوقوع آمد

چو عثمان یافت چون عثمان شهادت … بوصل وصل حق گردید موصول
بتاریخش بخوان فیاض عالم … دگر باره قوی دل شاه مقتول

تاریخ وفات مراد خان چهارم عثمانی که در سال یکهزار و چهل و نه بوقوع آمد

چون ز دنیا مراد جنت یافت … مرد دین با سخاوت اهل مراد
سال تاریخ وصل او سرور … هست شهباز جنت اهل مراد

تاریخ شهادت سلطان ابراهیم عثمانی که در سال یکهزار و پنجاه و هشت بوقوع آمد

چو نکه زین کلبه ملال و الم … خوش بجنت رسید ابراهیم
سال وصلش شد از دلم پیدا … مهر لقا شد شهید ابراهیم

تاریخ ولادت و وفات سلطان سلیمان ثانی که ولادتش در سال یکهزار و پنجاه و دو و وفات در سنه یکهزار و یکصد و سه بوقوع آمد

سلیمان چو با حشمت و عز و جاه … بعرش برین شد ز فرش زمین
بتاریخ ترحیل آن پادشاه … بگو منزل او بهشت برین

قطعه ثانی

سلیمان اهل تاج و قیصر روم … که شد یاور او اقبال و دولت
ز دولت خواه تولیدش بجستم … که شد حاصل مرا سالش سلامت

یکی جاریست از دل منبع فیض — دگر اخلاص کیش آمد ولادت

بر سبیل پاک آن سلطان بقم کرد — شمال گلشن اقبال و جنت

تاریخ وفات سلطان احمد خان ثانی عثمانی که در سال یکهزار و یکصد و شش بوقوع آمد

احمد آن عابد خدای کریم — یافت آخر به بزم احمد جا

اعظم الدین بگو تاریخش — منبع فیض احمدی فرما

قطعهٔ ثانی

رفت در بزم احمدی آخر — احمد آن پادشاه عالیشان

سال تاریخ آن شه والا — حافظ دین احمد است عیان

تاریخ وفات محمود اول عثمانی که در سال یکهزار و یکصد و شصت و هفت بوقوع آمد

چون شه محمود محمود الخصال — رفت از دنیا بخلد جاودان

رحلتش محمود طلق الحق بگو — اصل نعمت عاقبت محمود خوان

قطعهٔ ثانی

اصل مجامد شه محمود دین — گشت چو زین دهر بجنت روان

سال وصال دل پر درد من — گفت که محمود بهشت آشیان

تاریخ وفات عثمان ثالث که در سال یکهزار و یکصد و هفتاد و دو بوقوع آمد

شاه عثمان شه ولایت دین — شد ز دنیا بجنت الاعظم

سال تاریخ آن شه والا — هست عثمان دین شه عالم

تاریخ وفات سلطان مصطفی خان ثالث که در سال یکهزار و یکصد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

مصطفی چون آن شه گردون مکان — یافت در خلد معلی مدعا

رحلتش روشن شد از اوج خرد — نور دین جای شرع مصطفی

تاریخ وفات عبدالحمید خان عثمانی که در سال یکهزار و دوصد و سه بوقوع آمد

چو سلطان دین شاه عبدالحمید — مکان یافت در خلد و بنیاد هشت

بتاریخ ترحیل آن میر دین — بگو زیب دین پادشاه بهشت

تاریخ وفات سلطان محمود ثانی عثمانی که در سال دوصد و پنجاه و پنجم بوقوع آمد

شاه محمود آن حمید العاقبت — چون ز دنیا یافت معراج بهشت

[illegible]

۳۰۰

[illegible]

سال وصل اوست منظور جهان ۱۲۵۵ — بار دیگر جلوه تاج بهشت ۱۲۵۵

تاریخ ولادت و وفات سلطان عبد المجید خان عثمانی که ولادتش در سال یکهزار و دوصد و سی هشت یا سی نه و وفات در سنه یکهزار و دوصد و هفتاد و هفت

ولی اهل سیف و قلم پادشاه — شهنشاه عبد المجید سعید
شده چشمه فیض تولید او ۱۲۳۸ — وصالش ز بحر سخاوت بدید ۱۲۳۸
دوباره وصالش نکو اختر است ۱۲۳۸ — دگر غازی الدین عبد المجید ۱۲۳۸

قطعه ثانی

شاه عبد المجید والا جاه — آنکه مثلش نبود کس زین پیش
سال تولید آن شه والا — هست عبد المجید خیر اندیش ۱۲۳۹
بازجستم ز مظهر اسلام ۱۲۷۷ — سال ترحیل آن سعادت کیش
خان عبد المجید عالی شان ۱۲۷۷ — رحلتش گفت طبع روشن خیش

ذکر شاهان سور افغان

تاریخ ولادت و وفات شیرشاه بادشاه دهلی که ولادتش در سال هشتصد و هفتاد و هفت و وفات در سنه نهصد و پنجاه و دو بوقوع آمد

شیرشاه شیر دل شیر دلیر — شیر دین شیر جوان بخت جوان
بر زمین چون جلوه گر شد مثل ماه — شمع زینت شد بتولیدش عیان ۸۷۷
سال وصل او عیان شد از خرد — بادشاه شیر دل اهل جهان ۹۵۲
باز شد روشن ز دل حور بهشت ۹۵۲ — رحلت آن شاه دین جنت مکان

تاریخ ولادت و وفات اسلام شاه بادشاه هند که ولادتش در سال نهصد و ... و وفات در سنه نهصد و شصت بوقوع آمد

شهنشاه اسلام اسلام شاه — که برا برج دین بود چون آفتاب
ز بحر الکرامت شود جلوه گر — بتولید او گر شمار حساب
ز دل سال ترحیل او شد عیان — شهنشاه اسلام عالی جناب

تذکره شاهان ایرانی و کابلی

تاریخ وفات شاه طهماسپ شاه ایرانی که در سال نهصد و هشتاد و چهار بوقوع آمد

ازین دار فنا رخت سفر بست | چو طهماسب شه ذیجاه ایران
بتاریخ وصال او ز سرور | رقم شد شاه عالی شاه ایران

تاریخ وفات نادرشاه ایرانی که درسال یکهزار و یکصد و شصت بوقوع آمد

چابر دهر شاه نادرشاه | بود لشکرکش مثال قهر خدا
گفت تاریخ رحلتش سرور | سیف اهل جلال قهر خدا

تاریخ وفات احمدشاه بادشاه درانی که درسال یکهزار و یکصد و هشتاد و چهار بوقوع آمد

احمد آن غازی دین احمدی | شد چو در جنت بالطاف خدا
رحلتش محبوب حق غازی بگو | هم بخوان خورشید دین آئی باصفا
باز جستم رحلت پاکش ز دل | شاه احمد بادشاه القیا
طالب الله غازی محبوب دان | رحلت آن شاه با حلم و حیا

تاریخ وفات تیمورشاه بن احمدشاه درانی که درسال یکهزار و دو صد و هفت بوقوع آمد

ز دنیای دون شد بخلد برین | چو آن شیر تیمور بحر کمال
بتاریخ ترحیل او طرفه تر | بخوان شیر تیمور بحر کمال

تاریخ وفات شاه شجاع الملک که درسال یکهزار و دو صد و پنجاه و نه بوقوع آمد

رفت از دنیا بجنات النعیم | چون شجاع الملک دولت اهل حق
گفت تاریخ وصال او خرد | گو شه اهل شجاعت اهل حق

تاریخ وفات امیر دوست محمدخان بارکزی که درسال یکهزار و دو صد و هفتاد و نه

رفت در بزم محمد در جنان | چون محمد دوست با صد آگهی
از سر افسوس سال وصل اوست | با محمد دوست شیر حقی

حصه دهم مشتمل قطعات تاریخ وفات امرا و وزرای بادشاهان هند و دیگر فرمانروایان صوبه جات
تاریخ وفات آصف خان غیاث الدین ولد بدیع الزمان قزوینی وزیر باتدبیر
اکبر بادشاه که درسال نهصد و هشتاد و سه بوقوع آمد

سفر چون کرد از دنیا غیاث الدین جاه | بجنت یافت جای خویش اندر قرب جانی
عیان شد گنج فضل الٰهی هاتف غیب شاه | دگر آمد ندا از دل وزیر آصف ثانی

تاریخ وفات ا... امیر شیر اکبرشاه که درسال نهصد و نود و چهار بوقوع آمد

۲۰۳

بپوشید روی خود از روی مهر / چو آن رائجه بحر و بر بیر ما بر
بگو سال ترحیل ممتاز وقت / دگر مرد عالی گهر بیر ۹۹۴

تاریخ وفات بیرم خان که وزیر و اتالیق اکبر شاه که در سال نهصد و شصت و هفت

چو بیرم ز دار فنا رخت بست / بلطف خدا شد بدار السلام
بگو ذو الکرم سال تاریخ او / بفرما دگر خان اقدس مقام

تاریخ وفات ابو الفیض فیضی شاعر عهد اکبر بادشاه که در سال یکهزار و دو بوقوع آمد

ابو الفیض که متخلص بفیضی است / که ملک علم دنیا بود و ابا لی
ز دل فیاض عام آمد و صالش / همایون فیض و هم فیاض عالی

تاریخ وفات نواب بهادر خان که در سال یکهزار و ده هجری بوقوع آمد

آن بهادر خان وزیر اکبری / بود عالی مرتبت عالی مکان
گشت سال انتقالش از خرد / شده نیکو بهادر خان عیان

تاریخ وفات شیخ ابو الفضل امیر اکبر شاه که در سال یکهزار و یازده بوقوع آمد

حضرت ابو الفضل فضل اهل فضل / فاضل افضل امیر با کمال
صاحب فضل آمده تاریخ او / بار دیگر فاضل اهل جلال
بر ملا فیاض عالی جاه گفت / عقل بعد از نقل او تاریخ سال

تاریخ وفات نواب احتشام خان بن قطب الدین خان بن خواجه سلیم چشتی که در سال یکهزار و

چو آن محتشم احتشام جهان / ز حق یافت در خلد والا مقام
تاریخ او آمد از دل ندا / امین اهل دل صاحب احتشام

تاریخ وفات خانخانان مهابت خان امیر شاه جهانی که در سال یکهزار و چهل و پنج بوقوع آمد

مهابت خان خانان خان والا / بآخر رفت از دنیا بجنت
بگو ذی القدر سال رحلتش نیز / دو بار ا یار سپهر عنایت

تاریخ وفات آصف خان ابو الحسن طهرانی برادر نور جهان بیگم که در سال یکهزار و

ابو الحسن آصف امیر با وقار / بما قلست و عالم است و عاقل است
فضل عالم است تاریخش دگر / خان والا ابو الحسن آصف دل است

تاریخ وفات نواب وزیر خان مرحوم که در سال یکهزار و پنجاه و چهار بوقوع

بدربار جنت چو شد باریاب — وزیر امین میر روشن ضمیر
بتاریخ ترحیل او شد عیان — معلی تکمیل وزیر شهیر

تاریخ وفات نواب سعد الله خان وزیر که در سال یکهزار و پنجاه و شش بوقوع آمد

یافت ملک خلد از دربار حق — چونکه بعد از وصل سعد الله خان
رحلتش شمع مروت کن رقم — نیز صاحب عدل سعد الله خان

تاریخ وفات نواب علی مردان خان که در سال یکهزار و شصت بوقوع آمد

امیر صاحب حشمت شیر صاحب دولت — ثنا گوئی علی و مرد حق آگاه مردان خان
سفر چون کرد از دار فنا سوی بقا آخر — خرد فرمود تاریخش که مالیجاه مردان خان

تاریخ وفات آصف جاه الهوردی خان ترکمان که در سال یکهزار و شصت و هشت بوقوع آمد

چون الهوردی امیر با صفا — رفت از دنیا بخلد جاودان
گشت سال ارتحالش جلوه گر — طالب یکدل امیر ترکمان

تاریخ وفات امیر نصرت جنگ که در سال یکهزار و هفتاد بوقوع آمد

امیر غازی میدان جنگ نصرت خان — که بود حمله تیغش بجنگ مثل نهنگ
چو خورد ضربه تیغ فنا ز دست اجل — ندا شد از دل سروز امیر نصرت جنگ

تاریخ وفات سید اسلام خان وزیر شاهجهان که در سال یکهزار و هفتاد و چهار بوقوع آمد

چون بحکم حق ز چشم اهل خلق — شد نهان اسلام فضل ایزدی
رحلتش گو عارف جنت کریم — هم بخوان اسلام فضل ایزدی

تاریخ وفات امیر خان میر میران که در سال یکهزار و هفتاد و هشت بوقوع آمد

میر میران چو از عطای خدا — شد ز دنیا بخلد بی تعلیل
خواجه جنتی است تاریخش — هم بخوان میر عادل ابن خلیل

تاریخ وفات میر خلیل الله خان ولد میر میران نعمت الله خان که در سال یکهزار و هشتاد و هفت بوقوع آمد

داخل جنت چو شد با عز و شان — میر دین واقف خلیل الله خان
میر نعمت قبله عالم آمده است — رحلتش عارف خلیل الله خان

تاریخ وفات شایسته خان ابوطالب آصف خان طهرانی که در سال یکهزار و هشتاد و هفت بوقوع آمد

میر شایسته چو آن شایسته کار — رفت از دنیا بخلد جاودان

سال تاریخش رضا مولی بگو	زنده دل شایسته یارست ایجوان

تاریخ وفات امیر عالمگیری محرم خان که در سال یکهزار و یکصد و ده بوقوع آمد

چونکه محرم بتفضل ربانی	از جهان یافت در بهشت مکان
سال تاریخ رحلتش سرور	کن رقم نیک نام محرم خان

تاریخ وفات خیر اندیش خان کنبو امیر شاهجهانی که در سال یکهزار و یکصد و هژده

خیر اهل خیر خیر اندیش خان	یافت از دنیا چو با حق اتصال
ارتحالش طرفه در خلد جنت است	خیر دین مرد است هم تاریخ سال

تاریخ وفات دانشمند خان المشهور میر نعمت خان المتخلص بعزت محمد شیرازی که در یکهزار و یکصد و نوزده

ز دنیای دون شد بخلد معلی	چو یار یکبین نکته دان میر نعمت
بتاریخ ترحیل آن میر عالی	رقم گشت میر جهان میر نعمت

تاریخ وفات اعتقاد خان وزیر جهاندار شاه که در یکهزار و یکصد و بیست و پنج بوقوع آمد

اعتقاد از اعتقاد پاک خویش	شد چو از دنیا بجنت رو نهاد
سال ترحیلش چو جستم شد عیان	نیر والا امیر اعتقاد
باز تاریخش خلیل مجتبی است	هم سخی مجتبی آمد بیاد

تاریخ وفات اسد خان وزیر عالمگیری که در سال یکهزار و یکصد و بیست و شش بوقوع آمد

رفت زین ویرانه فانی بخلد	چونکه آن والا اسد خان شیر دل
مقتدا اشرف بگو تاریخ او	بار دیگر شیر یزدان شیر دل

تاریخ وفات حسین علیخان شهید که در سال یکهزار و یکصد و سی و سه بوقوع آمد

چون حسین آن حسن ورزمان	رفت از دار فنا با نیک خو
گشت تاریخ وصال او عیان	شیخ اکبر هم شهید خوبرو

تاریخ وفات نواب محمد امین خان نقشبندی که در سال یکهزار و یکصد و سی و سه

چون محمد امین امین الله	شد ز دنیای دون بخلد مقیم
سال تاریخ رحلتش سرور	گو محمد امین سخی کریم

تاریخ وفات عنایت الله خان بهادر وزیر عالمگیر که در سال یکهزار و یکصد

میر عالم عنایت الله خان	شد بجنت چو از جهان جا گیر

۲۰۵

سال توصیل آن ذوالاکرام	هست صاحب وزیر باتدبیر ۱۱۳۰
باز تاریخ رحلتش فرما	شمس عالم وزیر عالمگیر ۱۱۳۰

تاریخ وفات نواب سید محمد قطب الملک که درسال یکهزار و یکصد و سی و نهصت بوقوع آمد

چو قطب الملک عبد الله محمد	بجنت شد ز دنیا اتصالش
غلام الله و فضل المومنین خوان ۱۱۳۰	محمد ذی القدر سال وصالش ۱۱۳۰

تاریخ وفات معتمد الدوله اسحاق خان که درسال یکهزار و یکصد و پنجاه بوقوع آمد

چون بحکم خالق اهل جهان	شد ز دنیا در جنان اسحاق خان
از نظر تاریخ ترحیلش بجو	هم بخوان رکن جهان اسحاق خوان

تاریخ وفات صمصام الدوله محمد عاصم خان دوران که درسال یکهزار و یکصد و پنجاه

چون ز دنیا رفت عاصم دهر	عقل تاریخ او که شایان است ۱۱۵۱
گفت مشتاق بر حق هست اول ۱۱۵۱	باز دلدار خان دوران است

تاریخ وفات امیر محمد امین المخاطب برهان الملک سعادت خان که درسال یکهزار و

چو از دهر شد سوی جنت روان	محمد امین میر روشن ضمیر
بتاریخ ترحیل او طرفه تر	بخوان با سعادت امین شهیر ۱۱۵۰

تاریخ وفات ذو الفقار الدوله نجف خان صفوی که در یکهزار و یکصد و پنجاه و شش بوقوع آمد

ذو الفقار آن صاحب سیف و قلم	یافت چون از حق بدار خلد بار
مصر افضل گو وصالش طرفه تر ۱۱۵۶	باز جو سالش ز والا ذو الفقار ۱۱۵۶

تاریخ وفات نواب قمر الدین خان وزیر محمد شاهی که درسال یکهزار و یکصد و شصت و

شد ز دنیا چو در بهشت برین	قمر الدین وزیر نیک اختر
سیر افضل بگو تا ربخش	نیز بحر کمال رشک قمر ۱۱۶۱

تاریخ وفات ظفر خان امیر محمد شاهی که درسال یکهزار و یکصد و شصت و سه بوقوع آمد

روشن الدوله ظفر خان باظفر	شد چو از دنیا بجنت بار یاب
دال بسال ارتحالش طرفه تر	گفت روشن حامی دین آفتاب ۱۱۶۳

تاریخ وفات اسد یار خان المتخلص بانسان که درسال یکهزار و یکصد و شصت و دو

چون سفر ورزید از دنیا اسد	رفت مثل شیر در خلد برین

۳۰۶

[illegible]

ارتحالش شیر دل شیر حق است	بار دیگر جو ز خیر الاکرمین

تاریخ وفات آصف خان نظام الملک قمر الدین صوبه دار که در سنه ... بوقوع آمد

ناظم دین نظام اهل جهان	شد ز دنیا چو در بهشت برین
سال تاریخ رحلتش سرور	هست اهل جمال ناظم دین

تاریخ وفات ابو منصور صفدر جنگ صوبه اوده که در سنه ... بوقوع آمد

میر منصور چون بصد نصرت	گشت روشن بخت پر نور
دل بتاریخ رحلت پاکش	گفت عادل سخی ابو منصور

تاریخ وفات میر معین الملک المشهور میر منو صوبه لاهور که در سنه ... بوقوع آمد

معین جهان میر والاصفات	چو شد از جهان در بهشت برین
شد از دل تا تاریخ ترحیل او	عیان بنده خاص میر معین

تاریخ وفات نواب بگهاری خان مرحوم که در سنه ... هجری بوقوع آمد

سید دین حق بگهاری خان	شد بخلد برین چو از عالم
گفته ام شیخ پارسا تاریخ	کرده ام زینت بهشت رقم
ارتحالش سراج فضل آمد	سید معنی است ای همدم

تاریخ وفات شجاع الدوله جلال الدین حیدر که در سنه ... هجری بوقوع آمد

شجاع شیر دل مردانه دهر	بفضل حق ز دنیا شد بجنت
بتاریخ وصال او رقم کن	امین الله مرد با شجاعت

تاریخ وفات حافظ جمال الدین المشهور حافظ لدها که در سال ... هـ بوقوع آمد

حافظ قرآن جمال اهل دین	شد چو از دنیای دون با عز و جاه
حق نما حافظ بگو تاریخ او	بار دیگر حافظ عالم پناه

تاریخ وفات نواب آصف الدوله محمد یحیی که در یکهزار و دو صد و دوازده بوقوع آمد

آصف ثانی و سلیمان جاه	شد چو واصل بقرب یزدانی
گفت تاریخ رحلتش سرور	با صفا شاه آصف ثانی

تاریخ تقرر حکومت رنجیت سنگه در لاهور که در یکهزار و دو صد و شانزده بوقوع آمد

جوان و جوان بخت رنجیت سنگه	شد ملک پنجاب با عز و فر

[illegible]

چو بر شهر لاهور شد و غلیاب — بگو سال اجلاس اهل ظفر

تاریخ ولادت و وفات حافظ نور محمد لاهوری که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و شصت و شش و وفات در یکهزار و دو صد و سی و پنج بوقوع آمد

حضرت نور محمد نور دین — شیخ عالم بنده نیکو سرشت
سال تولیدش رقم شد شیخ نور ۱۱۶۶ — رحلت او نور ارکان بهشت ۱۲۳۵

تاریخ ولادت و وفات مولوی حافظ روح الله لاهوری که ولادتش در سال یکهزار و یکصد هفتاد و یک و وفات در سنه یکهزار و دو صد و چهل و چار بوقوع آمد

حسیم علم و روح دنیا جان دین اهل رواج — شیخ حق آگاه روح الله روح جنتی
شیخ اکرم سال تولیدش رقم شد جلتش ۱۱۷۱ — وان فنا فی الله روح الله روح جنتی ۱۲۴۴

تاریخ وفات رنجیت سنگه والی پنجاب که در سال یکهزار و دو صد و پنجاه و شش بوقوع آمد

چو از چشم خلق جهان کرد رو — نهان شمس پنجاب رنجیت سنگه
بتاریخ ترحیل او طرفه تر — بخوان شمس پنجاب رنجیت سنگه ۱۲۵۶

قطعه ثانی

شاه رنجیت حاکم پنجاب — مثل او در زمانه نایاب است
سال وصلش چو از خرد جستم — گفت خورشید حمله پنجاب است ۱۲۵۶

تاریخ وفات کهرک سنگه بن رنجیت سنگه که در سال یکهزار و دو صد و پنجاه و هفت بوقوع آمد

ز دنیا چو شهزاده کهرک سنگه — روان گشت با عز و جاه و وقار
بتاریخ ترحیلش ای خوش خصال — بگو شاه والا قدر تاجدار ۱۲۵۷

تاریخ وفات نونهال سنگه بن کهرک سنگه که در سال مذکور بوقوع آمد

چونکه آن نونهال گلشن دهر — رفت بی برز باغ دور زمان
از سر آه گفتمش تاریخ — باید ز رفت حیف از دوران ۱۲۵۷

تاریخ قتل شیر سنگه بن رنجیت سنگه که در سال یکهزار و دو صد و شصت بوقوع آمد

راجه شیر سنگه رفت از دهر — چونکه از نعمت جهان شد سیر
سال تاریخ رحلت آن شاه — کن رقم شاه عدل شیر دلیر ۱۲۶۰

قطعه ثانی

چون سفر ورزید از دار فنا | شاه والا جاه جا قبل شیر سنگه
بهر تاریخ وصالش طرفه تر | گفت سرور شیر عادل شیر سنگه ۱۲۶۰

قطعه ثالث

چون ز دست معاندانش شد قتل | شیر سنگه آن امیر با توقیر
سال تاریخ رحلتش سرور | گفت شیر دلیر بدر منیر ۱۲۶۰

تاریخ قتل راجه دهیان سنگه وزیر که در یکهزار و دو صد و شصت بوقوع آمد

چون قتل ز دست دشمن خویش | شد صاف وزیر اهل شمشیر
تاریخ وصال او رقم شد | سیاف وزیر اهل شمشیر ۱۲۶۰

قطعه ثانی

گشت افسوس چون بناحق قتل | دهیان سنگه آن وزیر با تدبیر
دل سرور بسال رحلت او | گفت کامل مشیر با تدبیر ۱۲۶۰

تاریخ قتل مهر گسیا که در سال یکهزار و دو صد و شصت بوقوع آمد

بهیا قالی نیو جسکه بهو سخا بدار یا تی صفا گیشا | تو بعد قتل آه کوئی بر زبان مین کیا سوا اهو گیشا
رهبر تاریخ نقل او سنگی بهشت بجسس جو کی تو آخر | یهه دل سی آئی ندا گیشا زمین مین بهی گیا گیشا ۱۲۶۰

تاریخ وفات سردار جیت سنگه سندهانوالیه که در سال یکهزار و دو صد و شصت بوقوع آمد

جیت سنگه آن قاتل شیر دلیر ملک آمد | ضربۂ تیغ اجل سی جبکه گهائل هوگیا
دل نی سال قتل مین وس قاتل سرحم کی | یون کها قتل اجل آقا کا قاتل هوگیا ۱۲۶۰

تاریخ وفات فقیر عزیز الدین مرحوم که در سال یکهزار و دو صد و شصت بوقوع آمد

شد عزیز الدین چو با عزت بخلد | بهر سال آن عزیز مومنین
پر تو افگن شد ز دل خورشید علم | از خرد شد جلوه گر نسطور دین ۱۲۶۰

تاریخ قتل راجه هیرا سنگه که در سال یکهزار و دو صد و شصت و یک بوقوع آمد

بدست جور سکهان جفا کیش | جوان مارا ہے هیرا هائی افسوس
بسال قتل یون سرور بی روبرو | کها ٹوٹا ہے هیرا هائی افسوس ۱۲۶۱

تاریخ قتل راجه سوچیت سنگه که در سال یکهزار و دو صد و شصت و یک بوقوع آمد

[illegible] در دربار لاهور [illegible] و [illegible] شیر سنگه [illegible] از دست [illegible] قتل [illegible] ۱۲

[illegible] مصاحب [illegible] از دست [illegible] ۱۲

۲۰۹

که بعوض قتل شیر سنگه دهیان سنگه از دست راجه هیرا سنگه کشته شد ۱۲

که از عظمای امرای دربار لاهور مردی با سجاده و مروت بود و در علم و هنر ثانی نداشت حقیقتا در علم طب بوی دم مسیحائی عطا فرموده بود که در عین جوانی بدست سکهان فوج با سندهانوالیه مصاحب و دیگره بلب دریای راوی کشته شد ۱۲

وہ بہادر سوچیت سنگھ افسوس بہر تاریخ بولا سرور ہائے	آہ کے بالا ہی کہیت قتل ہوا بے بہادر سوچیت قتل ہوا ۱۲۶۱

تاریخ قتل سردار جواہر سنگھ کہ در سال یکہزار و دو صد و شصت و دو بوقوع آمد

پایا خود سر جبکہ سکھوں نکو جواہر سنگھ نے مار جب ڈالا گیا آخر تو سرور نے سال	فوج میں پہونچا تکبر اپنا کیسر توڑ کر بولا اہل فوج نے ڈالا جواہر توڑ کر ۱۲۶۲

تاریخ وفات میان محمد بخش صحاف لاہوری کہ در سال یکہزار و دو صد و شصت و سہ بوقوع آمد

محمد بخش از فضل آلہی بدل تاریخ سال ارتحالش	چو در بزم محمد یافتہ بار ندا آمد محمد بخش دیندار ۱۲۶۳

تاریخ حاضری شیر سنگھ و چتر سنگھ مفسدان کہ در سال یکہزار و دو صد و شصت و پنج بوقوع آمد

جب آکر چتر سنگھ اور شیر سنگھ وہ میں سوچ سرور نے تاریخ سال	وہ دونوں گنہگار حاضر ہوئی یہہ لکھی کہ لاچار حاضر ہوئے ۱۲۶۵

تاریخ جلا وطنی مہاراجہ دلیپ سنگھ کہ در سال یکہزار و دو صد و شصت و سہ بوقوع آمد

چون شہ پنجاب از پنجاب رفت عالمی در چشم مردم شد سیاہ جملہ گل در ہجر او خوردند گل بلبلان در فرقتش نعرہ زدند گفت سرور از سر درد این سخن	چشمہ سان از چشم مردم آب رفت چون ز چشم آن غیرت مہتاب رفت بلکہ از نرگس خمار خواب رفت چون ز بستان صحبت احباب رفت نو گلے از گلشن پنجاب رفت ۱۲۶۶

قطعہ ثانی

در تاریخ جلا وطنی مہاراجہ دلیپ سنگھ مطابق سمت ۱۹

چون لارڈ گورنر بہ ہمت خویش باحیف و آہ سرور آمد ہم نالید	در ملک دلیپ سنگھ با داد ان بردند از دست یتیم ناتوان نان بردند

قطعہ ثالث

جب تصرف اہل انگلش نے تمام سال تاریخ اوسکا بولا دل کہ ہی	کر لیا پنجاب میں بے خوف و بیم لوٹ گیا ناحق میں ہمو جب یتیم ۱۲۶۶

تاریخ وفات فقیر نورالدین مرحوم که در سال یکهزار و دو صد و شصت و هشت بوقوع آمد

پرتو افگن گشت بر اوج بهشت ۱۲۶۸ | چون جناب نور دین نور یقین ۱۲۶۸
شد چراغ دین بسالش جلوه گر | هم بخوان نور الکرامت نور دین

تاریخ وفات راجه دینا ناتهه که در سال یکهزار و دو صد و هفتاد و چار بوقوع آمد

راجه و دیوان که دینا ناتهه بود | شد چو از دنیای فانی شاد کام
سال تاریخ وفاتش طرفه تر | گفت دل اهل سخاوت نیک نام

تاریخ وفات مهاراجه گلاب سنگه والی کشمیر که در سال یکهزار و دو صد و هفتاد و چار بوقوع آمد

گلاب آن شیر دل والی کشمیر | شه کوه و بیابان صاحب تاج ۱۲۷۴
چو رفت از دهر تاریخش عیان شد | امین دهر دشمن کش مهاراج

تاریخ وفات شیخ امام الدین مرحوم که در سال یکهزار و دو صد و هفتاد و پنج بوقوع آمد

چون امام دین بفضل ایزدی | شد امام روضهٔ خلد برین ۱۲۷۵
هست تاریخ وصالش طرفه تر | حامی شرع امام دین متین

تاریخ وفات راجه تیج سنگه که در سال یکهزار و دو صد و هفتاد و نه بوقوع آمد

نهان شد ز روی نظر مثل ماه | چو بر داشت زینجا قدم تیج سنگه ۱۲۷۹
بتاریخ ترحیل او گفت دل | زهی ماهتاب کرم تیج سنگه

تاریخ وفات نواب علی رضا خان مرحوم که در سال یکهزار و دو صد و هشتاد و دو بوقوع آمد

حامی دین علی رضا نواب | فدوی حیدری فدای علی
رفت چون زین جهان بدار بقا | یافت جائی بقرب جای علی ۱۲۸۲
گفت سرور بسال تاریخش | اهل دین بندهٔ رضای علی

قطعه ثانی

حامی دین علی رضا نواب | حق بدو گار او بنی حامی ۱۲۸۲
سرور زار سال ترحیلش | گفت بر رضا علی علی حامی

تاریخ وفات دیوان امرناتهه اکبری که در سال یکهزار و دو صد و هشتاد و چار

شد چو در دیوان که ملک بقا | آه دیوان اکابر امرناتهه ۱۲۸۴
رحلت او فاضل علم اکبری است | بار دیگر ها سے شاعر امرناتهه

تاریخ وفات مفتی غلام رسول لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

چون غلامی از غلامان رسول — گشت در خلد برین سینه نشین
مصرع تاریخ سرور زد رقم — صاحب دین مفتی شرع مبین
۱۲۸۷

تاریخ وفات مفتی حافظ غلام احمد لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و نود و یک بوقوع آمد

چونکه رفت از جهان بخلد برین — تیز راند حافظ کلام الله
دامن همت خود از دنیا — خوش فشاند حافظ کلام الله
وقت رحلت بیاد خویش آورد — آنچه خواند حافظ کلام الله
نقش بند از فراق بر دلها — مشابه اند حافظ کلام الله
سال تاریخ رحلتش سرور — گو نماند حافظ کلام الله
۱۲۹۱

قطعه ثانی

چون غلام احمد آن مرد خدا — جان سپرد آخر بنام احمدی
وقت رحلت یافت از فضل اله — باده الفت ز جام احمدی
جام شد ز انعام حق بر ذات او — فضل یزدان لطف عام احمدی
سرورا تاریخ سال رحلتش — گو محب حق غلام احمدی
۱۲۹۱

تاریخ وفات مولوی غلام رسول ساکن قلعه میهان سنگه که در سنه ۱۲۹۱ هـ بوقوع آمد

چون غلام حضرت خیر الرسل — کرد رحلت ازین دنیا ز دل
ماند جسمش همچو گنجینه بخاک — روح شد با وصل یزدانی وصول
رفت از دلها قرار از رفتنش — ماند هجران در بدن جان ملول
کرد آن فیاض رحلت ای دریغ — آه رفت آن فاضل اهل قبول
مصرع تاریخ او سرور نوشت — بنده مطلوب و مشتاق رسول
۱۲۹۱

تاریخ وفات شیخ عزیز الدین مهتمم مطبع وکتوریا پریس لاهور که در سنه ۱۲۹۱ هـ بوقوع آمد

عزیز دین ز دنیا رخ بپوشید — ز چشم اهل دین جان رفت افسوس
گل از باغ زمانه روی بنهفت — سهی سرو از گلستان رفت افسوس
جوان بختی بعمر نوجوانی — ز دنیا مثل هیران رفت افسوس
مکان کرد از مکان در لامکانی — مکین از دار امکان رفت افسوس

رقم زد سرور غمگین بالش	عزیز نرم و ورا ز الی فت آفنو بر

تاریخ وفات سید محمد شاه حکیم لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و دو یک

رفت از دنیای فانی در بهشت او	چون محمد شاه والا منزلت با حسن وقار
سال تاریخش سرور شد ندا از آسمان	گو جنبت جان محمد شاه عالی اقتدار

قطعه ثانی

چون محمد شد عالی نسبی	رفت در خلد برین آخرکار
گفت تاریخ وصالش سرور	شاه توحید محمد سردار

تاریخ وفات حکیم محمد بخش لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و نود و دو

چون بتقدیر ایزد متعال	رخت بست از جهان محمد بخش
سرورا سال انتقال او	کن رقم مهربان محمد بخش

حصه دوازدهم در ذکر شعرای نامدار

تاریخ وفات فردوسی طوسی که در سال چارصد و شانزده بوقوع آمد

شیخ طوسی چو رفت زیر زمین	شد غروب آفتاب فردوسی
بلبل فارسی است تاریخش	بار دیگر جناب فردوسی

تاریخ وفات عنصری شاعر که در سال چارصد و سی و یک بوقوع آمد

عنصری چون ز چار عنصر خویش	رفت بیرون بخلد یافت مقام
رحلتش گو مکرم اسلم	نیز نوعندلیب حسن کلام

تاریخ وفات افضل الدین خاقانی که در سال پانصد و هشتاد و سه بوقوع آمد

سرور ملک شعر خاقانی	رحلت از دهر چون بخلد نمود
بهر تاریخ رحلتش سرور	شد ندا از خرد که شاعر بود

تاریخ وفات اوحد الدین انوری که در سال پانصد و نود و دو بوقوع آمد

چو انور از این دار ظلمات دهر	بخلد برین شد بصد برتری
بتاریخ او شاعر طیب است	دگر ماه انور زسے انوری

تاریخ وفات ظهیر فاریابی که در سال پانصد و نود و هشت بوقوع آمد

چو شد ظهیر فاریابی ز دار فنا	زحق یافت در خلد اعلی مقام

بتاریخ آن شاعر بی نظیر	بگو شاه عالی ملک کلام
تاریخ وفات بدر چاچی که در سال هفتصد و بیست و پنج بوقوع آمد	
شده پرتو افگن باوج جنان	چو آن بدر پر نور روشن ضمیر
عدیم المثل جوان تاریخ او	دگر صاحب حسن بدر منیر
تاریخ وفات عرفی که در سال نهصد و نود و نه بوقوع آمد	
چو بربست رخت اقامت بجنت	ز ملک فنا حاکم شعر عرفی
بتاریخ ترحیل او طرفه سرور	شد از دل ندا حاکم شعر عرفی
تاریخ وفات نور الدین ظهوری که در سال یکهزار و چهارده بوقوع آمد	
چون ظهوری عزت اهل کلام	شد ز دنیا با کمال آستگی
ارتحال آن شه ملک سخن	شد بیان شیرین مقال فارسی
تاریخ وفات زلالی شاعر که در سال یکهزار و سی و یک بوقوع آمد	
چون زلالی خورد از جنت زلال	سال ترحیلش بخوان با صد صلاح
اولا عذب اللسان مطلوب گو	بعد از آن عذب البیان اهل کلام
تاریخ وفات غنی کشمیری که در سال یکهزار و هفتاد و دو بوقوع آمد	
غنی آن میر اقلیم بلاغت	شه ملک سخن و اسلی ذی جود
چو مستغنی شد از دنیای فانی	بتاریخش رقم کردم غنی بود
تاریخ وفات صائب ایرانی که در سال یکهزار و هشتاد بوقوع آمد	
شد روان صائب ازین دار فنا	رخت خود بربست ازین دار المحن
سال تاریخ وصالش طرفه تر	گفت سرور شاه جانباز سخن
تاریخ وفات میر ناصر علی هندی که در سال یکهزار و یکصد و نه بوقوع آمد	
ناصر دین سیر جهان اهل دل	شاعر بی بدل شریف زمن
سال وصالش چو بجستم ز دل	گفت زهی ناصر اهل سخن
تاریخ وفات سراج الدین علی خان آرزو که در سال یکهزار و یکصد و شصت و نه بوقوع آمد	
ته خاک شد دفن مانند گنج	چو آن آرزو آبروی سخن
بتاریخ ترحیل او گفت دل	فسرده آرزوی سخن

تاریخ وفات سید غلام علی آرزو که در سال یکهزار و دو صد بوقوع آمد

غلام علی چون بصد آرزو / فدا کرد جان را بنام علی

بتاریخ ترحیل آن میر دین / دلم گفت و احد غلام علی ۱۲۰۰

تاریخ وفات میر حسن لکهنوی که در سال یکهزار و دو صد و یک بوقوع آمد

گشت از دنیا چو سوی عقبی روان / میر جهان عاشق نام حسین

سال وصالش چو بجستم ز دل / گفت که بود غلام حسین ۱۲۰۱

تاریخ وفات خواجه میر درد دهلوی که در سال یکهزار و دو صد و نه بوقوع آمد

خواجه با درد میر اهل دین / شد چو از دنیا بجنت بی نیاز

گفت تاریخ وصال او خرد / عاشق درد محبت بی نیاز ۱۲۰۹

تاریخ وفات رفیع السودا الکهنوی که در سال یکهزار و دو صد و نوزده بوقوع آمد

آنکه سودا رفیع نامش بود / مثل او در زمانه نایاب است

رفت چون از جهان تاریخش / گفت سرو چراغ احباب است ۱۲۱۹

تاریخ وفات نظیر اکبرآبادی که در سال یکهزار و دو صد و نوزده بوقوع آمد

شاعر بی نظیر دهر نظیر / جست چون از جهان بجنت راه

وای بی نظیر گو سالش / هم بخوان بی نظیر والا جاه ۱۲۱۹

تاریخ وفات حکیم انشاء الله خان که در سال یکهزار و دو صد و بیست و یک بوقوع آمد

حضرت انشاء چو با حکم خدا / یافت از دنیا سوی عقبی انتقال

از خرد آمد عیان تاریخ او / عزت شعرای هندی با کمال ۱۲۲۱

تاریخ وفات میر تقی شاعر که در سال یکهزار و دو صد و بیست و پنج بوقوع آمد

چونکه میر تقی بصد اعزاز / کرد رحلت ز دار رنج و محن

عقل تاریخ ارتحال او / گفت میر بزرگ اهل سخن ۱۲۲۵

تاریخ میرزا محمد حسین قتیل که در سال یکهزار و دو صد و سی و هفت بوقوع آمد

از فنا سوی بقا رحلت نمود / چون قتیل آن میر و یکتای زمن

گشت سال انتقالش جلوه گر / صاحب دل رونق اهل سخن

تاریخ وفات میر آتش هندی که در سال یکهزار و دو صد و پنجاه و سه بوقوع آمد

غریق بحر غم شد خلق چون گشت / چنین یا گیسره گوهر گشته افسوس
همه بی سر سران دهر ماندند / چو از سر گشت افسر گشته افسوس
بچرخ آمد ز داغ غم دل چرخ / چو شد آن ماه بیکر گشته افسوس
شد از زخم غم آن جان عالم / جهان بی تیغ و خنجر گشته افسوس
دل بلبل ز داغ هجر گل خورد / ز گلچین شد گل تر گشته افسوس
فغان زد سرور آخر از سر آه / گرشد ناحق گور تر گشته افسوس

تاریخ وفات مهاراجه مهندر سنگه بهادر والی پتیاله که در سنه ۱۲۹۳ هـ بوقوع آمد.

مهندر سنگه کرد از دهر رحلت / دلا در جنگ مرد پهلوان مرد
بسال رحلتش سرور ندا کرد / کر رستم دل مهاراجه جوان مرد

ایضاً مطابق سنه ۱۸۷۶ ع

افسوس که در موقع ایام جوانی / از ملک جهان والی پتیاله روان رفت
تاریخ جوان مرگی آن والی اقلیم / دل گفت مهاراجه فیاض جوان رفت

تاریخ وفات رئیس نامدار دیوان کرپا رام صاحب وزیر سرکار مهاراجه جمون کشمیر

زینت دیوان عالم و فخر دیوانیان / یعنی کرپا رام دیوان صاحب نام و نشان
آن امیر ابن امیر و آن وزیر ابن وزیر / صاحب تدبیر عالمگیر و عالی خاندان
صاحب دولت جوان طالع علو المنزلت / اهل علم و اهل فضل و افسر دانشوران
در اطاعت خاکبوسش سروران سرزمین / خم به پیش آستانش گردن گردن‌کشان
دفعةً پوشید از عالم رخ پر نور خویش / همچو مردم شد نهان از چشم مردم ناگهان
شد دل دریا دل بجوش با تشش آمد بجوش / دیده‌ها چون ابر گوهر بار شد گوهرفشان
چار سو هنگامه‌ی غم گرم در پنجاب کرد / ناله و زاری و آه و شور و فریاد و فغان
سینه چاک اند از پریشانی چو زلف دلبران / در زمانه نیک و بد پیر و جوان خرد و کلان
سرور غمگین بصد حسرت پی تاریخ سال / گفت کرپا رام دیوان دفعةً رفت از زمان
۱۸۰۶

تاریخ وفات محمد سلطان خان رئیس اعظم لاهور

آه صد افسوس کان سلطان رفیع المنزلت / رفت از ملک جهان آخر باقلیم جنان

ف / مهاراجه مهندر سنگه بهادر فرمانروای پتیاله بود ... در عنفوان جوانی ... گذشت ۱۲

چشمهٔ فیض از زمین مسدود شد و احسرتا … آه شد بی آب از پنجاب دریای روان
گشت پنهان صورت گنجینه جسمش در زمین … جان پاکش کرد پرواز از مکان بر لامکان
در غمش پیر و جوان یک حشر برپا ساختند … نوحه‌ها کردند اندر ماتمش خرد و کلان
هست باقی ذکر خیرش در گروه اهل خیر … ماند نام نیکش مذکور در نام آوران
بهر سال ارتحالش سرور از کلک اشکبار … شد عیان به بهشت محمد رفت سلطان جهان

ایضاً

چو سلطان اقلیم دانشوری … به نیکو خصالی لفر دوس رفت
رقم کرد سرور تباریخ سال … که سلطان عالی بفردوس رفت

تاریخ تشریف آوری شهزاده ولیعهد پرنس آف ویلز بهادر در اقلیم هندوستان که در سال یکهزار و هشتصد و هفتاد و شش بوقوع آمد

چو در هند آن ولی عهد شه کشورکشا آمد … بگوش مردم از هر سو صدای مرحبا آمد
عیان بر اوج نیکو اختری شمس الضحی آمد … برون از مطلع عز و شرف بدر الدجی آمد
چنان بران ز لندن بادبانش در هوا آمد … که در یک یک قدم بر بادپای بادپا آمد
عجب از خطهٔ انگلند شد بحر عطا جاری … عجب از سرزمین لندن ابر بر هما آمد
امیری تاجداری شهسواری بخت بیداری … جوانی پهلوانی مهربانی مه لقا آمد
شه عالم پناهی کج کلاهی عرش درگاهی … بحمد الله که در لاهور از فضل خدا آمد
نرفت از فیض آن سرچشمهٔ جود و کرم خالی … که در دربار درّبارش گدای بینوا آمد
بگوش هر که رفت از مقدم این شاه اسمائی … ز سر پا کرد و در خدمت بصد صدق و صفا آمد
ندارد در جهان این گنج بخش فیض بر دوانی … که از گنجینه اش صد گنج گوهر رفت یا آمد
گذر اندر مکان خویش کرد این حب با نکهت … بکمین خانهٔ اقبال و در دولت سرا آمد
پی اهل عجم سرتا باشد مقدمش رحمت … ز دیدار شفا بخشش بلا رفت و شفا آمد
ندا آمد ز هاتف بهر سال مقدمش سرور … ز لندن تاجدار دولت وکتوریا آمد

تاریخ اخذ خطاب شهنشاهی هندوستان حضرت ملکه معظمه وکتوریا که در ۱۸۷۶ بوقوع آمد

یافت تاج اقتدار و افتخار اقلیم هند … چون شه انگلند شاهنشاه عالیجاه شد
از دل سرور پی تاریخ سال این نوید … شد ندا وکتوریه در هند شاهنشاه شد

واشهزادهٔ عالم و عالمیان پرنس آف ویلز بهادر ولیعهد تخت انگلستان است

خاتمة الطبع

حمد بیحساب کردگار خالق اللیل و النهار که درین حین فرخ آئین کتاب لاجواب مسمی به گنجینهٔ سروری معروف به گنج تاریخ مصنفهٔ عالی گهر سخنور نامور مفتی غلام سرور لاهوری متضمن قطعات تاریخ ولادت و وفات حضرت سرور کائنات علیه الصلوة والسلام و اصحاب کرام و ائمهٔ عالی مقام و مشائخ عظام و سلاسل عالیهٔ قادریه و چشتیه و نقشبندیه و سهروردیه و بزرگان خاندانهای متفرقات و نسای عارفات و مجانین و مجاذیب و خلفای بنی امیه و عباسیه و سلاطین غزنویه و غوریه و خلجیه و تغلقیه و خضرخانیه و لودیه و چغتائیه و بهمنیه و عادلشاهیه و نظام شاهیه و قطب شاهیه و گجراتیه و مالویه و برهان پوریه و خاندیسیه و پوربیه و شرقیه جونپوریه و شاهان سنده و ٹھٹھه و کشمیر و سلاطین عثمانیه رومیه و افغانان سوریه و درانیه و بارکزئیه کابلیه و تذکرهٔ امرای نامدار و شعرای ذوی الاقتدار در مطبع نامی و گرامی جناب معلی القاب منشی نولکشور صاحب دام اقباله واقع لکهنو بماه مارچ ۱۸۹۴ع مطابق ماه صفر ۱۳۱۱ هجری الاقدس حلیهٔ انطباع پوشید و الله الموفق و المعین و به نستعین

قطعهٔ تاریخ اختتام طبع از نتائج طبع مفتی غلام صفدر صاحب لاهوری تخلص فوقانی خلف مصنف کتاب

گنج تاریخ است رنگین نسخه و نادر کتاب	دفتر ضم و ذکا مجموعهٔ بالاتری
بوالعجب تاریخ تاریخ شهان و دقا	طرفه ذکر اولیای امت پیغمبری
گنج صورت گنج معنی گنج علم و گنج فضل	بحر حسن و معدن خوبی و کان برتری
وقت تحریرش به تحریر مضامین بلند	هست کلک تر زبان با شاخ طوبی همسری
نامهٔ نامی ست بهر انکشاف جمله حال	جام جمشید ست یا آئینهٔ اسکندری
در بهار این چمن دخلی نمیدارد خزان	رنگ و بوی این گلستان است از نقش آذری
سرور لاهور این گنج لطافت جمع کرد	آنکه در ملک سخن دارد بسر تاج سری
مثل صائب رای صائب دارد این اهل سخن	هست طبع روشنش روشن چو طبع انوری
سال طبعش جست فوقانی چو آخر از سروش	گفت گویا گنج معنی هست گنج سروری

از مفتی غلام حیدر صاحب تخلص حیدر لاهوری خلف مصنف کتاب

چو شد مطبوع طبع اهل اکرام	دوباره گنج دولت گنج تاریخ

دوسری بار جب ہوئی مطبوع
یہ نئی تاریخ
پہلے اس سے تمام دنیا مین
ایسی ہرگز کوئی نہ تھی تاریخ
کہین مذکور ہے مشائخ کا
کہین شاہون کی ہے لکھی تاریخ
کیسی نادر ہوئی ہے یہ تصنیف
کیا عجائب ہے یہ بھی تاریخ